

امید منتظران

عليه السلام

مهدی

دعای ندبه از دیدگاه معصومین علیهم السلام



تقديم به :

ساحت مقدّس امام عصر

حَبَّةُ بِنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ

أَرْوَاحُنَا وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِشَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ

وَسَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ

وَرَزَقَنَا اللَّهُ رُؤْيَتَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِهِ
وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

لَا سِيِّمًا مَوْلَانَا وَحَبِيبِنَا وَمُونِسِنَا وَطَبِيبِ قُلُوبِنَا

حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

امید منتظران مهدی

عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

دعای ندبه از دیدگاه معصومین

عليهم السَّلَام

مهدوی، مهدی
امید منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف، دعای ندبه از دیدگاه معصومین
علیهم السلام / مهدی مهدوی، قم: دانش هوشیار، ۱۳۸۱.
ISBN 964 - 93801 - 6 - 7
۳۰۸ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. دعای ندبه - نقد و تفسیر. الف. دعای ندبه. شرح. ب. عنوان. ج. عنوان:
دعای ندبه از دیدگاه معصومین علیهم السلام.

۶ و ۹ م / ۷۰۲ / ۲۶۹ BP
۲۹۷ / ۷۴۴
م ۸۱ - ۴۵۲۱۰
کتابخانه ملی ایران

امید منتظران مهدی (عج)، دعای ندبه از دیدگاه معصومین

مهدی مهدوی
انتشارات دانش هوشیار
چاپ عمران
چاپ اول: ۳۰۰۰ نسخه
زمستان ۱۳۸۱
قیمت ۹۰۰ تومان
شابک: ۷-۶-۹۳۸۰۱-۹۶۴-ISBN

مراکز پخش:

آدرس: مرکز پخش تهران، خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ روانمهر، پلاک ۲۰۴

تلفکس ۶۴۱۰۷۲۱

شیراز: بلوار گلستان، روبروی داروخانه گلستان، جنب آتش نشانی، تلفن ۷۳۱۸۹۵۲

«مقدمه»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ
 سَيِّمًا نَامُوسَ الدَّهْرِ وَ إِمَامَ الْعَصْرِ وَ مُنْجِي الْبَشَرِ
 وَ صَاحِبِ الْأَمْرِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ
 رُوْحِي وَ أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ وَ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ

شیعیان و دل سوختگان اهل بیت "علیهم السلام" بشارت باد که؛
 به توفیق الهی و الطاف خاص ائمه اطهار علیهم السلام و دعای حضرت بقیة الله
 "عجل الله تعالی فرجه" برای اولین بار مجموعه ای گرانبها در شناخت و
 معرفت مفاهیم دعای ندبه با استفاده از سخنان گهربار و نورانی
 اهل بیت علیهم السلام گردآوری شده که در حقیقت شرحی روایتی، مختصر،
 و روان بر فرازهای ندبه می باشد تا انشاء الله با تفکر و تأمل در روایات
 وارده، ندبه های هر جمعه مان را با معرفتی ولایتی بر گزار کنیم.
 و هر جمعه به ساحت مقدس حضرتش عرضه بداریم که؛ مولای عزیز و
 مظلوم، در دوران غیبت و هجرانت تا آنجا که میتوانستیم خود را با
 کلمات نورانی اجداد طاهرینت "علیهم السلام" مانوس کردیم.

و هر جمعه میسوزیم و میگذازیم و منتظر میمانیم و عاجزانه به درگاه الهی دست دعا بر میداریم تا قدم بر چشمهایمان بگذارید و گرداگرد شما مولای غریب مظلوم، حلقه زده و معارف حقه را از محضر مبارک شما تنها ذخیره الهی بیاموزیم. «انشاء الله»

با توجه به این که:

در این مجموعه تا حد امکان از آوردن احادیث مشکله خودداری شده، و در مواردی هم که برای شرح فرازی از دعا، چنین احادیثی آمده است، حتی المقدور سعی شده با بیان احادیث دیگری، آن حدیث شرح داده شود. تا مانند به کنندگان با استفاده از کلام شیوا و نورانی خود معصومین علیهم السلام توفیق درک مضامین عالیة دعای ندبه را بنمائیم و در محرومیت خود از علوم حقه اهل بیت علیهم السلام غربت امام زمان علیه السلام را بیش از پیش درک کنیم.

و از آنجا که؛

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند رحمت کند بنده ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد.

همانا بخدا سوگند، اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت میکردند به سبب آن عزیزتر میشدند، و هیچکس نمی توانست بر آنان و صلیه ای بچسباند، ولی یکی از آنان کلمه ای را میشوند پس ده تا از پیش خود بر آن می افزاید.

و امام باقر علیه السلام خطاب به ابو خالد کابلی فرمودند:

«قسم به خدا - ای ابو خالد - هیچ بنده ای، تا خدا قلبش را پاک نکند، ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نخواهد پذیرفت.»

و تا تسلیم ما نگردد و نسبت به ما حالت سلیم نداشته باشد، خدا قلبش را پاک نخواهد کرد...
«اصول کافی: ج ۱ - ص ۲۷۶، ح ۱»

و امام باقر علیه السلام فرمودند:

«آگاه باشید! هیچ حقیقت و سخن صحیحی نزد مردم نیست مگر آنکه آنرا از ما اهل بیت گرفته اند.»
«بحار الانوار: ج ۲ - ص ۹۴، ح ۳۱»

لذا از آوردن هر گونه شرح و تفصیلی در صدر و ذیل روایات اجتناب کردیم تا ما منتظرین با درک معارف حقّه از سخنان زیبای معصومین علیهم السلام، و با اطاعت از فرامین آنان در فراگیری علم از آن اهل بیت عصمت و طهارت سر تسلیم فرود آورده، خود را جهت حضور و ظهور امام زمان علیه السلام آماده نمائیم.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

وَ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي فَرَجِ مُؤَلَانَا الْمَهْدَى

صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا ٣

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَحْلَصْتَهُمْ

لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ ٤

إِذِ احْتَرَّتْ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدِكَ مِنَ التَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ

وَلَا أَضْمِحَالٌ ٥

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُحْرُفِهَا وَ

زَبْرَجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ ٦

وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالشَّانَةَ الْجَلِيَّةَ ٧

وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ٨

وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ ٩

وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ١٠

فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ١١

وَ بَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ أَمِنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ ١٢

- بنام خدائی که هم رحمتی عام دارد، و هم رحمتی خاص به نیکان (۱)
- ستایش خدا را که مالک و تربیت کننده همه عوالم است (۲)
- درود و تحیات خداوند برسید و سرور ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)
و خاندان او باد (۳)
- خدایا تورا حمد میکنم بر آنچه قضای تو در مورد اولیائت به آن جاری
شد، آنانکه برای خودت و دینت خالص گردانیدی (۴)
- آنگاه از ثوابهای بزرگی که نزد تو است، نعمتهای پابرجائی که زوال و
اضمحلال در آن نیست، برای آنان برگزیدی (۵)
- پس از آنکه به آنان زهد به درجه های این دنیای پست، و نقش و نگار و
زینت آلات آنرا شرط کردی، پس این شرط را پذیرفتند، آنگاه که
وفای بر آن را از آنها دانستی آنها را پذیرفتی و مقرب گردانیدی (۶)
- و یاد والا و ثنای آشکار برای آنها پیش آوردی (۷)
- ملائکه ات را بر آنها فرود آوردی و با وحی ات گرامیشان داشتی (۸)
- و علمت را به آنها موهبت نمودی (۹)
- و آنها را راهی بسوی خود، و وسیله ای به رضوانت قرار دادی (۱۰)
- پس یکی از اولیاء و پیامبرانت را در بهشت نشانیدی، تا اینکه او را از آن
بیرون کردی (۱۱)
- دیگری را در کشتی خود حمل نمودی، او و کسانی را که به او ایمان
آوردند از هلاکت به رحمت نجات دادی (۱۲)

وَبَعْضُ مَا اخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً وَسَتَلَّكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِينَ فَاجْتَبْتَهُ وَ
جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا ١٣

وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخِيهِ رِدءً وَوَزِيْرًا ١٤

وَبَعْضُ اَوْلَادِهِ مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَ اَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَ اَيَّدْتَهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ١٥

وَ كُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاً وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا
بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلَى مُدَّةٍ اِقَامَةً لِدِيْنِكَ وَ حُجَّةً عَلَي عِبَادِكَ وَ لِيْلَا
يَزُوْلَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَعْلَبُ الْبَاطِلُ عَلَي اَهْلِهِ وَ لَا يَقُوْلُ اَحَدٌ لَوْ لَا اَرْسَلْتَ
اِلَيْنَا رَسُوْلًا مُنْذِرًا وَ اَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ اِيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَزِيْلًا وَ
تُخْزِي ١٦

اِلَى اَنْ اَنْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلَى حَبِيْبِكَ وَ نَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فَكَانَ
كَمَا اَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ وَ اَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ
اَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمْتَهُ عَلَي اَنْبِيَائِكَ ١٧

دیگری را برای خود خلیل و دوست گرفتی، و از تو زبان راستینی در میان آیندگان مسألت نمود، پس او را اجابت کرده و آن خواسته اش را علی علیه السلام قرار دادی (۱۳)

با دیگری (حضرت موسی علیه السلام) از طریق درختی، با سخن گفتن مخصوصی، سخن گفتی و برایش معاون و وزیری که همان برادرش بود قرار دادی (۱۴)

و دیگری (حضرت عیسی علیه السلام) را بدون پدر بوجود آوردی، و به او بیانات دادی، و با روح القدس تأییدش نمودی (۱۵)

و برای هر کدام از اینان شریعتی وضع کردی و راهی روشن به او نشان دادی، و جانشینانی برایش اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان دیگر، از مدتی تا مدت دیگر، برای برپائی دینت و (بعنوان) حجتی بر بندگانت برگزیدی، تا اینکه حق از جایگاهش زوال نیابد و باطل بر پیروان حق غالب نگردد، و تا بعضی نگویند: "چرا بسوی ما رسولی هشدار دهنده نفرستادی و برای ما پرچم هدایتگری برپا نداشتی، تا قبل از اینکه ذلیل و رسوا شویم آیات را پیروی کنیم؟" (۱۶)

تا اینکه امر (هدایت خلق) را به دوست مقرب و بزرگوارت محمد (ص) پایان بخشیدی. پس همچنانکه او را برگزیدی، (او را) آقای آفریدگانت، و برگزیده ترین برگزیدگانت، و برترین انتخاب شدگانت، و گرامترین هر که به او اعتماد کرده بودی (قرار دادی) و او را بر پیامبرانت مقدم داشتی (۱۷)

وَبَعَثَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ ١٨

وَسَحَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَّجْتَ بِهِ إِلَى سَمَاوَاتِكَ ١٩

وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ٢٠

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ
مَلَائِكَتِكَ ٢١

وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهَرَ دِينُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ٢٢

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ ٢٣

وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْتِكَ مُبَارَكًا وَهُدًى
لِلْعَالَمِينَ ٢٤

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ٢٥

وَقُلْتَ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ٢٦

و او را برای (هدایت) بندگانت از جن و انس برانگیختی و خاوران و باخترانت را زیر پایش گذاردی (۱۸)

و بُراق را مسخرش گردانیدی و او را به آسمانت عروج دادی (۱۹)
و علم آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا سپری شدن خلقت را به او سپردی (۲۰)

سپس با زعب یاریش نمودی، و جبرئیل و میکائیل و ملائکه نشاندارت را در اطرافش گرد آوردی (۲۱)

و به او وعده دادی که دینش را بر همهٔ دینها پیروز گردانی، اگر چه مشرکان ناخوش دارند (۲۲)

و این وعده پس از آن بود که او را در محیط راستی از خاندانش (یعنی: دودمانی پاک و اصیل) جای دادی (۲۳)

«و آن نخستین خانه ای - را - که در مکه برای عبادت مردم فراهم آمده، و برکت و هدایت جهانیان در آن نهاده شده» برای او و خاندانش قرار دادی (۲۴)

«و نشانه های روشن، از جمله مقام ابراهیم در آن است، و هر کس در آن وارد شود در امان است» (۲۵)

و فرمودی: به حقیقت، جز این نیست که خداوند میخواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک و مطهر سازد، پاکی و طهارتی مخصوص و ممتاز از خلق (۲۶)

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ 'قُلْ
لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ٢٧

وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ٢٨
وَقُلْتَ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ٢٩
فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْئَلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ ٣٠

فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا
هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرُ وَلكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ٣١

فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ نَبِيًّا فَعَلِيٌّ
أَمِيرُهُ ٣٢

وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ ٣٣

وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ٣٤

وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ٣٥

سپس اجر محمد که دروذهای تو بر او و خاندانش باد را در کتابت، مودت ایشان قرار دادی. پس فرمودی: بگو من از شما برای آن (رسالت) اجری نمیخواهم جز دوستی و مهربانی به نزدیکانم (۲۷)

و فرمودی: آنچه مزد از شما خواستم برای خودتان است (۲۸)

و فرمودی: من از شما برای آن (رسالت) هیچ نمیخواهم مگر آنکه کسی بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (۲۹)

پس اهل بیت (علیهم السلام) راه بسوی تو و روشنی بسوی رضوانت بودند (و هستند) (۳۰)

پس هنگامیکه دوره او (پیامبر اکرم) سپری شد، ولی خود علی بن ابیطالب را که دروذهایت بر آن دو بزرگوار و خاندانشان باد به هدایت گماشت، که او هشدار دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است (۳۱)

پس در حالیکه جمعیت انبوهی در برابرش بودند فرمود: هر کس را که من مولای اویم علی علیه السلام نیز مولای اوست. خداوند دوستدارانش را، دوست بندار، و دشمنش را دشمن بندار، یاورش را یاری فرما، و فروگذارش را فرو نه. و فرمود: هر کس را که من پیامبرش هستم، علی علیه السلام امیر اوست (۳۲)

و فرمود: من و علی از یک درختیم و دیگر مردم از درختی دیگر (۳۳)
پیغمبر (صلی الله علیه و آله) حضرت علی علیه السلام را در منزلت و مقام هارون نسبت به موسی قرار داد، پس به او فرمود: تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی جز آنکه پیامبری پس از من نیست (۳۴)

و دخترش بانوی بانوان جهان را به او تزویج کرد (۳۵)

وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْبُيُوتَ إِلَّا بَابَهُ ٣٦
ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ
الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ٣٧

ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُّكَ مِنْ دَمِي وَ
سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبُكَ حَرْبِي ٣٨
وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَ دَمُّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِّي وَ أَنْتَ غَدَا عَلِيَّ
الْحَوْضِ خَلِيفَتِي ٣٩

وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تَنْجِزُ عِدَاتِي ٤٠
وَ شِيعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرٌ مِنْ نُسُورٍ مَبْيُضَّةٍ وَ جُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ
جِيرَانِي ٤١

وَ لَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمَوْتُ مِثُونَ بَعْدِي ٤٢

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنَ الْعَمَى ٤٣

وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ ٤٤

وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ٤٥

لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحِمٍ وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ ٤٦

و آنچه از مسجدش که برای خودش حلال کرده بود، برای او (علی علیه السلام) حلال نمود، و درهای (ورود به مسجد) را غیر از دربِ خانه آن حضرت بست (۳۶)

سپس علم و حکمت خود را بدو سپرد، و فرمود: من شهر علمم و علی درب آن، پس هر که خواهان ورود به این شهر و حکمت است، باید از درب آن وارد شود (۳۷)

سپس فرمود: تو برادر و جانشین و وارث من هستی، گوشتت از گوشتم، و خونت از خونم است. صلح با تو صلح با من، و جنگ با تو جنگ با من میباشد (۳۸)

و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است، چنانکه با گوشت و خون من در آمیخته، و تو فردا بر حوض (کوثر) جانشین من هستی (۳۹)
و تو قرض مرا می پردازی و به وعده هایم وفا میکنی (۴۰)
و شیعه تو بر منبری از نور، سفید رو، برگرد من در بهشت نشسته اند، و همسایگان من میباشند (۴۱)

و اگر تو ای علی نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند (۴۲)
و (علی علیه السلام) پس از (پیامبر) هدایتگر از گمراهی، و روشنگر از کوری است (۴۳)

و (حضرت علی علیه السلام) رشته محکم خدا (۴۴)

و (حضرت علی علیه السلام) راه مستقیم او بود (۴۵)

هیچکس در خویشاوندی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نظر رَحِم، و در پذیرش دین از او (حضرت علی علیه السلام) جلوتر نبود (۴۶)

وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا ٤٧

وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ ٤٨

وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ ٤٩

قَدْ وَكَّرَ فِيهِ صَنَادِيدُ الْعَرَبِ وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ وَنَاوَشَ ذُؤُبَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ
أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ ٥٠

فَأَضَبَتْ عَلَى عداوته وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ ٥١

حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ ٥٢

وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ
عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَأَقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي
لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ٥٣

در هیچ فضیلت و منقبتی از مناقب کسی با او برابر نمیشد، گام به گام از پیامبر اکرم که درود خداوند بر هر دو و فرزندان ایشان باد پیروی میکرد (۴۷)

او (بر اساس) تاویل (معنای باطنی آیات قران) می جنگید (۴۸)

و در راه خدا سرزنش ملامتگری او را نگرفت (۴۹)

در راه او محاصره را بر دلاوران عرب تنگ کرد، قهرمانان ایشان را کشت، و گرگهایشان را دستگیر کرد، و در این راه کینه هائی به دلهایشان سپرد، کینه هائی از جنگهای بدر و خیبر و حنین و غیر آنها (۵۰)

پس (آن سران شرک، که به ظاهر ادعای مسلمانی نموده بودند) دشمنی او را پنهانی در سینه می پروراندند و تصمیم داشتند در موقع مقتضی به سرنگونی و نابودی او اقدام کنند (۵۱)

تا اینکه با پیمان شکنان (ناکثین) و زورگویان (قاسطین) و خروج کنندگان (مارقین) به پیکار برخاست (۵۲)

و همینکه اجلس فرا رسید، و شقی ترین آیندگان به پیروی شقی ترین گذشتگان او را کشت، فرمان رسول خدا (ص) درباره هدایتگران پس از هدایتگران اطاعت نشد، و امت بر دشمنی با او اصرار کنان، و بر قطع رجم او در دور گرداندن فرزندانش اجتماع کنان بودند، مگر شمار کمی از آنها که در زمینه رعایت حق در باره آنان (ائمه) وفا کردند (۵۳)

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا
يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يورثها مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولًا وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ
وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٥٤

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلْيَبْكِ
الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ التَّادِيُونَ وَ لِيُمَثِّلِهِمْ فَلْيَشْدَرْفِ الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ
الصَّارِحُونَ وَ يَضِحِ الضَّاجُونَ وَ يَبْعِجِ الْعَاجُونَ ٥٥

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ
صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ ٥٦

أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ ٥٧
أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ ٥٨

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ ٥٩
أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُتَنْظِرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَ الْعِوَجِ
أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ ٦٠

پس گروهی کشته شدند و گروهی به اسارت درآمدند، و عده ای از سرزمین خود آواره شدند، و قضای الهی بنحوی که امید پاداش نیکوئی برده میشد درباره آنها جاری شد چه، "زمین از آن خداست، آنرا به هر که از بندگانش بخواهد وامیگذارد، و سرانجام از آن متقین است و پروردگار ما منزّه است، و عده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است، و خداوند در وعده اش خلاف نمیکند، و او عزیز حکیم است" (۵۴)

پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی که خداوند بر ایشان و خاندانشان درود فرستد باید گریه کنندگان بگریند، و برای آنان ناله کنندگان بنالند، و برای مثل آنان باید اشکها روان گردد، و دادرس خواهان دادرس طلبند، و ضجه کنندگان ضجه زنند، و شیون کنندگان شیون کنند (۵۵)

کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجايند فرزندان حسین (ائمة اطهار علیهم السلام)؟
شایسته ای پس از شایسته دیگر؟ و راستگوئی پس از راستگوی دیگر؟
کجايند راهنمایان پس از یکدیگر؟ کجاست برگزیده پس از برگزیده (۵۶)
کجايند خورشیدهای فروزنده؟ کجايند ماههای نورافشان؟
کجايند ستارگان درخشنده؟ (۵۷)

کجايند پرچمهای دین و استوانه های دانش؟ (۵۸)

کجاست بقیة الله، که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ (۵۹)

کجاست آن آماده برای قطع ستمگران باقیمانده؟ کجاست آن مورد انتظار برای اصلاح نقائص و برقراری راستی و درستی؟
کجاست آن مورد امید برای نابودی ستم و تجاوز خصمانه؟ (۶۰)

أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَحَيِّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ

الشَّرِيعَةِ ٦١

أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ٦٢

أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ ٦٣

أَيْنَ قَاصِمُ سُوكَةِ الْمُعْتَدِينَ ٦٤

أَيْنَ هَادِمُ أُنْبِيَةِ الشَّرْكِ وَالنَّفَاقِ ٦٥

أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ٦٦

أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّقَاقِ ٦٧

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ ٦٨

أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ ٦٩

أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتُّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ ٧٠

أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ ٧١

أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى ٧٢

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى ٧٣

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ ٧٤

أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ٧٥

أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى ٧٦

أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا ٧٧

- کجاست آن ذخیره شده برای تجدید واجبات و مستحبات (الهی)؟
- کجاست آن برگزیده برای برگردانیدن راه و شریعت؟ (۶۱)
- کجاست آن مورد آرزو برای زنده گردانیدن کتاب و حدود الهی؟ (۶۲)
- کجاست احیاگر نشانه های دین و اهل دین؟ (۶۳)
- کجاست شکننده شوکت تجاوزکاران؟ (۶۴)
- کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ (۶۵)
- کجاست نابود کننده اهل فسق و تبهکاران و معصیتکاران و سرکشان؟ (۶۶)
- کجاست درو کننده شاخه های گمراهی و اختلاف؟ (۶۷)
- کجاست محو کننده آثار انحراف و هوی و هوسها؟ (۶۸)
- کجاست قطع کننده رشته های دروغ و تهمت؟ (۶۹)
- کجاست نابود کننده سرکشان و جباران؟
- کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بی دینان؟ (۷۰)
- کجاست عزت بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان؟ (۷۱)
- کجاست گرد آورنده سخن ها بر اساس تقوی؟ (۷۲)
- کجاست باب الله، که از آن باب به طرف خدا روند؟ (۷۳)
- وجه الله، که دوستان بسوی آن روی می آورند، کجاست؟ (۷۴)
- وسیله پیوند میان زمین و آسمان (یعنی واسطه بین خالق و مخلوق)، کجاست؟ (۷۵)
- صاحب روز فتح و پیروزی، و به اهتزاز در آورنده پرچم هدایت، کجاست؟ (۷۶)
- گرد آورنده شایستگیها و خشنودیهای پراکنده، کجاست؟ (۷۷)

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أبنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ
بِكَرْبَلَاءِ ٧٨

أَيْنَ الْمُنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى ٧٩

أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى ٨٠

أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى ٨١

أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنَ خَدِيجَةَ الْغَرَاءِ
وَ ابْنَ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى ٨٢

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحِمَى ٨٣

يَابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَابْنَ النَّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ

يَابْنَ الْخَيْرَةِ الْمَهْدِيِّينَ يَابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَتْحَبِينَ يَابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ

يَابْنَ الْخَضَارِمَةَ الْمُتَّجِبِينَ يَابْنَ الْقِمَاقِمَةَ الْأَكْرَمِينَ ٨٤

يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَابْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ يَابْنَ الشَّهْبِ الثَّاقِبَةِ

يَابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ ٨٥

يَابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ ٨٦

يَابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ ٨٧

يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ ٨٨

يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ ٨٩

يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ ٩٠

خونخواه پیامبران و خونخواه فرزندان پیامبران، کجاست؟ آن خونخواه
مقتول کربلا (حضرت سیدالشهدا علیه السلام)، کجاست؟ (۷۸)

آن یاری شده و پیروز بر تجاوزگران و لاف زنان، کجاست؟ (۷۹)

آن مضطربی که وقتی دعا کند اجابت میشود، کجاست؟ (۸۰)

سر سلسله خلائق، صاحب نیکی و تقوی، کجاست؟ (۸۱)

فرزند پیامبر مصطفی، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن -

جبین، و فرزند فاطمه کبری، کجاست؟ (۸۲)

پدر و مادرم فدایت و جانم سپر و حامی و حافظ تو باد (۸۳)

ای فرزند آقایان مقرب، ای فرزند بزرگزادگان با شخصیت،

ای فرزند هدایتگران راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاک و پاکیزه،

ای فرزند مهتران شرافتمند خلف، ای فرزند پاکترین پاکان،

ای فرزند جوانمردان برگزیده،

ای فرزند دریاهاى بخشش و بزرگواری (۸۴)

ای فرزند ماههای تابان، ای فرزند چراغهای نورانی،

ای فرزند ستارگان درخشان، ای فرزند اختران منور (۸۵)

ای فرزند راههای روشن (خدا) (۸۶)

ای فرزند نشانهای آشکار حق (۸۷)

ای فرزند علوم و معارف کامل الهی (۸۸)

ای فرزند سنن و قوانین معروف الهی،

ای فرزند دانشهای رسیده از ائمه (علیهم السلام) (۸۹)

ای فرزند معجزات محقق و موجود، ای فرزند دلیلهای آشکار (۹۰)

يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ٩١

يَابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ ٩٢

يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ ٩٣

يَابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَابْنَ السَّبْرَاهِينَ الْوَاضِحَاتِ

الْبَاهِرَاتِ ٩٤

يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ ٩٥

يَابْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ ٩٦

يَابْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ ٩٧

يَابْنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ ٩٨

يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ ٩٩

يَابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُكُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنْ

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ١٠٠

لَيْتَ شِعْرِي إِنْ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىُّ أَرْضٍ تُقَلِّكُ أَوْ تُرَى أَبْرِضْوَى

أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طُوَى ١٠١

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلا تُرَى وَلا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلا تُجْوَى ١٠٢

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبُلْوَى وَلا يُنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَ

لا شَكْوَى ١٠٣

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنِّي ١٠٤

- ای فرزندِ راه مستقیمِ خدا (یعنی ای فرزندِ علی بن ابیطالب علیه السلام) (۹۱)
- ای فرزندِ خیرِ بزرگ (مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام است) (۹۲)
- ای فرزندِ کسیکه در "أمّ الكتاب" (سوره حمد) نزد خداوند، علی حکیم است (۹۳)
- ای فرزندِ آیات و نشانه های آشکار، ای فرزندِ دلائل روشن حق (یعنی ائمه اطهار علیهم السلام)، ای فرزندِ برهانهای واضح و آشکار خداوند (۹۴)
- ای فرزندِ حجتهای بالغه الهی (۹۵)
- ای فرزندِ نعمتهای فراوان (۹۶)
- ای فرزندِ طه و محکّمات (۹۷)
- ای فرزندِ یس و ذاریات (۹۸)
- ای فرزندِ طور و عادیات (۹۹)
- ای فرزندِ آنکه (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله) در معراج آنچنان به خداوند نزدیک شد که گوئی بیش از دو کمان یا کمتر با علی علیه السلام فاصله نداشت (۱۰۰)
- ای کاش میدانستم در کجا منزل گرفته ای و چه مکانی تو را در بر گرفته است، در سرزمین رضوی؟ یا ذی طوی؟ یا در غیر آنها؟ (۱۰۱)
- بر من بس سخت است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی، و از تو هیچ صدائی حتی آهسته هم به گوشم نرسد (۱۰۲)
- بسیار سخت است بر من که رنج و بلا بر تو و نه به من، احاطه پیدا کند و ناله زار من و شکوه من هم به حضرتت نرسد (۱۰۳)
- جانم فدای تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی (۱۰۴)

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحَ مَا نَزَحَ عَنَّا ١٠٥

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَتًّا ١٠٦

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامِي ١٠٧

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي ١٠٨

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا تُضَاهِي ١٠٩

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي ١١٠

إِلَى مَتَى أَحَارُفِكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَى مَتَى وَ أَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ

وَ أَيَّ نَجْوَى ١١١

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَ أَنَاغَى عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَحْذُلُكَ الْوَرَى

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلُ مَعَهُ

الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَاسَاعِدْ جَزْعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَدَيْتُ عَيْنُ

فَسَاعِدْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى ١١٢

هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَتْحُنِي ١١٣

فدای تو، ای بدور مانده از نظرها که در کنار مائی (۱۰۵)
جانم به قربان تو، ای آرمان هر زن و مرد مؤمن مشتاقی که آرزومند
تواند و به یاد تو ناله از دل بر میکشند (۱۰۶)

جانم فدای تو، ای وابسته به عزتی که بر تو هیچکس برتری ندارد (۱۰۷)
جانم فدایت، که تو صاحب آن شرف و بزرگواری و عظمتی هستی که
هم طرازی نداری (۱۰۸)

جانم فدایت، ای نعمت دیرینه ای که همانند نداری (۱۰۹)
جانم به قربانت، ای قرین شرف و بزرگواری که برابر نداری (۱۱۰)
ای مولای من، تا کی در انتظارت حیران و سرگردان باشم؟ و به چه زبانی
وصف تو بیان نمایم و با تو راز دل گویم؟ (۱۱۱)

بر من بسی سخت است که پاسخ از غیر تو بشنوم و با دیگران سخن
گویم، بر من بسی سخت است که بگریم از هجران تو در حالیکه خلق،
تو را وا گذارند.

بر من بسی سخت است که تنها بر تو بگذرد آنچه میگذرد ولی بر
دیگران آنچنان نگذرد.

آیا یآوری هست که با او فریاد و گریه را به درازا برسانم؟
آیا کسی هست که در هنگام تنهائی با او جزع و زاری کنم؟
آیا چشم خار فرورفته ای هست که بگرید و چشم پر خار من هم با او
بگرید (۱۱۲)

ای پسر پیغمبر، آیا بسوی تو راه ملاقاتی هست؟
آیا روز ما به روز موعود تو پیوند میخورد تا بهره مند شویم؟ (۱۱۳)

مَتَى تُرَدُّ مَنَاهِلَكَ الرَّوِّيَّةَ فَتُرَوَّى مَتَى تُنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ

الصَّدَى ١١٤

مَتَى تُغَادِيكَ وَ تُرَاوِحُكَ فَتَقِرُّ عَيْنًا مَتَى تُرَانَا وَ تُرَايِكَ وَ قَدْ تَشَرَّتْ لِوَاءَ

النَّصْرِ تُرَى أَتْرَانَا تَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَأْمُ الْمَلَاءِ وَ قَدْ مَلَأَتْ الْأَرْضَ

عَدْلًا ١١٥

وَ أَدَقَّتْ أَعْدَانِكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا وَ أَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَ جَحَدَةَ الْحَقِّ وَ قَطَعْتَ دَابِرَ

الْمُتَكَبِّرِينَ ١١٦

وَ اجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ١١٧

وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١١٨

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى ١١٩

وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا فَاعِثُ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ١٢٠

عَبِيدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى ١٢١

وَ أَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ

مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُتَهَى ١٢٢

آیا کی شود که به سرچشمه سیراب کننده ات در آئیم و سیراب شویم؟
کی شود که برای رفع عطش طولانی خود از چشمه آب گوارای تو
بنوشیم (۱۱۴)

کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود؟
کی شود که تو ما را بینی و ما تو را بینیم، درحالیکه پرچم نصرت و
پیروزی در عالم برافراشته ای؟

آیا رسد زمانیکه بینی ما به گردت حلقه زده و تو پیشوای عالم باشی و
تمام روی زمین را مالا مال از عدل و داد پر کنی؟ (۱۱۵)

و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب پچشانی و سرکشان و منکران حق را
نابود گردانی و بازمانده های متکبران را از صحنه گیتی براندازی؟ (۱۱۶)
و ریشه متکبران و ستمکاران را از بیخ بر کنی؟ (۱۱۷)

درحالیکه ما (با خاطر شاد) میگوئیم:

حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالمیان است (۱۱۸)

خداوندا، تو بر طرف کننده غم و اندوه و بلا هستی، و من از تو داد دل
میخواهم که دادرسی نزد توست (۱۱۹)

و تو پروردگار دنیا و آخرتی، پس ای فریادرس فریادخواهان به داد
بنده گرفتارت برس (۱۲۰)

پروردگارا، بنده ضعیف تو بلا دیده است آقای او را به او بنمایان،

ای بسیار قوی (۱۲۱)

و او را از قید غم و رنج برهان و آتش دل او را فرو نشان، ای آنکه بر
عرش استقرار داری و رجوع و منتهای امر همه خلق بسوی توست (۱۲۲)

اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِبُونَ إِلَىٰ وِلْيَتِكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ ١٢٣
خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا ١٢٤

وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَ مَعَاذًا ١٢٥
وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا ١٢٦

فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَارَبُّ إِكْرَامًا وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا
مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا ١٢٧

وَ أَثِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّىٰ تُورِدَنَا جَنَائِكَ وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ
مِنْ خُلَصَائِكَ ١٢٨

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ
الْأَكْبَرِ وَ عَلَىٰ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةَ الْكُبْرَىٰ فَاطِمَةَ بِنْتَ
مُحَمَّدٍ وَ عَلَىٰ مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبِرَّةَ وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَثَمُّ وَ
أَدْوَمُ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلْوَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَ لَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَ لَا تَفَادَ لَأَمَدِهَا ١٢٩

پروردگارا، ما بندگان حقیرت مشتاق ولی تو هستیم که او یادآور تو و پیامبر تو (صلی الله علیه وآله) است (۱۲۳)

تو او را برای نگهداری و پناه ما آفریدی (۱۲۴)

و او را برانگیخته ای تا مایه برپائی و پناه ما باشد (۱۲۵)

و او را برای مؤمنان ما، امام و پیشوا قرار دادی (۱۲۶)

پس تو از جانب ما به آن حضرت سلام و تحیت برسان، و بدین واسطه ای پروردگار، برگرامیداشت ما بیفزا و جایگاه او را جایگاه ما قرار ده. (جدائی ما را تبدیل به وصال گردان) (۱۲۷)

و بواسطه پیشوائی او نعمتت را بر ما تمام گردان، تا آن بزرگوار با هدایتش ما را در بهشت های تو داخل سازد و با شهیدان راه تو و دوستان خالصت رفیق و مونس گرداند (۱۲۸)

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد، و درود فرست بر محمد جدّ حضرتش (جدّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه)، که او پیامبر تو، و سید و بزرگترین پیغمبر است.

و بر پدرش (علی علیه السلام) آقای کوچکتر (نسبت به رسول خدا صلی الله علیه وآله)، و بر جدّه اش صدیقه کبری (حضرت) فاطمه سلام الله علیها دختر محمد، و بر آنانکه تو برگزیدی از پدران نیکوکار او درود فرست. و همچنین بر خود او (امام عصر علیه السلام) بهترین و کاملترین و تمامترین و دائمی ترین و بیشترین و وافرترین درودی و رحمتی فرست که بر برگزیدگان و نیکان خلقت فرستاده ای. و باز سلام و درود فرست بر او، سلامی که شمارش بی حد و دامنه اش بی نهایت و زمانش پایان ناپذیر باشد (۱۲۹)

اللَّهُمَّ وَاقِمِ بِهِ الْحَقَّ وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَادْلِلْ بِهِ
أَعْدَاءَكَ ١٣٠

وَاصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ ١٣١

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ ١٣٢
وَاعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ
مَعْصِيَتِهِ ١٣٣

وَامْتِنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ١٣٤
وَهِبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
فَوْزاً عِنْدَكَ ١٣٥

وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَاباً ١٣٦
وَاجْعَلْ ارْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ١٣٧
وَهِمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَحَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً ١٣٨

وَاقْبَلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ
تَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تُصْرِفُهَا عَنَّا بِجُودِكَ ١٣٩

ای خدا بواسطه وجود آن حضرت (امام عصر علیه السلام) دین حق را برپادار، باطل را محو و نابود ساز، دوستانت را با آن حضرت هدایت فرما، و دشمنانت را به دستش خوار و ذلیل گردان (۱۳۰)

و ای خدای منان، بین ما و او اتصال و پیوندی کامل برقرار ساز که منتهی به رفاقت و دوستی ما با پدرانش شود (۱۳۱)

و ما را از آن کسانی قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگوار زده اند، و در سایه آنان زیست میکنند (۱۳۲)

و ما را بر ادای حقوق آن حضرت علیه السلام و جهد و کوشش در طاعتش و دوری از عصیان و نافرمانیش یاری فرما (۱۳۳)

و بر ما به رضایت و خشنودی آن حضرت، منت گذار (۱۳۴)

و رأفت و مهربانی و دعا و خیر و برکت وجود مقدسش را به ما موهبت فرما، تا به این وسیله ما به رحمت و واسعه و فوز سعادت، نزد تو نائل شویم (۱۳۵)

بوسیله آن حضرت نماز ما را مقبول، گناهان ما را آمرزیده، دعایمان را مستجاب کن (۱۳۶)

و روزیمان را بوسیله او وسیع گردان (۱۳۷)

بوسیله او غمهایمان را برطرف، و حوائجمان را برآورده فرما (۱۳۸)

و بر ما بوسیله وجه کریمانه ات اقبال فرما، و تقرب و توسل ما را بسوی خود بپذیر، و بر ما به رحمت و لطف نظر نما، تا بدان نظر لطف و کرامت، خود را نزد تو بحد کمال رسانیم، آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به جود و کرمت باز مگیر (۱۳۹)

وَ اسْتَقْنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا
سَائِغًا لَا ظَمًا يَغْدُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱۴۰

و ما را از حوض کوثرِ جدِّش (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) به جام و به دست او سیراب ساز، سیراب شدنی کامل و گوارا و خوش که دیگر هرگز بعد از آن (در صحنه محشر) تشنه نشویم، ای مهربانترین مهربانان. (۱۴۰)

إِلهِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ
وَ تِسْعَةَ الْمَعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ
وَ بِاضْطِرَارِ زَيْنَبِ الْكُبْرَى
وَ بِالْمُضْطَرِّ الْحَقِيقِيِّ مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ
اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيُؤَلِّيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ
وَ اجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ

دعای ندبه
از دیدگاه معصومین
عليهم السَّلَام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

۱- از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" سؤال شد، حضرت فرمودند:

"الله". آن خدائی است که همه مخلوقات در حال نیازمندی و سختی، و هنگامیکه از تمام اسباب نا امید شدند بسوی او می شتابند.

سپس فرمودند: "بسم الله" یعنی؛ در تمام امورم از خدائی کمک میگیرم که هیچکس سزاوار پرستش نیست مگر او،

پناه دهنده است هنگامیکه پناهنده به او شوند، واجابت کننده است هنگامیکه خوانده شود،

و او همان خدائی است که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

مرا به "الله" راهنمایی کن، که "الله" کیست؟ زیرا بسیاری از مجادله کنندگان مرا حیران کرده اند!!!

فرمودند: ای عبدالله آیا هرگز بر کشتی سوار شده ای؟ - عرض کرد: بلی، فرمودند: آیا این اتفاق رخ داده که کشتی بشکند و کشتی دیگری که تو را نجات دهد و کسیکه تو را یاری کند، نباشد؟ - عرض کرد: بلی.

فرمودند: آیا قلب تو در آن هنگام به چیزی تعلق گرفته که آن چیز بتواند و قادر باشد تو را از ورطه هلاکت نجات دهد؟ - عرض کرد: بلی، امام صادق علیه السلام فرمودند: پس آن چیز، همان "الله" (خدائی) است که

۱- بنام خدائی که هم رحمتی عام دارد، و هم رحمتی خاص نیکان.

قادر بر نجات دادن است هنگامیکه کسی نجات طلبد و قادر بر پناه دادن است هنگامیکه پناه خواهد سپس فرمودند:

چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کارشان، "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" را ترک میکنند، سپس خداوند آنها را به مکروهی (بلائی) امتحان کند تا او را بر شکر کردن و ثناء پروردگارش متنبه گرداند و تقصیر و گناهش را که در ترک "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" بوده، محو گرداند.

سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

مردی در مقابل امیرالمؤمنین ایستاد و عرض کرد:

مرا از معنای "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" آگاه فرمائید؟

حضرت علی علیه السلام فرمودند: "الله"، اسم عظیمی است از اسماء پروردگار، و

آن اسمی است که هیچکس سزاوار نیست آن نام را بر خود بگیرد.

آن مرد عرض کرد: تفسیر "الله" چیست؟

فرمودند: او آن خدائی است که همه مخلوقات در هنگام شدائد و حوائج

و هنگام ناامید شدن از هر وسیله ای و از هر کسی غیر خدا، بسوی او روی

میاورند، و آن خدائی است که: اگر فرد صاحب مقام و با عظمتی در دنیا

باشد که بیشتر حوائج مردم توسط او برطرف شود با این حال مردم

احتیاجاتی خواهند داشت که این فرد قادر به انجام آن نخواهد بود، و

همینطور خود آن فرد دارای شوکت و جلال و غنا، حوائجی خواهد

داشت که خودش قادر بر انجام آن نخواهد بود، پس در هنگام ضرورت

و تنگی تنها بسوی "الله" مراجعه کنند تا او آنها را کفایت فرماید.

آیا نشنیده ای قول پروردگار را که:

”قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَيْكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ“

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ

إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ“

”بگو اگر راست میگویند به من خبر دهید اگر شما را عذاب خدا بیاید، و یا روز قیامت فرارسد، آیا غیر خدا کسی را به فریادرسی خود میخوانید، قطعاً نه، بلکه تنها او را میخوانید و اوست که اگر بخواهد آن گرفتاری را از شما می برد و آن روز شرکای امروزتان را فراموش خواهید کرد.“ (سوره انعام: ۴۰ و ۴۱)

پس خدای عزوجل به بندگانش فرموده است: ای فقیران درگاه رحمتم، من شما را ملزم میگردانم تا در هر حاجتی بسوی من رجوع کنید، و ذلت عبودیت را بر خود هموار گردانید، و در هر امری بسوی من جزع کنید، و در هر امری که امید دریافت حاجت خود به تمام و کمال دارید بسوی من فزع کنید. به شما عطا میکنم آنچه را که غیر من قادر به گرفتنش از شما نخواهد بود، من اگر اراده عطا و بخشش به شما کنم کسی قادر به منع آن از شما نخواهد بود و اگر اراده منع چیزی از شما داشته باشم کسی قادر بر بخشش آن به شما نخواهد بود. پس من سزاوارترم که از من سؤال شود و بسوی من تضرع شود.....

سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند:

هر کس امری او را محزون گرداند، در حال خلوص ”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“ بگوید و با تمام قلب بسوی خدا روی آورد، یا حاجتش را در دنیا بگیرد

و یا در نزد خدا ذخیره اش میگرداند. و آنچه در نزد خداست برای مؤمنین بهتر و باقی است.

”وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ“ (سوره شوری: ۳۶)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

شکر نعمت دوری از محرمات است و تمام شکر: ”الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ“ گفتنِ فرد است.

۳- امام رضا علیه السلام فرمودند؛ رسول خدا (ص) فرمودند:

چون بنده ای میگوید: ”الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ“ پروردگار عزوجل میفرماید؛ بنده من مرا حمد گفت و اقرار کرد که نعمتهائی که در اختیار دارد از ناحیه من است و بلاهائی که به او نرسیده باز به لطف و تفضل من است.

و من شما فرشتگان را گواه میگیرم که نعمت های دنیائی و آخرتی او را زیاد نموده، بلاهای آخرت را از او دور کنم همانطوریکه بلاهای دنیا را از او دور کردم.....

۲- ستایش خدا را که تربیت کننده همه عوالم است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا^۳

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند که رسول اکرم (ص) فرمودند:

صلوات فرستادن شما بر من موجب استجابیت دعای شما میشود و اعمال شما را پاکیزه میگرداند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که را بسوی خدا حاجتی باشد، باید اولاً به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) ابتدا نماید؛ و بعد حاجت خود را طلب نماید و در آخر نیز به صلوات فرستادن ختم نماید، زیرا که حقتعالی کریمتر از آن است که دو طرف دعا را قبول نماید و وسط را واگذارد و صلوات بر محمد و آل محمد محجوب نمی شود (مستجاب است).

۶- رسول خدا (ص) فرمودند:

جفاکارترین مردم کسی است که من در نزد او یادشوم، و بر من صلوات نفرستد.

۷- امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که رسول خدا (ص) فرمودند: هر گروهی

که در مجلسی مجتمع شوند، و در آن مجلس یاد خدا نکنند، و بر پیغمبر (ص) صلوات نفرستند، آن مجلس برایشان حسرت و وبال خواهد بود.

۳- درود و تحیات خداوند برسید و سرور ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان

او باد

۸- رسول خدا (ص) فرمودند:

بخیل حقیقی؛ آن کسی است که من در نزد او یادشوم و بر من صلوات نفرستد.

تفسیر یک آیه از قرآن کریم در مورد: "وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا"

۹- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:

"إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا"

"خدا و فرشتگان او بر پیامبر اسلام درود میفرستند شما هم ای کسانی که ایمان آورده اید بر او صلوات بفرستید و آنطور که باید تسلیم شوید." (سوره احزاب: ۵۶)
فرمودند: "صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" یعنی؛ ثنای پیغمبر را بگوئید و به آنچه پیامبر اکرم (ص) آورده است تسلیم باشید.

۱۰- حضرت علی علیه السلام درباره آیه فوق (سوره احزاب: ۵۶) فرمودند:

صلوات بر پیامبر بفرستید و تسلیم وصی او شوید و (بدانید) صلوات شما بر پیامبر بعنوان رسول خدا (ص) برایتان سودی ندارد، مگر اینکه با قبول ولایت، تسلیم علی علیه السلام شوید.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر کسانی خداوند را بی آنکه برایش شریکی قرار دهند، عبادت کنند و نماز را بپادارند و زکات پردازند و حج خانه (خدا) را بجا آورند و ماه رمضان را روزه بگیرند، سپس (با وجود همه اینها) نسبت به آنچه خدا یا

پیامبر (ص) انجام داده اند، بگویند که چرا خلاف آن را انجام نداد، یا در دل‌های خود چنین اعتراضی بیابند (گرچه آن را به زبان هم نیاورند) به همین خاطر مشرک میگردند.....

سپس حضرت فرمودند: بر شماست که تسلیم باشید.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ
اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ^۴

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

رسول خدا (ص) هنگامیکه امری آن حضرت را شادمان می ساخت می فرمودند: "الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ"؛ "خدا را شکر بر این نعمت"، و چون پیشامدی ایشان را اندوهگین مینمود میفرمودند:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ"؛ "خدا را شکر در هر حال".

۱۳- در قرآن کریم چنین می خوانیم:

"وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولٰٓئِیْهِ وَالْاَبْصَارِ
اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ وَ اِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفٰٓیْنَ الْاٰخِرِ"
(ای پیامبر) یاد کن از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب که دارای قدرت و بصیرت بودند. ما ایشان را به وسیله خلوص در یاد آخرت، خالص گردانیدیم. و اینها نزد ما از برگزیدگان و بهترین‌ها هستند. (سوره ص: ۴۵ تا ۴۷)

۴- خدایا ترا حمد میکنم بر آنچه قضای تو در مورد اولیانت به آن جاری شد، آنان را که برای خودت و دینت خالص گردانیدی.

۱۴- در زیارت جامعه ائمه المؤمنین چنین آمده است:

“أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ”

“خداوند از تو می‌خواهم که بر محمد صلوات بفرستی که او برگزیده خالص توست.”

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... همانا خداوند رسولان را برای امرش خالص کرد و سپس ایشان را به عنوان تصدیق کنندگان به بیم های خویش خالص گردانید...

إِذِ احْتَرَّتْ لَهُمْ جَزِيلٌ مَاعِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ

الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا أَضْمِحْلَالَ

۱۶- راوی گوید؛ بر حضرت محمد بن علی امام جواد علیه السلام وارد شدم،

غذائی برایم آوردند که از آن خوشمزه تر نخورده بودم.

به من فرمودند: ای ابو خالد غذای ما را چگونه دیدی؟

عرض کردم: فدایت شوم چه خوشمزه است، ولی من آیه ای از کتاب

خدا یادم افتاد. حضرت خشمگین شدند و پرسیدند کدام آیه؟

عرض کردم: “ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ”

“سپس در آن روز از نعیم خدا باز خواست خواهید شد.” (سوره تکوین: ۸)

فرمودند: والله از این غذا سؤال نمیشوی ابداً.

سپس خندیدند تا اینکه دندانهای مبارکشان آشکار شد و فرمودند:

۵- آنگاه از ثوابهای بزرگی که نزد تو است، نعمتهای پا برجائی که زوال و

اضمحلال در آن نیست، برای آنان برگزیدی.

آیا میدانی "نعیم" چیست؟ عرضه داشتم: نه، فرمودند: ما نعیم هستیم.

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما اهل البیت همان "نعیم" هستیم که خداوند بوسیله ما بر بندگانش عنایت فرموده.

و بوسیله ما، بندگان الفت گرفتند پس از آنکه پراکنده بودند.

و بوسیله ما، خداوند متعال دل‌هایشان را مانوس نمود و آنان را برادر ساخت پس از آنکه دشمن بودند.

و بوسیله ما، آنان را به اسلام هدایت کرد، و همین است نعمتی که قطع نمی شود.

و خداوند از حق نعمتی که بر مردم عنایت فرموده که آن پیغمبر و خاندان او است از آنان سؤال می نماید.

۱۸- امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

... "نعیم" محبت و مودت ما اهل بیت است که خدا از بندگانش پس از توحید و نبوت بازخواست میکند آن هنگام که یک بنده به آن وفادار و پناهی بند بود خدایش "نعیم" بهشتی عنایت میکند که هرگز پایان نمی پذیرد....

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ
الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَ زُحْرُفِهَا وَ زَبْرُجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ
وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ^۶

۱۹- عاصم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین، شما به خوراک سخت و پوشاک درشت، اکتفا نمودید!
فرمودند:

وای بر تو!! همانا خدای عزوجل بر پیشوایان عدالت، واجب ساخته که
خود را همچون مردم ضعیف و ناتوان گیرند، تا فقر و تنگدستی، فقیر را
از جا بدر نبرد.

۲۰- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

خدا مرا پیشوای خلقش قرار داد، و بر من واجب ساخت که درباره خود
و خوراک و نوشابه و پوشاکم، مانند مردم ضعیف و مستمند بر خود
تنگ گیرم تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند بوسیله ثروتش
سرکشی و طغیان ننماید.

۷

۶- پس از آنکه به آنان، زهد نسبت به درجه های این دنیای پست و نقش و نگار و
زینت آلات آن شرط کردی، پس این شرط را پذیرفتند، آنگاه که وفای بر آن را از
آنها دانستی آنها را پذیرفتی و مقرب گردانیدی.

وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ^۷

۲۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما نخستین خاندانی هستیم که خدا نام ما را بلند ساخت، چون هنگامیکه خدا آسمانها و زمین را آفرید به منادئی دستور داد تا فریاد زد:

”أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ“ (سه مرتبه)

و ”أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ“ (سه مرتبه)

و ”أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا“ (سه مرتبه)

۲۲- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

ولایت علی علیه السلام در تمام کتب انبیاء الهی نوشته شده است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده، مگر با (اقرار) به نبوت محمد (ص) و وصایت علی علیه السلام.

۲۳- ابابصیر گوید؛ حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچ پیامبری (از پس پرده غیب) آگاه نگردیده و با خبر از غیب نشده و هیچ رسولی از طرف خداوند فرستاده نشد، مگر با (اقرار) به ولایت ما و (قبول) افضلیت ما بر سایرین.

۷- و یاد والا و ثنای آشکار برای آنها پیش آوردی.

وَ أَهْبَطَتْ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتِكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ^۸

۲۴- حضرت علی علیه السلام درباره اصنافی از ملائکه فرمودند:

آنگاه خداوند بین آسمانهای بلند را باز نمود و آن را از فرشتگان مختلف پر کرد درحالیکه:

- بعضی در حال سجودند و رکوع نمیکنند.

- برخی در رکوعند و برپا نمی ایستند.

- گروهی در صف ایستاده اند و از جای خود بیرون نمیروند، و دسته ای در حال تسبیح هستند و خسته نمیشوند.

آنان نه میخوابند و نه در عقلهایشان خللی وارد میشود، نه سستی دارند و نه غفلت فراموشی آنان را فرا میگیرد.

در میان این فرشتگان: گروهی دیگر هستند که امین بر وحی خدا بوده و برای پیامبران پیام خداوند را فرود می آورند و برای رسانیدن حکم و فرمان خداوند در آمد و رفت هستند.

وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ:

۲۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل هر وقت بر آن جناب نازل میشد مانند یک غلام پیش رویش می نشست، و هر وقت هم داخل میشد اجازه میگرفت.

۸- ملائکه ات را بر آنها فرود آوردی و با وحی ات گرامیشان داشتی.

۲۶- هشام بن سالم گوید:

یکی از اصحاب ما به امام صادق علیه السلام عرضه داشت:

رسول خدا (ص) گاهی در حال طبیعی می فرمودند: جبرئیل چنین گفت، و یا میفرمودند: این جبرئیل است که مرا دستور میدهد چنین کنم، و گاهی هم برای گرفتن وحی بیهوش میشدند، چرا چنین بود؟

امام صادق علیه السلام در پاسخش فرمودند: هر وقت مستقیماً و بدون وساطت جبرئیل به آن حضرت وحی میشد، آن حالت به آن حضرت دست میداد، به خاطر اینکه گرفتن وحی از خدای تعالی سنگین و دشوار بود، و هر وقت جبرئیل بین خدای تعالی و آن جناب واسطه میشد آن حالت دست نمی داد، و در حال طبیعی میفرمودند: جبرئیل به من چنین گفت، و یا میفرمودند: این جبرئیل است که چنین میگوید.

۲۷- زراره گوید: من از امام باقر علیه السلام از رسول و نبی و محدث پرسیدم، فرمودند: "رسول" کسی است که جبرئیل نزدش می آید، و با او رو در رو سخن میگوید، و او جبرئیل را می بیند همانطور که شما طرف صحبت خود را می بینید و با او حرف میزنید، این را "رسول" میگویند.

و اما "نبی" عبارتست از کسیکه جبرئیل را در خواب می بیند، مانند خوابی که ابراهیم علیه السلام دید، که (فرزند خود را قربانی میکند) و نظیر رسول خدا (ص) که بسیار می شد چرت او را میگرفت و در آن حالت جبرئیل نزدش می آمد، این را "نبی" میگویند؛ که گاهی نبوت با رسالت هم جمع میشود، مانند رسول خدا (ص)، که هم "رسول" بود، و جبرئیل

را در بیداری رو در روی خود می دید، و با او سخن می گفت، و هم
 "نبی" بود و جبرئیل را در خواب میدید.

و اما "مُحَدَّث" عبارت است از کسیکه کلام فرشته را می شنود، و با او
 سخن میگوید ولی او را نمی بیند، نه در خواب نه در بیداری.

۲۸- زراه گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم:

چطور رسول خدا (ص) هنگامیکه پیامی از ناحیه خدا بسویش می آید
 از این معنا نمی ترسید، که این پیام از طرف ابلیس باشد؟

امام علیه السلام فرمودند: خدای تعالی وقتی بنده ای را رسول خود می سازد
 سکنه و وقار بر او نازل میکند، در نتیجه پیام آور خدا نزدش می آید، و
 رسول او را به چشم می بیند، مثل اشخاص دیگر که به چشم می بیند.

۲۹- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام از آیه شریفه:

" وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا، مَا كُنْتَ تَدْرِي

مَا الْكِتَابَ وَلَا الْإِيمَانَ ... "

"و همینطور ما روحی از امر خود را بسویت وحی کردیم، و گرنه تو نمیدانستی

کتاب چیست، و نمیدانستی ایمان چیست....." (سوره شوری: ۵۲)

پرسیدم؟ فرمودند: "روح" عبارتست از خلقی که در خلائق از جبرئیل و
 میکائیل هم بزرگتر است، و این روح همواره با رسول خدا (ص) است
 به او خبر میدهد و استوارش میدارد و همراه امامان پس از وی هم مییاشد.

وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ^۹

۳۰- مفضل به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

قربانت گردم، ممکن است خدا اطاعت شخصی را بر بندگانش واجب سازد و خبر آسمان را از او پوشیده دارد؟
فرمودند: خدا بزرگوارتر و مهربانتر و رؤوف تر از آن است که اطاعت شخصی را بر بندگانش واجب کند، و سپس خبر آسمان را در هر صبح و شام از او پوشیده دارد.

۳۱- طارق بن شهاب گوید: حضرت علی علیه السلام فرمودند:

ای طارق، امام کَلِمَةُ اللَّهِ، حُجَّةُ اللَّهِ، وَجْهُ اللَّهِ وَنُورُ اللَّهِ وَحِجَابُ اللَّهِ، و آیه الله است. خدا انتخابش میکند و هر چه خواست در او قرار میدهد، بواسطه همین مقام، اطاعتش و ولایتش بر تمام مخلوقاتش واجب است.
او ولی خدا در آسمانها و زمین است. این پیمان از جمیع جهانیان گرفته شده است، هر که بر او مقدم شود از فوق عرش کافر بخدا شده است،
”فَهُوَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَاءَ“

”هر کار که مایل باشد بکند و هر چه خدا بخواهد او انجام می دهد.“

بر دست راستش نوشته شده: ”وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا“ (انعام ۱۱۵)
و گفتار پروردگارت از روی راستی به انجام رسید. کلمات وی تغییر پذیر نیست ...
او عین راستی و عدالت است برای او عمودی از نور از زمین تا آسمان

۹- وَعِلْمَتٌ رَأَتْهَا مَوْهَبٌ نَمُودِي.

کشیده شده که توسط او اعمال بندگان را میداند لباس هیبت را پوشیده و بر ضمائر و غیب مطلع است و بین مشرق و مغرب را میبیند و چیزی از عالم ملک و ملکوت بر او مخفی نیست و زبان پرتندگان به او عطا شده.

وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ^{۱۰}

۳۲- حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

”يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا

فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ“

”ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و بسوی او وسیله

برگیرید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.“ (سوره مائده: ۳۵)

فرمودند: من وسیله او هستم.

۳۳- امام رضا علیه السلام فرمودند:

هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شد بوسیله ما از خدای عزوجل

کمک بخواهید و این است معنی قول خدای عزوجل:

”وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا“

”و برای خدا اسمائی نیکوست پس خدا را به آن اسماء بخوانید.“ (سوره اعراف: ۱۸۰)

۱۰- و آنها را راهی بسوی خود، و وسیله ای به رضوانت قرار دادی.

۳۴- سلمان فارسی گوید: شنیدم پیامبر اکرم (ص) می فرمودند:

همانا خدای عزوجل میفرماید: ای بندگان من، آیا چنین نیست که هر کس حاجتهای بزرگی از شما بخواهد، آنها را برای او برآورده نمی سازید مگر اینکه به وسیله محبوبترین افراد نزد شما واسطه بیاورد که آن حاجت را به گرامی داشت شفاعت کننده برای ایشان برمیآوردید؟

توجه کنید و بدانید که: گرامی ترین و برترین مخلوق نزد من محمد (ص) و برادر او علی است، و بعد از او امامانی که وسائل بسوی خدا هستند. همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است، یا حادثه بزرگی بر او پدیدار شده که میخواهد ضرر آن از او دفع گردد باید که مرا به (وسیله) محمد و خاندان معصوم او بخواند که آن حاجت را برای او برآورده میکنم، به بهترین گونه ای که اگر نزد فردی عزیزترین کسانی را شفیع ببرد تا حاجت شما را برآورد.

۳۵- پیغمبر اکرم (ص) در حدیثی که فضیلت خود و خاندانشان را بیان میکردند فرمودند: ما وسیله بسوی خدا هستیم.

۳۶- سید بن طاووس، به نقل از محمد بن یعقوب کلینی، آورده است که:
به حضرت ابوالحسن علیه السلام نوشتم:

شخصی مایل است حاجات خصوصی و اسراری را با امام خویش در میان گذارد، همانگونه که دوست دارد با پروردگارش باز گوید.
پس آن حضرت در جواب مرقوم فرمودند:

اگر حاجتی داشتی پس لبهایت را (به شکل گفتن آن) حرکت بده که همانا جواب به تو خواهد رسید.

۳۷- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

...ای مردم، خداوند بوسیله ما راهها را روشن نموده و راهنمایی کرده، و او پرستیده شده، و مردم به معرفتش رسیده اند. خداوند بوسیله رهبری ما زبانها را مقدس گردانیده، و با دعوت ما آنها را به تضرع درآورده است.....

۳۸- ابن عباس گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

در راه محبت و علاقه به ما اهل بیت پایدار باشید زیرا هر کس با محبت ما به ملاقات خدا برود، به شفاعت ما داخل بهشت میشود. قسم به آن کسیکه جان محمد (ص) در دست اوست هیچ بنده ای را عملش سود نمی بخشد مگر با معرفت و ولایت ما.

۳۹- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

امامان از آل محمد (علیهم السلام) وسیله بسوی خداوند و رشته اتصال به عفو او هستند.....

واسطه در فیوضات قلبیه ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند

۴۰- امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه:

”فَامِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالتُّورِ الَّذِي اَنْزَلْنَا...“

پس به خدا و رسول او و توری که ما نازل کرده ایم ایمان بیاورید، و خدا از آنچه
میکنید با خیر است (سوره تغابن: آیه ۸)

می فرمودند: ”وَاللّٰهُ يَا اَبَا خَالِدٍ لَّنُوْرُ الْاِمَامِ فِي قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْوَرُ

مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَهُمْ وَاللّٰهُ يَنْوِّرُوْنَ قُلُوْبَ الْمُؤْمِنِيْنَ“

بخدا سوگند ای ابا خالد، نور امام در دل مؤمنین از نور خورشید تابان در
روز روشن تر است. بخدا که آنها (علیهم السلام) دلهای مؤمنین را منور
میسازند. (پس معلوم می شود که فیوضات قلبیه هم بدست ایشان است
که به هر قلبی بخواهند نور و صفا می بخشند.)

۴۱- شخصی بنام شبیه بن عثمان بن ابی طلحه میگوید:

محمد (ص) هشت نفر از نزدیکان ما را که هر کدام پرچمدار لشکر بودند
کشته بود، و به همین دلیل بغض هیچکس را به اندازه او در دل نداشتم،
آرزوی کشتن او را داشتم؛ تا اینکه مکه را فتح کرد و من از تحقق
آرزویم نا امید شدم، به خود میگفتم: عرب دین او را پذیرفته است، من
چه موقع میتوانم انتقام خود را از او بگیرم؟!

وقتی افراد قبیله هوازن در منطقه حنین جمع شدند، نزد آنها رفتم تا از
آنها شمشیری بگیرم و محمد (ص) را به قتل برسانم. با خود می اندیشیدم

که چطور عمل کنم؟! وقتی مردم از دور محمد (ص) پراکنده شدند و او با چند نفر معدود تنها ماند، از پشت به او نزدیک شدم و شمشیر را بالا بردم.....

در این هنگام آتشی به سوی من زبانه کشید که نزدیک بود مرا از بین ببرد.

چیزی نگذشت که محمد (ص) روی خود را بسوی من کرد و گفت: شبیه، نزدیک بیا و بجنگ!

و پس از نزدیک شدن من، دستشان را روی سینه ام قرار دادند، بلافاصله احساس کردم که محمد (ص) را از همه مردم بیشتر دوست میدارم.

سپس جلو رفتم و پیش روی او جنگیدم که در این حالت اگر با پدرم روبه روی می شدم در راه یاری رسول خدا (ص) او را هم میکشتم.

پس از پایان جنگ بر رسول خدا (ص) وارد شدیم.

ایشان بمن فرمودند: "الذی اراد الله بك خيراً مما اردته لنفسك": آنچه خدا برایت خواست از آنچه تو برای خودت خواسته بودی، بهتر است.

و آنگاه همه آنچه را با خود فکر کرده بودم برایم بیان فرمودند.

سپس گفتم: هیچکس جز خدا بر این مسائل آگاه نبود، و اسلام آوردم.

(این داستان، یکی از موارد تصرفات قلبی اهل بیت علیهم السلام در قلوب انسانهاست، پیامبر (ص) با یک عنایت از طریق گذاشتن دست مبارک بر سینه شبیه، او را زیر و رو کرده و بغض شدید او را به محبت شدید تبدیل فرمودند.)

فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا^{۱۱}

۴۲-... رسول خدا(ص) فرمودند:

توقف آدم و حوا در بهشت، از هنگام ورودشان، تا ساعتی که بیرون شدند تنها هفت ساعت از ایام دنیا بود، و در همان روز که این جریان واقع شد خدا آنها را از بهشتش بیرون کرد.

۴۳- در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام درباره آیه شریفه:

“وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ”

”و به این درخت نزدیک نشوید“ (سوره بقره: ۳۵)

آمده: درخت علم، همان درخت علم محمد و آل محمد (علیهم السلام) است که خدای عزوجل از میان سایر خلقش تنها به ایشان اختصاص داده بود..... پس خدای تعالی فرمود: “وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ” به این درخت نزدیک نشوید که بخواهید درجه و فضل محمد و آل محمد (علیهم السلام) را دریابید، که خداوند تعالی این درجه را به ایشان اختصاص داده.

و این درختی است که هر کس به اذن خدای عزوجل از آن تناول کند علم اولین و آخرین را بدون تعلّم الهام میگردد، و هر کس بدون اجازه خداوند از آن تناول نماید به مقصد نرسیده و پروردگارش را عصبیان مینماید...

۱۱- پس یکی از اولیاء و پیامبرانت را در بهشت سکونت دادی، تا اینکه او را از آن

بیرون کردی.

وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ أَمِنَ مَعَهُ
مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ^{۱۲}

۴۴- امام رضا علیه السلام فرمودند:

وقتی نوح مشرف به غرق شدن شد، خدا را به حقّ ما خواند بلا (غرق شدن) از او برطرف شد. وقتی ابراهیم را در آتش افکندند، خدا را به حقّ ما خواند، آتش بر او سرد و سلامت شد. وقتی موسی به دریا رهسپار شد، خدا را به حقّ ما خواند، خداوند آن را خشک کرد. و هنگامیکه یهودیان تصمیم کشتن عیسی را گرفتند، خدا را به حقّ ما خواند، از کشته شدن نجات یافت و خدا او را بسوی خود برد.

تفسیر دو آیه از قرآن کریم در مورد "رحمت"

۴۵- محمد بن فضیل گوید؛ حضرت ابی الحسن علیه السلام در باره آیه:

"وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ"

.. و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود... (سوره بقره: ۶۴)

فرمودند: "فضل رسول خدا (ص)، و "رحمت": امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۴۶- امام باقر علیه السلام در باره آیه:

"يَدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ" هر کس را بخواهد در رحمتش داخل سازد... (شوری: ۸)

فرمودند: "رحمت": ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۱۲- دیگری را در کشتی خود حمل نمودی و او و کسانی را که به او ایمان آوردند از هلاکت به رحمت نجات دادی.

وَبَعْضٌ أَخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ
فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا^{۱۳}

۴۷- حضرت رضا علیه السلام فرمودند: شنیدم از پدرم از پدر خود حدیث نموده که فرمودند: خدا از آن جهت، ابراهیم علیه السلام را "خلیل" نامیده که هیچکس را رد نکرد و از احدی جز خدا چیزی سؤال ننمود. (این روایت با معنی لفظ "خلیل" یعنی "حاجت" موافق است. و "خلیل" (دوست صمیمی شما) آن کسیست که حوائجش را به شما میگوید. و در زمینه نامگذاری حضرت ابراهیم علیه السلام و جوه دیگری نیز روایت شده است.)

۴۸- امام صادق علیه السلام در باره آیه:

”وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ“

”و برای من در امت بعد، زبان راستگویی قرار ده. (سوره شعراء: ۸۴)“

فرمودند: او علی بن ابیطالب علیه السلام است که ولایتش بر ابراهیم علیه السلام عرضه شد و او از خدا درخواست کرد که:

”اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْ ذُرِّيَّتِي“ : ”خدایا آن را از ذریه من قرار ده“

سپس خداوند هم برای او این چنین کرد.

۱۳- دیگری را برای خود خلیل و دوست گرفتی، و از تو زبان راستینی در میان آیندگان مستثنت نمود پس او را اجابت کرده و آن خواسته اش (لسان صدق) را علی علیه السلام قرار دادی.

۴۹- یونس بن عبدالرحمن گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: گروهی میگویند اسم امیرالمؤمنین علیه السلام در کجای قرآن است؟ و من برای ایشان آیه: "وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا" (مریم: ۵۰) را آوردم حضرت فرمودند: راست گفتی، این چنین است.

۵۰- امام رضا علیه السلام فرمودند:

...همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خلقت در مرتبه سوّم به ابراهیم علیه السلام اختصاص داده و به آن فضیلت مشرفش ساخته، و نامش را بلند و استوار نموده و فرموده:

"إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا" "همانا من تو را امام مردم گردانیدم" (سوره بقره: ۱۲۴)

ابراهیم خلیل علیه السلام از نهایت شادیش به آن مقام، عرضه کرد:

"وَمِنْ ذُرِّيَّتِي"؟ "از فرزندان من هم؟"

خدای تبارک و تعالی فرمود:

"لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ" "پیمان و فرمان من به ستمکاران نمی رسد"

پس این آیه امامت را برای ستمگران تا روز قیامت باطل ساخت و در میان برگزیدگان گذاشت. سپس خدای تعالی ابراهیم را شرافت داد و امامت را در فرزندان برگزیده و پاکش قرار داد و فرموده:

"وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً

يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ

وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ"

”و اسحق و یعقوب را اضافه به او بخشیدیم و همه را شایسته نمودیم و ایشان را امام و پیشوا قرار دادیم تا به فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک و گزاردن نماز و دادن زکات را به ایشان وحی نمودیم آنها برای ما عبادت میکردند.“ (سوره انبیاء: ۷۲-۷۳) پس امامت همیشه در فرزندان او بود در دوران متوالی و از یکدیگر ارث می بردند تا خدای تعالی آن را به پیغمبر ما (ص) به ارث داد و خود او جل و تعالی فرمود:

”إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ“

”همانا سزاوارترین مردم به ابراهیم پیروان او و این پیغمبر و اهل ایمانند“

و خدا ولی مؤمنان است.“ (سوره آل عمران: ۶۸)

پس امامت مخصوص آن حضرت گشت و او به فرمان خدای تعالی و طبق آنچه خدا واجب ساخته بود، آن را به گردن علی نهاد و سپس در میان فرزندان برگزیده او که خدا به آنها علم و ایمان داده جاری کرد. سپس حضرت فرمودند:

پس امامت تنها در میان فرزندان علی است تا روز قیامت زیرا پس از محمد (ص) پیغمبری نیست.

این نادانان از کجا و به چه دلیل برای خود امام انتخاب میکنند؟
همانا امامت، مقام پیغمبران، و میراث انبیاء است...

و بَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَجَعَلَتْ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
رِدًّا وَوَزِيرًا^{۱۴}

۵۱- صفوان بن یحیی گوید: حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

... معاذالله از این که خدا شبیه به خلقش شود، و یا مثل خلقش تکلم کند، ولی خدای تبارک و تعالی همانطور که "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ" (سوره شوری: ۱۱) هیچ چیز شبیه او نیست، همچنین هیچ متکلمی هم شبیه او نیست. عرضه داشتم توضیح فرمائید، فرمودند: سخن گفتن خالق با مخلوق خود مانند سخن گفتن مخلوقی با مخلوق دیگر نیست، یعنی از راه قطعه قطعه کردن صدا به وسیله دهان و زبان نیست بلکه تنها به این است که سخن را ایجاد کند، همانطور که هر موجودی را با فرمان "كُنْ" ایجاد میکند. و فرمان او همان مشیت او است، سخنی که با موسی گفت یعنی او امر و نواهیش به او از همین باب بود، نه اینکه همچون ما بوسیله تردد نفس و قطعه قطعه کردن آن باشد.....

۵۲- حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

خدای تعالی متکلمی است بدون اینکه سخن با اندیشه بگوید، و اراده کننده ای است بدون عزم.

۱۴- با دیگری (حضرت موسی علیه السلام) از طریق درختی، با سخن گفتن مخصوصی، سخن گفتی و برایش معاون و وزیری که همان برادرش بود قرار دادی.

۵۳- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

همان خدای تعالی که به نوعی با موسی تکلم کرد و آیاتی عظیم نشان داد، اما بدون ادوات، و نطقی بدون حلق و خنجره.....

۵۴- حضرت علی علیه السلام در خطبه تطنجیه فرمودند:

أنا صاحب الطور يوم التجلي لموسى بن عمران... أنا ذلك النور الظاهر من صاحب طورم روزی که برای موسی تجلی رخ داد. من آشکار کننده آن چیزی هستم که موسی را بیهوش ساخت، من آن نور ظاهر و آشکارم، من صاحب موسایم، من صاحب مأوایم، من آن برهان روشنم. همانا برای موسی به اندازه جزیی از اجزاء و ذره ای از مثقال آشکار شد، و تمام اینها با علم خدای صاحب جلالت است.

و بَعْضُ أَوْلَادِهِ مِنْ غَيْرِ آبٍ وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ^{۱۵}

۵۵- ابن سکیت گوید به امام دهم علیه السلام عرض کردم:

چرا خدا حضرت موسی را بوسیله عصا و ید بیضا و ابزار ابطال جادو فرستاد، و حضرت عیسی را بوسیله طبابت و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را بوسیله کلام و سخترانی؟

حضرت فرمودند: چون خداوند موسی علیه السلام را مبعوث کرد جادوگری بر مردم آن زمان غلبه داشت پس او از طرف خدا چیزی آورد که مانندش

۱۵- و دیگری را (حضرت عیسی علیه السلام) را بدون پدر بوجود آوردی، و به او بیانات

دادی، و با روح القدس تائیدش نمودی.

از توانائی آنها خارج بود و به وسیله آن جادوی آنها را باطل ساخت و حجت را برایشان ثابت کرد.

و عیسی علیه السلام را در زمانی فرستاد که فلج و زمینگیری زیاد شده بود و مردم نیاز به طب داشتند.

پس او از جانب خدا چیزی آورد که مانندش را نداشتند.

پس به اجازه خدا مردگان را زنده کرد، و کور مادرزاد و پیس را درمان نمود و حجت را برایشان ثابت کرد.

و حضرت محمد (ص) را در زمانی فرستاد که خطبه خوانی و سخنوری به گمانم شعر را هم فرمود، زیاد شده بود.

پس آن حضرت از طرف خدا پندها و دستوراتی شیوا آورد که گفتار آنها را باطل کرد و حجت را برایشان تمام نمود.

ابن سکیت گفت:

بخدا هرگز مانند تو را ندیدم، بفرمائید در این زمان حجت خدا بر مردم چیست؟

فرمودند: عقل است که بوسیله آن امام راستگو را می شناسد و تصدیقش میکند و دروغگو را می شناسد و تکذیبش می نماید.

ابن سکیت گفت: بخدا، جواب درست همین است.

۵۶-...امیرالمومنین علیه السلام فرمودند:

سابقون پیغمبرانی هستند مرسل و غیر مرسل که خدا در آنها پنج روح

قرار داده: ۱- روح القدس، ۲- روح الایمان، ۳- روح القوة، ۴- روح الشهوة،

۵- روح البدن، که بوسیله "روح القدس" بعثت آنها به پیغمبری مرسل و غیر مرسل انجام شد و نیز بوسیله آن همه چیز را دانستند.

و با "روح ایمان" خدا را عبادت کردند و چیزی را شریک او نساختند.
و با "روح قوت" با دشمن خود جنگیدند و به امر معاش خود پرداختند،
و با "روح شهوت" از طعام لذیذ و نزدیکی حلال با زنان جوان
برخوردار گشتند.

و با "روح بدن" جنیدند و راه رفتند، این دسته آمرزیده اند و از
گناهانشان (ترک اولای آنها) چشم پوشی شده.

سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

خدای عزوجل فرماید:

"تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ

دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ ..."

"اینانند رسولان که بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم،

بعضی از آنها با خدا سخن گفته و بعضی را چند درجه بالا بردیم،

و به عیسی بن مریم معجزات روشن دادیم" (سوره بقره: ۲۵۳)

سپس درباره جماعت آنها (یعنی رسولان که کاملترین مؤمنانند) فرموده:

"وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ..."

"آنها را با روحی از خود کمک کردیم" یعنی با آن روح ارجمندشان

داشت.....

وَكُلُّ شَرَعْتُ لَهُ شَرِيعَةٌ وَنَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاءٌ وَتَحَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءُ
 مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً
 عَلَى عِبَادِكَ وَ لَيْلًا يَزُولُ لِلْحَقِّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى
 أَهْلِهِ وَ لَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَ أَقَمْتَ
 لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَذِلَّ وَ تُخْزَى^{۱۶}

وَ كُلُّ شَرَعْتُ لَهُ شَرِيعَةٌ:

۵۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا خدای تبارک و تعالی شریعتهای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (علیهم السلام) را به محمد (ص) عطا فرمود، و آن شرایع یکتا پرستی است و اخلاص و ترک بت پرستی و فطرت حنیفیه آسان (که همان طریقه و روش اسلامست) و اینکه گوشه گیری و صحراگردی (کناره گیری از جماعت مسلمین) نیست، چیزهای پاکیزه را در این شرایع حلال و پلیدیها را حرام نمود و تکلیف سنگین و زنجیرهایی که به

۱۶- و برای هر کدام از اینان شریعتی وضع کردی و راهی روشن به او نشان دادی، و جانشینانی، نگهبانی پس از نگهبان دیگر، از مدتی تا مدت دیگر، برای برپائی دینت و (بعنوان) حجتی بر بندگانت برگزیدی تا اینکه حق از جایگاهش زوال نیابد و باطل بر پیروان حق غالب نگردد، و تا کسی نگوید: "چرا بسوی ما رسولی هشدار دهنده نفرستادی و برای ما پرچم هدایتگری برپا نداشتی، تا قبل از اینکه ذلیل و رسوا شویم آیات را پیروی کنیم؟

گردن آنها بود برداشت، آنگاه در آن شرایع مقرر فرمود، نماز و زکوة روزه و حج و امر به معروف و نهی از منکر و حلال و حرام و میراثها و حدود و فرائض و جهاد در راه خدا را، به اضافه وضو (و وضو را برای محمد (صلی الله علیه و آله) اضافه فرمود) و آن حضرت را فضیلت بخشید به سبب سوره "فاتحة الكتاب" و آیات آخر سوره "بقره" و سوره های پرفضل (از سوره ق، یا محمد (صلی الله علیه و آله)، یا فتح تا آخر قرآن) و غنیمت و فیء را برای او حلال فرمود و او را با رعب (ترسی که در دل دشمنانش می افکند) نصرت بخشید، و زمین را برایش سجده گاه و پاک کننده (در تیمم) قرار داد...

مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ:

۵۸- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

و چون خدای عزوجل مسیح را مبعوث ساخت، مسیح (علیه السلام) به مردم گفت: همانا پس از من پیغمبری که نامش احمد و از اولاد اسماعیل (علیه السلام) است خواهد آمد که مرا و شما را تصدیق میکند (به نبوت من و پیروی شما باور دارد) و حجّت و عذر مرا و شما را می آورد (مانند من و شما احتجاج میکند یا قول به الوهیت مرا از من و شما نفی میکند) و امر وصیت پس از عیسی در حواریین مستحفظ جاری گشت و از این جهت خدا ایشان را مستحفظ نامید که نگهداری اسم اکبر به ایشان واگذار شد و آن کتابی است که علم هر چیز از آن دانسته شده و همراه پیغمبران صلوات الله علیهم بوده است... پس همیشه وصیت نسبت به عالمی

پس از عالم دیگر جریان داشت، آنرا به محمد (ص) رساندند، و چون خدای عزوجل محمد (ص) را مبعوث کرد مستحفظین پسین به او اسلام آوردند و بنی اسرائیل تکذیبش نمودند، او بسوی خدای عزوجل دعوت کرد و در راهش جهاد نمود تا آنکه خدای عزوجل به او امر فرستاد که فضیلت وصیّات را آشکار کن.

وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا:

۵۹- داود رقی گوید: امام صادق علیه السلام در ذیل آیه:

”وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ“

”کسانیکه پیمان خدا را بعد از آنکه بستند میشکنند...“ (سوره بقره: ۲۷)

فرمودند:

هنگامیکه خداوند اراده فرمود مخلوقات را بیافریند، آنها را در پیشگاه خودش پراکنده ساخت و به آنها فرمود: پروردگار شما کیست؟

اول کسانیکه به نطق در آمدند، رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین (علیهم السلام) بودند و گفتند: ”تو ای پروردگار ما“.

سپس خداوند، علم و دین را به دوش آنها نهاد.

آنگاه به ملائکه فرمود: اینها حاملین دین و علم من، و امیتهای من در بین مخلوقاتم می باشند و از اینها باید سؤال شود.

سپس به بنی آدم فرمود: برای خدا به ربوبیت و برای این گروه (ائمه هدی) به ولایت و طاعت اقرار نمایید.

گفتند: شاهد و گواهییم.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

(این صحنه برای این بود) تا روز قیامت نگویند؛ ما از این موضوع غافل بودیم، یا اینکه بگویند؛ پدران ما از قبل مشرک شدند و ما فرزندان بعد از آنها ایم؛ آیا ما را به سبب آنچه باطل پیشه گان انجام دادند هلاک مینمایی؟

ای داود، ولایت ما در عالم ذر بر آنها تأکید شده است.

۶۰- حسین بن روح در پاسخ این پرسش که: چرا پیامبران باید معجزه داشته باشند؟- گوید؛

حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

... پیامبران انسانهایی مانند دیگران بودند، مانند آنان غذا می خوردند و راه می رفتند. مردم به آنان گفتند: شما هم افرادی مانند ما هستید و ما ادعای نبوت و رسالت را از شما نمی پذیریم، مگر اینکه کاری انجام دهید که ما از انجام مثل آن عاجز باشیم و به آن وسیله بفهمیم که شما برگزیدگان درگاه خدائید و به شما قدرتی داده شده که به ما داده نشده است!

پس خداوند برای آنان معجزاتی قرارداد که مردم از انجام آن عاجز بودند؛ برای بعضی از آنان (حضرت نوح علیه السلام) بعد از آنکه عذرها آورد و اندازها کرد (و فایده نمود) طوفانی آورد که همه طغیانگران سرپیچی کننده را غرق کرد. و بعضی از آنان (حضرت ابراهیم علیه السلام) در آتش انداخته شد، ولی آتش بر او سرد و سلامت گشت.

و برای بعضی از آنان (حضرت صالح علیه السلام) از درون سنگ سخت، شتری بیرون آورد که شیر فراوان از پستانش جاری میشد.

و برای بعضی از آنان (حضرت موسی علیه السلام) دریا شکافته و چشمه ها جاری شد و عصای چوبی خشکش ازدهائی گردید که همه سحر ساحران را بلعید.

و بعضی از آنان (حضرت عیسی علیه السلام) به اذن خداوند کوز مادرزاد را شفا داد و مرده را زنده کرد و به آنان از آنچه می خوردند و آنچه در خانه هایشان ذخیره میکردند خبر میداد.

و برای بعضی از آنان (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله) ماه دونیم شد و چارپایانی مانند شتر و گرگ و غیر آن با وی تکلم کردند.

إِلَىٰ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِّنْ خَلْقَتِهِ وَ صَفْوَةً مِّنْ اصْطَفَيْتَهُ وَ
أَفْضَلَ مِّنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مِّنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمْتَهُ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ^{۱۷}

۶۱- امام رضا علیه السلام از آباء بزرگوارشان، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل میکنند
که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی خلقی که افضل از من و کرامتش نزد او بیشتر از
من باشد نیافریده است. من گفتم: یا رسول الله تو افضلی یا جبرئیل؟
حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی پیغمبران مرسل را بر ملائکه
مقربین، و مرا بر جمیع انبیاء و مرسلین برتری داده است، و بعد از رتبه
من، تو و امامان از فرزندان تو را بر همه فضیلت و برتری داده است.
یا علی، اگر ما نمی بودیم خداوند آدم و حوا، و بهشت و دوزخ، و آسمان
و زمین را نمی آفرید.

۶۲- حضرت علی علیه السلام در وصف پیامبران الهی فرمودند:

...خداوند انبیاء را در بهترین امانتگاه به ودیعت نهاد و در نیکوترین
قرارگاه مستقر کرد. از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل

۱۷- تا اینکه امر (هدایت خلق) را به دوست مقرب و بزرگوارت محمد (ص) پایان
بخشیدی. پس همچنانکه او را برگزیدی، (اورا) آقای آفریدگانت، و برگزیده ترین
برگزیدگانت، و برترین انتخاب شدگانت، و گرامی ترین هر که به او اعتماد کردی
بودی (قراردادی و) او را بر پیامبرانت مقدم داشتی.

نمود. هر گاه یکی از آنها از دنیا می رفت، دیگری برای پیشبرد دین برمی خاست تا اینکه کرامت خداوندی به محمد (ص) منتهی شد. پس او را از بهترین خاندان و گرامی ترین دودمان برگزید.....

۶۳- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف رسول خدا (ص) چنین فرمودند:
خداوند رسول اکرم را با نور و روشنایی فرستاد و درگزینش، او را بر سایرین مقدم داشت.

قَدَّمْتَهُ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ:

۶۴- حذیفه بن اسید گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:
پیامبری هیچ پیامبری در عالم اظله تکمیل نشد مگر بر او ولایت من، و ولایت اهل بیتم عرضه شد، و تمثال آنها برای آن پیامبران مجسم شد، و (آن پیامبران) اقرار به طاعت و ولایت آنها نمودند.

وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ^{۱۸}

۶۵- در منتهی الامال روایت است که:

پیامبر اکرم (ص) مأمور شدند که تبلیغ رسالت خود را به جنیان بنمایند و ایشان را بسوی اسلام دعوت نمایند و قرآن بر ایشان بخواند پس حقتعالی گروهی از جن را از اهل "نصیبین" بسوی آن حضرت فرستاد و

۱۸- و او را برای (هدایت) بندگانت از جن و انس برانگیختی و خاوران و باخترانت را زیر پایش گذاردی.

حضرت به اصحاب خود فرمودند: من مأمور شده ام که امشب پر جَنیان قرآن بخوانم چه کسی از شماها از پی من می آید؟

پس عبدالله بن مسعود با آن حضرت رفت. عبدالله گفت: چون به اعلای مکه رسیدیم و حضرت داخل درهٔ "حجون" شدند، خطی برای من کشیده و فرمودند:

در میان این خط بنشین و بیرون مرو تا من بسوی تو بیایم.

سپس آن حضرت رفتند و به نماز مشغول شدند و شروع به تلاوت قرآن کردند، ناگاه دیدم که سپاهیان بسیار هجوم آوردند که میان من و آن حضرت حائل شدند که صدای آن جناب را نشنیدم، ناگاه مانند پاره های ابر پراکنده شدند و رفتند، گروهی از ایشان ماندند و چون حضرت از نماز صبح فارغ شدند بیرون آمدند و فرمودند: آیا چیزی دیدی؟

گفتم: بلی، مردان سیاه دیدم که جامه های سفید بر خود بسته بودند، فرمودند: اینها جن "نصیین" بودند.

{و به روایت ابن عباس (گروه باقیمانده) هفت نفر بودند و حضرت ایشان را برای قومشان رسول گردانیدند، و بعضی گفته اند نه نفر بودند.}

۶۶- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... و خداوند او (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) بسوی همگان از سفید و سیاه و جن و انس ارسال فرمود.

و گرفتن جزیه و اسیر کردن مشرکین و فدیة گرفتن را به او عطا فرمود، سپس تکلیفی به او متوجه شد که به هیچیک از پیغمبران آن تکلیف

متوجه نشده بود، و از آسمان شمشیری بی غلاف بر او نازل شد و به او گفته شد: "قاتل فی سبیل الله لا تکلفُ إلا نفسک"
 در راه خدا جنگ کن (و اگر تو را تنها گذاشتند) تنها خودت تکلیف داری (که با دشمنان دین بجنگی). (سوره نساء: ۸۴)

۶۷- سلیمان بن خالد گفت؛ از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمودند: هیچ چیز نه از آدم و نه انس و نه جن و نه ملک در آسمانها نیست مگر ما حجّت بر آنها هستیم هیچ آفریده ای را خدا نیافرید مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه داشت و بوسیله ما بر او حجّت تمام کرد، بعضی ایمان به ما دارند و بعضی کافر و منکرند حتی آسمانها و زمین و کوهها...

۶۸- سعد اسکاف گوید:

با چند نفر از اصحاب خواستم که خدمت امام باقر علیه السلام برسم تا گاه هشت نفر را دیدم که گویا همه از یک پدر و مادر بودند، لباسهای زرّابی داشتند، هر کدام تنها یک قبا پوشیده بودند و عمامه هائی زرد داشتند وارد شدند ولی خیلی زود برگشتند.

امام علیه السلام فرمودند: سعد، اینها را دیدی؟

عرض کردم: آری فدایت شوم.

فرمودند: اینها برادران شما از جنّ بودند، می آیند که مسائل حلال و حرام خود را بپرسند همانطور که شما برای پرسش حلال و حرام می آئید.

۶۹- جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند:

در آن میان که امیرالمؤمنین علیه السلام (در مسجد کوفه) بر منبر بودند، از دهائی از طرف یکی از درهای مسجد روی آورد، مردم آهننگ کشتش کردند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کسی را فرستادند تا آنها دست نگهدارند. مردم از کشتش خودداری کردند و او سینه کشان میرفت تا پای منبر رسید. برخاست و روی دمش ایستاد و به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کرد.

حضرت اشاره فرمودند که بنشیند تا خطبه شان تمام شود. چون از خطبه فارغ شدند متوجهش شده و فرمودند: تو کیستی؟
گفت: من عمرو بن عثمان خلیفه شما بر طایفه جن هستم، پدرم مرد و به من سفارش کرد خدمت شما آیم و رأی شما را بدست آورم.
اکنون نزد شما آمدم تا چه دستور و نظر فرمائی؟
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

تو را به تقوای خدا سفارش میکنم و اینکه بازگردی و در میان جنیان بجای قدرت باشی و تو خلیفه من بر ایشان هستی.
عمرو با امیرالمؤمنین علیه السلام خدا حافظی کرد و باز گشت.

من به حضرت عرض کردم: قربانت، عمرو خدمت شما می آید و آمدن بر او واجب است؟
فرمودند: آری.

وَ سَخَّرْتُ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَجْتُ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ^{۱۹}

۷۰- امام صادق علیه السلام از اجدادشان از رسول خدا (ص) فرمودند:

هنگامیکه به (معراج) آسمان برده شدم، پروردگارم "جلّ جلاله" به من وحی فرمود: ای محمد من به زمین نظری افکندم پس تو را از آن برگزیدم، و تو را پیغمبر قرار دادم و از اسم خودم برای تو اسمی برگرفتم، که من محمودم و تو محمد هستی، سپس بار دیگر نظری کردم و از آن (زمین) علی را برگزیدم و او را جانشین، خلیفه و همسر دخترت قرار دادم، و از برای او اسمی از اسمهایم برگرفتم که من علیّ اعلی هستم و او علی است، و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو نفر قرار دادم سپس ولایت آنان را بر فرشتگان عرضه نمودم پس هر کدام آن را پذیرفت نزد من از مقرّبین شد.

وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ^{۲۰}

۷۱- عبیده بن بشیر گوید: امام صادق علیه السلام ابتداءً بمن فرمودند:

بخدا قسم من دارای علم آنچه در آسمانها و زمین، و بهشت و جهنم، و آنچه بوده و آنچه خواهد آمد تا روز قیامت هستم. سپس فرمودند: من این اطلاعات را از کتاب خدا بدست میآورم، به آن چنین نگاه

۱۹- و بُرَاق را مسخّرش گردانیدی و او را به آسمانت عروج دادی.

۲۰- و علم آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا سپری شدن خلقت را به او سپردی.

میکنم (در این موقع دستهای خود را گشودند) و فرمودند: خداوند میفرماید:

”وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ“

این کتاب که به تو نازل کرده ایم بیانی است برای همه چیز (سوره نحل: آیه ۸۹)

۷۲- سیف تمار گوید با جماعتی از شیعیان در حجر اسماعیل خدمت امام صادق علیه السلام بودیم حضرت فرمودند:

آیا جاسوسی مراقب ماست؟

ما به راست و چپ نگاه کردیم و کسی را ندیدیم.

عرض کردیم: جاسوسی نیست.

حضرت سه مرتبه فرمودند:

به پروردگار این کعبه، به پروردگار این ساختمان،

اگر من با موسی و خضر می بودم به آنها خبر میدادم که من از آنها داناترم و چیزی را که نزد آنها نبود گزارش میدادم.

زیرا به موسی و خضر (علیهما السلام) علم آنچه گذشته و واقع شده عطا گردیده بود، ولی علم آنچه تا روز قیامت واقع می شود عطا نشده بود لیکن ما از راه وراثت آن علم را از رسول خدا (ص) بدست آورده ایم.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَخَفَّفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ
وَالمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ^{۲۱}

۷۳- در شب بدر حضرت رسول اکرم (ص) خطاب به اصحاب فرمودند:

کیست امشب برای ما از چاه، آب بکشد و بیاورد؟

اصحاب سکوت کردند و هیچکدام اقدام براین کار نکردند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشکی برداشته در طلب آب بیرون رفتند و آن شب شبی سرد و طوفانی و ظلمانی بود.

پس به چاه آبی عمیق و تاریک رسیدند.

حضرت برای پر کردن مشک در چاه پائین رفتند، مشک را پر کرده بیرون آمدند که ناگاه باد تندی به آن حضرت برخورد کرد که حضرت از سختی باد نشستند تا برطرف شود.

سپس برخاسته و حرکت فرمودند که باد سختی دیگر مانند باد اولی وزید، آن حضرت نشستند تا آب نریزد.

بار دیگر برخواستند که بروند در مرتبه سوم نیز به همان نحو بادی وزید و آن حضرت نشستند. پس از برطرف شدن باد، برخاستند و خود را به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) رسانیدند.

پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: یا ابا الحسن برای چه دیر آمدی؟

۲۱ - سپس یا رعب یاریش نمودی، و جبرئیل و میکائیل و ملائکه نشاندارت را در اطرافش گرد آوردی.

حضرت علی علیه السلام عرض کردند: سه مرتبه بادی بمن رسید که بسیار سخت بود و مرا لرزه فرا گرفت و مکتم به جهت برطرف شدن آن بادهای بود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: یا علی، آیا دانستی آن بادهای چه بود؟

امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: نه -

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

آن باد اول "جبرئیل" بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند. و دیگری "میکائیل" بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند.

و پس از آن "اسرافیل" بود با هزار ملائکه که سلام کرد بر تو و سلام کردند و اینها به جهت مدد ما فرود آمدند.

(و در روایتی وارد شده است که)؛ آنها برای حفظ تو آمده بودند.

و عبدالرحمن بن صالح با اسناد خود از لیث روایت کرده که؛

او می گفت: برای علی بن ابیطالب در یک شب سه هزار و سه منقبت بود و این خبر را حدیث می کرد.

براستی که این سه هزار فرشته با فرماندهانشان در شب جنگ بدر برای یاری رسانی پیامبر فرود آمدند چنانچه گوئی پرندگان ابابیل بودند.

و وَعَدْتُهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^{۲۲}

۷۴- امام صادق علیه السلام در باره آیه:

“هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ”

“او کسی است که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان
غلبه دهد هر چند که مشرکین کراهت داشته باشند.” (سوره صف: ۹)

فرمودند: به خدا سوگند هنوز تاویلش نازل نشده -

راوی عرضه داشت: چه وقت تاویل آن نازل میشود؟

فرمودند: تا آنگاه که قائم علیه السلام به خواست خدای تعالی بپاخیزد پس چون
حضرت قائم علیه السلام خروج نماید، هیچ کافر یا مشرکی نماند مگر اینکه
خروج آن حضرت را اکراه دارد، بطوریکه اگر کافر یا مشرکی در دل
سنگی پنهان باشد هر آینه آن سنگ خواهد گفت:

“ای مؤمن، در دل من کافر یا مشرکی هست تو او را بکش.”

سپس مؤمن می آید و او را به قتل می رساند.

۲۲- و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی، گرچه مشرکان

ناخوش دارند.

و ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بُوِّتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ^{۲۳}

۷۵- امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان از جدشان نقل فرمودند که:

حضرت علی علیه السلام بر منبر کوفه خطبه خواندند و فرمودند:

بخدا سوگند من پاداش دهنده مردم در روز قیامت و تقسیم کننده بهشت و جهنم. احدی داخل بهشت یا دوزخ نمیشود مگر به یکی از دو تقسیم من،
... "نَحْنُ الصَّادِقُونَ إِذَا نَطَقْنَا وَالْعَامِلُونَ إِذَا سُئِلْنَا"

... ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را از هر نجسی پاک گردانیده.

ما راستگویانیم وقتی سخن میگوئیم و عالم هستیم وقتی از ما سؤال میشود.

وَجَعَلْتَهُ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا

و هُدًى لِّلْعَالَمِينَ^{۲۴}

۷۶- امام باقر علیه السلام فرمودند:

چون خدای عزوجل اراده کرد تا زمین را بیافریند، بادهای (چهارگانه) را فرمود تا به شدت بر سطح آب وزیدند، چندانکه به موجی مبدل گشت، آنگاه آن موج به هم برآمد، تا به توده ای از کف مبدل شد، پس آن کف را در محل بیت گرد آورد، و سپس آن را کوهی از کف

۲۳- و این وعده پس از آن بود که او را در محیط راستی از خاندانش (یعنی:

دودمانی پاک و اصیل) جای دادی.

۲۴- "و آن نخستین خانه ای-را- که در مکه برای عبادت مردم فراهم آمده، و برکت

و هدایت جهانیان در آن نهاده شده" برای او و خاندانش قرار دادی.

ساخت، و آنگاه زمین را از زیر کوه گسترش داد. و این معنی قول
خدای عزوجل است که فرموده:

”إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا“ (سوره آل عمران: ۹۳)

”همانا نخستین خانه ای که خداوند آن را برای پرستش خویش برقرار کرد،
هر آینه آن خانه ای است که در مکه است، و آن خانه ای پر خیر و با برکت است.“
پس اول بقعه ای که خداوند از زمین خلق کرد کعبه بود سپس زمین را
از آنجا گسترش داد.

۷۷- سعید بن عبدالله اعرج گوید؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

خوشایندترین زمین نزد خدایتعالی مکه است، و هیچ خاکی نزد خدای
عزوجل از خاک مکه، و هیچ سنگی نزد خداوند عزوجل از سنگ مکه،
و هیچ درختی نزد خدای عزوجل از درخت آن، و هیچ کوهستانی نزد
خدای عزوجل از کوهستان آن، و هیچ آبی نزد خدای عزوجل از آب
آن خوشایندتر نیست.

۷۸- روایت شده است که: کعبه، در دوران فترت، و فاصله میان عیسی علیه السلام
و محمد (ص) بسوی خدا شکایت برد، و گفت:

پروردگارا چه رخ داده است که زائرین من کم شده اند؟

چه رخ داده است که عیادت کنندگان من کاهش یافته اند؟ پس خدای
جل جلاله بسوی او وحی فرستاد که: من نازل کننده نوری جدید بر
قومی هستم که مشتاق تو می شوند، همانطور که جاندارن مشتاق اولاد

خود می شوند. و با نهایت شوق بطرف تو می آیند.....، و مقصود از این قوم امت محمد (صلی الله علیه وآله) هستند.

۷۹- حریر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

در حجر نوشته ای به این مضمون یافتند: من، "الله" صاحب بگه هستم، در آن روز که آسمانها و زمین را آفریدم، و آن روز که خورشید و ماه را خلق کردم آن را ساختم، و آن را بوسیله هفت فرشته، نیکو محافظت نمودم. در آب و شیر آن برای اهلش برکت نهاده ام. روزی آن از راههای متعدد، از بالای آن شهر و پایین آن و از طریق ثنیه همواره می آید. (ثنیه - راه بین دو کوه)

فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان امناً^{۲۵}

۸۰- ابن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام از آیه شریفه:

"إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

فیه آیات بینات"

اول خانه ای که جهت عبادتگاه مردم نهاده شد، خانه مکه است که در آن برکت و

هدایت جهانیان است در آن نشانه هایی روشن است... (سوره آل عمران: ۹۷)

پرسیدم منظور از "آیات بینات" چیست؟

۲۵- "و نشانه های روشن، از جمله مقام ابراهیم در آن است، و هر کس در آن وارد

شود در امان است."

حضرت فرمودند:

یکی مقام ابراهیم است، که روی آن سنگ ایستاد و اثر دو پایش بر آن باقی ماند.

دیگر حجر الاسود، یکی هم منزل اسماعیل و محل نزول او است.

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا:

۸۱- هشام بن حکم گوید:

امام صادق علیه السلام در مورد کسیکه در خارج از حرم (خانه خدا) جنایتی را مرتکب شده و سپس به حرم پناه برده است، فرمودند:

بر او تا زمانیکه در آنجاست حد اجرا نمیشود، ولی طعام و آب از او بریده می شود، و کسی با او سخن نمیگوید و چیزی به او فروخته نمیشود و چون چنین عملی با او انجام شود زودتر از آن مخفیگاه بیرون می آید آنگاه حد را بر او جاری می سازند.

و چنانچه در حرم مرتکب جنایتی شد در همانجا حد را بر او جاری میکنند چون برای حرم الهی حرمت و احترامی نگاه نداشته است.

وَقُلْتُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً^{۲۶}

۸۲- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً

...خدا جز این منظور ندارد، که پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را

پاکیزه گرداند پاکیزگی خاص. (سوره احزاب: ۳۳)

فرمودند: منظور از آن "رِجْس" (پلیدی): شک و دودلی است.

۸۳- ابوبصیر گوید؛ از امام صادق علیه السلام راجع به تفسیر "آیه اولی الامر" سؤال کردم

فرمودند: این آیه درباره علی بن ابیطالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

عرض کردم: مردم میگویند به چه علت نامی از علی علیه السلام و اهل بیت او در کتاب خدا برده نشده است؟

حضرت فرمودند: به آنها بگوئید؛

"آیه نماز" بر رسول خدا نازل شد و خداوند نامی از سه رکعت و چهار رکعت نبرده است تا آنکه رسول خدا این آیه را برای مردم تفسیر نمود، (و رکعات نماز را مشخص کرد) و "آیه زکات" نازل شد و نامی در

۲۶- و فرمودی: به حقیقت، جز این نیست که خداوند می خواهد پلیدی را از شما

اهل بیت بزدايد و شما را پاک و مطهر سازد، پاکی و طهارتی مخصوص و ممتاز از خلق.

کتاب خدا برده نشده است که از چهل درهم باید یک درهم زکات داد تا آنکه رسول خدا (ص) این آیه را تفسیر فرموده (و نصاب زکات را معین نمود).

و «آیه حج» نازل شد و خداوند در آن فرموده هفت شوط باید دور کعبه طواف کرد تا آنکه رسول خدا (ص) آیه حج را تفسیر نموده (و طواف را هفت شوط قرار داد).

و آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

خدا را اطاعت کنید و پیامبرش را و صاحبان امرتان را اطاعت کنید... (سوره نساء: ۵۹) نازل شد و این آیه درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله (برای تعیین و تشخیص «اولی الامر») فرمودند: ای مردم آگاه باشید هر کس من ولی او هستم علی ولی اوست. و فرمودند:

ای مردم من شما را به کتاب خدا و اهل بیت خودم توصیه و سفارش میکنم و من از خداوند عزوجل درخواست نموده ام که بین آندو جدائی نیفکند تا زمانیکه هر دو را با هم بر من در کنار حوض کوثر وارد کند، و خداوند دعای مرا مستجاب نموده. و فرمودند:

شما به اهل بیت من یاد ندهید و آنها را تعلیم ننمائید زیرا آنها از شما داناترند.

و فرمودند: هیچگاه شما را از درب هدایت بیرون نمیکنند و در ضلالت و گمراهی داخل نمی نمایند. و اگر رسول خدا (ص) سکوت اختیار میفرمود

و اهل بیت خود را (در علی و حسن و حسین) معین نمی نمود هر آینه آل فلان و آل فلان ادعا میکردند که مراد از اهل بیت، مائیم. ولیکن خداوند عزوجل در کتاب خود به جهت تصدیق پیامبرش و تأیید گفتار رسولش آیه ای فرستاد:

”إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً“

که علی و حسن و حسین و فاطمه (علیهم السلام) بودند.

پیامبر گرامی در بیت ام سلمه آنان را در زیر کساء برد و به پیشگاه حضرت ربوبی عرضه داشت:

بارپروردگارا برای هر پیغمبری اهل بیتی و متاعی است و اینان اهل من و متاع من هستند.

ام سلمه گفت: ای رسول خدا آیا من از اهل تو نیستم؟

رسول خدا (ص) به او فرمودند:

تحقیقاً تو بسوی خیر و عافیت هستی، ولیکن اهل من و متاع من منحصر در این جماعت است.

تا آخر حدیث که برخی دیگر از خصائص و فضائل اهل بیت را بیان میکنند.....

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ
فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۲۷

۸۴- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

”قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ“ (سوره شوری: ۲۳)

فرمودند: منظور از (الْقُرْبَى) در این آیه ”امامان“ هستند.

۸۵- رسول خدا (ص) فرمودند:

...اگر بنده ای در بین صفا و مروه هزار سال خدا را عبادت کند، آنگاه
هزار سال دیگر و پس از آن نیز هزار سال دیگر، تا آنکه همچون مشک
پوسیده شود، اما محبت ما اهل بیت را نداشته باشد، خداوند او را با
صورت در آتش می افکند. سپس این آیه را تلاوت فرمودند:
”قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ“

۸۶- رسول خدا (ص) فرمودند:

خداوند را دوست بدارید بجهت آنچه از نعمتهای خویش به شما میدهد،
و مرا به جهت دوستی خدای عزوجل دوست بدارید،
و اهل بیت را بخاطر دوستی من دوست بدارید.

۲۷- سپس اجر محمد (ص) که درودهای تو، بر او و خاندانش باد، را در کتابت مودت
ایشان قرار دادی، پس فرمودی: بگو من از شما برای آن (رسالت) اجری نمیخواهم،
جز دوستی و مهربانی به نزدیکانم.

۸۷- برید بن معاویه عجلی گوید: خدمت امام باقر علیه السلام بودم، یک نفر تازه وارد از خراسان داخل شد که پیاده آمده بود. پاهای خود را نشان داد که پینه بسته بود، گفت: بخدا قسم چیزی جز محبت شما اهل بیت، مرا از این راه دور به خدمت شما نیاورده است.....
 امام باقر علیه السلام فرمودند: بخدا قسم اگر سنگی ما را دوست داشته باشد، خداوند او را با ما محشور می کند. و فرمودند:
 هَلِ الدِّينَ إِلَّا الْحُبُّ؟ "مگر دین غیر از حُب و دوستی است؟"

و قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ^{۲۸۰}

۸۸-... امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: "ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ"

"...هر آنچه اجری از شما خواسته باشم پس برای خود شماست." (سوره سباء: ۴۷)

فرمودند: ای مردم مودت و محبت (به اهل بیت) را که پیامبر غیر آن را از شما نخواست پاداشش برای خود شماست با همان محبت، شما هدایت می شوید و از عذاب قیامت نجات می یابید.

۸۹- جابر گوید: امام باقر علیه السلام روایت فرمودند که: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

دوستی من و دوستی اهل بیتم در هفت محل سودمند است که بسیار هراس انگیزند. ۱- هنگام مرگ، ۲- در قبر، ۳- هنگام نشور، ۴- موقع دریافت نامه عمل، ۵- هنگام حساب، ۶- در میزان، ۷- در صراط.

۹۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که ما اهل بیت را دوست داشته باشد و حباً ما را در دلش محقق سازد، چشمه های حکمت بر زبانش جاری شود، و ایمان در دلش تجدید گردد، و عمل هفتاد پیامبر، و هفتاد صدیق، و هفتاد شهید، و عمل هفتاد عابدی که خدا را هفتاد سال عبادت کند برای او تجدید گردد.

وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا^{۲۹}

۹۱- فضیل گوید: به حضرت ابوالحسن علیه السلام عرض کردم:

چه چیز از واجبات، بیشتر موجب تقرب به خدا می شود؟
حضرت فرمودند:

بهترین چیزیکه موجب تقرب بندگان به خدا میشود اطاعت خدا و پیامبر، و دوستی خدا و پیامبر، و دوستی اولی الامر است.

۲۹- و فرمودی: من از شما برای آن (رسالت) هیچ نمیخواهم مگر آنکه کسی بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (مگر آنکه مزد آن رسالت این باشد که ما را وسیله به درگاه خداوند قرار دهد).

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسَلَّكَ إِلَى رِضْوَانِكَ^{۳۰}

۹۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... ما سبیل و راه هستیم برای کسیکه پیرو ما باشد، و ما راهنمای بسوی بهشتیم و ما دستاویزهای اسلامیم.

تفسیر یک آیه از قرآن کریم درباره "سبیل":

۹۳- امام صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه: "وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ"

"راه کسانی را که بسوی من بازگشت کردند تبعیت کن" (سوره لقمان: ۱۵)

فرمودند: یعنی؛ راه محمد و علی علیهما السلام را پیروی کن.

فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا

وَأَلِيَّهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ^{۳۱}

۹۴- در خطبه غدیر پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماع پیاپی ایستم، پس بشنوید و اطاعت کنید. و در مقابل امر خداوند و پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود

۳۰- پس اهل بیت (علیهم السلام) راه بسوی تو و روشنی بسوی رضوانت بودند (و هستند).

۳۱- پس هنگامیکه دوره او (پیامبر اکرم) سپری شد، ولی خود علی بن ابیطالب علیه السلام

را که در روده‌های بر آن دو بزرگوار و خاندانشان باد به هدایت گماشت.

که او هشدار دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است.

شما است و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزیکه خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

و فرمودند: ای مردم بدانید که من "نذیر" و ترساننده ام و علی "هدایت کننده" است.

تفسیریک آیه از قرآن کریم در مورد "أنت مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ"

۹۵- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

"إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ"

"...تو فقط بیم رسانی و برای هر گروهی هدایت کننده ای هست" (سوره رعد: ۷)

فرمودند:

"مُنذِرٌ": رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

و "لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ" یعنی:

و در هر زمانی یکی از ما اهل بیت رهبر است که مردم را به آنچه پیغمبر (ص) از طرف خدا آورده رهبری میکند.

رهبران بعد از پیغمبر (ص)، اول: علی علیه السلام است و پس از او اوصیانش یکی

پس از دیگری.

فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
 وَالِاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ
 وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ^{۳۲}

۹۶- در خطبه غدیر رسول اکرم (ص) فرمودند:

پروردگارا، به امر تو میگویم: خداوند! دوست بدار هر کس علی را
 دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد، و یاری کن
 هر کس علی را یاری کند، و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار
 کند.

۹۷-... در حدیث معراج، رسول اکرم (ص) فرمودند: خداوند فرمود:

ای محمد، تو فرستاده من بسوی همه مخلوقاتم هستی.
 و علی ولی من و امیر مؤمنان است، و من از همه فرشتگان و پیامبران و
 مخلوقاتم درباره این امر هنگامیکه هنوز در آسمان و زمین مخلوقی را
 نیافریده بودم ولی ارواح اینها خلق شده بودند پیمان گرفته ام.
 این پیمان گرفتن بخاطر محبتی بود که من به تو- ای محمد- و به علی
 و فرزندان شما و دوستانان و شیعیان شما داشتم و به همین خاطر، آنها
 را از طینت شما دو نفر، خلق کردم.

۳۲- پس در حالیکه جمعیت انبوهی پیش رو داشت، فرمود:

هر کس را که من مولای اویم علی علیه السلام نیز مولای اوست. خداوند! دوستانان را
 دوست بدار، و دشمنان را دشمن بدار، یاورش را یاری فرما، و فروگذارش را فرو نه.
 و فرمود: هر کس را که من پیامبرش هستم، علی علیه السلام امیر اوست.

وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى^{۳۳}

۹۸- امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان از حضرت علی علیه السلام روایت کردند که حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند:

یا علی، مردم از درختهای پراکنده خلق شده اند، و من و تو از یک درخت خلق شدیم، ریشه آن درخت: من هستم و تنه آن توئی. و حسن و حسین شاخه های آن، و شیعیان ما برگهای آن هستند پس کسیکه به شاخه ای از شاخه های آن درخت متمسک شود خداوند او را داخل بهشت کند.

وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ

هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي^{۳۴}

۹۹- در خطبه غدیر رسول اکرم (ص) فرمودند:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند- که او "سلام" است - سلام پروردگارم را بمن رسانید و مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع، بپاخیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابیطالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من -

۳۳- و فرمود: من و علی از یک درختیم و دیگر مردم از درختی دیگر.

۳۴- پیغمبر (ص)، حضرت علی علیه السلام را در منزله و مقام هارون نسبت به موسی قرارداد، پس به او فرمود: تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی، جز آنکه پیامبری پس از من نیست.

همانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

۱۰۰-... سلیم بن قیس گوید؛ مقداد از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که: رسول خدا (ص) فرمودند: من از خداوند چیزی را نخواسته ام مگر آنکه به من عطا کرده است! و من از خداوند خواسته ام که تورا بعد از من ولی و سرپرست همه مؤمنان قرار دهد؛ این خواهش را خداوند پذیرفته است. من از خداوند خواسته ام میان من و تو اخوت و برادری برقرار کند؛ و این خواهش را خداوند پذیرفته است.

و من از خداوند خواسته ام در این صورتیکه به من خلعت نبوت و رسالت را پوشانیده است به تو خلعت وصایت و شجاعت را در بر کند؛ و این خواهش را پذیرفته است.

و من از خداوند خواسته ام که تورا وصی من، و وارث من؛ و خازن علم من قرار دهد؛ و این خواهش را پذیرفته است. و من از خداوند خواسته ام که منزله و نسبت تورا با من همانند منزله و نسبت هارون به موسی گرداند؛ و پشت مرا به تو محکم کند؛ و تورا در امر رسالت من شریک گرداند؛ خداوند خواهش مرا پذیرفته است مگر نبوت تورا، زیرا که من خاتم النبیین هستم؛ و خداوند پس از من پیامبری نمی فرستد و من هم راضی شدم. و از خداوند خواستم ترا همسر دخترم و پدر فرزندانم قرار دهد پس خداوند پذیرفت.....

و زَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ^{۳۵}

۱۰۱- خواستگاران به خواستگاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) میآمدند و پیامبر (صلی الله علیه وآله) همه را رد میکردند؛ تا بدانجا که حتی در برخوردی موجب ناراحتی حضرتش گشت؛

عبدالرحمان بن عوف در محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تقاضای همسری با فاطمه (سلام الله علیها) را نمود و گفت: مهر بسیار زیادی برای وی قرار خواهم داد. حضرت دست مبارکش را به طرف زمین برده و ریگهایی را برداشتند. ریگها به در و مرجان تبدیل شد.

پیامبر (ص) فرمودند: کسیکه بر اینکار قادر است، بسیاری مهر را اهمیت نمیدهد.

۱۰۲- در این جریان بود که:

جبرئیل با سنبل و شاخه ای از گل میخک بهشتی فرود آمد و آنها را از جانب خداوند به رسول الله (صلی الله علیه وآله) هدیه داد، سپس امر خداوند را به حضرتش ابلاغ نمود که فاطمه (علیها السلام) را با پانصد درهم مهر - که سنت امت گردد - به عقد امیرالمؤمنین علیه السلام در آورد.

جبرئیل ادامه داد که خدای تعالی فرموده: اما مهری که من برای او قرار داده ام: یک پتجم دنیا، ثلث بهشت، و چهار رود: فرات و دجله و نیل و بلخ می باشد. او همچنین حبیب الله را آگاه ساخت که از نسل او یازده امام پدید خواهند آمد که هدایتگر دوران خود خواهند بود.

۳۵- و دخترش بانوی بانوان جهان را به او تزویج کرد.

۱۰۳- در حدیث آمده که:

در طلایه بهم پیوستن این دو دریای نور، (ازدواج حضرت علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام) خدای سبحان ملائکه را امر نمود که بهشت را بیارایند.

حورالعین را دستور فرمود که سوره های "طه، یس و جمع" را قرائت کنند، و ابرهائی فرستاد که در و یاقوت و لؤلؤ و مرجان و سنبل و گل میخک (بر آسمانیان) فرو ریزند، که ملائکه و حوریان آنها را برداشته و به یکدیگر هدیه میدادند.

۱۰۴- ... از رسول خدا (ص) پرسیدند که آیا فاطمه سرور زنان اهل بهشت است یا سرور زنان دوران خویش است؟

فرمودند: نه، این مقام را مریم بنت عمران داشت اما دخترم سرور بانوان همه جهان از آغاز تا پایان می باشد.

۱۰۵- عایشه گوید: روزی فاطمه پیش می آمد. سوگند بخدای یگانه ای که جز او معبودی نیست، همانگونه گام برمیداشت که پدر ارجمندش قدم می زد.

چون نگاه رسول خدا به وی افتاد دوبار فرمودند: آفرین بر دخترم.

سپس فاطمه (س) نقل نمود که حضرت به من فرمودند:

آیا خوش نداری که روز بازپسین سرور بانوان همه جهان یا سرور بانوان این امت باشی؟

وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ^{۳۶}

۱۰۶- جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی پیامبر (ص) نزد ما آمدند در حالیکه در دستشان چوبی تازه از درخت خرما بود و ما در مسجد آن حضرت جمع شده بودیم، حضرت ما را میزدند و می فرمودند: در مسجد نخواستید. جابر گوید: ما بیرون رفتیم و علی علیه السلام خواست با ما بیرون آید پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: برادرم، چرا خارج می شوی؟ برای تو در مسجد حلال است آنچه برای من حلال است تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی هستی. خداوند به موسی دستور داد تا مسجد پاک و پاکیزه ای بنا کند که در آن جز خود و دوپسرش شَبْر و شَبِیر همراه او کسی ساکن نشود.

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ

أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا^{۳۷}

۱۰۷- مرآزم از امام صادق علیه السلام نقل کرده فرمودند:

“عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلَّ بَابِ أَلْفِ بَابٍ”

پیامبر اکرم (ص) به علی هزار باب از علم آموخت که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده میشد.

۳۶- و آنچه از مسجدش که برای خودش حلال گردانیده بود، برای او (علی علیه السلام)

حلال نمود، و درهای (ورودی به) مسجد را غیر از درب خانه آن حضرت بست.

۳۷- سپس علم و حکمت خود را بدو سپرد، و فرمود: من شهر علمم و علی درب آن،

پس هر که خواهان ورود به این شهر و حکمت است، باید از درب آن وارد شود.

۱۰۸- امام صادق علیه السلام فرمودند: ... رسول خدا (ص) فرمودند:

من شهرم و علی درب آن است، دروغ گوید هر که گمان کند که از غیر درب به شهر درآمده، و نیز دروغ گوید هر که گمان کند مرا دوست داشته و علی علیه السلام را دشمن دارد.

۱۰۹- یونس بن رباط گوید:

من و کامل خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. کامل به حضرت عرض کرد: قربانت کردم، فلان شخص حدیثی روایت کند. فرمودند: آن را باز گو.

او گفت: رسول خدا (ص) در روز وفاتش به علی علیه السلام هزار باب حدیث کرد و هر بابی مفتاح هزار حدیث بود که جمعاً یک میلیون باب می شد.

فرمودند: آری چنین بود. عرض کردم قربانت، آن بابها برای شیعیان و دوستان شما هم ظاهر شد؟ (از آن علوم آگاه گشتند؟)

فرمودند: ای کامل، یک باب یا دو باب آن ظاهر گشت.

عرض کردم: قربانت، بنابراین از یک میلیون باب از فضل شما جز یک یا دو باب روایت نشده است؟

فرمودند: توقع دارید که شما از فضل ما چه اندازه روایت کنید؟ شما از فضل ما جز یک ألف غیر متصل روایت نکنید.

۱۱۰- رسول خدا (ص) فرمودند:

«أنا مدينةُ الحِكمةِ وِ عليُّ بابُها»: من شهر حکمتم و علی درب آن است.

۱۱۱- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

تا دیر نشده و تا از میان شما نرفته ام، آنچه را که می‌خواهید از من پرسید زیرا (باطن من) جایگاه و ظرف علم (الهی) است. و (علوم من) همه آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله (به من یاد داده و) در دهان من گذاشته است، مانند پرنده ای که به جوجه خویش طعام می‌دهد. از من پرسید زیرا همه علوم اولین و آخرین نزد من است. بخدا سوگند اگر مستند حکم و قضاوت برایم فراهم میشد، به تحقیق "اهل تورات" را مطابق با کتاب توراتشان فتوی و حکم می‌دادم تا آنجا که کتاب تورات، خود به نطق آید و گوید: علی به راستی سخن گفت و آنچه از من بر شما حکم نمود، تماماً به صدق بوده و مبری از کذب است. و به آنچه خدا در من نازل فرموده، فتوی داده است، همچنین "اهل انجیل" را مطابق با انجیل حکم می‌نمودم آن چنانکه انجیل نیز به نطق آید و مرا تصدیق نماید و به شما بگوید: علی به آنچه خدای تبارک و تعالی در من نازل فرموده حکم نمود. و "اهل قرآن" را هم مطابق با قرآنشان فتوی می‌دادم تا آنجا که قرآن به سخن آید و بگوید: علی علیه السلام راست گفت و دروغ نگفت، همانا به آنچه خداوند در من نازل فرموده فتوی داد.

و شما قرآن را شب و روز تلاوت میکنید، آیا در میان شما کسی هست که آنچه را در قرآن نازل شده است بداند؟ اگر آیه ای در قرآن نبود به شما خبر میدادم از آنچه بوده و هست و خواهد بود تا روز قیامت و آن

آیه این است: "يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" (سوره رعد: ۳۹)

خداوند هر چه را خواهد محو و هر چه را خواهد اثبات میکند و نزد او ام کتاب است.

ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي
وَ دَمِّكَ مِنْ دَمِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبُكَ حَرْبِي^{۳۸}

۱۱۲- در خطبه غدیر رسول اکرم (ص) فرمودند:

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است. ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

۱۱۳- ابن عباس گوید: رسول خدا (ص) به اُم سلمه گفت:

ای اُم سلمه علی از من است، و من از علی هستم! گوشت او از گوشت من است و خون او از خون من است. و نسبت او با من نسبت هارون است با موسی ...

تفسیر دو آیه از قرآن کریم در مورد (سِلْم و تَسْلِيم)

۱۱۴- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ“: ”دین نزد خدا تنها اسلام است.“ (سوره آل عمران: ۱۹)

فرمودند: ”التَّسْلِيمُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِالْوِلَايَةِ

منظور از ”اسلام“ عبارت از:

تسلیم شدن نسبت به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بوسیله قبول ولایت ایشان است.

۳۸- سپس فرمود: تو برادر و جانشین و وارث من هستی گوشتت از گوشتم، و

خونت از خونم است. صلح با تو صلح با من، و جنگ با تو جنگ با من میباشد.

۱۱۵- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً“

”ای کسانی که ایمان آورده اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید.“ (بقره: ۲۰۸) فرمودند:

”ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ“ یعنی: وارد ولایت ما شوید.

۱۱۶- رسول خدا (ص) فرمودند:

ولایت علی بن ابیطالب ولایت خدای عزوجل است، و دوست داشتن او عبادت خداست.

و پیروی از او، از طرف خدا واجب شده است.

و دوستان او دوستان خدا، و دشمنان او دشمنان خدا هستند.

جنگ با او جنگ با خداست.

و تسلیم بودن نسبت به او، تسلیم بودن نسبت به خدای عزوجل است.

۱۱۷- امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارشان، از جدشان روایت فرمودند که:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

...براستی علی برادر من، رفیق من، وزیر من، وصی من است

...جنگ با او جنگ با من، و سلّم با او سلّم با من است.....

وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لِحَمِّكَ وَ دَمِّكَ كَمَا خَالِطٌ لِحَمِّي وَ دَمِّي وَ أَنْتَ
غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي^{۳۹}

۱۱۸- از رسول اکرم (ص) سؤال شد اهل بیت چه کسانی هستند؟
رسول اکرم (ص) فرمودند: علی و دو سبط (نواده) من و نه تن از فرزندان
حسین (علیهم السلام) امامان، ابرار، امینان معصومند. آگاه باشید اینان اهل بیت
من و عترت من هستند از گوشت و خون من هستند.

۱۱۹- پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

بر کنار حوض کوثر پرچم امیر مؤمنان و پیشوای روسفیدان ارمن وارد
می شود پس برمی خیزم و دست او را می گیرم آنگاه دست او و
صورت های اصحابش سفید می شود به آنها (اصحاب) میگویند در مورد
"ثقلین" بعد از من چگونه رفتار کردید؟

پس خواهند گفت: از "ثقل اکبر" پیروی کردیم و او را تصدیق نمودیم
و "ثقل اصغر" را یاری کردیم و در خدمت او مبارزه نمودیم.

پس میگویم: بیاشامید آشامیدنی سیراب شده، پس میآشامند آشامیدنی
سیراب شدنی که پس از آن تشنه نخواهند شد، چهره امامشان همچون
خورشید برآمده و چهره های خودشان (اصحاب) همچون ماه شب
چهارده و بسان درخشنده ترین ستاره آسمان میدرخشد.

۳۹- و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است، چنانکه با گوشت و خون من در
آمیخته، و تو فردا بر حوض (کوثر) جانشین من هستی.

وَ أَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي^{۴۰}

۱۲۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

چون وفات رسول خدا (ص) فرا رسید رسول خدا (ص) عباس بن عبدالمطلب و امیرالمؤمنین علیه السلام را طلب کرد و به عباس فرمودند:

عموی محمد، قبول میکنی که ارث محمد را ببری و قرضش را بپردازی و به وعده هایش وفا کنی؟

او نپذیرفت و گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم قربانت، من پیرمردم، عیالم بسیار و مالم اندک است و تو در سخاوت با باد مسابقه گذاشته ای چه کسی طاقت وصایت تو را دارد؟ حضرت اندکی سر پائین انداخته سپس (بار دوم) فرمودند:

عباس آیا می پذیری که ارث محمد را ببری و قرضش را ادا کنی و وعده هایش را عملی کنی؟

عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت پیرمردی عیالمند و نادارم و تو با باد مسابقه داری.

فرمودند: همانا این وصیت را به کسی می سپارم که شایسته دریافت آن است.

سپس فرمودند: ای علی ای برادر محمد، قبول داری که وعده های محمد را عمل کنی و قرضش را بپردازی و میراثش را بگیری؟

۴۰- و تو قرض مرا می پردازی و به وعده هایم وفا میکنی.

(در کیفیت سؤال حضرت از این دو نفر نکته ای لطیف است که در خطاب به عباس اولاً گرفتن میراث را می فرماید و نسبت به علی علیه السلام قرض و وعده را مقدم می دارد)

علی علیه السلام عرض کرد: آری پدرم و مادرم به قربانت، سود و زیانش با من سپس حضرت علی علیه السلام فرمودند:

من به پیغمبر نظر میکردم، دیدم انگشتر خویش از انگشت بیرون کرد و فرمودند: تا من زنده ام این انگشتر به دست کن.

چون در انگشتم کردم به آن نظر نمودم و آرزو کردم که از تمام ترکه آن حضرت همین انگشتر را داشته باشم.

وَ شِيعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مَبِيضَةٍ وَ جُوهِهِمْ

حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيرَانِي^{۴۱}

۱۲۱- رسول اکرم (ص) فرمودند:

یا علی، تو و شیعیانت از قبرهایتان بیرون میآید در حالیکه صورتهایتان همچون ماه شب چهارده می درخشند، و سختیها از شما دور شده و محنتها برطرف گردیده، زیر عرش سایه می گیرید، مردم میترسند ولی شما ترسی ندارید، و مردم اندوهگین هستند ولی شما اندوهی ندارید و - در حالیکه مردم پای حساب هستند برایتان مائده ای گسترده میشود.

۴۱- و شیعه تو بر منابری از نور، سفید رو، برگرد من در بهشت نشسته اند، و همسایگان من می باشند.

۱۲۲- رسول خدا (ص) به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

تو اولین کسی هستی که از امت من داخل بهشت خواهی شد، و شیعیان تو همگی بر منبرهایی از نور بالا خواهند رفت، همگی خرسند و خوشنود با صورتهای سفید و چهره های درخشان اطراف من هستند، من شفیع آنها خواهم شد، و همه آنها در فردای قیامت همسایگان من خواهند بود.

۱۲۳- رسول خدا (ص) در باره شیعیان علی علیه السلام فرمودند:

ای علی، شیعیان تو در راه روشن حق و صراط مستقیم هستند و بسا کسانی که با عقاید آنها مخالف هستند انس و الفت نمی گیرند، دنیا برای آنها نیست و آنها نیز برای دنیا نیستند. آنان روشن کننده تاریکیها هستند. (و حضرت این جمله را سه بار تکرار فرمودند).

۱۲۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

بدرستی که حواریون حضرت عیسی علیه السلام شیعیان او بودند و همانا شیعیان ما حواریون ما هستند، و حواریون عیسی فرمانبردارتر برای عیسی نبودند از حواریون ما برای ما.

عیسی به حواریون گفت: چه کسی انصار من بسوی خداست؟

حواریون گفتند: ما انصار الله هستیم پس بخدا سوگند او را از (شر) یهود یاری و نصرت ندادند و با یهود در دفاع از او (حضرت عیسی) به مقاتله برخاستند. و شیعیان ما بخدا قسم پیوسته از هنگامیکه خداوند عزوجل رسولش را قبض روح فرمود ما را یاری نمودند و در دفاع از ما به مقاتله برخاستند و سوزانیده شدند و مورد عذاب قرار گرفتند و در شهرها پراکنده شدند. خداوند از جانب ما به آنها خیر مرحمت فرماید.

وَلَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي^{۴۲}

۱۲۵- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

...خداوند ایمان کسی را نمی پذیرد مگر به ولایت علی و اطاعت از او.

۱۲۶- امام باقر علیه السلام فرمودند:

خدای عزوجل علی علیه السلام را پرچم و نشانه میان خود و آفرید گانش قرار داده است. بطریقی که هر کس معرفت او را داشته باشد "مؤمن"، و هر کس او را انکار نماید، کافر است.

و هر کس نسبت به او نادان باشد "گمراه"، و هر کس برای دیگری در کنار او مقامی قائل شود "مشرک" است.

و هر کس ولایت او را داشته باشد وارد بهشت، و هر کس دشمن او باشد وارد جهنم میگردد.

۱۲۷- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

در شب معراج وقتی به سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى رسیدم، ...خداوند فرمود:

من چنین مقدر کردم که او (علی) وسیله ای برای آزمایش و امتحان باشد و اگر علی علیه السلام نبود افراد حزب من و دوستان من و دوستان پیروان فرستادگان من شناخته نمیشدند.

۴۲- و اگر تو ای علی نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند.

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنَ الْعَمَى^{۴۳}

۱۲۸- امام صادق علیه السلام فرمودند:

مائیم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر شناختن ما معذور نمی باشند. هر که ما را شناخت مؤمن است و هر که انکار کرد کافر است. و کسیکه شناسد و انکار هم نکند، گمراه است تا زمانیکه بسوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی ماست برگردد. و اگر به همان حال گمراهی بمیرد، خدا هر چه خواهد با او کند.

۱۲۹- امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر کس دینداری خدای عزوجل را بکند بوسیله عبادتی که خود را در آن به زحمت افکند، اما امام و پیشوایی که خدا معین کرده نداشته باشد، زحماتش بی فایده است و خودش گمراه و سرگردان است و خدا هم دشمن اعمالش است. و داستان او داستان گوسفندی است که چوپان و گله خود را گم کرده و تمام روز را سرگردان این طرف و آن طرف میزند. پس چون شب فرا می رسد، یک گله گوسفند همراه با چوپان می بیند و بسوی آن متمایل می شود و فریب نخورده، آن را گله خود می پندارد. شب را در خوابگاه آن گله سپری میکند و (صبح) وقتی چوپان گله خود را حرکت میدهد، او و گله اش را نا آشنا می بیند.

۴۳- و (علی علیه السلام) پس از او (پیامبر صلی الله علیه و آله) هدایتگر از گمراهی و روشنگر از

پس سرگردان به دنبال چوپان و گله خود میگردد؛ تا اینکه چشمش به یک گله گوسفند که چوپان دارند می افتد و بسوی آن متمایل میشود و فریب خورده؛ آن را گله خود می پندارد.

(همینکه به آن گله میرسد) آن چوپان بر سرش فریاد میزند:

برو سراغ چوپان و گله خودت!

تو چوپان و گله خود را گم کرده ای و سرگردانی!

پس وحشت زده و سرگردان و گمگشته به راه می افتد، هیچ چوپانی که او را به چراگاه خود هدایت کند یا اینکه بجای قبلی اش برگرداند پیدا نمیکنند. در این میان، ناگهان گرگ فرصت را غنیمت شمرده او را میزدرد. و بخدا قسم - ای محمد - هر کس از امت اسلام امامت امام منصوب از طرف خدای عزوجل را که آشکار و عادل است نپذیرفته باشد گمگشته و گمراه است.

و اگر به همین حال بمیرد باحال کفر و نفاق از دنیا رفته است.

وَ حَبْلِ اللَّهِ الْمُتَيْنِ^{۴۴}

تفسیر یک آیه از قرآن کریم در مورد (حَبْلِ اللَّهِ)

۱۳۰- ابو حفص صائغ از امام صادق علیه السلام در باره: "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا"

"همگی به ریسمان الهی چنگ زنید..." (سوره آل عمران: ۱۰۳)

پرسید، امام صادق علیه السلام فرمودند: ما "حَبْلِ اللَّهِ" هستیم.

۴۴- و حضرت علی علیه السلام رشته محکم خدا است.

۱۳۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

دو سبط من حسن و حسین بهترین سبطها می باشند، دو سبط این امتند، و البته اسباط از فرزندان یعقوب بودند، و آنان دوازده تن بودند، و امامان بعد از من دوازده تن از خاندانم خواهند بود، علی علیه السلام نخستین ایشان است، و اوسط آنان محمد و آخرینشان محمد، مهدی این امت می باشد، آنکه عیسی پشت سرش نماز خواهد خواند.

آگاه باشید که هر کس بعد از من به آنان متمسک گردد البته به ریسمان الهی چنگ زده است، و هر کس از دامان ایشان دست بکشد از ریسمان خداوند جدا شده است.

و صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ^{۴۵}

۱۳۲- پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

... ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی آن امر نموده و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایتند، به حق هدایت میکنند، و به یاری حق به عدالت رفتار میکنند...

۱۳۳- مفضل گوید: از حضرت صادق علیه السلام راجع به "صراط" پرسیدم فرمودند:

"صراط" راه بسوی معرفت و شناخت خدا است و دو نوع صراط داریم یکی در دنیا و دیگری در آخرت. "صراط دنیا": امام است که اطاعت او

۴۵- و حضرت علی علیه السلام راه مستقیم او بود.

واجب است. هر کس او را بشناسد و از دستوراتش پیروی نماید از "صراطِ آخرت" که پلی است بر روی جهنم خواهد گذشت هر کس او را نشناسد پایش در صراطِ جهنم خسواید لغزید و میان جهنم خواهد افتاد.

لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ^{۴۶}

۱۳۴- ابن عباس گوید: شنیدم پیامبر اکرم (ص) به علی علیه السلام میفرمودند:

خداوند بود و هیچ چیز وجود نداشت، "من و تو" را دو روح از جلال خود آفرید. ما مقابل عرش به تقدیس و تهلیل و سپاس خدا اشتغال داشتیم پیش از آنکه آسمانها و زمینها را بیافریند. وقتی اراده آفرینش آدم را کرد من و تو را از یک سرشت، از طینت علین آفرید، و ما را با آن نور درآمیخت. ما را در تمام نورها و نهرهای بهشت فروبرد. سپس "آدم" را آفرید، و در صلب او آن طینت و نور را به ودیعه گذاشت. پس از آفریدن آدم، فرزندان و ذریه او را از پشتش خارج کرد و از آنها اعتراف گرفت و آنها اقرار به ربوبیت کردند. و اول کسیکه اقرار به ربوبیت کرد من و تو بودیم، و سایر پیامبران به نسبت مقام و قریشان به خدای عزوجل.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: گواهی دادید و اقرار کردید ای محمد و علی، و از همه خلایق بر طاعت من سبقت گرفتید. در علم سابق من نیز چنین بودید. شما دو برگزیده از آفریده های من هستید و ائمه از نژاد و

۴۶- هیچکس در خویشاوندی به رسول خدا از نظر رحم و در پذیرش دین از

او (حضرت علی علیه السلام) جلوتر نبود.

پیروان شمایند، اینچنین شما را آفریدم. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: یا علی، طینت و سرشت در صلب آدم بود، و نور من و تو در بین دو چشمش.

پیوسته این نور منتقل می شد بین دو چشم پیامبران برگزیده تا بالاخره طینت و نور هر دو منتهی به صلب عبدالمطلب شد. آنگاه به دو قسمت تقسیم گردید، خداوند مرا از یک نیمه آن آفرید و "پیامبر و رسولم" قرار داد، و تو را از نیمه دیگر و "جانشین و وصی" و امام "قرار داد.

۱۳۵- رسول اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت.

و لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَخْذُو حَذْوَالرَّسُولِ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا^{۴۷}

۱۳۶- حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ششقیه فرمودند:

"يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ" سبیل فضیلت از من سرازیر میشود و هیچ پروازکننده ای به قلّه عظمت من نخواهد رسید.

۴۷- در هیچ فضیلت و منقبتی از مناقب، کسی بنا او برابر نمیشد. گام به گام از پیامبر اکرم- که درود خداوند بر هر دو و فرزندانشان باد- پیروی میکرد.

۱۳۷- امام صادق علیه السلام فرمودند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

خداوند تعالی برای برادرم علی بن ابیطالب فضائلی را قرار داده که از کثرت و زیادی شمرده نمیشود. هر کس یکی از فضائل او را بخواند یا اقرار به آن نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد.

و هر کس یک فضیلت از فضائل او را بنویسد، تا وقتی که اثر آن نوشته باقی باشد، ملائکه برای او استغفار میکنند.

و هر کس به یکی از فضائل او گوش دهد، خداوند گناهان او را که از راه گوش انجام داده میآمرزد.

و هر کس به نوشته یکی از فضائل او نگاه کند خداوند گناهی را که از راه چشم مرتکب شده می آمرزد. سپس فرمودند:

نگاه به علی بن ابیطالب عبادت است. خداوند ایمان بنده ای را نمیدیرد مگر به ولایت او، و بیزاری از دشمنان او.

۱۳۸- رسول خدا (ص) درباره حضرت علی علیه السلام فرمودند:

”مَثَلُهُ كَمَثَلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يُزَارُ وَلَا يُزُورُ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الْقَمَرِ إِذَا طَلَعَ

أَضَاءَ الظُّلْمَةَ، وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ أَنَارَتْ“

مثل علی بن ابیطالب علیه السلام مثل خانه خدا است که زیارت میشود، ولی به

زیارت کسی نمیرود. و مثل امیرالمؤمنین علیه السلام مثل ماه است که وقتی طلوع

میکند ظلمتها و تاریکیها را از بین برده، روشن میکند. و (باز) مثل

علی علیه السلام مثل خورشید است که وقتی طلوع میکند، نورافشانی مینماید.

۱۳۹- حضرت علی علیه السلام در "خطبه نورانیة" خطاب به سلمان و ابوذر فرمودند:

"وَ اِنَّمَا اَنَا عَبْدٌ مِّنْ عِبَادِ اللّٰهِ تَعَالٰی لَا تُسَمُّونَا اَرْبَابًا وَقُولُوا فِیْ فَضْلِیْنَ مَا شِئْتُمْ
فَاِنَّكُمْ لَمْ تَبْلُغُوا مِنْ فَضْلِیْنَ كُنْهَ مَا جَعَلَهُ اللّٰهُ لَنَا وَ لَا مِغْشَارَ الْعُشْرِ"

همانا من بنده ای از بندگان خدای تعالی هستم، مارا خدایان نخوانید (اما) در مورد فضل ما هر چه میخواهید بگوئید زیرا شما در بیان فضایل ما نه تنها به گنه فضیلتی که خداوند برای ما قرار داده نمی رسید، بلکه به یک صدم آن هم نخواهید رسید.

و فرمودند: ای سلمان و ای جنّاب، عرض کردند: لیسک یا امیرالمؤمنین. حضرت فرمودند:

مَنْ اَنْ كَسَى هَسْتَم كَه بَه اذْنِ پَرورْدِ گَارْمِ "نوح" رَا در كَشْتِي سَوَارِ
كردم (و او را از غرق شدن نجات دادم).

مَنْ اَنْ كَسَى هَسْتَم كَه بَه اذْنِ پَرورْدِ گَارْمِ، "يونس" رَا از شَكْمِ مَاهِي
بيرون آوردم.

مَنْ اَنْ كَسَى هَسْتَم كَه بَه اذْنِ پَرورْدِ گَارْمِ "موسى بن عمران" رَا از دريَا
عبور دادم.

مَنْ اَنْ كَسَى هَسْتَم كَه بَه اذْنِ پَرورْدِ گَارْمِ "ابراهيم" رَا از آتَشِ بِيرونِ
آوردم.

مَنْ اَنْ كَسَى هَسْتَم كَه بَه اذْنِ پَرورْدِ گَارْمِ زَمِيْنِ رَا گَسْتَرَانِيْدَه وَ
رودخانه های آن را جاری ساخته و چشمه هایش را گشوده و درختانش
را کاشتم.

من عذاب روز قیامت.

من ندا کننده از مکان نزدیکم که جن و انس، آن ندا را بشنوند و گروهی آن را بفهمند.

من به هر گروه جبار و ستمگری و به هر منافقی به زبان خودشان ندایم را می شنوایم.

من خضر، عالم موسی هستم.

من معلم سلیمان پسر داوودم.

من ذوالقرنین هستم.

من قدرت خدای عزوجل هستم.

من امیر هر مؤمن و مؤمنه هستم چه آنهایی که در زمان گذشته بوده اند و چه آنهایی که باقی مانده اند.

من به روح العظمة مؤید شده ام...

و در آخر خطبه تطنجیه فرمودند:

”تَحْنُ كُنَّا مَعَ آدَمَ، وَ كُنَّا مَعَ نُوحٍ، وَ كُنَّا مَعَ مُوسَى، وَ كُنَّا مَعَ

عیسی وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، وَ مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ النَّبِيِّينَ فَكُلُّ الْإِنْسَانِ وَ فِينَا وَ بِنَا“
 ”ما با آدم و نوح و موسی و عیسی و داوود و سلیمان و پیامبرانی که بین آنها آمده اند (علیهم السلام) بوده ایم.

همه آنها بسوی ما باز میگردند و در راه ما قدم زده و حرکت کردند و به سبب ما در امر نبوتشان موفق گردیدند.“

وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ^{۴۸}

۱۴۰- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

مردی از شماست که بر اساس تأویل قرآن می‌جنگد چنانکه من بر تنزیل قرآن جنگیدم ابوبکر گفت: یا رسول الله، آن مرد من هستم؟
پیامبر اکرم (ص) فرمودند: نه - عمر گفت: یا رسول الله، آیا من هستم؟
پیامبر اکرم (ص) فرمودند: نه، او همان کسی است که وصله کننده کفش در اطاق است. سپس حضرت علی علیه السلام بطرف ما بیرون آمدند درحالیکه کفش رسول الله (ص) با ایشان بود.

۱۴۱- پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

تو بعد از من سی سال خواهی ماند که خدا را عبادت میکنی و بر ظلم قریش صبر می‌نمائی و آنگاه که یارانی یافتی در راه خدای عزوجل با آنان به جهاد برمیخیزی.

بر اساس تأویل قرآن با ناکثین و قاسطین و مارقین از این امت جنگ مینمائی همانطور که همراه من بر اساس تنزیل قرآن جنگیدی، سپس به شهادت گشته میشوی، و محاسنت از خون سرت خضاب میشود. قاتل تو در بغض نسبت به خداوند و دوری از خدا و از من همچون پی کننده شتر (صالح) و همچون قاتل یحیی بن زکریا و فرعون ذوالاوتاد (صاحب میخها) خواهد بود.

۱۴۲- از امام صادق علیه السلام سؤال شد:

چرا امیرالمؤمنین علیه السلام در اول امر با دشمنان خود جهاد و قتال ننمود؟

فرمودند: ترک قتالش به جهت آیه ای در کتاب خدا بود:

”لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا“

”اگر آن مؤمنین ناشناخته از بین کفار جدا شده بودند ما کفار را به

عذابی دردناک گرفتار میکردیم“ (سوره فتح: ۲۵)

عرض کردم: مراد از کسانی که در آیه شریفه ”مزایلت“ میکنند چه کسانی

هستند؟- فرمودند: نطفه های مؤمنانند که در اصلاب کافران و دیعه

گذاشته شده اند (پس چون امیرالمؤمنین علیه السلام دانستند که در اصلاب دشمنانش

نطفه مؤمنان هست، از این جهت با ایشان قتال ننمودند و آنها را نکشتند) همچنین

قائم علیه السلام ظهور نمیکند تا وقتی که امانتهای خدا، یعنی: نطفه مؤمنان از

اصلاب کفار و منافقان بیرون آیند. وقتی که آنها بیرون آمدند آنگاه آن

حضرت بر دشمنان خدا خروج میکند و ایشان را به قتل می رساند.

وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ ٤٩

۱۴۳- پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی برمگردانید

و از ولایت او سرباز تزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل

میکند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی مینماید. و در راه خدا سرزنش

ملامت کننده ای او را مانع نمیشود.

۴۹- و در راه خدا سرزنش ملامتگری او را نگرفت.

قَدْ وَكَّرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ وَنَاوَشَ ذُؤُبَانَهُمْ
فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ^{۵۰}

۱۴۴- در مجمع البیان آمده که:

محمد بن کعب قرظی، و دیگران از تاریخ نویسان در حوادث جنگ خندق گفته اند:

عمرو بن عبدود یگانه جنگجوی شجاع قریش بود، این مرد با هزار مرد جنگی برابری می کرد... و اولین کسی که از خندق پرید همین عمرو و همراهانش بودند... در آن روز در پاسخ به مبارز طلبی عمرو بن عبدود، از میان صف مسلمین حضرت علی علیه السلام بسوی عمرو شتافت. تا آنکه صدای علی علیه السلام به تکبیر بلند شد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

به آن خدائی که جانم در دست اوست علی او را کشت...

پس علی علیه السلام سراز بدن عمرو جدا نمود نزد رسول خدا (ص) آورد در حالیکه رویش از شکرانه این موفقیت چون ماه می درخشید.

۱۴۵- حدیث گوید: رسول خدا (ص) فرمودند:

ای علی بشارت باد تو را که اگر عمل امروز تو (کشتن عمرو بن عبدود در جنگ خندق) در یک کفه میزان و عمل تمامی امت در کفه دیگر

۵۰- در راه او محاصره را بر دلاوران عرب تنگ کرد، و قهرمانانشان را کشت، و گرگهایشان را دستگیر کرد، و در این راه کینه هائی به دلهایشان سپرد، کینه هائی از جنگهای بدر و خیبر و حنین و غیر آنها.

گذاشته شود عمل تو سنگین تر است برای اینکه هیچ خانه از خانه های شرک نماند مگر آنکه مرگ عمرو و خواری را در آن وارد کرد، همچنانکه هیچ خانه ای از خانه های اسلام نماند مگر آنکه با کشتن عمرو عزت را در خانه داخل نمود.

أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً:

۱۴۶- پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی، مزده باد تو را، که زندگی و مرگ تو با من است و تو برادر و وزیر و وارث من هستی، و تو ذمه مرا بری و امانت مرا ادا مینمائی و طبق سنت من می جنگی. تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی هستی و... در مقابل ظلم قریش و همدستی آنان بر علیه خودت صبر کن که اینها کینه های بدر و خونخواهی های اُحُد است و تو بمنزله هارون و تابعینش، و آنان بمنزله گوساله و تابعینش هستند.

وَ خَيْبَرِيَّةً:

۱۴۷-... در فتح خیبر رسول خدا (لوائ جنگ) پرچم مهاجرین را به ابوبکر سپرد ولی او فرار کرد. فردای آن روز پرچم را به عمر سپرد و او هم فرار کرد، در حالیکه مردم را ضعیف القلب میدانست و مردم هم او را ترسو و ضعیف می شمردند. پیامبر از فرار کردن این دو نفر ناراحت شدند و فرمودند: اکنون لوائ جنگ را به کسی می سپارم که حمله میکند و فرار نمیکند، خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش

هم او را دوست میدارند، بر نمیگردد تا اینکه خدا فتح را بدست او عملی کند. قریش به یکدیگر میگفتند:

اگر منظور پیامبر (ص) به علی است که چشم درد او مانع از حضورش در جنگ است به حدی که حتی جای قدمهایش را هم نمی بیند.

حضرت علی علیه السلام وقتی سخنان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را شنید به خداوند عرضه داشت:

”اللَّهُمَّ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ“

”پروردگارا، اگر تو چیزی را منع کنی عطا کننده ای برای آن نیست و اگر تو چیزی را عطا کنی منع کننده ای برای آن نیست.“

صبح شد، و مردم اطراف پیامبر اجتماع کردند.

سعد میگوید؛ مقابل پیامبر دو زانو نشستم، بعد روی پا ایستادم به امید آنکه مرا صدا کند.

پیامبر (ص) فرمودند: علی را بخوانید، مردم از همه جا فریاد کشیدند که او چشم دردی دارد که حتی جای قدمهایش را هم نمی بیند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: دنبالش بفرستید و او را بیاورید.

وقتی حضرت علی علیه السلام را آوردند سرش را بر پای پیامبر گذاشت و پیامبر از آب دهان خود در چشم او ریختند و چشمان حضرت علی علیه السلام باز شد. (شفا یافت).

سپس پیامبر اکرم (ص) پرچم را به حضرت علی علیه السلام دادند و برای او دعا کردند.....

۱۴۸- و در کتاب فروغ ابدیت در بیان واقعه خیر آمده است:

... امیرمؤمنان علیه السلام از ناحیه پیامبر مأمور شد که دژهای "وطیح" و "سلام" را بگشاید (دژهایی که دو فرمانده قبلی موفق به گشودن آنها نشده بودند، و با فرار خود ضربه جبران ناپذیری بر حیثیت ارتش اسلام زده بودند).

زره محکمی برتن کرد و شمشیر مخصوص خود "ذوالفقار" را حمایل نموده؛ هروله کنان و با شهادت خاصی که شایسته قهرمانان ویژه میدانهای جنگی است، به سوی دژ حرکت کرد.

و پرچم اسلام را که پیامبر به دست او داده بودند، در نزدیکی خیبر بر زمین نصب نمود.

در این لحظه در خیبر باز گردید، و دلاوران یهود از آن بیرون ریختند. نخست برادر "مرحب" به نام "حارث"، جلو آمد هیبت نعره او آنچنان مهیب بود که سربازانی که پشت سر علی علیه السلام بودند؛ بی اختیار عقب رفتند.

ولی علی علیه السلام مانند کوه پا برجا ماند.

لحظه ای نگذشت که جسد مجروح "حارث"، به روی خاک افتاد و جان سپرد.

سپس حضرت علی علیه السلام با ابراز دلاوریها و به خاک و خون کشاندن دشمنان خیبری و یا فراری دادن بعضی از آنها... قلعه ای را، که مسلمانان ده روز پشت آن معطل شده بودند، در مدت کوتاهی گشودند. و در جریان همین واقعه بود که پیامبر اکرم (ص) در بیان فضیلت حضرت علی علیه السلام فرمودند: اگر جماعتی از امت من، راجع به تو نمی گفتند آنچه

را که مسیحیان درباره مسیح بن مریم می گویند؛ من امروز راجع به تو سخنی را می آوردم که بعد از آن بر هیچ گروهی عبور نمی کردی، مگر آنکه خاک زیر گامهایت را، و زیادی آب وضویت را بر میداشتند، و با آن طلب شفا می نمودند.

ولیکن همین قدر برای تو بس است که:

تو از من هستی، و من از تو هستم.

تو از من ارث می ببری، و من از تو ارث می برم.

و نسبت تو با من مثل نسبت هارون است با موسی، غیر از آنکه بعد از من پیغمبری نیست.

و تو هستی که ذمه مرا ادا میکنی و بر سنت من جنگ می نمائی.

وَ حَنِينَةٌ :

۱۴۹- یکی از مورخین می نویسد:

قربانیهای "هوازن" و "تقیف" به شمشیر علی علیه السلام در جنگ حنین بقدری زیاد است که کمتر طایفه و فامیلی از آنها بود که یک یا چند تن کشته و مجروح ندادند.

فتح حنین و بدست آمدن اموال و غنائم بیشمار آن جنگ را، فقط و فقط میتوان از استقامت و بردباری پیغمبر (ص) و علی مرتضی علیه السلام دانست.

وَ غَيْرُهُنَّ :

۱۵۰- جابر بن عبدالله انصاری گوید:

در جنگ جمل خدمت حضرت علی علیه السلام بودم و مخالفینی که پیرامون عایشه را گرفته بودند هفتاد هزار نفر بودند.

هیچکدام از آنها را ندیدم که شکست می خورد، مگر اینکه میگفت: علی علیه السلام مرا شکست داد. و هیچ مجروحی نبود مگر اینکه میگفت: علی علیه السلام مرا مجروح ساخت، و هیچکس در حال جان کندن نبود مگر اینکه میگفت: علی علیه السلام مرا کشت، و من در طرف راست لشکر نبودم مگر اینکه صدای علی علیه السلام را می شنیدم، و در طرف چپ لشکر قرار نمیگرفتم مگر اینکه صدای علی علیه السلام را می شنیدم، و آنگاه که از کنار طلحه گذشتم در حالیکه داشت جان می داد و در سینه اش تیری نشسته بود، به او گفتم: چه کسی این تیر را به تو زد؟ گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام. پس گفتم: ای حزب بلقیس و ای لشکر ابلیس، علی علیه السلام ابدأ تیری نینداخت و جز شمشیر در دستش چیز دیگری نبود. گفت: ای جابر، آیا او را نمی بینی که چگونه گاه به آسمان بالا میرود، و گاه به زمین می آید و یکبار از طرف مشرق می آید و بار دیگر از طرف مغرب؟!!

آیا نمی بینی که مشرق و مغرب در برابرش یکسان است و از اسب سواری نمی گذرد مگر اینکه به او نیزه میزند و با احدی برخورد نمیکند مگر اینکه او را به قتل میرساند (بدین صورت که) یا به او ضربه ای وارد میکند یا او را به صورت واژگون میسازد یا به او میگوید: بمیر ای دشمن خدا و او فوراً می میرد...

فَأَضَيْتَ عَلِيَّ عِدَاوَتَهُ وَ أَكْبَيْتَ عَلِيَّ مُنَابَذَتَهُ^{۵۱}

۱۵۱- عمر، در حالیکه ابوبکر بالای منبر نشسته بود به او گفت:

چطور بالای منبر نشسته ای و این مرد (اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام کرد) نشسته و قصد جنگ دارد و بر نمی خیزد با تو بیعت کند؟ دستور بده گردنش را بزنیم!

این در حالی بود که امام حسن و امام حسین علیهما السلام ایستاده بودند. وقتی گفته عمر را شنیدند به گریه افتادند.

امیرالمؤمنین علیه السلام آن دو را به سینه چسبانیده و فرمودند: گریه نکنید، بخدا قسم بر قتل پدرتان قدرت ندارند.

ام ایمن پرستار پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: ای ابوبکر، چه زود حسد و نفاق خود را ظاهر ساختید!

عمر دستور داد تا او را از مسجد بیرون کردند و گفت: ما را با زنان چه کار است؟- بریده اسلمی برخاست و گفت:

ای عمر، آیا بر برادر پیامبر و پدر فرزندانش حمله میکنی؟ تو در میان قریش همان کسی هستی که تو را آنطور که باید میشناسیم! آیا شما دو نفر همان کسانی نیستید که پیامبر (ص) به شما فرمودند: نزد علی بروید و به عنوان امیرالمؤمنین بر او سلام کنید؟

۵۱- پس آن سران شرک که بظواهر ادعای مسلمانی نموده بودند دشمنی او را پنهانی در سینه می پروراندند و تصمیم داشتند در موقع مقتضی به سرنگونی و نابودی او اقدام کنند.

شما هم گفتید: آیا از امر خدا و امر رسولش است؟ فرمودند: آری.
 ابوبکر گفت: چنین بود ولی پیامبر بعد از آن فرمودند: برای اهل بیت من
 نبوت و خلافت جمع نمی شود!
 بریده گفت: بخدا قسم در شهری که تو در آن امیر باشی سکونت
 نمیکنم.

عمر دستور داد تا او را هم زدند و بیرون کردند!!
 سپس عمر گفت: برخیز ای فرزند ایطالب و بیعت کن!
 حضرت فرمودند: اگر انجام ندهم چه خواهید کرد؟
 گفت: بخدا قسم در این صورت گردنت را می زنیم!
 امیر المؤمنین علیه السلام سه مرتبه حجّت را بر آنان تمام کردند، و سپس بدون
 آنکه کف دستشان را باز کنند دستشان را دراز کردند، ابوبکر هم روی
 دست ایشان زد و به همین مقدار از ایشان قانع شد.
 حضرت علی علیه السلام قبل از آنکه بیعت کند در حالیکه طناب بر گردنشان بود
 خطاب به پیامبر (ص) صدا زدند:

«يَا بْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي» (سوره اعراف: ۱۵۰)

«... پسر مادرم این گروه خوار و زبونم کردند و نزدیک بود مرا بکشند...»

(حضرت در اینجا سخنی را فرموده که حضرت هارون به حضرت
 موسی علیه السلام گفت).

حَتَّى قَتَلَ التَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ^{۵۲}

۱۵۲- رسول اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

اوست خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم).

و اوست امیر المؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند.

و اوست قاتل "تاکثین و قاسطین و مارقین" به امر خداوند...

۱۵۳- حضرت علی رضی الله عنه در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه فرمودند:

آگاه باشید رشته اسلام را گسیختید، و حدود آن را معطل کردید و

احکام آن را از بین بردید.

بدانید خداوند مرا به جنگ با ستمگران و پیمان شکنان و تپاهکاران در

روی زمین امر فرمود.

پس با "تاکثین" (پیمان شکنان: یعنی اصحاب جمل، طلحه و زبیر و

پیروانشان) جنگیدم (آنان را از پای در آوردم).

و اما "قاسطین" (آنانکه دست از حق برداشتند؛ یعنی اهل شام) جهاد

کردم.

و اما "مارقین" (آنانکه از دین بیرون رفتند؛ خوارج نهروان) خشم

نموده، زیون و خوارشان کردم...

۵۲- تا اینکه با پیمان شکنان (تاکثین)، زور گویان (قاسطین)، و خروج کنندگان

(مارقین) به پیکار برخاست.

وَلَمَّا قَضَىٰ نُحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَىٰ الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَىٰ الْأَوَّلِينَ
 لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَىٰ مَقْتِهِ
 مُجْتَمِعَةٌ عَلَىٰ قَطِيعَةٍ رَحِمِهِ وَأَقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ
 مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ^{۵۳}

وَلَمَّا قَضَىٰ نُحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَىٰ الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَىٰ الْأَوَّلِينَ:

۱۵۴- حضرت علی علیه السلام فرمودند: رسول خدا (ص) به من فرمودند:

ای علی، بدبخت ترین پیشینیان (أَشَقَى الْأَوَّلِينَ) کیست؟

عرض کردم: پی کننده ناقة (ثمود).

فرمودند: راست گفתי، بدبخت ترین آخرین (أَشَقَى الْآخِرِينَ) کیست؟

عرض کردم: نمیدانم.

فرمودند: کسیکه ضربت بزند بر سرتو، مانند پی کننده ناقة خداست.

۵۳- و همینکه اجلس فرا رسید، و شقی ترین آیندگان به پیروی شقی ترین گذشتگان او را کشت، فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره هدایتگران پس از او اطاعت نشد، و امت بر دشمنی بنا او اصرار کنان، و بر قطع رجم او و دور گرداندن فرزندانش اجتماع کنان بودند، مگر شمار کمی از آنها که در زمینه رعایت حق در باره آنان (ائمه اطهار علیهم السلام) وفا کردند.

لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ
 مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَأَقْصَاءِ وُلْدِهِ:

۱۵۵- ابان بن ابی عیاش میگوید: امام باقر علیه السلام فرمودند:

ما اهل بیت چه ظلمها که از قریش و متحد شدنشان بر علیه ما دیده ایم
 و چه ها که شیعیان و محبین ما از مردم دیده اند!
 پیامبر (ص) از دنیا رفتند در حالیکه درباره حق ما اقدام فرموده بودند و به
 اطاعت از ما فرمان داده و ولایت و دوستی ما را واجب کرده بودند، و به
 مردم خبر داده بودند که ما صاحب اختیارتر از خود آنها بر ایشانیم، و
 دستور داده بودند که حاضرانشان به غائبان برسائند. در سقیفه آنان بر علیه
 حضرت علی علیه السلام متحد شدند، آن حضرت هم با آنچه پیامبر (ص) درباره
 او فرموده بودند و عموم مردم شنیده بودند در مقابل آنان استدلال
 کردند. آنها گفتند: درست میگوی، پیامبر (ص) این را فرموده است، ولی
 این را نسخ کرده و فرموده: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عزوجل ما را
 بزرگوار داشته و انتخاب کرده و دنیا را برای ما راضی نشده است، و
 خداوند نبوت و خلافت را برای ما جمع نمیکند. چهار نفر هم به سخن او
 گواهی دادند: عمر، ابو عبیده، معاذ بن جبل، و سالم مولی ابی حذیفه. اینان
 مسئله را بر مردم مشتبه کردند و مطلب خود را بر آنان راست جلوه
 دادند و ایشان را به عقب برگرداندند، و خلافت را از معدنش و آنجایی
 که خدا قرار داده بود خارج کردند، و بر علیه انصار، با حق ما و دلیل ما

استدلال کردند و خلافت را برای ابوبکر منعقد کردند. ابوبکر هم آن را به عمر برگرداند تا در مقابل کار او تلافی کرده باشد.

سپس با حضرت حسن بن علی علیه السلام بعد از پدرش بیعت کردند و با او پیمان بستند. ولی با او عهد شکنی کردند و او را تنها گذاشتند و بر ضد او شورش نمودند تا آنجا که با خنجر بر ران حضرت ضربت زدند و خیمه گاه او را در لشکر به غارت بردند و به خلخالهای همسران حضرت دستبرد زدند.

آن حضرت هم چون یارانی نیافت با معاویه صلح کرد و خون خود و اهل بیت و شیعیانش را حفظ نمود، که آنان واقعاً کم بودند.

سپس هیجده هزار نفر از اهل کوفه با امام حسین علیه السلام بیعت کردند، ولی عهد خود را شکستند. سپس رو در روی او آمدند و با او جنگیدند تا آن حضرت به شهادت رسیدند...

۱۵۶- در زیارت "جامعه أئمة المؤمنین" میخوانیم:

ای سروران من، (آیا چه حالی داشت) اگر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شما را مشاهده می نمود در حالیکه تیرهای امت به سختی در جگرهای شما فرو رفته و نیزه هایشان از خون گلوی شما سیراب گردیده و شمشیرهایشان در ریختن خونتان حریص گشته است... و این در حالی است که بعضی از شما یا در محراب (عبادت) به خاک افتاده و شمشیر سرش را شکافته بود. یا شهیدی که بر بالای تابوت، جنازه اش تیر باران شده بود.

یا کشته ای که در بیابان افتاده و سرش بالای نیزه زده شده بود.
یا به زنجیر کشیده شده ای که اعضایش با آهن کوفته و له شده بود.
یا مسمومی که با جرعه های سم زوده هایش پاره پاره گشته بود، و
جمع شما پریشان در این سو و آن سو (میگریخت) که غلامان و
غلامزادگان آنها را نابود میکردند.

پس ای سروران من، آیا محتتها جز آنهاست که بر شما وارد گشته؟
و مصائب جز آنهاست که شامل حال شما گردیده؟
و فجایع جز آنهاست که اختصاص به شما یافته؟
و حوادث کوبنده جز آنهاست که شما را در هم کوبیده؟
صلوات و رحمت و برکات خداوند بر شما و بر ارواح و اجساد شما باد.

إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ:

۱۵۷- ابن صدقه گوید؛ حضرت صادق علیه السلام از آباء گرامی خود نقل فرمودند:

وقتی این آیه نازل شد:

"قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ"

".. بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمیکنم بجز

مودت نسبت به خویشان." (سوره شوری: ۲۳)

پیامبر اکرم (ص) پیاخته و فرمودند:

مردم؛ خداوند به نفع من چیزی بر شما واجب ننموده آیا در انجام آن
کوشش میکنید کسی جواب نداد پیامبر اکرم (ص) رفتند. فردا دو مرتبه

میان ایشان ایستادند و حرف روز قبل را تکرار نمودند، روز سوّم نیز همین کار را تکرار کردند هیچکس جواب نداد.

آنگاه فرمودند: مردم آنچه به نفع من واجب شد از جنس طلا و نقره نیست و نه خوراکی و آشامیدنی است.

عرض کردند: پس بفرمائید چیست؟

فرمودند: خداوند تبارک و تعالی این آیه را بر من نازل نموده:

”قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى“

گفتند: این را قبول داریم.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بخدا قسم راجع به این تعهد هیچکدام وفا نکردند مگر هفت نفر: سلمان، ابوذر، عمار و مقداد بن اسود کندی و جابر بن عبدالله انصاری و غلام پیغمبر که ثبیت نام داشت و زید بن ارقم.

۱۵۸- منصور برزج گوید: به حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام عرضه داشتم:

ای آقای من، چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می شنوم؟

فرمودند: نگوی سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی (ص)، آیا میدانی

چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم: نه. فرمودند: برای سه صفت:

یکی: مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش.

دوّم: دوست داشتن فقرا، و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکنّت.

سوّم: دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار

مسلمانی بود، و از مشرکین نبود.

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى وَ جَرَى الْقَضَاءُ
لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يَوْمِهَا مَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا
لَمَفْعُولًا وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{۵۴}

۱۵۹- حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام پرسید:

آیا امیرالمؤمنین علیه السلام قاتل خود را شناخته بودند، و میدانستند که در چه
شبی و در چه منزلی کشته میشوند؟ و چون نعره مرغابیان را در خانه
شنیدند، فرمودند: "اینها نعره زنانی است که نوحه گرانی پشت سر دارند."
و چون ام کلثوم به ایشان عرض کرد: "کاش امشب در خانه نماز بخوانید
و برای اقامه جماعت؛ دیگری را بفرستید"، از او نپذیرفتند و در آن شب
بدون سلاح در رفت و آمد بودند، در صورتیکه می دانستند ابن ملجم
ایشان را با شمشیر به قتل میرساند و اقدام بر چنین کاری روا نیست!!
امام رضا علیه السلام در جواب فرمودند: آنچه گفتی درست است، ولی خودش
اختیار فرمود که در آن شب مقدرات خدای عزوجل اجرا گردد.

۵۴- پس گروهی کشته شدند، و گروهی به اسارت درآمدند، و عده ای از سرزمین
خود آواره شدند، و قضای الهی بنحوی که امیدپاداش نیکوئی برده میشد درباره آنها
جاری شد. چه، زمین از آن خداست، آنرا به هر که از بندگانش بخواهد و امیگذارد، و
سرانجام از آن متقین است" و پروردگار ما منزّه است، و عده پروردگار ما حتماً
انجام شدنی است، و خداوند در وعده اش خلاف نمی کند، و او عزیز حکیم است."

۱۶۰- ضریس کناسی نقل می کند: درحالیکه گروهی از اصحاب خدمت امام باقر علیه السلام بودند، ... حمران عرض کرد:

قربانت گردم، بفرمائید موضوع قیام علی بن ایطالب و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) چگونه باشد که ایشان برای یاری دین خداوند (عز و کبره) خروج و قیام کردند و چه بلاها از طغیانگران سرکش دیدند و بالاخره هم ایشان غلبه نمودند و امامان کشته و مغلوب گشتند؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: ای حمران، خداوند تبارک و تعالی آن مصیبتها را برای ایشان مقدر فرموده و از مرحله قضاء و امضاء و حتم گذرانیده و در اختیار خود آنها گذاشته بود. و پس از آنکه خود آنها آن مصیبتها را اختیار نمودند، خداوند هم آن را به مرحله اجرا گذاشت، پس علی و حسن و حسین (علیهم السلام) با خبری که قبلاً از پیامبر (ص) شنیده بودند و می دانستند قیام نمودند و هر کس از ما هم که سکوت کند سکوتش از روی علم و بصیرت است.

ای حمران، اگر ایشان در زمان گرفتاری و غلبه طغیانگران از خدای عزوجل بخواهند که سلطنت آنها را زایل کند و دولتشان را نابودسازد، خداوند اجابت میکند و آن گرفتاری را از ایشان بر میدارد. و پس از آن، سرآمدن مدت طغیانگران و نابودی سلطنتشان، از پاره شدن و از هم پاشیدن یک گلوبند به رشته کشیده زودتر انجام میگیرد. ای حمران، بلاهائی که به آنها میرسند به واسطه گناهی که از آنها سر زده و یا برای عقوبت نافرمانی خداوند نیست بلکه برای درجات و کرامتی است که خداوند خواسته به آن نائل آیند، نسبت به ایشان گمانهای دیگر مبر.

وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ:

۱۶۱- امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

”إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ“

”...زمین متعلق به خداست و به هر کس از بندگان خویش بخواهد به ارث میگذارد،

و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است.“ (سوره اعراف: ۱۲۸)

فرمودند: من و خاندانم هستیم آنانکه زمین به ما واگذارده شده، و ما هستیم

متقیان، و زمین همه اش برای ما است.....

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا

فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ وَإِيَّاهُمْ فَلْيُثِدْبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيُذْرِفِ الدُّمُوعُ

وَلْيَصْرِخِ الصَّارِخُونَ وَيَضِجِ الضَّاجُونَ وَيَعِجُ الْعَاجُونَ^{۵۵}

فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ:

۱۶۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس که ما نزد او یاد شویم پس دیدگانش گریان شود خداوند

صورتش را بر آتش حرام خواهد ساخت.

۵۵- پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی که خداوند بر ایشان و خاندانشان درود

فرستد، باید گریه کنندگان بگریند، و برای آنان ناله کنندگان بنالند، و برای امثال

آنان باید اشکها روان گردد، و دادرس خواهان دادرس طلبند، ضجّه کنندگان ضجّه

زنند، و شیون کنندگان شیون کنند.

۱۶۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...پس هر کس از روی مهر نسبت به ما و به خاطر آنچه (از مصائب) بر ما رسیده بگرید، جز این نیست که خداوند بر او رحمت آورد پیش از آنکه اشک از چشمش بیرون بیاید، پس چون اشکهایش بر گونه اش جاری شود اگر قطره ای از اشکهایش در جهنم بیفتد آتش آن را خاموش خواهد ساخت بطوریکه حرارتی برای آن نماند.....

۱۶۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...هیچ چشمی بر ما نگرید مگر اینکه به دیدن کوثر منتعم گردد، و هر کس ما را دوست می دارد از آن خواهد نوشید...

فَلْيُنْدَبِ النَّادِيُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيُنْدَرْفِ الدَّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ؛

۱۶۵- حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

هر آن کس که مصیبت ما را متذکر شود پس بخاطر آنچه بر ما رفته بگرید و بگریاند روز قیامت با ما، در درجه ما خواهد بود، و هر آنکه مصیبتمان برایش یاد آوری شود پس بگرید و بگریاند دیدگانش گریان نشود روزی که چشمها اشکبار خواهند بود.....

۱۶۶- سید بن طاووس "قدس سره" در کتاب اللهوف گوید: از آل رسول خدا (ص)

روایت شده که فرمودند: هر کس در (مصایب) ما گریه کند و صد نفر را گریان سازد بهشت برای او است، و هر کس گریه کند و پنجاه تن را

بگریاند بهشت برای او خواهد بود، و هر کس گریه کند و سی تن را بگریاند بهشت برای او خواهد بود، و هر کس گریه کند و بیست تن را بگریاند بهشت برای او است، و هر کس گریه کند و ده نفر را به گریه در آورد بهشت برای او خواهد بود، و هر کس بگرید و یک تن را بگریاند بهشت برای او است، و هر کس خود را شبیه به گریه کنندگان سازد بهشت برای او خواهد بود.

وَيَضِحُّ الضَّاجُونَ وَيَعِجُّ العَاجُونَ؛

۱۶۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

خدایا بر آن دیده هایی که اشکهایشان بخاطر مهرِ به ما جاری است رحمت آور، و بر آن دلها که بخاطر ما محزون و سوزان گردیده رحمت آور، و بر آن فریادی که بخاطر ما بلند میشود رحمت آور. بار خدایا من آن بدنها و آن جانها را به تو می سپارم تا آنگاه که آنها را بر کنار حوض "کوثر" روز تشنگی بزرگ بیاوری...

۱۶۸- امام صادق علیه السلام فرمودند:

شخص مهموم بخاطر ما، که غم و اندوهش از جهت ظلمی است که بر ما رفته نفس کشیدنش تسبیح گوئی است، و هم او بخاطر امر ما عبادت است، و پنهان داشتن سر ما، جهاد در راه خداست. کلینی (رحمة الله علیه) فرموده: محمد بن سعید یکی از راویان این حدیث به من گفت: این را با آب طلا بنویس که چیزی بهتر از این نوشته ام.

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ
صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ
أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ^{۵۶}

۱۶۹- امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم به جابر فرمودند:

ای جابر مرا خبر ده از لوحی که در دست مادرم فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دیدی و آنچه مادرم به تو خبر داد که در آن لوح نوشته شده است ...

جابر گفت: خداوند را گواه می گیرم که اینطور در لوح نوشته دیدم:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

این نوشته ای است از خدای عزیز حکیم برای محمد پیغمبر و نور و سفیر و دربان (واسطه میان خالق و مخلوق) و دلیل او، که آن را روح الامین (جبرئیل) از نزد پروردگار عالمیان نازل نموده است:

ای محمد اسمهای مرا بزرگ شمار. و نعمتهایم را سپاس بگذار، و عنایات مرا انکار مدار.

بدرستی که منم خداوند که هیچ معبود حقی جز من نیست، در هم کوبنده ستمگران، و به دولت رساننده مظلومان، و جزا دهنده روز قیامت. همانا منم خدائی که جز من معبود حقی نیست پس هر کس که جز به

۵۶- کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجایند فرزندان حسین (آئمه اطهار علیهم السلام)؟

شایسته ای پس از شایسته دیگر؟ و راستگویی پس از راستگویی دیگر؟

کجایند راهنمایان پس از یکدیگر؟ کجاست برگزیده پس از برگزیده؟

فضل (احسان) من امید داشت، و یا جز از عدالت من ترسید، او را عذاب کنم عذاب کردنی که هیچکس از عالمیان را چنان عذاب نکرده باشم، پس (تنها) مرا عبادت کن، و بر من توکل بنمای.

پدرستیکه من هیچ پیغمبری را مبعوث نکردم تا اینکه روز گارش را کامل نمایم و دورانش سپری گردد مگر اینکه برای او وصی (جانشینی) قرار دادم.

والبته تو را بر پیغمبران برتر داشتم و وصی تو را بر اوصیاء برتری دادم، و تو را به دو شیرزاده و نواده ات حسن و حسین گرامی داشتم. پس حسن را بعد از منقضی شدن دوران (جانشینی) پدرش معدن علم خود ساختم.

و حسین را گنجینه دار وحی خویش قرار دادم، و او را به شهادت گرامی داشتم و فرجامش را به سعادت رساندم، که او برترین شهیدان و درجه اش بالاترین درجات آنان است.

”کلمة تامة“ خود را با او قرار دادم و حجت رسای خویش را نزد او سپردم، به سبب عترت (خاندان) او پاداش و کیفر دهم. اولین آنها: علی، آقای عبادت کنندگان و زینت دوستان گذشته من است، و پسرش شیبیه جند پسندیده اش محمد، (امام باقر علیه السلام) آن شکافنده علم من و کان حکمت من.

و تردید کنندگان درباره جعفر (امام صادق علیه السلام) هلاک می شوند. هر کس او را رد کند چنان است که مراد کرده باشد به تحقیق این گفته از من است که همانا جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت و او را از

جهت پیروان و یاران و دوستانش خشنود خواهم ساخت. بعد از او موسی است که (در عهد او) فتنه بسیار تاریکی فرا گیرد، زیرا که رشته وجوب اطاعتم گسسته نمیشود و حجتم پوشیده نمی ماند.

و همانا دوستان من با جام سرشار سیراب گردند.

هر کس یکی از ایشان را رد کند همانا نعمت مرا رد کرده باشد.

و هر آنکه یک آیه از کتاب مرا تغییر دهد البته بر من تهمت زده است.

و پس از سپری شدن دوران بنده و دوست و برگزیده ام موسی، وای بر

مفتریان و منکران علی (امام رضا علیه السلام) ولی و یاور من و آن کسیکه

بارهای سنگین نبوت را بر دوش او خواهم نهاد و ورزیدگیش را در

پذیرش و انجام آن مسئولیتها امتحان خواهم کرد.

اورا پلیدی گردنکش، به قتل می رساند، در شهری که بنده صالح

(ذوالقرنین) بنا نهاده، در کنار بدترین مخلوقم (هارون) دفن می شود.

این گفته من حق است که اورا به وجود محمد (امام جواد علیه السلام) فرزند و

جانشین و وارث علمش شادمان نمایم، که او معدن علم من و محل راز و

حجتم بر خلق می باشد.

هیچ بنده ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاهش قرار دهم،

و او را در مورد هفتاد تن از خاندانش شفاعت دهم که تمامی آنها

سزاوار آتش شده باشند.

و پایان کارش را به سعادت برای فرزندش علی (امام هادی علیه السلام) ولی و

یاور و گواه در خلقم و امین بر وحیم خواهم ساخت، و از او دعوت کننده

به راهم و گنجینه دار علمم حسن (امام عسکری علیه السلام) را متولد خواهم کرد،

و آن را به پسرش (م ح م د) که رحمت برای عالمیان است تکمیل
خواهم نمود.

دراو است کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب.
پس در زمان (غیبت) او دوستانم خوار میشوند و سرهایشان هدیه میگردد
همچنانکه سرهای ترکها و دیلمها هدیه میشود.

پس کشته و سوزانده میشوند، ترسناک و وحشت زده خواهند بود، و زمین
با خونتشان رنگین میگردد و شیون و ناله عزا از زنانشان بلند می شود.
آنان به حق دوستان منند.

بوجود آنها هر فتنه سیاه گمراه کننده را دفع می نمایم.
و به سبب آنها زلزله ها را بر طرف می سازم و غل و زنجیرها را دور
میکنم.

بر آنان درودها و رحمت خاص پروردگارشان است. و آنانند هدایت
شدگان.

عبدالرحمن بن سالم گویند؛ ابوبصیر گفت:
اگر در تمام زمانت جز این حدیث چیز دیگری نشنیده ای همین تو را
پسندیده است، پس آن را جز از اهلش حفظ کن.

أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أَيْنَ الأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ أَيْنَ الأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ^{۵۷}

۱۷۰- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

... امام خورشید درخشان بر بندگان است، به مقام او کسی را یارای چشم دوختن، یا دست رسانیدن نیست.....

۱۷۱- حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

همانا امام در زمین بمنزله ماه در آسمان و در جای آن است، او بر همه اشیاء مطلع و آگاه می باشد.

۱۷۲- امام باقر علیه السلام فرمودند:

ما ائمه مانند ستارگان آسمانیم که هرگاه ستاره ای غروب کند ستاره دیگر طالع شود..... پس چون ستاره شما طالع شد (امامتان ظاهر شد) پروردگارتان را سپاس گوئید.

أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ^{۵۸}

۱۷۳- امام صادق علیه السلام از پدر خود، و آن حضرت از جد بزرگوارشان (علیهم السلام)

نقل کردند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

من ترازوی علم هستم، و علی دو کفه آن، و امام حسن و امام حسین

۵۷- کجایند خورشیدهای فروزنده؟ کجایند ماههای نور افشان؟

کجایند ستارگان درخشنده؟

۵۸- کجایند پرچمهای دین و استوانه های دانش؟

(علیهم السلام) بندهای ترازو، و فاطمه (علیها السلام) قسمت اتصال دهنده دو کفه است. امامان بعد از آن، "محبین و مبغضین و دشمنان ما را که لعنت خدا و لعنت کنندگان بر آنها باد" وزن می کنند.

"علم واقعی نزد اهل بیت (علیهم السلام) است"

۱۷۴- امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند:

همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و اندیشه های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی آید، و فقط از طریق تسلیم حاصل می گردد. پس هر که تسلیم ما گردد، سالم می ماند.

و هر که به ما اقتدا کند، هدایت می شود. و هر کس به قیاس و رأی خود عمل کند، هلاک میشود.

و هر که نسبت به (پذیرفتن) احادیث ما یا احکام ما، در دل احساس سختی نماید، به آنکه سبع مثنی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده بدون آنکه خودش بداند.

۱۷۵- رسول خدا (ص) فرمودند:

حدیث آل محمد سخت و دشوار است؛ بطوریکه جز فرشته مقرب الهی یا پیامبر فرستاده شده از طرف خدا و یا بنده ای که خدا قلبش را نسبت به ایمان مورد امتحان قرار داده است به آن ایمان نمی آورند.

پس آنچه را از احادیث آل محمد (صلی الله علیهم اجمعین) که به شما رسیده و تحمل قلبی آن برایتان آسان است و با دانسته های شما هماهنگی

دارد (آن را صحیح دانستید) بپذیرید، و آنچه را دل‌های شما از آن گراحت دارد و با معلومات شما سازگار نیست (آن را درست نیافتید، علم آن را) به خدا و رسول و عالم از آل محمد (علیهم السلام) ارجاع دهید. و بدرس‌تیکه هلاک شونده کسی است که حدیثی را برایش نقل کنند و او ظرفیت فهم و پذیرش آن را نداشته باشد و آنگاه بگوید: قسم بخدا این (حدیث) چیزی نیست! (یعنی مدعی غلط بودن مطلب شود و انتساب آن را به معصوم رد کند). و انکار همان کفر است.

۱۷۶- امام باقر علیه السلام خطاب به فرزندشان امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای پسر من، درجات و مراتب شیعیان را از اندازه روایت و میزان معرفت آنها بشناس. چرا که معرفت همان فهم و شناخت روایات است، و از طریق همین فهمها نسبت به روایات است که مؤمن تا بالاترین درجات ایمان بالا میرود.

من در نوشته ای از علی علیه السلام نظر کردم و در آن چنین دیدم که؛ ارزش و منزلت هر کس (به اندازه) معرفت اوست و خداوند تبارک و تعالی مردم را به میزان عقل که در دنیا داشته اند محاسبه میکند.

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ^{۵۹}

۱۷۷- امام باقر علیه السلام فرمودند:

به هنگامیکه قائم علیه السلام خروج کند به کعبه تکیه میزند، و سیصد و سیزده مرد به نزدش حاضر می شوند، پس اولین سخنی که به زبان می آورد، این آیه است: "بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"

"اگر مؤمن باشید بقیة الله برای شما بهتر است." (سورة هود: ۸۶)

سپس می فرماید: من بقیة الله در زمین و خلیفه خدا و حجّت او بر شما هستم، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمیکنند، مگر اینکه چنین میگوید:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ"

و چون شماره یارانش به یک عقد که ده هزار نفر است رسید، خروج میکند. پس در زمین هیچ معبودی جز خداوند عزوجل باقی نمی ماند، بتها و اصنام و غیر آنها نابود میشود و آتش در آنها می افتد. و این امر پس از غیبتی طولانی خواهد بود تا خداوند بداند چه کسی در غیبت ایمان می آورد و اطاعت میکند.

۱۷۸- احمد بن اسحاق بن اشعری گوید؛

بر حضرت ابو محمد بن علی (امام عسکری) علیه السلام داخل شدم و تصمیم داشتم که درباره جانشین بعد از خودش سؤال کنم، پس خود آن جناب سخن را آغاز کرده و فرمودند:

ای احمد بن اسحاق، بدرستی که خداوند تبارک و تعالی از هنگام خلقت آدم و نیز تا هنگام برپائی قیامت زمین را هیچگاه از حجّت الله بر خلق خالی نگذاشته است، بوسیله حجّت الهی بلا را از زمین دور می سازد و بوسیله او باران فرو می بارد و بوسیله او برکات زمین را برمی آورد.

پرسیدم: یابن رسول الله پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ حضرت برخاسته با عجله به اندرون خانه رفتند و سپس بیرون آمدند در حالیکه کودکی سه ساله که صورتش مانند ماه شب چهارده بود بر شانه داشتند، آنگاه فرمودند:

ای احمد بن اسحاق، اگر بر خداوند عزوجل و حجّتهایش عزیز نبودی این فرزند را به تو نشان نمی دادم، او همان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) وهم کنیه آن جناب است که زمین را پر از قسط و عدل میکند در حالیکه از جور و ظلم پر شده باشد.

ای احمد بن اسحاق مثل او در این امت مثل خضر است و ذوالقرنین، والله غیبی خواهد داشت که در آن از هلاکت نجات نمی یابد مگر آنکه خداوند عزوجل او را به اقرار و اعتقاد به امامتش ثابت بدارد و به دعا کردن برای تعجیل فرجش توفیق دهد.

احمد بن اسحاق میگوید: عرضه داشتم:

آیا نشانه ای هست که قلبم به آن اطمینان و آرامش یابد؟

پس آن کودک بازبان فصیح عربی سخن گفت و فرمود:

”من بقیة الله در زمین او و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم،

پس از دیدن عین، دنبال اثر نگرد ای احمد بن اسحاق.“

۱۷۹- عمرو بن زاهر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید:

آیا به امام قائم علیه السلام بعنوان امیرالمؤمنین سلام می کنند؟ (یعنی میگویند:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟)

فرمودند: نه آن نام را خداوند مخصوص امیرالمؤمنین (علی بن ابیطالب علیه السلام)
نموده پیش از او کسی به آن نام نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر، آن
نام را بر خود نیندد.

عرض کردم: قربانت، پس چگونه بر او سلام کنند؟

فرمودند: میگویند؛ "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ"

سپس این آیه را قرائت فرمودند:

"بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ"

"اگر مؤمن باشید بقیة الله برای شما بهتر است." (سوره هود: ۸۶)

۱۸۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الْأِمَامَ بَقِيَّةً مِنْ آدَمَ وَ خَيْرَةٌ مِنْ ذُرِّيَّةِ نُوحٍ

همانا امام بقیة ای از آدم و بهترین ذریة نوح می باشد.

أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُتَنْظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ
أَيْنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ^{۶۰}

۱۸۱- امام صادق علیه السلام روایت فرمودند که: پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

خداوند عزوجل از روزها: جمعه را، و از ماهها: رمضان را، و از شبها: شب قدر را برگزید و مرا از تمام پیغمبران برگزید و علی را از من، و او را بر تمام اوصیاء برتری بخشید.

و از علی: حسن و حسین را اختیار فرمود، و از حسین: اوصیای از فرزندان او را که از قرآن، تحریف غلو کنندگان و زیاده کردن باطل جویان و تاویلات گمراه کنندگان را دور می سازند، نهمین آنها قائمشان می باشد و اوست ظاهر آنها، و اوست باطن آنها.

۱۸۲- امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال کسیکه از شیوه و روش حضرت مهدی "عجل الله تعالی فرجه" پرسید، فرمودند:

همان برنامه ای که پیغمبر اکرم (ص) پیش گرفت حضرت قائم علیه السلام انجام خواهد داد.

بنیادهای پیشین را منهدم و ویران می سازد چنانکه رسول اکرم (ص) نظام جاهلیت را ریشه کن کرد و اسلام را از نو آغاز مینماید.

۶۰- کجاست آن آماده برای قطع ستمگران باقیمانده؟ کجاست آن مورد انتظار برای اصلاح نقائص و برقراری راستی و درستی؟ کجاست آن مورد امید برای نابودی ستم و تجاوز خصمانه؟

أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ
أَيْنَ الْمُتَّخِرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ ٦١

۱۸۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامیکه قائم بیاخیزد مردم را بار دیگر به اسلام دعوت کند و آنها را به امری که از بین رفته و جمهور مردم از آن جدا گشته و به گمراهی - افتاده اند، هدایت فرماید.

برای این جهت حضرت قائم را مهدی نامیده اند که به امری که از آن وامانده اند، هدایت میکند. و بدین سبب او را قائم نامیده اند که به حق قیام میکند.

۱۸۴- امام باقر علیه السلام درباره شیوه حضرت قائم علیه السلام فرمودند:

حضرت قائم علیه السلام با امری جدید و کتابی نوین و قضاوتی تازه که بر عرب سخت است بیا خواهد خواست.....

۱۸۵- ابوبصیر گوید؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

اسلام غریبانه آغاز شد و به همان حال هم باز خواهد گشت پس خوشا به حال غریبان. ابوبصیر میگوید؛ عرض کردم: اصلحک الله، این سخن را برایم شرح فرما. - فرمودند: دعوت کننده ای از ما دعوت تازه ای آغاز میکند، همچنانکه رسول الله (صلی الله علیه وآله) دعوت فرمود.

٦١- کجاست آن ذخیره شده برای تجدید واجبات و مستحبات (الهی)؟

کجاست آن برگزیده برای برگردانیدن راه و شریعت؟

أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ۶۲

۱۸۶- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا“

”بدانید که خداست که زمین را بعد از مردنش زنده میکند...“ (سوره حدید: ۱۷)
 فرمودند: یعنی خداوند زمین را بوسیله قائم آل محمد علیه السلام اصلاح فرماید،
 ”بعده موتها“ (پس از مردن زمین): یعنی پس از جور و ستم اهل زمین،
 بوسیله قائم آل محمد علیه السلام اصلاح فرماید.

۱۸۷- حضرت ابوالبراهیم موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه:

”يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا“

فرمودند: نه بوسیله باران، بلکه خداوند عزوجل مردانی برمی انگیزد پس
 زمین احیا میشود بخاطر برپائی و زنده شدن عدالت.
 و اقامه حد در آن، از چهل روز باران سودمندتر است.

۱۸۸- امام باقر علیه السلام فرمودند:

...یک حد که در زمین برپا شود، از چهل شبانه روز باران پاکیزه تر
 است.

۱۸۹- امام صادق علیه السلام فرمودند:

دو خون در اسلام از جانب خداوند عزوجلّ، مباح است ولی هیچکس درباره این دو به آنچه خداوند عزوجلّ دستور فرموده است حکم نمیکند تا اینکه خداوند، قائم از اهل بیت علیهم السلام را برانگیزد، پس در آنها به حکم الهی حکم خواهد فرمود و در آن دو، بینة و شاهد نخواهد خواست؛

”زناکار محصن“ که سنگسارش می کند، و ”مانع زکات“ که گردنش را می زند.

أَيْنَ مَحْيَىٰ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ ۶۳

۱۹۰- در حدیث قدسی آمده:

...دینم را بوسیله آنها (أئمة اطهار علیهم السلام) ظاهر میکنم و کلمه ام را به آنها بلند مینمایم... تا دعوت مرا بلند و خلق مرا بر توحید جمع نماید.....

۱۹۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

نهمین آنها قائم خاندان من و مهدی امت من است و او در اندام و گفتار و افعال شبیه ترین مردم به من است. البته بعد از غیبتی طولانی و خیرتی گمراه کننده ظاهر خواهد شد و امر الهی را بر سایر ادیان غالب و دین خدا را آشکار خواهد کرد.....

۱۹۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

علم بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیغمبران آورده اند دو حرف است که مردم تا به امروز جز دو حرف ندانسته اند و چون قائم ما پیاخیزد بیست و پنج حرف دیگر را بیاورد و در میان مردم منتشر کند و به ضمیمه آن دو حرف دیگر در میان افراد بشر پراکنده سازد.

۱۹۳- امام باقر علیه السلام فرمودند:

... و در زمان او حکمت به شما داده میشود تا آنجا که زن در خانه اش به کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حکم میکند.

۱۹۴- امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر گاه قائم علیه السلام پیاخیزد در تمام اقلیم زمین، هر اقلیم مردی را قرار میدهد و به او می فرماید:

کف دستت دستور العملت باشد، پس هر گاه چیزی بر تو وارد شد که نفهمیدی و قضاوت در آن را ندانستی به کف دستت بنگر و به آنچه در آن هست عمل کن.....

۱۹۵- حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرمودند:

سپس خداوند به شیعیان ما کرامتی می بخشد که چیزی بر آنها پوشیده نمی ماند تا جائیکه یک مرد از آنها خاندانش را از آنچه میدانند خبر میدهد.

۱۹۶- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

... و علم در دلهای مؤمنین واقع می شود، پس هیچ مؤمنی به علمی که نزد برادرش هست احتیاج نخواهد داشت، و تأویل این آیه:

”يُعْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ“

”... خداوند هر کس را از وسعت خویش بی نیاز فرماید“ (سوره نساء: ۱۳۰)

آن روز است و زمین گنجینه های خود را برای آنها بیرون می آورد و

حضرت قائم علیه السلام می فرماید: ”كُلُّوا هَنِيئًا بِمَا أَسَلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ...“

”بخورید و بنوشید و گوارایتان باد بخاطر آن اعمال نیکی که

در ایام گذشته کرده بودید“ (سوره الحاقه: ۲۴)

أَيْنَ قَاصِمٍ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ^{۶۴}

۱۹۷- امام ابو جعفر باقر علیه السلام فرمودند:

هر گاه قائم علیه السلام قیام کند بسوی کوفه میرود، پس از آن دهها هزار نفر

که (بتریه) نامیده میشوند و اسلحه پوشیده اند بیرون آمده خطاب به آن

حضرت عرضه میدارند:

از همانجا که آمده ای باز گرد، که ما را در بنی فاطمه نیازی نیست، پس

آن حضرت شمشیر در میان آنها می نهد تا همگی آنها را از میان بردارد.

سپس داخل کوفه میشود و هر منافق تردید کننده را میکشد و کاخهای

آنها را خراب میکند و جنگجویان آن را به قتل میرساند، تا خداوند

عزوجلّ خشنود گردد.

أَيْنَ هَادِمُ أَيْبَةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ^{۶۵}

۱۹۸- مفضل به امام صادق علیه السلام عرض کرد که:

... ای سید من! آیا حضرت مهدی علیه السلام نسبت به بیت چه کار میکند؟
فرمودند: آن را بر هم میزنند، و از آن باقی نمیگذارد مگر آن پایه هایی را
که عبارت است از اول خانه ای که در مکه در عهد آدم علیه السلام برای
خلایق ساخته شد، و باقی نمیگذارد مگر آن دیوارها را که ابراهیم و
اسماعیل علیهم السلام در بالای آن پایه ها بنا کردند، و غیر از این دو تا را
خراب میکند. زیرا که آن را پیغمبر یا وصی پیغمبری بنا نکرده. بعد آن
را چنانکه خدا بخواهد بنا میکند، و آثار ظالمان را در مکه و مدینه و
عراق و سایر اقالیم بر هم میزند و خراب میکند.

و مسجد کوفه را خراب میگرداند، و مانند بنای اولش می سازد، و قصر
عتیق را خراب میکند. ملعون است ملعون است کسی که آن را ساخته.

۱۹۹- امام باقر علیه السلام فرمودند:

... سپس مهدی علیه السلام بسوی کوفه باز خواهد گشت، آنگاه سیصد نفر را به
اطراف و همه جا می فرستد بین شانه و سینه هایشان دست می کشد،
پس در هیچ قضاوتی در نمی مانند و هیچ سرزمینی نماند مگر اینکه
در آن بانگ شهادت به:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

بلند شود.

۶۵- کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟

۲۰۰- پیغمبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

توجه کنید: خاتم امامان از ما، مهدی علیه السلام می باشد. آگاه باشید اوست
چیره شونده بر همه دینها، اوست انتقام گیرنده از ظالمین.
اوست فاتح و منهدم کننده دژها، اوست که تمام قبائل اهل شرک را
نابود می سازد.....

أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ ۶۶

۲۰۱- امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه:

”حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ“

خدایتعالی ایمان را محبوب شما کرد و آنرا در دلهایتان زینت داد. (سوره حجرات: ۷)

فرمودند: یعنی؛ امیرالمؤمنین علیه السلام (را محبوب قلوب شما کرد.)

و در باره: ”وَكُرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ“

و کفر و فسوق و عصیان را مورد نفرت شما قرار داد. (سوره حجرات: ۷)

فرمودند: یعنی؛ اولی و دومی و سومی، (لعنت الله علیهم).

۲۰۲- امام صادق علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرموده اند که:

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

اینها امامان هستند، و این قائم برای اولیاء من مایه راحت است. و او است
که دل شیعیان و پیروان تو را از ظالمین و کافرین شفا می بخشد و "لات،
و عزی" را تر و تازه بیرون می آورد پس آنها را خواهد سوزانید.

۲۰۳- در دعای "صنمی قریش" میخوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ صَنْمَى قُرَيْشٍ وَجَبْتِيهَا وَ
طَاغُوتِيهَا وَافْكِيهَا وَابْتِئِيهَا الَّذِينَ خَالَفُوا أَمْرَكَ وَأَنْكَرُوا وَحَيْكَ
وَجَحْدَا إِنْعَامَكَ وَعَصِيَا رَسُولَكَ وَقَلْبَا دِينَكَ وَحَرْفَا كِتَابَكَ
وَ أَحْبَا أَعْدَائِكَ وَجَحْدَا الْإِتْكَ وَ عَطَّلَا أَحْكَامَكَ.....»

خداوند، بر محمد و آل محمد صلوات فرست و دو بت قریش و دو
جبت و دو طاغوت و دو افک (دروغگو) آن را لعنت کن و دختران
آندو را نیز لعنت کن؛ همان دو نفری که با امر تو مخالفت کردند، وحی
تو را انکار نمودند، نعمت بخشی تو را منکر شدند، پیامبر تو را عصیان
کردند، دین تو را وارونه جلوه دادند، کتاب تو را تعطیل نمودند و با
دشمنان تو دوستی کردند، و نعمتهای تو را انکار کردند، و احکام تو را
تعطیل نمودند.....

۲۰۴- امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای جابر، روش ما (رسول خدا صلی الله علیه وآله)، علی علیه السلام، زهرا علیها السلام و
سایر ائمه هدی علیهم السلام) در برابر عاصیان و سرکشان امتهای در هر زمان
بدین صورت است که ابتدا آنها را به طرق مختلف مورد ارعاب و اخافه
قرار میدهیم تا از اعمال زشت خویش دست بردارند.

و چنانچه از اعمال ناشایست خود با ارعاب و اخافه باز نایستادند، خدای
سبحان اجازه میفرماید که از این امتهای طغیان کننده و جائر، انتقام
گرفته شود. این عذاب ممکن است به صورت خسف (فرو رفتن در
خشکی) در بر و یا غرق در بحر (غرق شدن در دریا) و..... واقع شود.

أَيْنَ حَاصِدٌ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّقَاقِ ۶۷

۲۰۵- ابوذر رحمة الله عليه گفت: وقتی آیه شریفه:

”يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ“

”روزی بپاید که دسته ای روسفید و گروهی روسیاه باشند.“ (سوره آل عمران: ۱۰۶)

نازل شد، رسول خدا (ص) فرمودند:

روز قیامت، اَمّتِ من با پنج پرچم بر من وارد می شوند.

۱- پرچمی با گوساله این اَمّت (ابوبکر) است.

از آنها می پرسم با دو امانتِ گرانبهای بعد از من چه کردید؟

میگویند: ”ثَقْلِ اکبر“ (قرآن) را تحریف کردیم و به آن بی اعتنایی نموده

و پشت سرمان انداختیم، اَمّا ”ثَقْلِ اصغر“ را دشمن داشتیم و نسبت به آن

بغض ورزیدیم و به او ظلم کردیم.

آنگاه من به آنها میگویم:

باز گردید بسوی آتش در حالی که تشنه و تشنه کننده و سیه رو هستید.

۲- پرچمی با فرعون این اَمّت (عثمان) بر من وارد میشود.

میگویم با دو ثَقْلِ و امانتِ گرانبهای بعد از من چه کردید؟

میگویند: ”ثَقْلِ اکبر“ را تحریف کردیم، پاره پاره نمودیم و با آن مخالفت

کردیم و ”ثَقْلِ اصغر“ را دشمن داشتیم و با او مقاتله نمودیم.

آنگاه من به آنها میگویم بسوی آتش باز گردید درحالیکه تشنه و تشنه

کننده و سیه رو هستید.

۳- پرچمی یا سامری این امت (عمر) بر من وارد می شود و من به آنها میگویم: با دو ثقل و امانت گرانبهای بعد از من چه کردید؟

میگویند: "ثقل اکبر" را عصیان نموده و آن را وا گذاشتیم، و اما "ثقل اصغر" را خوار کردیم و ضایع نمودیم.

آنگاه من به آنها میگویم:

بسوی آتش باز گردید درحالیکه تشنه و تشنه کننده و سیه رو هستید.

۴- پرچم ذوالثدیّه[⊗] (رئیس گمراهان نهروان) همراه با اولین و آخرین خوارج بر من وارد میشود.

و من از آنها سؤال میکنم با دو ثقل و امانت گرانبهای بعد از من چه کردید؟

میگویند: "ثقل اکبر" را پاره پاره کرده و از آن بیزاری جستیم، و با "ثقل اصغر" جنگ کردیم و او را به قتل رساندیم.

آنگاه من به آنها میگویم:

بسوی آتش باز گردید درحالیکه تشنه و تشنه کننده و سیه رو هستید.

⊗ ذوالثدیّه:

دارای پیکری ناموزون و صورتی مهیب بود و اندام و عضلاتی ورزیده داشت و در روی سینه او پاره ای گوشت بزرگ بود که شباهت به پستان زنان داشت و در روی آن موهای بزرگی روئیده شده بود. این شخص بی نهایت شرور و متجاهر به فسق بود، از هیچ منکری رویگردان نمیشد و بر هیچ مذهب و طریقی ایمان نداشت و برای موفقیت خود و تهیه وسائل عیش و عشرت خویش به هر کار دست می زد.

(نقل از کتاب: شرح زندگانی حضرت علی المرتضیٰ، نوشته علی خدیورضی: ۱۸۹)

۵- سرانجام پرچمی با امام متّقین و سیّدِ وصیّین و پیشوای رو سفیدان و وصیّ رسول خداوندِ عالم بر من وارد می شود.

من به آنها میگویم: با دو امانتِ گرانبهای بعد از من چه کردید؟

میگویند: از "ثِقَلِ اکبر" تبعیت نمودیم و آن را اطاعت کردیم.

و "ثِقَلِ اصغر" را دوست داشتیم و ولایتش را پذیرفتیم و او را کمک

کرده و یاری نمودیم تا اینکه در راه آنها خونهای ما ریخته شد.

آنگاه من به آنها میگویم:

بسوی بهشت باز گردید در حالیکه سیراب و رو سفید هستید.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

"يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ"

تا آنجا که می فرماید:

"وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ"

"پس آنها در رحمت خداوند جاودان خواهند بود." (آل عمران: ۷۰)

أَيْنَ طَامِسُ أَثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ^{۶۸}

۲۰۶- امام باقر علیه السلام فرمودند:

چون قائم علیه السلام قیام می فرماید، به کوفه می آید و چهار مسجد در آنجا

را خراب میکند و مسجد کنگره دار روی زمین باقی نمی ماند مگر اینکه

کنگره های آن را خراب میکند و آنها را بی کنگره میگذارد، و راههای

بزرگ را، یعنی: شاهراهها را وسیع میگرداند، و هر پنجره ای که مشرف به راه است آن را می شکند، و ناودانها را که مشرف به راهها هستند بر هم میزنند، و بدعتی باقی نمیگذارد مگر اینکه آن را بر میدارد و سنتی باقی نمیگذارد مگر اینکه آن را برپا میدارد.

۲۰۷- حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمودند:
او هوای نفس را مطیع و تابع هدایت میکند، هرگاه مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند.
و رأی و نظر را تابع قرآن میگرداند درحالیکه مردم قرآن را تابع هوای نفس قرار دهند.

أَيْنَ قَاطِعُ حَيَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ^{٦٩}

۲۰۸- امام رضا علیه السلام فرمودند:

کسی هست که دوستی ما خاندان پیامبر را دستاویز قرار داده و خرابکاری او بر پیروان ما از زیان دجال بیشتر است.
عرض کردم: ای پسر پیامبر چرا؟
فرمودند: برای مهر ورزیدن او با دشمنان ما و ستیزه او با دوستان ما و چون چنین نمود حق به باطل آمیخته میشود و امر مشتبه می گردد و مؤمن از منافق شناخته نمی شود.

٦٩- کجاست قطع کننده رشته های دروغ و تهمت؟

۲۰۹- حضرت علی علیه السلام به مالک بن ضمره فرمودند:

ای مالک، تو چگونه ای هنگامیکه شیعه چنین اختلاف کنند، انگشتان خود را در یکدیگر داخل نمودند.

پس عرض کردم: یا امیرالمؤمنین در آن زمان چه خیری است؟

فرمودند: تمام خیر در آن وقت است.

قائم ما خروج میکند هفتاد مرد که بر خدا و رسول دروغ میگویند بر او مقدم میشوند پس همه را میکشد. آنگاه خداوند ایشان را بر یک امر جمع میکند.

۲۱۰- حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ“

”و هر کس پس از ظلمی که به او شده برای انتقام یاری طلبد بر او

هیچ مؤاخذه ای نیست“ (سوره شوری: ۴۱)

فرمودند: یعنی قائم و اصحاب آن حضرت، زیرا که آنهایند که بر ضد

آنها هیچ راهی نیست.

و هرگاه قائم علیه السلام پیاخیزد، خود و اصحابش از بنی امیه و تکذیب

کنندگان و ناصبیان، انتقام خواهند گرفت.

أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَالْمَرْدَةِ

أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ^{۷۰}

۲۱۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند عزوجل چهارده نور را چهارده هزار سال پیش از آفرینش خلق آفرید، که آنها ارواح ما بودند.

به آن حضرت عرض شد: یا بن رسول الله این چهارده نور چه کسانی اند؟ فرمودند: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامانی از ذریه حسین (علیهم السلام) که آخرین آنها قائم است، که پس از غیبتی پیاخیزد، و دجال را بکشد و زمین را از هر گونه جور و ظلمی پاک گردانند.

۲۱۲- نزال بن سبره گوید: حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای ما سخنرانی کردند؛ حمد و ثنای خدای عزوجل را بجای آورده، و بر پیغمبر و آل او (صلوات الله علیهم) درود فرستادند، سپس سه مرتبه فرمودند:

”سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي“

ای مردم، پیرسید از من پیش از آنکه مرا نیابید.

صعصعة بن صوحان از جای برخاست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین، دجال کی خروج می کند؟

۷۰- کجاست نابودکننده سرکشان و جباران؟

کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بی دینان؟

فرمودند: بنشین که خداوند سخن تو را شنید و منظور تو را دانست. بخدا قسم آنکه پرسیده شده از سؤال کننده داناتر نیست، ولیکن نشانه هائی دارد و آمادگیهائی که مانند دوتای کفش پی در پی واقع میشوند، اگر بخواهی از آنها تو را خبر دهم؟

عرضه داشت: بله یا امیرالمؤمنین.

فرمودند: حفظ کن این نشانه ها را:

هرگاه مردم نماز را بمیرانند، و امانت را خیانت کنند،

و دروغ را جایز بشمارند، و ربا بخورند، و رشوه بگیرند،

و ساختمانها را محکم بسازند، و دین را به دنیا بفروشند،

و سفیهان را به کارها بگمارند، و بازرگان مشورت کنند،

و رَحْمها را قطع نمایند، و دنیاال هوس پروند،

و خوئریزی را آسان و سبک شمارند،

و علم (یا عدل) ضعیف شود، و ظلم افتخار باشد،

أمرأ: فاجر، وُزراء: ستمگر، کدخدایان: خائن، قرآن خوانان: فاسق گردند؛

شهادتِ دروغ رایج، و زنا و تهمت و گناه و طغیان علنی شود؛

قرآنها به زیور آراسته، و مساجد زینت، و مناره ها بلند ساخته شده،

و اشرار احترام شوند،

در صفها ازدحام، در دلها اختلاف، و پیمانها شکسته شود،

و موعود نزدیک گردد،

و از روی حرص دنیا زنها در تجارت باشوهرانشان مشارکت کنند،

صدای بی دینیها بلند گردد، و به آنها گوش فرا داده شود،

و بدترین افراد هر قومی سرپرست آنها بشود،
و از افراد فاجر - از ترس اذیت آنها - تقیه کند،
دروغگو به راستگویی، و خائن به امانتداری شناخته شوند،
زنهای آوازه خوان و نوازندگان بکار گرفته شوند،
و آخرین این امت اولشان را لعنت نماید،
و زنان بر زین سوار شوند،
و زنان خود را به مردان، و مردان خود را به زنان شبیه گردانند،
و شاهد نادیده گواهی دهد، و شاهد دیگری بدون اطلاع از جریان برای
طرفداری گواهی دهد،
و برای غیر خدا فقه بیاموزند،
و کار دنیا را بر کار آخرت ترجیح دهند،
و بر دلهای گرگ صفت لباس میش پوشانند،
دلهایشان از مردار گندیده تر و از صبر (گیاهی تلخ است) تلخ تر باشد،
پس در آن هنگام، زود، زود! وشتاب، شتاب!
در آن روز بهترین جاها بیت المقدس باشد، که زمانی بر مردم فرا میرسد
که هر کدام تمنا میکنند از ساکنان آن باشند.
اصبغ بن نباته از جای برخاست و عرضه داشت:
یا امیر المؤمنین، دجال کیست؟
فرمودند: دجال، صاید بن صاید است شقی و بدبخت کسی است که او را
تصدیق کند، و خوشبخت آن است که او را تکذیب نماید. از شهری که

آن را اصفهان می نامند، از روستائی که یهودیه خوانده میشود بیرون آید.

چشم راستش ممسوح است و چشم دیگرش در پیشانی مانند ستاره صبح می درخشد، و در آن لگه ای باشد که انگار به خون آمیخته است. میان دو چشمش نوشته: "این کافر است"، که هر باسواد و بی سواد آنرا میخواند.

به دریاها فرو می رود، و آفتاب با او میگردد.

در مقابلش کوهی از دود، و پشت سرش کوهی سفید میباشد که مردم می پندارند نان است.

در زمان قحطی شدیدی خروج میکند، و بر خرسفیدی سوار است که هر گامش یک میل می باشد و آنگاه به آنگاه زمین برایش نوردیده میشود، و به هیچ آبی نگذرد مگر اینکه تا روز قیامت فرو رود.

با صدای بلندی که شرق و غرب بشنوند فریاد بزنند؛

"بسوی من آید دوستان من، که منم آنکه آفریدم و درست کردم و

تقدیر و هدایت نمودم، انا ربکم الاعلیٰ!"

آن دشمن خدا دروغ می گوید.

او یک چشم است، غذا می خورد، و در بازارها راه می رود.

براستی که پروردگارتان نه یک چشم است، نه راه می رود، و نه زوال

دارد.....

۲۱۳- وهب گوید: از امام صادق علیه السلام از آیه شریفه:

”فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ“

”...همانا تو (ابلیس) از مهلت داده شده گانی تا روزِ وقتِ معلوم“ (سوره ص: ۸۰-۸۱)

سؤال کردم که قربانت کردم، منظور از ”یوم معلوم“ چه روزی است؟ حضرت فرمودند: ای وهب، آیا می پنداری روزی است که خداوند مردم را در آن روز برانگیخته میکند؟! نه - بلکه خداوند ابلیس را مهلت داده تا روزی که قائم ما لعلیه را برانگیزد. وقتیکه قائم ما لعلیه را در مسجد کوفه برانگیزد ابلیس در حالیکه با دستانش بر زانوهایش راه میرود میگوید: ”وای از امروز.“ پس حضرت پیشانی او را گرفته و گردنش را میزند و این همان: ”روز معلوم“ است.

أَيْنَ مَعْرِزِ الْأَوْلِيَاءِ وَ مَذَلُّ الْأَعْدَاءِ ٧١

۲۱۴- امام باقر علیه السلام فرمودند:

گویا یاران قائم علیه السلام را می بینم که سراسر بین شرق و غرب عالم را پر کرده باشند. همه چیز حتی حیوانات درنده و پرندگان وحشی از آنها اطاعت خواهند کرد، و در هر چیزی رضایت آنها را می جویند تا آنجا که سرزمینی بر سرزمین دیگر فخر می فروشد و میگوید:

”امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر من گذشت.“

۷۱- عزت بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان کجاست؟

۲۱۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

چون قائم علیه السلام خروج کند کسی بر سر قبر مؤمن میآید پس به او میگوید که ای فلان، بد رستیکه صاحب تو ظاهر شد اگر خواهی که ملحق شوی پس ملحق شو و اگر میخواهی در نعمت پروردگار خود اقامت کنی پس اقامت داشته باش.

۲۱۶- امام صادق علیه السلام فرمودند:

اینکه لوط به قومش گفت:

”لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ“

”...ای کاش من در مقابل شما نیرویی داشتم یا به رکن شدید پناه می بردم“ (سوره هود: ۸۰)

جز این نبود که نیروی قائم علیه السلام را از خداوند تمنا کرد،

و ”رکن شدید“: یاران او (امام زمان علیه السلام) هستند که یک مرد از آنها قوت و

نیروی چهل مرد را دارد و دلشان از کوه آهنین محکمتر است و اگر به

کوه های آهن بگذرند، آنها را می برند. و شمشیرها را کنار نگذارند مگر

وقتی که خداوند عزوجل راضی شده باشد.

و مَذِلُّ الْأَعْدَاءِ:

۲۱۷- امام باقر علیه السلام فرمودند:

هرگاه امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما از شیر

قوی تر و از نیزه برنده تر خواهد بود. دشمنان ما را با پاهای خود لگد

میکند و آنها را با دست خود می زند.

در این هنگام است نزول رحمت و فرج خداوند بر بندگان.

۲۱۸- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”خَاشِعَةً أَبْصَارَهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ“

در حالی (آن روز فرارسد که) چشمهایشان به خواری فرو افتاده و ذلت آنان را

فراگرفته است آن همان روز است که به آنان وعده داده اند“ (سوره معارج: ۴۴)

فرمودند: یعنی روز خروج حضرت قائم علیه السلام

أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى ۷۲

۲۱۹- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

خداوند برای ما، ده امتیاز را جمع کرده که برای احدی قبل از ما جمع

نکرده، و در احدی غیر از ما نخواهد بود.

در میان ما حُکْم، حِلْم، عِلْم، نُبُوَّت، سخاوت، شجاعت، هدایت، صدق، پاکی و عفاف است.

ما ”کلمه تقوی“ و راه هدایت و مَثَلِ اَعْلَى و حُجَّتِ بزرگ و دستاویز محکم و حَبْلُ الْمَتِينِ هستیم.

ما کسانی هستیم که خداوند امر به مودت با ما کرده پس غیر از حق چیزی جز گمراهی نیست. به کجا روی میآورید؟

۲۲۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

سبحان الله، آیا دوست نمی دارید که خداوند عزوجل حق و عدل را در

بلاذ ظاهر کند، وحدت کلمه پدید آورد، و بین دلهای مختلف و پراکنده

۷۲- گرد آورنده سخن ها بر اساس تقوی کجاست؟

الفت دهد، و معصیتِ خدای عزوجل در زمینش نشود و حدودش در خلقش اجرا گردد، و حق را به اهلش بازگرداند؟ پس حق آشکار شود تا آنکه هیچ قسمتی از حق، از ترس احدی از خلق مخفی نماند. بخدا قسم ای عمار، هیچکس از شما در این حال که شما دارید نمیرد مگر اینکه نزد خداوند از بسیاری از شهدای بدر و اُحد بهتر باشد پس شما را مژده باد.

۲۲۱- در دعای عصر غیبت آمده است که:

خداوندا بوسیله ولایت، قرآن را زنده فرما و نور آن را پیوسته و همیشه به ما بنما..... و به برکت آن حضرت، هواهای (نفسانی) گوناگون را بر حق جمع فرما، و حدود تعطیل شده و احکام رها شده را برپادار.

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى^{۷۳}

۲۲۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْأَوْصِيَاءُ هُمُ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا وَلَوْلَاهُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ بِهِمْ اِحْتِجَّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ»

اوصیای پیامبران درهائی بسوی خدای عزوجل برای توجه به او میباشند. و اگر آنها نبودند، خدای عزوجل شناخته نمیشد. و خدای متعال بوسیله ایشان حجّت را بر خلق خود تمام کرده است.

^{۷۳} - کجاست باب الله، که از آن باب به طرف خدا روند؟

۲۲۳- حضرت علی علیه السلام درباره آیه شریفه:

”لَيْسَ الْبِرَّ بَأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى
وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا“

... نیکی این نیست که شما از پشت خانه داخل خانه ها شوید بلکه عمل نیک آن

است که از خدا بترسید و از درب خانه ها وارد شوید... (سوره بقره: ۱۸۹)

فرمودند: ما همان "خانه هائی" هستیم که خداوند دستور داده از درب آن وارد شوید.

ما "باب الله" و "بیوت خدائیم" که از اینجا بسوی او باید رفت.

هر کس با ما بیعت کند و اقرار به ولایت ما آورد از درب خانه وارد شده. هر کس مخالف ما باشد و دیگری را بر ما مقدم دارد از پشت درب خانه وارد شده است.....

۲۲۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

”أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ، فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَجَعَلَ لِكُلِّ
سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا“

خداوند امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد، پس برای

هر چیزی سبب و وسیله ای قرار داد و برای هر سببی شرح و گشایش

مقرر داشت. و برای هر شرحی علمی گذاشت، و برای هر علمی دری

گویا نهاد. عارف حقیقی کسی است که این در را شناخت.

و نادان حقیقی کسی است که به این در نادان گشت.

این در گویا، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ما هستیم.

۲۲۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...خرده گیر بر حکمی که علی علیه السلام آورده، مانند خرده گیر بر خدا و رسولش باشد.

و کسیکه در موضوعی کوچک یا بزرگ، علی را رد کند در مرز شرک به خدا است.

امیرالمؤمنین علیه السلام باب منحصر به فرد خداشناسی است، و راه بسوی خداست، هر که جز آن پوید هلاک شود.

و این امتیازات همچنین برای ائمه هدی (علیهم السلام) یکی پس از دیگری جاری است.

أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ^{۷۴}

۲۲۶- امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال اباصلت که از معنای حدیث:

”إِنَّ ثَوَابَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى“

”همانا ثواب گفتن لا اله الا الله نگاه کردن به وجه خدای تعالی است“

پرسیده بود، فرمودند:

ای اباصلت، کسیکه برای خداوند وجهی مانند دیگر وجوه قائل شود کافر شده است.

ولی وجه خدا؛ پیامبران و رسولان و حجج الهی هستند که از طریق آنها توجه بسوی خداوند عزوجل و دین او و معرفت او حاصل میشود.
و خدای عزوجل فرموده:

۷۴- وجه الله که دوستان بسوی آن روی می آورند، کجاست؟

”كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ“

”... همه چیز از بین می‌رود مگر وجه خدای متعال...“ (سوره قصص: ۸۸)

پس نظر کردن به پیامبران و رسولان و حجج الهی در آن درجاتی که دارند، روز قیامت برای مؤمنین ثواب بزرگی دارد. و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم فرمودند: کسیکه دشمنی اهل بیت و عترت مرا داشته باشد، روز قیامت نه من او را می‌بینم و نه او مرا می‌بیند.

۲۲۷- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

”كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ“

فرمودند: معنای آیه شریفه این است که:

هر چیزی غیر از دین خدا از بین می‌رود، و ما هستیم آن وجهی که از طریق آن به خدا توجه میشود.....

أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ۷۵

۲۲۸- امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند ما را آفرید، پس خلقت ما را نیکو ساخت. و ما را صورت بخشید، پس نیکو صورت بخشید. و ما را چشم خود در میان بندگانش، و زبان گویای خود در میان خلقش، و دست باز خویش در مهربانی و

۷۵- وسیله پیوند میان زمین و آسمان (واسطه بین خالق و مخلوق) کجاست؟

رحمت بر بندگانش، و وجه خود که وسیله توجّه به اوست، و در خویش که بر او دلالت میکند، و گنجینه داران خود در آسمان و زمینش قرارداد. به سبب ما درختها میوه داده و میوه ها به ثمر رسند و نهرها جاری گردند.

و به سبب ما باران از آسمان می بارد و گیاه از زمین می روید.
و بوسیله عبادت ما خدا پرستش میشود.
اگر ما نبودیم خدا عبادت نمیشد.

۲۲۹- امام باقر علیه السلام فرمودند:

بوسیله ما خداوند پرستش شده، و بوسیله ما شناخته گردیده، و بوسیله ما مردم به یکتائی او اعتراف نموده اند.
محمد (صلی الله علیه وآله) واسطه بین مردم و خداست.

أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى^{۷۶}

۲۳۰- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ما را پرچمی هست که هر کس از آن پیشی بگیرد سرکش، و هر کس از آن عقب بیفتد هلاک شده، و هر کس از آن پیروی کند به مقصد رسیده است.

۷۶- صاحب روز فتح و پیروزی، و به اهتزاز درآورنده پرچم هدایت کجاست؟

۲۳۱- امام جواد علیه السلام فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند:

او را عَلمی است که چون هنگام خروجش فرارسد آن عَلم خود بخود افراشته گردد، خداوند تبارک و تعالی آن را به نطق آورد و آن عَلم به او بگوید: "ای ولیّ خدا قیام کن و دشمنان خدا را به قتل رسان."

و برای او دو پرچم و دو علامت هست، و برای او شمشیری است در نیام که هرگاه هنگام قیام رسد آن شمشیر بخودی خود از نیام برآید، و خداوند عزوجل آن را به نطق آورد و آن حضرت را ندا کند که: "ای ولیّ خدا خروج کن که دیگر برای تو حلال نیست که از دشمنان خدا ساکت بنشینی."

پس خروج میکند و دشمنان خدا را می کشد.

۲۳۲- ابوبصیر گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامیکه امیرالمؤمنین با اهل بصره برخورد کرد و پرچم برافراشت پرچم پیغمبر اکرم (ص) را گشود، لذا متزلزل شدند و هنوز شعاع خورشید زرد نگردیده بود که فریاد زدند: ای پسر ابیطالب ما را هلاک کردی. در این هنگام آن حضرت دستور داد که اسیران را نکشید و بر زخمیها حمله نکنید، و فراریان از جبهه را دنبال ننمائید، و هر کس که اسلحه خود بر زمین گذارد در امان است، و هر آنکه درب خانه اش را ببندد در امان است. در جنگ صفین (یاران آن حضرت) خواهش کردند که آن پرچم را دوباره بگشایند، ولی آن جناب نپذیرفت. حسن و حسین (علیهم السلام) و

عمار یاسر رضی الله عنه و اسطه قرار دادند، آن حضرت به حسن رضی الله عنه فرمودند: فرزندانم برای این مردم مدتی تعیین شده که به آن خواهند رسید، و این پرچمی است که از فرزندان من کسی جز قائم رضی الله عنه آن را نخواهد گشود.

۲۳۳- امام باقر رضی الله عنه در وصف پرچم آن حضرت فرمودند:

بخدا قسم آن پرچم از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست.

راوی گوید؛ عرض کردم: پس از چیست؟

فرمودند: از برگ درخت بهشت است، پیغمبر (ص) روز بدر آنرا برافراشت سپس به هم پیچید و آن را به علی رضی الله عنه داد، پیوسته نزد آن جناب بود تا روز بصره (جنگ جمل) فرا رسید، پس امیرالمؤمنین رضی الله عنه آن را برافراشت و خداوند پیروزی را برایش قرار داد، سپس آن را پیچید.

و آن پرچم نزد ما است کسی آنرا نمی گشاید تا قائم رضی الله عنه بپاخیزد، وقتی او قیام کند احدی در مشرق و مغرب باقی نماند مگر اینکه آن را ببیند، و به مسافت یک ماه راه، "رعب" (ترس) پیشاپیش آن حضرت، و از سمت راست، و از سمت چپ آن حضرت پیش می رود.

سپس فرمودند: او به خونخواهی پدرانیش قیام می کند، خشمگین و اسفناک برای غضب خداوند بر خلائق. پیراهن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) - که روز اُحد پوشیده بود - دربر دارد و عمامه سحاب و زره آن جناب را پوشیده و شمشیر ذوالفقار رسول خدا را نیز با خود دارد، آنگاه شمشیر میکشد و هشت ماه از کشته (دشمنان اسلام) پشته می سازد...

أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا^{۷۷}

۲۳۴- در دعای امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام آمده:
ویرا کندگی امت را با او جمع فرما.

۲۳۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... خداوند بوسیله آن حضرت بین دلهای پراکنده ائتلاف می بخشد...

۲۳۶- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

به پیغمبر اکرم (ص) عرض کردم: یا رسول الله، آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ما؟

فرمودند: نه بلکه از ماست، خداوند دین را بدست او ختم میکند، چنانکه بوسیله ما افتتاح فرمود.

و بواسطه ما مردم از فتنه ها نجات می یابند همانطور که از شرک نجات یافتند.

و بوسیله ما خداوند پس از دشمنی و فتنه ها و آزمایشهای سخت، دلهایشان را با هم الفت می بخشد، کما اینکه پس از دشمنی شرک، آنها را برادر دینی قرار داد و دلهایشان را به هم الفت بخشید.

۷۷- گردآورنده شایستگی ها و خشنودی های پراکنده کجاست؟

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ^{۷۸}

۲۳۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...هرگاه قائم ما قیام کند، برای خدا و رسول او و همه ما خاندان پیغمبر انتقام خواهد گرفت.

۲۳۸- پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

اوست که خونبهای تمام اولیای حق را میگیرد.

۲۳۹- پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

ای گروه مردم، نور مخصوص خداوند عزوجل در وجود من است، سپس در وجود علی تجلی خواهد کرد، و سپس در نسل او تا قائم مهدی، که حق خداوند و هر حقی را که برای ما هست میگیرد.

۲۴۰- امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: "يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ"

"مجرمین از چهره هایشان شناخته شوند" (سوره الرحمن: ۱۷)

فرمودند: خداوند آنها را میشناسد، ولی این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده و اوست که آنها را به چهره هایشان میشناسد پس او و اصحابش آنها را از دم شمشیر میگذرانند.

۷۸- خونخواه پیامبران و خونخواه فرزندان پیامبران کجاست؟

آن خونخواه مقتول کربلا (حضرت سیدالشهدا علیه السلام) کجاست؟

۲۴۱- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

قسم بخدا که البته من و این دو فرزندم کشته می شویم و البته خداوند مردی از فرزندانم را در آخر الزمان برمی انگیزد که خونهای ما را مطالبه میکند.

و برای جدا شدن اهل ضلالت و گمراهان از نظر مردم غائب میشود تا جائیکه جاهلان بگویند: خدای را در آل محمد (علیهم السلام) نیازی نیست.

۲۴۲- حضرت ابی‌عبدالله امام صادق علیه السلام فرمودند:

...وقتی حسین علیه السلام کشته شد، آسمانها و زمین و آنچه در آنها است ناله کردند و گفتند:

”پروردگارا به ما اجازه بده که خلاق را نابود سازیم و بار دیگر زمین تجدید گردد که حرمت تو را حلال دانسته و برگزیده ات را به قتل رسانیده اند.“

پس خداوند به آنها وحی فرمود که:

”ای فرشتگان و ای آسمانهای من و ای زمین من آرام گیرید.“

سپس یکی از حجابها را برداشت به ناگاه پشت آن محمد و دوازده وصی (علیهم السلام) مشاهده شدند و دست قائم از آنها را گرفت و فرمود:

ای فرشتگانم و ای آسمانهایم و ای زمین من، با این یاری خواهم جست - سه مرتبه این خطاب را فرمود-.

۲۴۳- امام صادق علیه السلام در باره آیه:

”أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ“

”اجازه داده شده به کسانی که چون ستم دیده اند کارزار کنند و همانا خداوند بر

یاری آنها حتماً قادر است.... (سوره حج: ۳۹)“

فرمودند: اهل سنت میگویند: این آیه درباره پیغمبر (ص) نازل شد هنگامی

که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند.

و حال آنکه درباره قائم علیه السلام است که چون خروج کند برای حسین علیه السلام

خونخواهی نماید، و این است فرمایش او که:

”ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم.“

۲۴۴- امام باقر علیه السلام فرمودند:

آیه: ”أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ“

درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او است.

أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَىٰ مَنْ اِعْتَدَىٰ عَلَيْهِ وَ اِفْتَرَىٰ^{۷۹}

۲۴۵- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

پسر نهمین از اولاد حسین علیه السلام که قائم اهل بیت من و مهدی امت من

است... و با نصرت خدا مؤید، و با یاری ملائکه منصور میگردد.

پس زمین را پیر از عدل و قسط میگرداند چنانکه پیر از جور و ظلم

گردیده است.

۷۹- آن یاری شده و پیروز بر تجاوزگران و لاف زنان، کجاست؟

۲۴۶- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...بر او (امام زمان علیه السلام) سی هزار فرشته و سیصد و سیزده فرشته فرود می‌آیند.

ابان بن تغلب عرضه داشت: تمام این فرشتگان؟

فرمودند: بله، فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند،

و فرشتگانی که با ابراهیم بودند هنگامیکه به آتش افکنده شد،

و آنهاییکه با موسی بودند هنگامیکه دریا را برای بنی اسرائیل شکافت،

و آنهاییکه با عیسی بودند هنگامیکه خداوند وی را بسوی خود بالا برد،

و چهار هزار فرشته نشاننداری که با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بودند، و

هزار فرشته ای که پی در پی فرود می‌آمدند،

و سیصد و سیزده فرشته ای که در بدر بودند،

و چهار هزار ملائکه ای که فرود آمدند تا به همراه حسین بن علی علیه السلام با

دشمنان نبرد کنند ولی به آنها اجازه داده نشد،

آنها کنار قبر آن حضرت پریشان و غبارآلود و گریان هستند تا روز

قیامت. رئیس آنها فرشته ای است که "منصور" خوانده می‌شود،

هیچکس آن حضرت را زیارت نکند مگر اینکه آنها به استقبال او

میروند و یا هنگام وداع او را مشایعت میکنند، و هیچ بیماری نیست مگر

اینکه به عیادتش میروند، و هیچکس از دنیا نرود مگر آنکه بر بدنش

نماز میگذارند و پس از مرگ برای او طلب مغفرت میکنند.

و همه آنها در زمین منتظر قیام حضرت قائم علیه السلام هستند تا هنگام

ظهورش فرا رسد.

أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى^{۸۰}

۲۴۷- امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه:

”أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ“

”یا آنکه وقتی که در مانده او را بخواند اجابتش کند و میحنت از او بردارد و شما را

جانشینان این سرزمین کند...“ (سوره نمل: ۶۲)

فرمودند: این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شد.

اوست بخدا سوگند آن ”مضطّر“ هنگامیکه در مقام (ابراهیم) دو رکعت

نماز گذارد و (بسوی) خداوند ”دعا“ کند، پس خداوند اجابت نماید و

تاریحتی اش بر طرف سازد، و او را خلیفه در زمین قرار دهد.

أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى^{۸۱}

۲۴۸-... امام صادق علیه السلام در ذیل آیه:

”لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ“

”به مقام نیکوکاران (یا درجات بهشت) دست نخواهید یافت تا اینکه

از آنچه دوست میدارید انفاق کنید.“ (سوره آل عمران: ۹۲)

فرمودند: پس مائیم برّ و تقوی، و راه هدایت، و درب تقوی.

و دعای ما از خداوند محجوب نمی ماند (مستجاب میشود).....

۸۰- آن مضطّرّی که وقتی دعا کند اجابت میشود، کجاست؟

۸۱- سر سلسله خلائق، صاحب نیکی و تقوی، کجاست؟

أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى
وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْعُرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى^{۸۲}

۲۴۹- امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

خداوند ذریه تمام پیامبران را از نژاد خودشان قرار داده، ولی ذریه مرا از نژاد علی بن ابیطالب و فاطمه دخترم قرار داده است. خداوند آنها را مانند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران بر جهانیان برگزیده است.

پیرو ایشان باشید شما را به راه راست هدایت میکنند.

آنها را مقدم دارید ولی برایشان مقدم نشوید، زیرا آنها از همه شما در کوچکی حلیم تر و در بزرگی از تمام شما عالم ترند.

پیرو آنها باشید که گمراهتان نخواهند کرد و از هدایت خارجتان نمیکند.

۲۵۰- جابر انصاری گوید؛ پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

فاطمه مایه سرور دل من است، و دو فرزندش میوه دل من، و شوهرش نور چشم من، و ائمه از نژاد او امانی من و ریسمان پیوسته هستید. هر که به آنها چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد گمراه شده است.

۸۲- فرزند پیامبر مصطفی، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن جبین، و

فرزند فاطمه کبری کجاست؟

۲۵۱- آنس بن مالک گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

...وقتی خدا ابتدای آفرینش را اراده کرد "نورِ مرا" شکافت، از آن عرش را آفرید. نورِ عرش، از نورِ من است و نورِ من از نورِ خداست. و من از عرش افضلم.

سپس "نورِ علیّ ابن ابیطالب" را شکافت، از آن ملائکه را آفرید.

پس نورِ ملائکه، از نورِ علیّ بن ابیطالب است، و نورِ پسر ابیطالب از نورِ خداست. و نورِ پسر ابیطالب افضل از ملائکه است.

"نورِ دخترم فاطمه" را شکافت، نورِ آسمانها و زمین از نورِ دخترم فاطمه است. و نورِ فاطمه از نورِ خداست، و فاطمه بهتر از آسمانها و زمین است.

سپس "نورِ حسن" را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید. پس نورِ خورشید از نورِ حسن است. و نورِ حسن از نورِ خداست، حسن از خورشید و ماه بهتر است.

آنگاه "نورِ حسین" را شکافت و از آن بهشت و حورالعین را آفرید پس نورِ بهشت و حورالعین از نورِ حسین است، و نورِ حسین از نورِ خداست و حسین از بهشت و حورالعین بهتر است.

سپس خداوند به قدرتِ خود "ظلمت" را آفرید و آن را بر پرده چشمها افشاند. ملائکه گفتند: "سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا". خدایا از وقتی این اشباح را شناخته ایم چیز بدی مشاهده نکردیم. تو را سوگند می دهیم به مقام آنها، که این گرفتاری را از ما برطرف فرما. در این موقع خداوند قندیلهای رحمت "را آفرید. و بر سرِ اداقِ عرش آویخت. گفتند: خدایا این فضیلت و نورها از کیست؟ خداوند خطاب فرمود: این نورِ کنیزم "فاطمه"

زهرا" است. به همین جهت او را "زهرا" نامیدم چون آسمانها و زمین بواسطه نور او پدیدار شد. او دختر پیامبرم، و همسر وصی او، و حجت بر خلق است. شما را گواه میگیرم که ثواب تسبیح و تقدیس شما را به این بانو و شیعیانش دادم تا روز قیامت.

در این موقع عباس از جای حرکت کرد و پیشانی علی بن ابیطالب را بوسیده، گفت:

"یا علی، خدا تو را حجت بالغه بر مردم قرار داده است تا روز قیامت."

۲۵۲- حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند، رسول خدا (ص) فرمودند:

همانا خداوند از میان زنان چهارتن را انتخاب کرد:

مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه (علیهم السلام).

۲۵۳- امام باقر علیه السلام فرمودند:

ابو سعید خدری گوید؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

شب معراج در حین بازگشت، از جبرئیل پرسیدم: آیا حاجتی داری؟

جبرئیل عرض کرد: حاجتم این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه

برسان. وقتیکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) خدیجه را ملاقات فرمودند پیغام

جبرئیل را به او رساندند، خدیجه عرض کرد:

همانا خداوند، خود "سلام" است، و سلام از او، و سلام بسوی اوست و

بر جبرئیل سلام باد.

۲۵۴- حضرت علی علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (ص) روزی در بین همسرانش از خدیجه یاد کرده و گریستند. عایشه گفت: مگر آن پیرزن سرخ روی بنی اسد چه چیزی داشت که تو را به گریه واداشت؟
حضرت فرمودند: مرا تصدیق کرد هنگامیکه شما تکذیب کردید، به من ایمان آورد هنگامیکه شما کفر ورزیدید، و برایم فرزند آورد هنگامیکه شما عقیم بودید.

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى^{۸۳}

۲۵۵- رسول خدا (ص) فرمودند:

هیچ بنده ای ایمان نمی آورد تا اینکه من نزد او از خودش محبوبتر باشم، و به عترت من از عترت و بستگان خودش بیشتر محبت داشته باشد، و خاندان مرا از خاندان خودش بیشتر دوست بدارد، و ذات من نزد او از ذات خودش محبوبتر باشد. چنانکه در قرآن کریم می خوانیم:
”قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَحْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّوْنَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ“
”بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و خویش شما و اموالی که بدست آورده اید و تجارتی که از کساد می هراسید و مسکینهایی که بدان علاقه مندید در نظر شما محبوبتر از خدا و رسول او و جهاد در راه اوست، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خود را بیاورد و خدا مردم تبهکار را هدایت نمیکند“ (سوره توبه: ۲۴)

۲۵۶- امام صادق علیه السلام در وصف اصحاب امام زمان علیه السلام فرمودند:

...انگار که دلهایشان بسان قطعه ای از آهن است که هیچگونه شکی درباره خداوند در آن راه ندارد. از سنگ سخت تر، که اگر بر کوهها حمله برند آنها را از جای برکنند، با پرچمهای خویش به هیچ شهری روی نیاورند مگر اینکه آن را خراب کنند. انگار که بر اسبهایشان عقابها نشسته اند.

به زمین اسب امام علیه السلام دست میکشند و تبرک می جویند، و در پیرامون حضرتش حلقه می زنند.

در جنگها با جانبازی، آن بزرگوار را یاری میکنند و آنچه میخواهد انجام میدهند.

در میان آنها مردانی هستند که شبها خواب ندارند.

در نمازشان زمزمه ای دارند همچون زمزمه زینور عسل، شب را با عبادت به صبح میرسانند و صبحگاهان بر اسبهایشان آماده اند.

شبها پارسا و روزها شیرند.

آنها از آن حضرت فرمانبردارند، مانند کنیز نسبت به ارباب خود.

همچون چراغها روشنند و دلهایشان نورانی است و از خشیت الهی لرزان.

از خداوند شهادت درخواست میکنند و آرزو دارند که در راه خدا

کشته شوند. شعارهایشان: یا لثارات الحُسَین (خونخواهی حسین علیه السلام) میباشد.

هر گاه بسویی حرکت کنند به مقدار یک ماه، "رعب و بیم" بیشتر از آنها می رود.

بسوی مولای خود میشتابند، خداوند با آنها امام حق را یاری میکند.

يَا بْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا بْنَ الثُّجَبَاءِ الْاَكْرَمِينَ يَا بْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ
يَا بْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدَبِينَ يَا بْنَ الْعَطَارِفَةِ الْاَتْحَبِينَ
يَا بْنَ الْاَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ يَا بْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُتَّجِبِينَ
يَا بْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْاَكْرَمِينَ^{۸۴}

۲۵۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

امام همان برگزیده پسنديده و هدايتگر محرم اسرار (الهی) و قيام کننده مورد امیدی است که خداوند او را برای این امور برگزیده و هنگام خلقتش در عالم ذر و در میان خلایق، وقتی نور وجودیش را آفرید و زیر نظر خودش ساخته است، پیش از آنکه کسی را خلق کند. امام را مانند سایه ای از جانب راست عرش خود، در حالیکه به حکمت در علم غیب نزد خداوند ممتاز بود آفرید. او برگزیده علم الهی و کسی است که خداوند او را به خاطر پاکیش انتخاب کرده در حالیکه باقیمانده (نسل) از حضرت آدم علیه السلام و برگزیده از فرزندان حضرت نوح علیه السلام و انتخاب شده از آل ابراهیم علیه السلام و سلالة حضرت اسماعیل علیه السلام و گل سرسبد بوستان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد. امام همواره زیر نظر عنایات الهی

۸۴- ای فرزند آقایان مقرب، ای فرزند بزرگ زادگان با شخصیت،

ای فرزند هدايتگران راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاک و پاکیزه،

ای فرزند مهتران شرافتمند خَلَف، ای فرزند پاکترین پاکان،

ای فرزند جوانمردان برگزیده، ای فرزند دریاهاي بخشش و بزرگواری

حفظ شده و خدا او را در پس پرده مراقبت خود نگهداری میکند. دامها و لشکریان شیطان همیشه از او طرد و حوادث کور در تاریکیها و افسون زشتکاران از او دفع شده است. پیشامدهای بد از او بازداشته میشود و از نقایص منزّه است؛ از آفات برکنار، از لغزشها باز داشته، از همه زشتیها مصون است.

يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا بْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ يَا بْنَ الشَّهْبِ الثَّاقِبَةِ

يَا بْنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ^{۸۵}

۲۵۸- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... امام مانند خورشید طالع است که نورش عالم را فرا گیرد، و خودش در افق است بنحوی که دستها و دیدگان به آن نرسد.

امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان، و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکیها و رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها.

چگونه ممکن است تمام اوصاف و حقیقت امام را بیان کرد، یا مطلبی از امر امام را فهمید، و جایگزینی که کار او را انجام دهد و انسان با وجود

او از امام بی نیاز شود برایش پیدا کرد؟!!

ممکن نیست چگونه از کجا؟!!

در صورتیکه او از دست یازان و وصف کنندگان اوج گرفته و مقام

ستاره در آسمان را دارد.....

۸۵- ای فرزند ماههای تابان ای فرزند چراغهای نورانی،

ای فرزند ستارگان درخشان، ای فرزند اختران منور،

۲۵۹- ابان بن تغلب گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل یمن وارد شد سلام کرد.

امام جواب داده فرمودند: شغل تو چیست؟

عرض کردم: فدایت شوم، خانواده ما منجم هستند در یمن کسی از ما وارد تر نیست.

امام صادق علیه السلام پرسیدند: نسبت "نور مشتری" با ماه چند درجه است؟
یمنی عرض کرد: نمیدانم.

سپس حضرت فرمودند: نسبت "نور مشتری" با عطارد چقدر است؟
جواب داد، نمیدانم.....

فرمودند: "زحل" در نظر شما میان ستارگان چگونه است؟
عرض کرد: ستاره ای نحس است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این حرف را نزن، این ستاره امیرالمؤمنین علیه السلام است و آن ستاره اوصیاء است و آن "نجم ثاقب" است که خداوند در قرآن فرموده است. - یمنی گفت: معنی "ثاقب" چیست؟

فرمودند: طلوعش در آسمان هفتم است، و با نورش شکاف بوجود آورده بطوریکه آسمان دنیا را روشن کرده به همین جهت آن را "نجم ثاقب" نامیده. سپس فرمودند: برادر عرب، آیا در نزد شما عالمی هست؟

یمنی عرض کرد: فدایت شوم، در یمن گروهی هستند که هیچکس به آنها در علم نمی رسد. - امام صادق علیه السلام فرمودند: علم آن عالم چقدر است؟ یمنی عرض کرد. علم عالم آنها، به این طریق است که؛ پرنده ای

را رها میکند و رفتنش را با فالگیری تعقیب مینماید؛ و در یک ساعت به اندازه یک ماه که مرکب سریع، راه را پیماید اطلاع پیدا میکند. امام صادق علیه السلام فرمودند: عالم مدینه از عالم یمن داناتر است. یمنی عرض کرد: مقدار علم عالم مدینه چقدر است؟ فرمودند: عالم مدینه بدون اینکه پرنده ای را پرواز دهد، در یک لحظه اطلاع از مسیر خورشید در دوازده برج و دوازده خشکی و دوازده دریا و دوازده عالم دارد.

مرد یمنی گفت: گمان نمیکنم کسی این قدر اطلاع داشته باشد، و نمیتوان حقیقت آن را فهمید. سپس از جای حرکت کرد و رفت.

۲۶۰- در زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام میخوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَالشَّهَابَ الثَّاقِبَ»

يَا بَنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ^{۸۶}

۲۶۱- امام صادق علیه السلام در بارة آیه شریفه:

«وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ»

«به راههای دیگر نروید» (سورة انعام: ۱۵۳)

فرمودند: ما سبیل و راه هستیم برای کسیکه پیرو ما باشد، و ما راهنمای بسوی بهشتیم و ما دستاویزهای اسلامیم.

۸۶- ای فرزندان راههای روشن (خدا).

۲۶۲- امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه:

”وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا“

”کسانی که در راه ما مجاهده میکنند هر آینه ایشان را به راههای خود

هدایت میکنیم.“ (سوره عنکبوت: ۶۹)

فرمودند: این آیه درباره آل محمد (علیهم السلام) و پیروان آنهاست.

۲۶۳- امام صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه:

”وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ“

”راه کسانی را که بسوی من باز گشتند پیروی کن...“ (سوره لقمان: ۱۵)

فرمودند: راه محمد و علی (علیهم السلام) را پیروی کن.

يَابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةَ^{۸۷}

۲۶۴- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... و پیغمبر (ص) از دنیا نرفت تا آنکه نشانه های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاهراه حق واداشت و علی علیه السلام را بعنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان کرد پس هر که گمان کند خدای عزوجل دینش را کامل نکرده، قرآن را رد کرده و هر که قرآن را رد کند به آن کافر است.

۸۷- ای فرزندی نشانه های آشکار حق.

يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ^{۸۸}

۲۶۵- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

ای کمیل، هیچ علمی نیست مگر اینکه من افتتاح کننده آنم و هیچ چیزی نیست مگر اینکه قائم علیه السلام آن را به پایان میرساند.

۲۶۶- پیغمبر اکرم (ص) در خطبه غدیر فرمودند:

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید، هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام.

و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی آموخته ام.

اوست "امام مبین" که خداوند در سوره "یس" ذکر کرده است:

"وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ"

"و ماهر چیزی را در امام مبین برشمرده ایم." (سوره یس: ۱۲)

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من.

و جانشین من در امتم بر آنانکه به من ایمان آورده اند.

و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عزوجل و دعوت به آن و عمل

کننده به آنچه او را راضی میکند.

و جنگ کننده با دشمنان خدا، و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی

کننده از معصیت او.

۲۶۷- ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم:

قربانت گردم از شما پرسشی دارم، آیا در اینجا کسی (نامحرم) هست که سخن مرا بشنود؟

امام صادق علیه السلام پرده ای را که در میان آنجا و اطاق دیگر بود بالا زدند و

آنجا سر کشیدند و سپس فرمودند: ای ابا محمد، هر چه خواهی پرس.

عرض کردم: قربانت گردم، شیعیان حدیث میکنند که پیغمبر (ص) به

علی علیه السلام پایی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده گشت.

فرمودند: ای ابا محمد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به علی هزار باب از علم

آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده میشد.

عرض کردم: بخدا که علم کامل و حقیقی این است.

امام علیه السلام ساعتی به زمین اشاره کرده و سپس فرمودند:

آن علم است ولی علم کامل نیست.

سپس فرمودند:

ای ابا محمد، همانا "جامعه" نزد ماست، اما مردم چه می دانند "جامعه"

چیست؟

عرض کردم: قربانت گردم، "جامعه" چیست؟

فرمودند: طوماری است به طول هفتاد ذراع، به املاء زبان پیغمبر (ص)، و

دست خط علی علیه السلام تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم حتی

جریمه خراش در آن موجود است.

سپس با دست به بدن من زده و فرمودند: به من اجازه می دهی ای

ابا محمد؟ عرض کردم: من از شما میم هر چه میخواهید بنمائید. آنگاه با

دست مبارک مرا نشگون گرفتند و فرمودند: حتی جریمه این نشگون در "جامعه" هست. و حضرت خشمگین بنظر می رسید.

من عرض کردم: بخدا که علم کامل این است.

فرمودند: این علم است ولی باز هم کامل نیست آنگاه ساعتی سکوت نمودند. سپس فرمودند: همانا "جفر" نزد ماست، مردم چه می دانند "جفر" چیست؟

عرض کردم: "جفر" چیست؟

فرمودند: مخزنی است از چرم، که علم انبیاء و اوصیاء، و علم دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن است.

عرض کردم: همانا علم کامل این است.

فرمودند: این علم است، ولی علم کامل نیست.

باز ساعتی سکوت کردند سپس فرمودند:

همانا "مصحف فاطمه" (علیها السلام) نزد ماست. مردم چه می دانند که "مصحف فاطمه" چیست؟

عرض کردم: "مصحف فاطمه (علیها السلام)" چیست؟

فرمودند: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست. بخدا حتی

یک حرف قرآن هم در آن نیست. عرض کردم: بخدا علم کامل این است.

فرمودند: این هم علم است ولی علم کامل نیست.....

سپس حضرت سکوت کرده و فرمودند: همانا علم گذشته و حال تا برپائی قیامت نزد ماست.

عرض کردم: فدایت گردم، بخدا قسم این علم است.

فرمودند: این علم است ولی علم کامل نیست.
عرض کردم: قربانت گردم، پس علم کامل چیست؟
فرمودند که علمی است که در هر شب و هر روز، راجع به موضوعی
پس از موضوعی دیگر، و چیزی پس از چیز دیگر تا روز قیامت پدید
می آید.

يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ^{۸۹}

۲۶۸- ابو جعفر باقر علیه السلام فرمودند:

... علم به کتاب خدای عزوجل و سنت رسول او در قلب مهدی ما رشد
میکند، همچنانکه گیاه به بهترین وجه میروید. پس هر کدام از شما باقی
بماند تا او را دیدار نماید هنگام دیدنش عرضه بدارد:
"سلام بر شما ای اهل خانه رحمت و نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت."

۲۶۹- امام رضا علیه السلام فرمودند:

همانا امامت، ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و
زکات و روزه و حج و جهاد و بسیار شدن غنیمت و صدقات و اجراء
حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف بوسیله امام است.
امام است که حلال خدا را حلال، و حرام او را حرام کند و حدود خدا
را بپا دارد، و از دین خدا دفاع کند، و با حکمت و اندرز و حجّت رسا
مردم را به طریق پروردگارش دعوت نماید.

۸۹- ای فرزندان سنن و قوانین معروف الهی، ای فرزندان دانشهای رسیده از ائمه.

يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ ٩٠

۲۷۰- در حدیث مفضل از حضرت صادق علیه السلام آمده که فرمودند:

سَيِّدِ حَسَنِي (یکی از افرادی که قبل از قیام امام زمان علیه السلام برای دفاع از حق پیامی بخیزد) بیرون می‌آید تا اینکه به حضرت مهدی علیه السلام میرسد، آنگاه می‌گوید:

اگر تو مهدی آل محمد (علیهم السلام) هستی پس عصای جدت پیغمبر، و انگشتر و جامه و زره (فاضل) آن حضرت کجاست؟

و عمامه پیغمبر صلوات الله علیه (که سحاب نام دارد) و اسب (یربوع) و شتر (غضباء) و قاطر (دلدل) و الاغ (یغفور) و اسب اصیل رسول خدا (که بُراق نام دارد) و مصحف امیر مؤمنان علیه السلام کجاست؟

پس آنجناب تمام اینها را به او نشان میدهد. آنگاه عصای پیغمبر را میگیرد و در سنگ سختی می‌کارد، فوراً برگ میدهد. منظورش از این کار آن است که بزرگواری و فضیلت مهدی علیه السلام را به اصحاب خود بنمایاند تا با آن حضرت بیعت کنند. سپس سید حسنی عرضه می‌دارد:

”الله اکبر؛ ای فرزند پیغمبر دستتان را بدهید تا با شما بیعت کنیم.“

حضرت مهدی علیه السلام دستشان را دراز میکنند، آنگاه سید حسنی و اصحابش بیعت می‌نمایند، مگر چهل هزار نفر صاحبان مصاحف که به (زیدیه) معروفند که از بیعت کردن سرباز می‌زنند، و می‌گویند: این کار یک سحر بزرگ است. با این حرف دو لشکر با هم گلاویز میشوند،-

حضرت مهدی علیه السلام بطرف طائفه منحرف آمده و آنها را نصیحت و دعوت به خودش میکنند.

ولی آنها بر کفر و طغیان خود افزوده، و آن حضرت دستور به کشتن آنها میدهند پس همه را از دم شمشیر می گذارند.....

۲۷۱- ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

در مسجد شما - یعنی مسجد مکه - سیصد و سیزده مرد خواهد آمد، که اهل مکه میدانند آنها از پدران و اجدادشان نیستند. (یعنی اهل مکه نیستند.) بر آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیر کلمه ای نوشته شده که هزار کلمه میگشاید.

پس خداوند عزوجل بادی می فرستد که به هر وادی ندا میکند:

"این مهدی است که به قضاوت داود و سلیمان علیهم السلام قضاوت میکند؛ و بر آن بینه و شاهد نمی طلبد."

۲۷۲- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند:

چون قائم آل محمد صلوات الله علیهم قیام کند در میان مردم به حکم حضرت داود علیه السلام حکم میفرماید، نیازی به شاهد و بینه ندارد.

خدای تعالی او را الهام میکند پس به علم خود حکم میفرماید و هر قومی را به آنچه در باطن مخفی داشته اند، خبر میدهد و دوست خود را از دشمن به نشانه تشخیص میدهد.

خداوند سبحان میفرماید:

"إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لَبَسِيلٌ مَّقِيمٌ"

"همانا در آن آیاتی برای هوشمندان است و آن به راهی استوار است" (سوره حجر: ۷۵)

يَا بْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ۹۱

۲۷۳- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام از آیه شریفه:

”وَ اَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ

فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ“

”و این راه مستقیم من است پس آن را پیروی کنید و به راههای دیگر نروید

که شما را از راهش دور کند“ (سوره انعام: ۱۵۳)

سؤال کرد، حضرت فرمودند:

”صراط مستقیم“؛ ما هستیم، هر که از راه ما امتناع ورزید، بدنبال ”سُبُل“

(راههای دیگر) رفته است و به تحقیق کافر گردیده است...

۲۷۴- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”وَ اَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ.....“

”و این راه مستقیم من است پس از آن پیروی کنید“ (سوره انعام: ۱۵۳)

فرمودند: آل محمد (علیهم السلام) آن راهی است که خداوند به آن راهنمایی میکند.

۲۷۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...خدای تبارک و تعالی اگر میخواست خودش را بی واسطه به

بندگان می شناسانید ولی خداوند ما را درها و صراط وسیل و وجهی

۹۱- ای فرزند راه مستقیم خدا (یعنی ای فرزندی علی بن ابیطالب علیه السلام).

که بطرف او راهنمایی میشوند قرار داد و کسانی که از ولایت ما روگردانیده و دیگران را بر ما ترجیح دهند از "صراط مستقیم" منحرفند .
و فرمودند: کسانی که سوی ما آمدند بسوی چشمه های صافی آمدند که
آبش به امر پروردگار جاری است و تمام شدن و خشک شدن ندارد.

۲۷۶-... و در زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام در مفاتیح الجنان میخوانیم:

"السَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ"

يَا بْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ۹۲

۲۷۷- ابو حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قربانت کردم، شیعه از شما تفسیر آیه:

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ - عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ

را میپرسند؟

فرمودند:... این آیه درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است،

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند:

"مَالَهُ عَزٌّ وَجَلٌّ آيَةٌ هِيَ اكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبِيٍّ اعْظَمُ مِنِّي"

برای خداوند آیه ای بزرگتر از من نیست.

برای خداوند خبری بزرگتر از من نیست.

۲۷۸- در زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین علیه السلام میخوانیم:

”السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَيْهِ

يُعْرَضُونَ وَعَنْهُ يُسْتَلُونَ“

”سلام بر آن صاحبِ خبرِ بزرگی که آنان درباره آن اختلاف کنند بر آن عرضه

شوند و از آن بازخواست شوند.“

۲۷۹- در زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام میخوانیم:

السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْعَظِيمِ

يَأْتِنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ۹۳

۲۸۰- امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه:

”إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ“

فرمودند: منظور امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفتِ اوست (خدایا ما را به معرفتِ

حضرت علی علیه السلام هدایت فرما).

دلیل بر اینکه ”صراطِ مستقیم“ امیرالمؤمنین است این آیه میباشد:

”وَإِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ“

”همانا او در اُمّ الکتاب نزد ما علی و حکیم است.“ (سوره زحرف: آیه ۴)

که امیرالمؤمنین علیه السلام در ”اُمّ الکتاب“ ذکر شده، یعنی همان:

”إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ“ است.

۹۳- ای فرزندی کسیکه در اُمّ الکتاب (سوره حمد) نزد خداوند، ”علی حکیم“ است.

۲۸۱- در زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که:

”السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَآلِهِ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ“

”سلام بر کسیکه خدا درباره اش فرو فرستاد که او نزد ما، در (أم الكتاب) یعنی

سوره فاتحه ”علی و حکیم“ است.“

يَابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ

يَابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ^{۹۴}

۲۸۲- هارون بن حمزه گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در مورد آیه:

”بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ“

”بلکه آیاتی است روشن در سینه کسانی که به آنها علم داده شده.“ (سوره عنکبوت: ۴۹)

فرمودند: کسانی که به آنها علم داده شده و ”آیات بینهات“ در سینه هایشان

هست، فقط ائمه هدی (علیهم السلام) هستند.

۲۸۳- حضرت علی علیه السلام خطاب به سلمان و ابوذر فرمودند:

...سلمان و یا ابادر، محمد: ”یس و قرآن حکیم“ است.

محمد: ”ن و القلم“ است. و محمد: ”طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی“

”طه قرآن را به تو نازل نکردم که در زنج افتی.“ (سوره طه: ۲) است،-

۹۴- ای فرزندان آیات و نشانه های آشکار، ای فرزندان دلایل روشن حق (یعنی

ائمه اطهار علیهم السلام)، ای فرزندان برهانهای واضح و آشکار خداوند.

و محمد: صاحب دلالات، و من صاحب معجزات و آیات ...
 درباره فضل ما هر چه مایلید بگوئید، به کُنه فضل ما نخواهید رسید و
 حتی مقداری از یک دهم آن را نمیتوانید بیان کنید.
 چون ما آیات و دلائل خدائیم و خلیفه و امین و امام و وجه الله و عین الله
 و لسان الله هستیم.....

يَا بْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ^{۹۵}

۲۸۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچ چیز نه آدمی، نه انسی، نه جنی، و نه ملکی در آسمانها نیست
 مگر آنکه ما حجّت بر آنها هستیم.
 هیچ آفریده ای را خدا نیافرید مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه داشت
 و بوسیله ما بر او حجّت تمام کرد.
 بعضی ایمان به ما دارند و بعضی کافر و منکرند حتی آسمانها و زمین و
 کوهها.....

۲۸۵- سدید گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قربانت، شما چه سمتی دارید؟

فرمودند: ما خزانه دار علم خدائیم، ما مترجم وحی خدائیم
 ما حجّت رسائیم بر هر که در زیر آسمان و روی زمین است.

۹۵- ای فرزندان حجتهای بالغه الهی.

يَا بْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ ۹۶

۲۸۶- شخصی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”وَ اسْبِغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةٌ وَ بَاطِنَةٌ“

”و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام کرد“ (سوره لقمان: ۲۰)

سؤال کرد؟

و حضرت چنین پاسخ دادند: ”نعمت ظاهری“ امام ظاهر و آشکار است، و ”نعمت باطنی“ امام غایب می باشد.

يَا بْنَ طه وَ الْمُحْكَمَاتِ ۹۷

۲۸۷- از امام باقر علیه السلام از معنای آیه شریفه ”طه“ سؤال شد،

حضرت فرمودند: ”طه“ اسمی از اسماء پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و معنایش این است؛ ”یا طالب الحق الهادی الیه“

”ای طلب کننده حق و هدایت کننده بسوی آن...“

۲۸۸- امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه:

”آيَاتُ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ“

... بعضی از آیات آن، آیات محکم است که آن آیات ام کتاب هستند (آل عمران: ۷)

فرمودند: ”آیات محکمت“: امیر المؤمنین و ائمه (علیهم السلام) هستند...

۹۶- ای فرزندی نعمتهای فراوان.

۹۷- ای فرزندی طه و محکمت.

يَا بْنَ يَسِّ وَ الذَّارِيَاتِ^{۹۸}

۲۸۹- از امام صادق علیه السلام از معنای آیه شریفه: "یسس" سؤال شد، فرمودند: "یسس" از اسماء پیامبر اکرم می باشد و معنایش این است که: "يا أَيُّهَا السَّامِعُ الْوَحْيِ": "ای شنوای وحی الهی" ...

۲۹۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

ابْنُ الْكُوَا از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آیه شریفه: "وَ الذَّارِيَاتِ ذُرُّوا"

"سوگندبه بادهایی که ذرات سر راه خود را به اطراف می پراکند." (سوره ذاریات: ۱) سؤال کرد، حضرت فرمودند: "الذاریات"؛ ریح (باد) است.

۲۹۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ریح (باد)، لشکر بزرگ الهی است.

۲۹۲- امام صادق علیه السلام در تفسیر کلمه "ریح" (باد) فرمودند:

همانگونه که باد برای قومی عذاب و برای قومی دیگر رحمت است، همچنین هستند ائمه (علیهم السلام) (که برای دشمنان عذاب و برای مؤمنین رحمت می باشند).

يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ^{۹۹}

۲۹۳- امام صادق عليه السلام درباره آیه:

”وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سَيْنِينَ“ (تین: ۱-۲)

فرمودند: ”تین“ و ”زیتون“: امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)،
و ”طور سینین“: علی بن ابیطالب عليه السلام است.

۲۹۴- در زیارت هفتم امیرالمؤمنین عليه السلام میخوانیم:

”أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ وَالْكِتَابَ الْمَسْطُورُ“

۲۹۵- در مجمع البیان آمده است:

وقتی سوره عادیات نازل شد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از خانه به میان مردم آمدند، و نماز صبح را خواندند، و در نماز همین سوره را تلاوت کردند.

بعد از آنکه نمازشان تمام شد اصحاب عرضه داشتند: ما این سوره را نشنیده بودیم.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: بله، علی بر دشمنانش ظفر یافت، و خدایتعالی این سوره را فرستاد، و جبرئیل در امشب با آوردن آن، فتح علی را به من مژده داد، چند روز بیشتر نگذشت که حضرت علی عليه السلام با غنائم و اسیران برگشتند.

يَا بَنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى
 دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى^{۱۰۰}

۲۹۶- در تفسیر قمی ذیل آیه:

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى

... إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى (سوره نجم: ۸ و ۹ و ۱۶)

آمده است که:

”ثُمَّ دَنَى“؛

یعنی: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به پروردگار عزوجل نزدیک شد.

”فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى“؛

یعنی: (فاصله او با پروردگارش) به اندازه فاصله قبضه کمان تا طرفین کمان بود.

”فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى“؛

یعنی: وحی بصورت مشافهه ای بود.

”إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى“؛ یعنی: وقتی حجاب بین رسول خدا و

پروردگارش برداشته شد، نور الهی ”سُدْرَةَ“ (در جانب راست عرش) را

پوشانید...

۱۰۰- ای فرزند آنکه (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله در معراج) آنچنان به

خداوند نزدیک شد که گویی بیش از دو کمان یا کمتر با خداوند علی فاصله نداشت.

۲۹۷- امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خود، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرمودند که: حضرت رسول (ص) فرمودند:

... و آن زمان که به معراج برده شدم، جبرئیل اذان و اقامه گفت و هر

بند را دوبار تکرار کرد. سپس به من گفت: جلو بایست ای محمد.

گفتم: ای جبرئیل آیا از تو جلو تر بایستم؟

گفت: آری؛ زیرا خداوند عزوجل انبیائش را بر تمام ملائکه اش برتری داده و خصوصاً تو را به تنهایی برتری داده است. من نیز جلو ایستادم و آنان به من اقتدا کردند. اما با این حال، فخر و تکبر ندارم.

و آنگاه که به حُجُب نور رسیدم جبرئیل به من گفت: جلو تر برو، و خود

عقب ایستاد. به او گفتم: آیا در چنین موضع و موقعی، مرا رها میکنی؟

جبرئیل گفت: آخرین مرزی که خداوند عزوجل برای من قرار داده

اینجاست که اگر از آن عبور کنم، بالهائیم به خاطر تعدی از حد و

مرزهای پروردگارم، آتش خواهد گرفت.

در این موقع، نور مرا به جلو پرتاب کرد تا بحدی از علو مقام که خدا

می خواست رسیدم.

آنگاه ندایی آمد و مرا خواند. ندا را پاسخ گفتم و عرض کردم:

آری ای پروردگارم، بلند مرتبه و والا مقام هستی.

دوباره ندا آمد: ای محمد، تو بنده من و من رب تو هستم؛ پس مرا

پیرست و بر من توکل کن. تو نور من در بین بندگانم و فرستاده من

بسوی خلقم و حجت من بر مخلوقاتم هستی. برای تو و پیروانت بهشتم را

خلق کرده ام، و برای مخالفین آتشم را خلق کرده ام. و برای اوصیانت

کرامت و احترامم را واجب نموده ام و برای شیعیان‌شان، ثوابم را واجب کرده ام. عرض کردم: پروردگارا، اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندایی آمد که ای محمد، نام اوصیای تو بر پایه عرشم نوشته شده است. من در حضور پروردگارم عزوجل به پایه عرش نظر کردم.

دوازده نور دیدم که در هر نور، سطری سبز رنگ بود و بر آن سطر، نام یکی از اوصیایم (نوشته شده بود که) اولین آنان علی بن ابیطالب و آخرین آنان، مهدی امتم بود.

عرض کردم: پروردگارا، اینها بعد از من اوصیای من هستند؟ ندا آمد که ای محمد، اینان اوصیاء، دوستان، برگزیدگان و حجتهای من بعد از تو در بین مخلوقاتم هستند و آنها اوصیاء و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند.

قسم به عزت و جلالم که، دینم را توسط آنان پیروز میکنم و کلمه خویش را به وسیله آنان بالا خواهم برد.

و زمین را با آخرین آنان، از لوٹ وجود دشمنانم پاک خواهم کرد و شرق و غرب عالم را در ملک او در اختیار او در خواهم آورد.

بادها را فرمانبردار او خواهم کرد، ابرهای سخت و سهمگین را در مقابل او و برای او خوار و ذلیل خواهم نمود و او را به آسمانها خواهم برد و با لشکریانم یاریش خواهم نمود و با ملائکه ام او را مدد خواهم رساند تا دعوت مرا آشکار گرداند و خلق را بر توحید و یکتا پرستی گرد آورد.

سپس پادشاهی او را ادامه و استمرار می دهم و روزگار را تا قیام قیامت، در اختیار اولیایم یکی از پس دیگری قرار خواهم داد.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى
أَبْرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طَوَى^{۱۰۱}

۲۹۸- حضرت علی بن الحسین علیهما السلام درباره امام قائم علیه السلام فرمودند:

(آن حضرت) زیر درخت افاقیائی می نشیند، جبرئیل به صورت مردی از قبیله کلب نزد او می آید و میگوید: ای بنده خدا چرا اینجا نشسته ای؟ امام زمان علیه السلام می فرماید: ای بنده خدا، منتظرم شب فرا رسد تا به مکه بروم و رفتن در این گرما را خوش ندارم. جبرئیل می خندد و چون می خندد آن حضرت او را می شناسد که جبرئیل است.

پس جبرئیل دست ایشان را میگیرد و با ایشان مصافحه مینماید و سلام میکند و به آن حضرت عرضه میدارد که: "برخیز"، و اسبی که به آن "براق" گفته میشود، برایشان می آورد.

آن حضرت سوار می شوند سپس به "کوه رضوی" می آیند، آنگاه حضرت محمد و حضرت علی (صلوات الله علیهما) می آیند و برای ایشان فرمان سرگشاده ای می نویسند که بر مردم بخواند سپس بسوی مکه می رود که مردم در آنجا اجتماع کرده اند. امام سجاد علیه السلام فرمودند: در آن هنگام مردی از سوی آن حضرت بپاخیزد و ندا کند:

۱۰۱- ای کاش میدانستم در کجا منزل گرفته ای و چه مکانی تو را در بر گرفته است،

در سرزمین رضوی؟ یا ذی طوی؟ یا در غیر آنها؟

ای مردم این خواسته شما است، آمده شما را دعوت فرماید به آنچه رسول الله (صلی الله علیه و آله) به آن فرا میخواند. مردم از جای خود برمیخیزند، سپس خود آن حضرت برخاسته و میفرماید:

«ای مردم من فلان فرزند فلان هستم، من فرزند پیغمبر خدایم، شما را میخوانم به آنچه پیغمبر خدا به آن فرا میخواند.»

در این هنگام عده ای پیاپی میخیزند که او را بکشند، سیصد- یا سیصد و چند نفر- از جا بلند میشوند و از این کار جلوگیری میکنند، که: پنجاه نفر از اهل کوفه و بقیه از سایر مردم هستند، همدیگر را نمی شناسند و بدون قرار قبلی آنجا جمع شده باشند.

۲۹۹- امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم علیه السلام از بلندی "کوه ذی طوی" با سیصد و سیزده نفر مرد که به قدر اصحاب بدرند فرود می آیند، تا اینکه به حجر الاسود تکیه زده و بیرق غلبه کننده را می جنبانند. (جهت آگاهی بیشتر به حدیث ۲۳۴ و ۲۳۵ رجوع شود)

۳۰۰- امام باقر علیه السلام فرمودند:

برای صاحب این امر در بعضی از این دره ها غیبتی خواهد شد. بعد از آن با دست مبارکشان به سمت ناحیه "ذی طوی" اشاره فرمودند که یعنی: در این دره ها غایب خواهد شد.

(اخبار مکه المشرفه می نویسد: "ذی طوی" نمازگاه پیغمبر (ص) است، هر زمان آن حضرت به مکه تشریف می آوردند در "ذی طوی" فرود می آمدند و شب را در آنجا توقف فرموده، نماز صبح را همانجا میخواندند.)

عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰى الْخَلْقَ وَلَا تُرٰى
وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوٰى^{۱۰۲}

۳۰۱- ابوبصیر گوید:

با حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام داخل مسجد شدم در حالیکه مردم آمد و شد میکردند. پس آن حضرت به من فرمودند: از مردم پرس آیا مرا میبینند؟ هر کس را که دیدم، پرسیدم: آیا حضرت ابوجعفر علیه السلام را ندیدی؟ میگفت: نه، و حال آنکه آن حضرت همانجا ایستاده بودند. تا اینکه ابوهارون مکفوف آمد، فرمودند: از این پرس. پس به او گفتم: آیا حضرت ابوجعفر علیه السلام را ندیدی؟ گفت: مگر نه همین است که ایستاده؟! گفتم: از کجا دانستی؟ گفت: چگونه ندانم و حال آنکه او نوری درخشان است. (در حالیکه مکفوف مردی نابینا بود).

۳۰۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

و بدانید که زمین از حجّت الهی خالی نمی ماند ولیکن خداوند چشم باطن بندگانش را از شناختن امام کور میکند بخاطر ظلم و جور و اسراف آنها بر خودشان، و اگر زمین یک ساعت از حجّت الهی خالی بماند اهلش را فرو می برد.

۱۰۲- بر من بسی سخت است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی، و از تو هیچ

صدائی حتی آهسته هم به گوشم نرسد.

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبُلُوْى وَ لَا يَنْالُكَ مِنِّي
ضَجِيْحٌ وَ لَا شَكْوٰى^{۱۰۳}

۳۰۳- امام زمان علیه السلام در حدیث علی بن مهزیار اهوازی فرمودند:

پدرم ابو محمد علیه السلام (امام حسن عسکری) به من سفارش کرد که مجاورت نکنم قومی را که خداوند بر آنها غضب کرده و لعنتشان نموده و برای آنان در دنیا و آخرت ننگ و خواری است و برای آنها عذاب دردناکی است، و مرا امر فرمود که از کوهساران جز دشوار آنها و از بلاد جز جاهای پست را برنگزینم و خداوند مولای شما، تقیه را آشکار فرمود و مرا بدان موکل کرد، پس من در تقیه ام تا روزی که اجازه خروج داده شود.

۳۰۴- حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

صاحب این امر، همان آواره در بدر یگانه و تنهاست.

۳۰۵- داوود بن کثیر رقی گوید: از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام از

صاحب این امر پرسیدم؟

فرمودند: او همان آواره یکتای غریب پنهان از خاندانش منی باشد که خونخواه پدرش خواهد بود.

۱۰۳- بسیار سخت است بر من که رنج و بلا بر تو و نه به من، احاطه پیدا کند و ناله

زار من و شکوه من هم به حضرتت نرسد.

۳۰۶- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم پس از چشمش همچون بال پشه ای اشک بیرون آید خداوند گناهایش را می آمرزد هر چند که همچون کف دریا باشد.

۳۰۷- معاویه بن وهب گویند: امام صادق علیه السلام در مناجات خود با پروردگار میفرمودند:

... (خدایا) آن چشمهایی را که بخاطر ترحم بر ما اشکبار شده اند مورد رحمت خود قرار بده.

و رحمت کن بر آن دلهایی که بخاطر ما بیتاب شده و آتش گرفته است.
و رحمت آور بر آن ناله و فریادی که بخاطر ما بوده است...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا^{۱۰۴}

۳۰۸- فردی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد که:

... آیا از امامان کسی غایب میشود؟

حضرت فرمودند: بله؛ شخص او از دیدگان مردم غایب می شود، ولی یاد او از دلهای اهل ایمان غایب نمی شود. و او دوازدهمین نفر از ما (امامان) است....

۳۰۹- مسعده بن صدفه گوید: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل فرموده که امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر در شهر کوفه فرمودند:

بارخدا یا همانا به ناچار بر روی زمین تو، حُجَّتِی از سوی تو بر خلقت باید که آنان را به دین تو هدایت کند، و علم تو را به ایشان بیاموزد، تا حُجَّتِ تو باطل نشود، و پیروان ایشان گمراه نگردند پس از آنکه هدایتشان کرده ای.

(آن حُجَّتِ) یا آشکار است که اطاعت نشود، یا مخفی و در انتظار باشد، اگر شخص او از مردم در حال هدایت شدنشان غائب ماند، بدستیکه علم و آداب او در دل‌های مؤمنین ثبت است که آنان به آنها عمل میکنند.

بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا^{۱۰۵}

۳۱۰- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

...ای رُمیله، نیست مؤمنی که مریض شود مگر آنکه ما به جهت مرض او مریض میشویم، و محزون نمی شود مگر آنکه به جهت حزن او محزون میشویم، و دعا نمیکند مگر آنکه "آمین" برای او میگوئیم، و ساکت نمیشود مگر آنکه برای او دعا میکنیم. عرض کردم:

یا امیرالمؤمنین، فدای تو شوم این لطف و مرحمت برای کسانی است که با جناب تو اند، خبرده مرا از حال کسانی که در اطراف زمینند.

فرمودند: ای رُمیله، مؤمنی در مشرق و مغرب زمین از ما غائب نیست.

۱۰۵- فدای تو ای بدور مانده از نظرها که در کنار ما می.

۳۱۱- سُدیر صیرفی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

در صاحب این امر شباهتی از یوسف است.

عرض کردم: انگار که شما از غیبت یا حیرتی به ما خبر می‌دهید؟

فرمودند: این افراد ملعون شبیه خنزیر، چرا این سخن را انکار میکنند؟

برادران یوسف افراد عاقل و چیزفهم و فرزندان پیغمبر بودند. بر یوسف

وارد شدند و با او سخن گفتند و با او معامله کردند و رفت و آمد

نمودند و او برادر آنان بود با وجود این تا خودش را به آنان معرفی نکرد

او را شناختند و وقتی گفت من یوسف هستم پس او را شناختند.

بنا بر این امت سرگردان چه انکار میکنند که خداوند عزوجل در وقتی از

اوقات بخواهد حجّت خودش را بر آنان مخفی بدارد.

یوسف پادشاهی مصر را داشت و فاصله بین او و پدرش هیچ‌ده روز راه

بود، اگر خداوند میخواست جای او را به پدرش بفهماند، می‌توانست.

پس چه انکار میکند این امت که خداوند با حجّت خویش همان کند

که با یوسف کرد.

و اینکه صاحب مظلوم شما که حقش غصب شده، صاحب این امر در

میان آنها آمد و شد کند و در بازارهایشان راه برود و بر فرشهایشان پا

بگذارد ولی او را شناسند؟

تا هنگامیکه خداوند او را اذن دهد که خودش را معرفی کند، چنانکه به

یوسف اجازه داد.

وقتی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: من همان یوسفم.

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا^{۱۰۶}

۳۱۲- امام رضا علیه السلام فرمودند:

چه بسیار زنان جگر سوخته مؤمنه، و چه بسیار مردان مؤمن اسفناک جگر سوخته خواهد بود آنگاه که "ماء معین" مفقود و غایب گردد...

۳۱۳- امام زمان علیه السلام به علی بن مهزیار فرمودند: پدرم امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

...فرزندم، مهدی - بدان که دل‌های مردم با خلوص و طاعت پیشه، بسان پرنده ای که بسوی آشیانه پر میکشد بی تابانه و مشتاقانه راهی کوی توآند.....

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامَى^{۱۰۷}

۳۱۴- امام باقر علیه السلام فرمودند:

...ما عزت اسلام، و پل‌ها، و معبرهای بزرگی هستیم که هر کس از روی آن بگذرد سبقت میگیرد، و هر کس تخلف جوید گمراه میشود.....

۱۰۶- جانم به قربان تو، ای آرمان هر زن و مرد مؤمن مشتاقی که آرزومند توآند و به یاد تو ناله از دل بر میکشند.

۱۰۷- جانم فدای تو، ای وابسته به عزتی که بر تو هیچکس برتری ندارد.

۳۱۵- امام رضا علیه السلام فرمودند:

...همانا امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین، و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است...

امام یگانه زمان خود است، کسی به همطرازی او نرسد، دانشمندی با او برابر نباشد، جایگزین ندارد، مانند و نظیر ندارد، به تمام فضیلت مخصوص است پی آنکه خود او در طلیش رفته و بدست آورده باشد، بلکه امتیازی است که خدا به فضل و بخشش به او عنایت فرموده.

کیست که امام را بشناسد، یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟ هیئات!! در اینجا خرده‌ها گمگشته، خویشان داری‌ها بیراهه رفته، و عقلها سرگردان، و دیده‌ها بی‌تور، و بزرگان کوچک شده، و حکیمان متحیر، و بردباران بی‌تاب، و خطیبان درمانده، و خردمندان نادان، و شعرا وامانده، و ادب‌ناتوان، و سخن‌دانان درمانده اند که بتوانند یکی از شئون و فضائل امام را توصیف کنند.

همگی به عجز و ناتوانی معترفند.

...امام از گناهان پاک، و از عیب‌ها برکنار است،

به دانش مخصوص، و به خویشان دارای نشانه داراست،

موجب نظام دین و عزت مسلمین، و خشم منافقین، و هلاک کافرین است...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيْلِ مَجْدٍ لَا يُجَارَى^{۱۰۸}

۳۱۶- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

علم پیامبران در مقایسه با علم آنها (محمد و آل محمد صلوات الله علیهم))، و سرّ اوصیاء در برابر سرّ آنها، و عزّت و بزرگواری اولیاء در برابر عزّت آنها، همچون قطره ای است در برابر دریا و ذره ای است در میان بیابان.

و حضرت علی علیه السلام فرمودند:

وَ الْإِمَامُ يَا طَارِقُ بَشَرٌ مَلَكِيٌّ وَ جَسَدٌ سَمَاوِيٌّ وَ أَمْرٌ إلهِيٌّ

وَ رُوحٌ قُدْسِيٌّ وَ مَقَامٌ عَلِيٌّ وَ نُورٌ جَلِيٌّ وَ سِرٌّ خَفِيٌّ

ای طارق: امام، بشری فرشته نخوی و جسدی آسمانی و امری الهی و روحی قدسی و (صاحب) مقامی عالی و نوری آشکار و سیری پنهان است.

۳۱۷- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... مگر مردم مقام و منزلت امامت را در میان امت میدانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود؟ همانا امامت قدرش والاتر، و شأنش بزرگتر، و منزلتش عالیتر، و مکانش منیع تر و برتر از آن است که عقل مردم به عظمت او پی ببرند، و یا به آرائشان آن را دریابند، و یا به انتخاب خود امامی منصوب کنند. همانا امامت مقامی است که، خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خلقت در مرتبه سوّم به ابراهیم علیه السلام اختصاص

۱۰۸- جانم فدایت، که تو صاحب آن شرف و بزرگواری و عظمتی هستی که

همطرازی نداری.

داده و به آن فضیلت مشرفش ساخته، و نامش را بلند و استوار نموده و فرموده: "إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا" "همانا من تو را امام مردم گردانیدم"

۳۱۸- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

... پیامبر و عترتش از یکدیگر تا ابد جدا نمی شوند، آنها مرکز دایره ایمانند، و قطب وجود و بخشندگی، و شرف موجودات، و نور خورشید عظمت، و روشنی ماه، و پایه و مبدأ، و معنای عزت و مجد ...
امام مثل و مانند ندارد و کسی را یارای برابری با او نیست. چه کسی میتواند عارف به مقام او شود، یا به درجات ما واقف گردد شاهد کرامات ما باشد، و منزلت ما را دریابد؟! عقلها و خردها حیران است و اندیشه ها سرگردان

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نَعْمٍ لَا تُضَاهِي^{۱۰۹}

۳۱۹- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده، چشمه ای است جوشنده، و برکه و گلستان است. امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک، پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است.
امام امین خداست در میان خلقش، و حجّت او بر بندگانش، و خلیفه او در بلادش، و دعوت کننده بسوی او و دفاع کننده از حقوق اوست

۳۲۰- امام باقر علیه السلام فرمودند:

... ما کوهان بزرگ و کسانی هستیم که بواسطه ما رحمت نازل میشود،
و بواسطه ما باران بر شما می بارد، و بواسطه ما عذاب از شما برطرف
میشود..... هر کس ما را بشناسد و یاری کند، و عارف به حق ما باشد، و
دستور ما را بپذیرد از ما است، و بازگشت او بسوی ما است.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي^{۱۱۰}

۳۲۱- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... امام عالمی است که نادانی ندارد، سرپرستی است که عقب نشینی
ندارد. کانون قدس و پاکی و طاعت و زهد و علم و عبادت است.
دعوت پیغمبر (ص) به او اختصاص دارد، از نژاد پاک بتول است.
در دودمانش جای طعن و سرزنشی نیست و هیچ شریف نژادی به او
نرسد، از خاندان قریش و کنگره هاشم و عترت پیغمبر (علیهم السلام) و
پسندیده خدای عزوجل است.

برای اشراف شرف است و زاده عبدمناف است.

علمش در ترقی، و حلمش کامل است.

در امامت قوی، و در سیاست عالم است، اطاعتش واجب است.

به امر خدای عزوجل قائم است.

خیر خواه بندگان خدا، و نگهبان دین خداست.

۱۱۰- جاتم به قربانت، ای قرین شرف و بزرگواری که برابر نداری.

۳۲۲- حال مناسب است فرزای از زیارت جامعه کبیره را، که در خصوص اهل بیت (علیهم السلام) از امام هادی علیه السلام وارد شده توجه کنیم:

” آتَاكُمُ اللَّهُ مَالًا يُؤْتِي أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ “

”خداوند به شما آنچه را که به آخدی از جهانیان نداده بخشیده است، هر شرافتمندی در مقابل شرافت شما سر به زیر انداخته، و هر صاحب کبریاپی به اطاعت از شما گردن نهاده، و هر جباری در مقابل فضیلت شما خاضع گردیده و هر چیزی در عالم در برابر شما خوار و ذلیل گشته است.“

إِلَى مَتَى أَحَارُفِيكَ يَا مَوْلَايَ

وَ إِلَى مَتَى وَ آيٌ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ آيٌ تَجْوِي ۱۱۱

۳۲۳- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

مهدی از فرزندان من است، برای او غیبت و حیرتی است که در آن امتهای گمراه میشوند، ذخیره پیغمبران را می آورد آنگاه زمین را پر از عدل و قسط میکند چنانچه از جور و ظلم پر شده است.

۳۲۴- حضرت علی علیه السلام فرمودند: رسول اکرم (ص) فرمودند:

... چه بسیار مرد مؤمن و زن مؤمنه ای که برای از دست دادن و ندیدن حضرت مهدی علیه السلام گرفته و اندوهگین و سرگشته و محزون میباشند...

۱۱۱- ای مولای من تا کی در انتظارت حیران و سرگردان باشم؟

و به چه زبانی وصف تو بیان نمایم و با تو راز دل گویم؟

۳۲۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچکس نمیتواند خداوند را توصیف کند و به گُنه صفت خداوند عزوجل پی برد.

و همانطور که هیچکس نمیتواند به گُنه وصف خداوند عزوجل برسد همچنان احدی نتواند به گُنه وصف رسول خدا (ص) دست یابد.

و همانگونه که هیچکس نمیتواند به گُنه وصف حضرت رسول (ص) برسد هیچکس نمیتواند گُنه صفت امام را دریابد.

و همانگونه که هیچکس نمیتواند به گُنه وصف امام برسد (فضیلت ما و آنچه خداوند از حقوق ما واجب نموده دریابد) و هیچکس نمیتواند گُنه صفت مؤمن را دریابد.

۳۲۶- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

یا علی خداوند را شناخت جز من و تو، و مرا شناخت جز خدا و تو، و تو را شناخت جز خدا و من.

۳۲۷- عده ای بر امام صادق علیه السلام داخل شدند و پرسیدند:

تعریف امام چیست؟

فرمودند: تعریف او عظیم است، اگر بر او داخل شدید او را تعظیم و احترام کنید و به آنچه (از معارف) به شما میدهد ایمان آورید.

و بر او است که شما را هدایت کند و در او صفتی هست: و آن اینکه

هر گاه بر او وارد شوید کسی نمیتواند چشم خود را از دیدار او برگرداند

بخاطر هیبت و جلالتی که در امام هست، زیرا که پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) نیز چنان بود، امام هم مانند اوست.
عرض کردند: آیا شیعیانش را می شناسد؟
فرمودند: بله، همه شان را می بیند.
عرض کردند: پس آیا ما شیعه تو هستیم؟
فرمودند: بله همه شما.
عرض کردند: نشانی آن را به ما بفرمای.
فرمودند: نام شماها و نام قبیله هایتان را میگویم.
عرض کردند: بفرمائید.
پس نام و نام قبائلشان را بیان کردند.
و آنها عرض کردند: راست فرمودی.

۳۲۸- در زیارت جامعه میخوانیم که :

خلایق نمی توانند به حقیقت امامان (علیهم السلام) و صفات و ویژگیهای آنان برسند:

”مَوَالِيٌّ لَا أَحْصَى ثَنَائِكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ
وَ مِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ“

”ای سروران من، نتوانم شما را ستایش کنم و نه به آخرین حد مدح شما رَسَم، و نه به وصف قدر شما دست یابم.“

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ دُوتَكَ وَ اُنَاغِي
 عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَبْكِيكَ وَ يَحْذُكَ الْوَرِي
 عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُوتُهُمْ مَا جَرِي
 هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ
 هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا
 هَلْ قَدِيَتْ عَيْنٌ فَاُسَاعِدْتُهَا عَيْنِي عَلَي الْقَدِي ۱۱۲

۳۲۹- سدید صیرفی گوید:

من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولا یمان حضرت
 ابی عبد الله امام صادق علیه السلام وارد شدیم. پس دیدیم آن حضرت بر روی
 خاک نشسته و جبهه خیری طوقدار بی یقه ای که آستینهایش کوتاه
 بود پوشیده، و همچون کسیکه فرزند از دست داده و جگرش سوخته
 باشد میگرید. حزن و اندوه چهره شان را فرا گرفته و رنگشان را تغییر
 داده، و اشک چشمشان را پر کرده بود، می فرمودند: ای آقای من،

۱۱۲- بر من بسی سخت است که پاسخ از غیر تو شنوم و با دیگران سخن گویم،
 بر من بسی سخت است که بگریم از هجران تو، درحالیکه خلق تو را واگذارند،
 بر من بسی سخت است که تنها بر تو بگذرد آنچه میگذرد ولی بر دیگران آنچه
 نگذرد، آیا یآوری هست که با او فریاد و گریه را به درازا برسانم؟

آیا کسی هست که در هنگام تنهایی با او جزع و زاری کنم؟

آیا چشم خار فرورفته ای هست که بگرید و چشم پر خار من هم با او بگرید؟

غیبت تو خواب از سرم ریوده و زمین را بر من تنگ نموده، و راحتی از دلم برده! ای آقای من، غیبت تو مصیبتیم را به اندوههای ابدی پیوسته، و یکی بعد از دیگری را از ما می رباید، که جمعیت و افراد را بسوی فنا میکشاند، و از جهت مصیبتهای گذشته و بلیات پیشین اشکی از چشمم جاری نشود و ناله ای از سینه ام سر نکشد مگر اینکه در برابر چشمم مجسم میگردد محنتهایی که از آنها بزرگتر و هولناکتر و سخت تر است، و حوادثی که با خشم تو درهم آمیخته و با سخط تو عجین گشته.

سدر گوید: از آن مصیبت سخت و پدیده بسیار بزرگ، عقلهایمان پرید و دلهایمان چاک چاک گردید و چنین پنداشتیم که آن حالت نشانه واقعه کوبنده و یا مصیبتی از مصایب زمان است که بر آن حضرت روی آورده است.

عرض کردیم: خداوند دیدگانت را نگریاند. ای زاده بهترین مردم، از کدامین پیشآمد اشکت روان و گریه ات همچون باران است؟

و چه حالتی سبب شده که چنین در ماتم و سوگ بنشینید؟

امام صادق علیه السلام آهی بر کشیدند که بر اثر آن پریشانی شان بیشتر شد و فرمودند:

وای بر شما، صبح امروز من در کتاب جفر نگریستم و آن کتابی است مشتمل بر علم مرگها و بلاها و مصیبتها، و علم آنچه بوده و خواهد بود تا روز قیامت، که خداوند آن را به محمد (صلی الله علیه و آله) و امامان پس از او (علیهم السلام) اختصاص داده است. در این کتاب؛ ولادت و غیبت و به درازا کشیدن و طول عمر غائبان (قائم علیهم السلام)، گرفتاری مؤمنین در آن زمان و

شک و تردیدهایی که بر اثر طولانی شدن غیبت او برایشان پدید می‌آید، و بیشترشان از دین برمیگردند و رشتهٔ اسلام را که خداوند جل ذکره میفرماید:

”وَ كُلُّ إِنْسَانٍ لِّلزَّمَانِ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ“

”و رشتهٔ عمل هر انسان را دور گردنش قرار دادیم“ (سورهٔ اسراء: ۱۳)

یعنی: ولایت را از گردن بیرون می‌افکنند.

تأمل نمودم، لَذا رَقَّتْ كَرْدَم و اندوهها بر من مستولی گشت.

۳۳۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

می‌آید دم بر آورید، همانا بخدا سوگند امامتان سالیانی از روزگار غایب خواهد ماند، و شما در امتحان سخت واقع می‌شوید.

تا آنجا که دربارهٔ او حرفهای مختلف گفته میشود: مرده، هلاک گردیده، در کدام وادی رفته؟ و شما در امواج حوادث واژگون خواهید شد همچنانکه کشتیها در امواج دریا واژگون میشوند. پس نجات نخواهد یافت مگر کسیکه خداوند پیمان از او گرفته و ایمان در دلش ثبت گردیده، و به روحی از سوی خویش تأییدش فرموده باشد.

دوازده پرچم اشتباه انگیز افراشته خواهد شد که دانسته نمیشود کدام به کدام است. راوی گویند: پس گریه کردم، و حضرت علت گریه را جویا شدند. عرض کردم: قربانت کردم، چرا گریه نکنم در حالیکه شما میفرمائید دوازده پرچم مشتبه افراشته خواهد شد.

آن حضرت به خورشید که به ایوان تأییده بود نگاهی افکنده و فرمودند: به خدا سوگند امر ما از آفتاب روشن تر است.

۳۳۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس دیده اش در راه ما گریان شود بخاطر خونی که از ما بناحق ریخته شده، یا حقی که از ما سلب گردیده، یا حرمتی که از ما هتک شده یا بخاطر یکی از شیعیانمان؛ خداوند تعالی به آن اشک سالها جایگاهش را در بهشت قرار خواهد داد.

هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ فَتَحْظِي ۱۱۳

۳۳۲- علی بن مهزیار گوید؛ پس از شرفیابی به محضر مقدس امام زمان علیه السلام، حضرت خطاب به او فرمودند:

ای ابوالحسن (کنیه علی بن مهزیار)، چه میخواهی؟

عرض کردم: امامی که از عالم پوشیده و محجوب است.

فرمودند: او از شما محجوب و پوشیده نیست، ولی او را بدی اعمالتان پوشانده است.

۳۳۳- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

و بدانید که زمین از حجّت خدا خالی نمیماند ولی خداوند بخاطر ظلم و جور و اسراف مردم بر خودشان آنها را از دیدار او کور خواهد ساخت.

۱۱۳- ای پسر پیغمبر، آیا بسوی تو راه ملاقاتی هست؟

آیا روز ما به روز موعود تو پیوند میخورد تا بهره مند شویم؟

۳۳۴- امام زمان علیه السلام در توقیعی خطاب به شیخ مفید "رحمة الله علیه" فرمودند:
 و اگر شیعیان ما که خداوند در اطاعتش آنان را یاری دهد، در وفای
 پیمانی که از ایشان گرفته شده، مصمم و جدی باشند، نعمت لقای ما از
 آنان به تأخیر نمی افتد، و سعادت دیدار ما همراه با معرفت کامل و
 راستین، برای آنان تعجیل میگشت.
 پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده میدارد همانا چیزهای
 ناخوشایندی است که از ایشان به ما میرسد و انتظار نداریم.

مَتَى تَرُدُّ مَنَا هَلَكَ الرَّوْيَةَ فَنَرُوِي

مَتَى نَسْتَفِيعُ مِنْ عَذَابِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى ^{۱۱۴}

۳۳۵- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... امام؛ آب گوارای زمان تشنگی و رهبری بسوی هدایت و نجات
 بخش از هلاکت است.
 امام؛ آتش روشن روی تپه (رهنمای گم گشتگان) است.
 وسیله گرمی سرمازدگان، و رهنمای هلاکت گاههاست، هر که از او
 جدا شود هلاک شود.

۱۱۴- آیا کسی شود که به سرچشمه سیراب کننده ات در آئیم و سیراب شویم؟

کسی شود که برای رفع عطش طولانی خود از چشمه آب گوارای تو بنوشیم؟

۳۳۶- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه شریفه:

”قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ“

”بگو اگر آبی که شما به آن زنده اید در طبقات زمین فرو برود چه کسی است که آبی گوارا برایتان آورد.“ (سوره ملک: ۳۰)

فرمودند: یعنی زمانی که امام شما غائب شود کیست که برای شما امام تازه ای را آورد؟

۳۳۷- امام باقر علیه السلام فرمودند:

مردم آب کمی که در حفره ها جمع شده است را می مکند و نهر عظیم را وا میگذارند. عرض شد: نهر عظیم چیست؟

فرمودند: رسول خدا است، و علمی که خدا به او عطا فرموده است.

همانا خدای عزوجل برای محمد (ص) سنتهای انبیاء را از آدم علیه السلام تا خاتم جمع کرد و بدین ترتیب این سنتها به محمد (صلی الله علیه وآله) رسید.

عرض شد: آن سنتها چه بود؟

فرمودند: همه علوم پیغمبران، و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تمام آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل داد.

۳۳۸- حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندشان امام حسین علیه السلام فرمودند:

نهمین فرزند تو ای حسین همان قائم به حق و آشکار کننده دین و منتشر کننده عدل است.

امام حسین علیه السلام عرض کردند: یا امیرالمؤمنین آیا این شدتی است؟

فرمودند: بله، سوگند به آنکه محمد را به پیغمبری برانگیخت و او را بر تمام مردم برگزید؛ ولی بعد از غیبت و خیرتی که در آن کسی ثابت و

پایدار نمی ماند بر دینش مگر مخلصان که با روح یقین میاشنند، آنها که خدای عزوجل بر ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را در دلهایشان نگاهشته و به روح القدس تائیدشان فرموده است.

۳۳۹- اصغ بن نباته گوید: خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام رفتم، دیدم آن حضرت به فکر فرو رفته، انگشت به زمین می کوبند. عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین آیا در خلافت رغبت کرده اید؟ فرمودند: نه بخدا قسم، نه در آن و نه در امور دنیا هیچ روزی رغبت نداشته ام، ولی در فکر مولودی هستم که در پشت من است. یازدهمین فرزندم، هم اوست مهدی، زمین را پر از عدل می کند، چنانچه از جور و ظلم پر شده است. برای او حیرت و غیبتی است که در آن اقوامی گمراه و اقوام دیگری هدایت می شوند. پس عرض کردم: یا امیرالمؤمنین آیا این شدنی است؟ فرمودند: آری، کما اینکه او آفریده شده است.

۳۴۰- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

از برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی خواهد بود، گویا شیعیان را می بینم که مانند چهارپایان دنبال چراگاه میگردند و آن را نمی یابند، آگاه باشید که هر کس از آنها بردین خود ثابت بماند و قلبش به خاطر طول کشیدن غیبت امامش قسی نشود پس او با من است در درجه ام روز قیامت. سپس فرمودند: هنگامیکه قائم ما پیاخیزد برای هیچکس در گردن او بیعتی نیست لذا ولادتش مخفی و خودش غائب می گردد.

مَتَى تُغَادِيكَ وَ تُرَاوِحُكَ فَفُقِّرُ عَيْنًا مَتَى تُرَانَا وَ تُرَايِكَ
وَ قَدْ نُشِرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ تُرِي أَثْرَانَا نَحْفُ بِكَ
وَ أَنْتَ تَأْمُ الْمَلَاءُ وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا^{۱۱۵}

۳۴۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...ای مفضل، او تنها ظاهر میشود و بسوی خانه کعبه به تنهایی میرود و
تنها وارد کعبه میگردد، و در حال تنهایی شب بر او فرا میرسد پس چون
دیدگان به خواب رود و سیاهی شب سایه افکند، جبرئیل و میکائیل و
فرشتگان در صفوف متشکل بر او فرود می آیند پس جبرئیل عرضه
میدارد: "یا سَيِّدِي قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ"

"ای سرور من فرمانت پذیرفته و امرت اطاعت می شود"

سپس دست بر صورتش میکشد و میگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُهُ مِنَ الْجَنَّةِ

حَيْثُ نَشَاءُ فَنَنعَمُ أَجْرُ الْعَامِلِينَ"

حمد خدای را که بوعده خود وفا کرد و زمین را به ارث در اختیار ما قرار داد تا هر
جا از بهشت که بخواهیم منزل کنیم و چه خوب است اجر عمل کنندگان. (سوره زمر: ۷۱)
آنگاه میان رکن و مقام می ایستد و فریادی کشیده، و میگوید:

۱۱۵- کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود؟

کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم، در حالیکه پرچم نصرت و پیروزی در عالم
برافراشته ای؟ آیا رسد زمانی که بینی ما به گردن حلقه زده و تو پیشوای عالم باشی و
تمام روی زمین را مالا مال از عدل و داد ساخته باشی.

«ای نُقبای من (سرگردان ارتش آن حضرت)، و ای وابستگانِ خاصِّ من، ای کسانی‌که خداوند شما را - پیش از ظهورم - برای یاری من بر روی زمین ذخیره کرده، یا خواست و رغبت نزد من آید.»

پس فریاد آن حضرت به گوش آنها میرسد در حالیکه در محرابها و بر رختخوابهای خود در شرق و غرب زمین قرار دارند و همان یک صدا به گوش همه آنها میرسد.

پس به آن حضرت پاسخ مثبت داده و بسوی آن صدا میشتابند و در عرض یک چشم برهم زدن در پیشگاه او بین رکن و مقام حاضر میشوند.....

عرض کردم: ای سید من، خانه مهدی علیه السلام کجا خواهد بود که مؤمنین جمع میشوند؟

فرمودند: خانه مُلک آن حضرت: کوفه،
و مجلس حکم و فرمانروائی او: مسجد جامع،
و بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمین: مسجد سهله،
و جای خلوتهای آن حضرت: سرزمین صاف و مسطح و سفید نجف است.

مفضل عرضه داشت:

ای مولای من آیا همه مؤمنین در کوفه خواهند بود؟
فرمودند: بله، قسم بخدا هیچ مؤمنی باقی نمی ماند، مگر اینکه در آن یا در حوالی آن خواهد بود.

وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَوْمِ النَّصْرَةِ:

۳۴۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

و چون پرچم رسول الله (ص) را بگشاید سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان بر او فرود آید که همه در انتظار فرمان قائم علیه السلام باشند.....

۳۴۳- از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام از آیه شریفه:

” اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا “

” هر کجا باشید خدا همه شما را می آورد “ (بقره: ۱۴۸)

سؤال شد، حضرت فرمودند:

بخدا قسم، وقتی قائم ما قیام کند خداوند از همه شهرها و بلاد شیعیان ما را بسوی او جمع می نماید.

وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا:

۳۴۴- پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

بدرستی که خلفاء و اوصیای من و حجّت های الهی بر خلق بعد از من دوازده نفرند اولشان برادرم و آخرشان پسر من.

عرض شد: یا رسول الله برادرت کیست؟ فرمودند: علی بن ابیطالب.

عرض شد، پسر من کیست؟ فرمودند: همان مهدی که زمین را از قسط و عدل پر کند، همچنانکه از جور و ظلم پر شده باشد. سوگند به آنکه مرا به حق بشارت دهنده فرستاد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند هر آینه خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی کند تا در آن خروج

کند. آنگاه عیسی بن مریم روح الله فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گذارد، و زمین به نور او روشن میشود و سلطنت و فرمانروائیش به مشرق و مغرب همه جا میرسند.

۳۴۵- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

مهدی مردی از فرزندان من است، رنگ بدن او رنگ نژاد عربی است و اندامش، اندام بنی اسرائیل (قوی و باصلابت) میباشد. در گونه راستش خالی هست که مانند ستاره ای تابناک می درخشد. زمین را پر از عدل و داد میکند همچنانکه از ستم و بی‌داد پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت او راضی خواهند بود.

۳۴۶- حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

قسم بخدا، عدل او داخل خانه هایشان میشود، همچنانکه گرما و سرما داخل میشود.

۳۴۷- پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

ای عمار، خداوند عزوجل با من پیمان بسته که از صلب حسین علیه السلام نه امام بیرون آورد و نهمین آنها از نظر مردم غایب میشود، و هفتمین است که خداوند عزوجل فرماید:

”قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ“

”بگو اگر آبی که شما به آن زنده اید در طبقات زمین فرو برود

چه کسی است که آبی گوارا برایتان بیاورد.“ (سوره ملک: ۳۰)

غیبتی طولانی برای او خواهد بود که گروهی از عقیده شان برمیگردند و

عده دیگری ثابت قدم می مانند پس هر گاه آخر الزمان شود خروج میکند و دنیا را پر از قسط و عدل می نماید چنانکه از ظلم و جور پر شده است، و بر مبنای "تاویل" مقاتله میکند همانطور که من بر مبنای "تتریل" جهاد نمودم، و او همانم و شبیه ترین مردم به من است.....

۳۴۸- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

زمین پر از ظلم و جور خواهد شد تا جائیکه احدی کلمه الله را جز مخفیانه نگوید، سپس خداوند متعال قوم صالحی را خواهد آورد که آنرا پر از قسط و عدل نمایند چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

وَ أَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا وَ أَبْرَتَ الْعُتَاةَ وَ جَحْدَةَ الْحَقِّ

وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ^{۱۱۶}

۳۴۹- محمد بن مسلم گوید:

بر حضرت ابو جعفر محمد بن علی، امام باقر علیه السلام داخل شدم در حالیکه میخواستم درباره قائم آل محمد از او سؤال کنم.

آن حضرت خود، آغاز سخن کرده و فرمودند:

ای محمد بن مسلم در قائم اهل بیت محمد صلی الله علیهم اجمعین به پنج پیغمبر شباهت هست:

"یونس بن متی و یوسف بن یعقوب و موسی و عیسی و محمد (ص)"، و

۱۱۶- و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی، و سرکشان و منکران حق را

نابود گردانی، و بازمانده های متکبران را از صحنه گیتی براندازی.

اما شباهت به جدش محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله):
شمشیر کشیدن، و قیام با سلاح، و کشتن دشمنان خدا و رسول و جباران
و طاغوتها.

و او با شمشیر و رعب یاری میشود، و هیچ پرچمی از او برنمیگردد.
و از جمله نشانه های قیام او: خروج سفیانی از شام، و خروج یمانی، و
صیحه آسمانی در ماه رمضان، و آواز دهنده ای که از سوی آسمان به
نام او و پدرش ندا کند.

۳۵۰- علی بن ابراهیم در تفسیر آیه:

”إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤْيَاً“

”بدرستی که ایشان خيله ميکنند خيله کردنی، و من خيله میکنم خيله کردنی،

و ایشان را یا محمد اندکی مهلت بده.“ (سوره طارق: ۱۷ تا ۱۵)

گفته: هر آینه، حضرت قائم علیه السلام مبعوث میشود و انتقام از ظالمان و
طواغیت بنی امیه و قریش را میگیرد.

وَأَجَشَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ۱۱۷

۳۵۱- رفید غلام ابی هبیره، گویند: امام صادق علیه السلام فرمودند:

یارید! حال تو چگونه میشود در وقتی که اصحاب قائم علیه السلام را بینی که
خیمه های خود را در مسجد کوفه زده اند و آن حضرت ”مثال جدیدی“
که بر عربها دشوار است، ظاهر میگرداند؟!

۱۱۷- و ریشه متکبران و ستمکاران را از بیخ برکنی؟

عرض کردم: فدایت شوم، "مثال جدید" چیست؟
فرمودند: سر بریدن است.

عرض کردم: آن حضرت به چه طریق با ایشان رفتار میکند؟

آیا به طریقه علی بن ابیطالب علیه السلام که با اهل عراق رفتار نمود؟

فرمودند: نه یا رفید، بدرستی که علی علیه السلام به طریقه ای رفتار نموده که در

"جفر ایض" است. یعنی: با ملایمت و نرمی رفتار میکرد.

زیرا که می دانست که خلیفه ای که بعد از اوست بر شیعیانش مسلط خواهد شد.

در نتیجه اگر سختی و درشتی میکرد، آن خلیفه ها تلافی آن را از شیعیانش میکردند.

ولی قائم علیه السلام به طریقه ای که در "جفر احمر" است که عبارت باشد از

سر بریدن رفتار میکند. زیرا میداند که هیچکس از دشمنان بر شیعیانش

غالب و مسلط نخواهد شد.

۳۵۲- علی بن ابراهیم در ذیل آیه:

"سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ"

"پرسید پرسش کننده ای از عذابی واقع شونده" (سوره معارج: ۱)

گفته: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام درباره معنی این آیه سؤال شد؟

فرمودند: آتشی است که از سوی مغرب برمی آید و پادشاهی از پشت سر،

آن را بسیج میکند تا اینکه به خانه بنی سعد بن همام نزد مسجدشان

برسد، پس خانه ای برای بنی امیه باقی نمیگذارد مگر اینکه آن را و اهل

آن را میسوزاند و خانه ای که در آن خونی از آل محمد (علیهم السلام) ریخته باشد رها نمیکند مگر اینکه آن را میسوزاند، و او مهدی علیه السلام است.

۳۵۳- ابن بکیر گویند: از حضرت ابوالحسن علیه السلام از قول خدای عزوجل پرسیدم، که میفرماید:

”وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا“

...تمام ساکنان آسمانها و زمین خواه و ناخواه تسلیم فرمان اویند... (آل عمران آیه: ۸۳)

فرمودند: در شأن حضرت قائم علیه السلام نازل شده، وقتیکه آن حضرت بر یهود و نصاری و آنانکه ملائکه را عبادت میکنند و بر زندیقان و مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین خروج میکند و اسلام را بر ایشان تکلیف می نماید.

پس هر که از ایشان به صمیم قلب اسلام را قبول نماید، او را به نماز و زکات و آن چیزی که مسلمانان به آن مأمورند و آن را خدا بر آنها واجب کرده است امر میکند و هر که اسلام نیاورد گردش را می زند، حتی در بلاد مشرق و مغرب احدی باقی نمیماند، مگر اینکه به وحدانیت خدا اقرار میکند.

عرض کردم: فدای توشوم، خلائق بسیارند چگونه میشود که همه ایشان را به اسلام بیاورد یا به قتل رساند؟

فرمودند: خداوند وقتیکه چیزی را اراده نمود، بسیار را کم و کم را بسیار میگرداند.

وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{۱۱۸}

۳۵۴- امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

چهار چیز را اگر کسی دارا باشد در نور اعظم الهی خواهد بود:

۱- بازدارنده او از گناه، شهادت؛ "لا إله إلا الله" و "مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ" باشد.

۲- و هنگام رسیدن مصیبت، گوینده "إنا لله و إنا إليه راجعون" باشد.

۳- و هنگام رسیدن خیری به او، گوینده "الْحَمْدُ لِلَّهِ" باشد.

۴- و هنگامیکه مرتکب گناهی شد، گوینده "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ"

باشد.

۳۵۵- پیامبر اکرم (ص) در ضمن حدیث طولانی در پاسخ به سئوالات فرد

یهودی فرمودند: ...

وقتی بنده ای میگوید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ" خداوند او را از نعمت های دنیا بهره مند

میکند تا به ملاقات پروردگار نائل شود و سپس در آخرت هم او را از

نعیم آخرت بهره مند میسازد.

و "الْحَمْدُ لِلَّهِ" کلمه ای است که بهشتیان هنگام داخل شدن به بهشت آن

را میگویند.

و هر سخن و کلامی در دنیا تمام شدنی است غیر از کلمه "الْحَمْدُ لِلَّهِ".

۱۱۸- در حالیکه ما (با خاطر شاد) میگوئیم: حمد و سپاس، مخصوص پروردگار

عالمیان است.

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى
وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى^{۱۱۹}

۳۵۶- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:

”وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالْثَّمَرَاتِ“

”و البته شما را به چیزهایی از قبیل ترس و گرسنگی و کمبود اموال و نفسها و آفات
زراعت آزمایش کنیم...“ (سوره بقره: ۱۵۵)

فرمودند: اینها برای مؤمنین پیش از قیام قائم علیه السلام میباشد...

۳۵۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...مؤمن را اندوهناک، ذلیل و خوار خواهی دید... و بینی که مؤمن جز
در دلش نتواند باطل را انکار نماید... و بینی که دوستان ما را به دروغ
نسبت دهند و شهادتشان را نپذیرند... و بینی که حکمران بخاطر کافر،
مؤمن را خوار نماید.

۳۵۸- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: ”حَمَعَسَق“ (سوره شوری: ۱) فرمودند:

(حم): حتمی بودن، و (ع): عذاب، و (س): ستون و قحطسالی است
مانند قحطسالی زمان یوسف، (ق): قذف و پرتابها و مسح است که در
آخر الزمان واقع می شود...

۱۱۹- خداوند! تو بر طرف کننده غم و اندوه و بلا هستی، و من از تو داد دل

میخواهم، که دادرسی نژد توست.

۳۵۹- در دعای عصر غیبت آمده است که:

تو هستی ای پروردگار که بدی (سختی) را بر طرف میسازی، و بیچاره را هر گاه تو را بخواند اجابت می نمائی، و از بلای سخت نجات میدهی، پس ای پروردگار؛ هر گونه گزند را از ولی خویش بر طرف فرمای و او را خلیفه در زمینت قرار ده چنانکه برایش تضمین کردی.

وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا فَاعِثٌ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ۱۲۰

۳۶۰- در دعای عصر غیبت آمده است که:

بارالها، ما به درگاه تو شکوه میکنیم از فقدان پیامبران و غیبت ولی و سرپرستان، و واقع شدن فتنه ها در بین ما، و همداستانی دشمنان علیه ما، و کمی افرادمان.

خداوندا پس آن را گشایش ده با پیروزی زودرسی، و یاری شکست ناپذیری از سوی خودت، و امام عدل و دادی که آشکارش سازی، ای پروردگار عالمیان.

۱۲۰- و تو پروردگار دنیا و آخرتی، پس ای فریادرس فریادخواهان به داد

بنده گرفتارت برس.

عَبِيدَكَ الْمُبْتَلَىٰ وَ أَرَهُ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَىٰ ۱۲۱

۳۶۱- مفضل گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

گرفتاری مردم زیاد است اگر آنها را دعوت کنیم نمی پذیرند، و اگر رها کنیم جز بوسیله ما هدایت نمی یابند.

۳۶۲- در دعای عصر غیبت آمده است که:

پروردگارا دیدارش را (یا مکان دیدارش) آشکار ساز.

و پایگاههایش را استوار گردان.

و ما را از کسانی قرار ده که دیده آنها به دیدارش روشن میشود.

و ما را به خدمت او بدار و بر کیش او بمیران و در زمرة او محشور

گردان. ⊗

۱۲۱- پروردگارا؛ بنده تو ضعیف و بلا دیده است. آقای او را به او بنمایان ای بسیار

قوی.

⊗ در مفاتیح الجنان در مورد دعای عصر غیبت نقل کرده:

شیخ ابو عمرو عمروی (عثمان بن سعید عمری) نائب اول امام عصر علیه السلام این دعا را به

ابو علی محمد بن همام املاء فرموده.

و صدر الاسلام همدانی در "کتاب: پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی" از

سید بن طاووس رحمه الله علیه نقل کرده که سید اصرار و تأکید و تصریح در قرائت

آن بعد از نماز عصر روز جمعه نموده است. (پیوند معنوی: ص ۱۱۵. تکلیف ۲۲)

وَأَزِلُّ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدُ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ
اسْتَوَى وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى ۱۲۲

۳۶۳- امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

هنگامیکه قائم ما لعلیه پیاخیزد، خداوند عزوجل از شیعیان ما آفات را دور
میسازد و دل‌هایشان را مانند قطعه‌ای از آهن قرار می‌دهد...

۳۶۴- امام صادق علیه السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمودند:

ای ابراهیم، اوست که گرفتاری شیعیان را پس از سختی شدید و بلای
طولانی و ترس و جزع، فرج بخشد...

۳۶۵- پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

مردی نزد مهدی می‌آید و میگوید: به من عطائی فرما، پس به مقداری
که آن شخص بتواند حمل نماید لباسش را پر میکند.

۳۶۶-... و در حدیث دیگری از طریق اهل سنت آمده که:

پولها در آن هنگام انباشته است. شخصی برمیخیزد و میگوید:

ای مهدی به من چیزی بده، می‌فرماید: بگیر.

۱۲۲- و او را بواسطه خودش از قید غم و رنج برهان و آتش دل او را فرو نشان، ای

آنکه بر عرش استقرار داری و رجوع و منتهای امر همه خلق بسوی توست.

۳۶۷- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

...جبرئیل از جانب پروردگار به من خبر داد که:

مصیبت اهل بیت من در وقت قیام قائم علیه السلام زایل میشود و کلمه ایشان بلند گردد، امت بر محبت ایشان اتفاق میکنند، دشمن ایشان کم میشود و ناخوش دارنده ایشان ذلیل و مداحشان بسیار گردد.

این در وقتی است که بلاد متغیر، و بندگان ضعیف شوند، و از فرج مایوس گردند.

در این حال قائم علیه السلام ظهور میکند، نام او نام من است، نام پدرش مثل نام پسر من است، او از اولاد دختر من است، خدا حق را با ایشان ظاهر سازد و باطل را با شمشیرهای ایشان خاموش می نماید، مردم تابع ایشان میشوند، پاره ای از ترس و پاره ای دیگر از راه رغبت و میل.....

یا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى:

۳۶۸- حنان بن سدید گوید: از حضرت صادق علیه السلام معنای "عرش و کرسی" را پرسیدم، فرمودند:

"عرش" صفات کثیر و مختلفی دارد؛ در هر جای قرآن به هر مناسبتی که اسم عرش برده شده صفات مربوطه آن به همان جهت ذکر شده، مثلاً در

آیه: "رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ"..... او پروردگار عرش بزرگ است... " (سوره توبه: ۱۲۹)

"عرش عظیم" به معنای: "مُلْكٌ عَظِيمٌ" است. - و در آیه:

"الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى": "خدای رحمان بر عرش استیلاء دارد" (سوره طه: ۵)

به این معنا است که: خداوند احاطه به مُلْكٌ خود دارد. و این همان علم

به کیفیت اشیاء است. و این کلمه اگر با "کرسی" ذکر شود معنایش غیر معنای کرسی خواهد بود، زیرا عرش و کرسی دو در هستند از بزرگترین درهای غیب.

و خود آنها نیز از غیب بوده و در غیب بودن مثل هم هستند، با این تفاوت که "کرسی" در ظاهری غیب است و طلوع هر چیز بدیع و تازه ای از آنجا و پیدایش همه اشیاء از آن در است.

و "عرش" در باطنی آن است، یعنی علم به کیفیت موجودات و هستی آنها و قدر و حد و مکان آنها، و همچنین مشیت و صفت اراده، و علم الفاظ و حرکات و ترک، و علم به آغاز موجودات و انجام آنها، همه از آن در است.....

وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعِي وَالْمُنْتَهِي:

۳۶۹- حضرت علی علیه السلام وقتیکه شنیدند مردی میگوید:

"إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ"

"در ملکیت خدائیم و بسوی او باز خواهیم گشت." (سوره بقره: ۱۵۶)

فرمودند: ای مرد، اینکه میگوئیم "إِنَّا لِلَّهِ"؛

اقراری است از ما، به اینکه ملک خدائیم.

و اینکه میگوئیم "وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ"؛

اقراری است از ما، به اینکه روزی هلاک خواهیم شد.

اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَىٰ وَ لِيَّكَ الْمُذَكَّرُ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ ۱۲۳

۳۷۰- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

... بار خدایا، با تحقق بخشیدن بیعت او غم و اندوه را از میان بردار و پراکندگی امت را به سبب او جمع گردان.

پس اگر خداوند راه دیدارش را برایت گشود تصمیم خود را قطعی کن، و اگر توفیق لقایش نصیبت گردید دیگر بسوی هیچکس روی نکن، و چون به دامش دست فکندی دیگر از دست مده.

آنگاه اشاره به سینه خود فرمود و با آه کشیدن، شدت اشتیاق خود را باز گو نمود.

الْمُذَكَّرُ بِكَ:

۳۷۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

اوصیاء پیغمبر درهائی هستند که بوسیله آنها بسوی خدای عزوجل توجه میشود، و اگر ایشان نبودند مردم خدای عزوجل را نمی شناختند. و خدای تبارک و تعالی بوسیله ایشان بر خلقش احتجاج کند.

۱۲۳- پروردگارا ما بندگان حقیرت مشتاق ولی تو هستیم که او یادآور تو و پیامبر

تو (صلی الله علیه وآله) است.

وَبَشِّرِ

۳۷۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

در آن هنگام آقای ما قائم علیه السلام به خانه خدا تکیه زده میفرماید:

ای مردم هر کس میخواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من آدم و شیث هستم و هر کس که میخواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سامم.

و هر کس که میخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می باشم.

و هر کس میخواهد موسی و یوشع را ببیند، من همان موسی و یوشع هستم.

و هر کس میخواهد عیسی و شمعون را ببیند، من همان عیسی و شمعون هستم.

و هر کس میخواهد محمد صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام را ببیند، بداند که من همان محمد و امیرالمؤمنین هستم.

و هر که میخواهد حسن و حسین علیهما السلام را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین می باشم.

و هر که میخواهد امامان از ذریه حسین علیه السلام را ببیند بداند که من همان ائمه اطهار هستم.

دعوتم را بپذیرید و به نزد جمع شوید که هر چه گفته اند و هر چه نگفته اند را به شما خبر می دهم.

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا^{۱۲۴}

۳۷۳- جابر جعفی گوید: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرضه داشتم:

برای چیست که به پیغمبر و امام احتیاج هست؟

فرمودند: برای باقی ماندن عالم بر صلاح خودش، و آنکه خدای عزوجل عذاب را از اهل زمین بر میدارد اگر در آن زمین پیغمبر و یا امام باشد، خداوند عزوجل میفرماید:

”وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ“

”مادامی که تو در میان آنها هستی خداوند آنها را عذاب نمی کند.“ (سوره انفال: ۳۳)

و پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

ستارگان مایه امان برای اهل آسمانند و اهل بیت من امان اهل زمینند، پس اگر ستارگان از بین بروند برای اهل آسمان ناگواریها پیش می آید، و اگر اهل بیت من از میان بروند برای اهل زمین ناگواریها پیش خواهد آمد.

۳۷۴- امام حسین علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

آگاه باشید که اهل بیت من امان هستند برای شما، پس آنها را دوست بدارید به دوستی من، و به آنان متمسک شوید که هیچگاه گم نخواهید شد.

۱۲۴- تو او را برای نگهداری و پناه ما آفریدی.

وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَاماً وَ مَعَاذاً ۱۲۵

۳۷۵- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

بدانید که او، علی علیه السلام صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من است. هر کس او را دوست بدارد خدا او را دوست دارد، و هر کس با او دشمنی کند خدا با او دشمنی میکند.

او را جز مؤمن دوست نمیدارد و جز کافر میغوض نمیدارد.

او قوام زمین بعد از من و باعث آرامش آن است.

او کلمه تقوای خداوند و ریسمان محکم اوست.

میخواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند ولی خداوند نور خود را

به کمال می رساند اگر چه کافران را خوش نیاید. (اشاره به آیه: ۸، سوره صفت)

وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً ۱۲۶

۳۷۶- امام رضا علیه السلام فرمودند:

... امام! امین الهی در میان مخلوقات است، بر بندگانش حجّت، و خلیفه

الهی در بلادش و دعوت کننده بسوی خداست.

۱۲۵- و او را برانگیخته ای تا مایه پرپائی و پناه ما باشد.

۱۲۶- و او را برای مؤمنان ما امام و پیشوا قرار دادی.

فَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَاماً وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ اِكْرَاماً
وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَ مَقَاماً ۱۲۷

۳۷۷- اسحاق بن عمار گوید: حکم بن عتیبه گفت:

هنگامیکه در محضر امام ابو جعفر باقر علیه السلام بودم خانه پر از جمعیت بود،
پیرمردی آمد که بر چوبدستی خود تکیه می زد، تا بر درب اتاق ایستاد
و گفت: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو
باد، سپس ساکت شد. حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند:
و بر تو باد سلام و رحمت و برکات خداوند.

سپس پیرمرد رو بسوی اهل منزل کرد و گفت: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.

که همه حاضرین او را جواب دادند و سلامش را پاسخ گفتند.

آنگاه رو بسوی حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام کرد و گفت:

ای فرزند رسول خدا، مرا نزدیک خود ببر فدایت شوم که بخدا سوگند
من شما را دوست میدارم و دوستداران شما را دوست میدارم.

بخدا سوگند، دوستی شما و هواداران شما بخاطر طمع دنیوی نیست.

من با دشمن شما دشمنم و از او بیزارم، و بخدا سوگند که دشمنیم با او و

بیزاریم از او بخاطر کینه ای میان من و او نمیباشد. بخدا، من حلال شما را

حلال و حرامتان را حرام میدارم و منتظر امر شمایم. پس ای که خداوند

۱۲۷- پس تراز جانب ما به آن حضرت سلام و تحیت برسان، و بدین واسطه ای

پروردگار، بر گرامیداشت ما بیفرا.

و جایگاه او را جایگاه ما قرار ده (جدائی ما را تبدیل به وصال گردان).

مرا فدایت گرداند، عاقبت مرا چگونه می بینی؟

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: بسوی من، بسوی من آی. تا اینکه او را کنار خود نشانیدند سپس فرمودند:

ای پیرمرد، بر پدرم علی بن الحسین علیه السلام نیز مردی وارد شد و مانند سؤال تو را عرضه داشت، پدرم به او فرمودند:

اگر بمیری بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین (علیهم السلام) وارد میشوی و قلبت خنک و دلت سرد و دیده ات روشن میگردد. و راحتی و ریحان با فرشتگان کرام کاتبین را پیش روی خود خواهی دید، همینکه جانت به اینجا برسد، - و به حلقش اشاره فرمود- و اگر زنده بمانی خواهی دید آنچه را که دیده ات به آن روشن شود و با ما، در رکن اعلی خواهی بود.

وَ أَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ

وَ مُرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ ۱۲۸

۳۷۸- سید بن طاووس از کتاب سعد السعود در صحف ادریس پیامبر نقل کرده که: ... و در آن زمان (زمان ظهور) امانت را در زمین تحقق بخشم، پس چیزی به چیز دیگری ضرر نداشته باشد و هیچ چیز (جانداران) از هیچ

۱۲۸- و بواسطه پیشوائی او نعمت را بر ما تمام گردان، تا آن بزرگوار با هدایتش، ما را در بهشت های تو داخل سازد و با شهیدان راه تو و دوستان خالصت رفیق و مونس گرداند.

چیز نترسد. آنگاه جانوران و چهارپایان در میان مردم باشند به یکدیگر اذیتی نرسانند، نیش هر نیش دار از جانوران بگیرم، و سم آنها را بی اثر نمایم، و برکات را از آسمان و زمین بیاورم، و زمین با گیاهان زیبایش نزهت یابد و تمام میوه ها و انواع عطرها را برون دهد و رأفت و رحمت و مهربانی را در میان آنها برقرار سازم.

۳۷۹- امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان، از جدشان از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرمودند که:

بهشت را هشت درب است، از یک در پیغمبر و صدیقین وارد میشوند، و از در دیگر شهداء و صالحین، و از پنج در شیعیان و دوستان ما وارد میشوند.

پیوسته بر صراط خواهیم ایستاد، دعا میکنم و میگویم:

پروردگارا شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که در دنیا از من پیروی کردند را به سلامت بدار.

پس از باطن عرش ندا میرسد:

دعایت را مستجاب کردم و درباره شیعیانت شفاعت دادم.

پس هر مرد از شیعیانم و کسانی که از من پیروی کرده اند، و مرا یاری نموده و با آنها که با من سر جنگ داشته اند به عمل یا قول - جنگ کرده

در حق هفتاد هزار تن از همسایگان و نزدیکانش شفاعت میکند.

و از در دیگر سایر مسلمانان - کسانی که شهادت "لا اله الا الله" را میگفته اند

و در دلشان ذره ای بغض ما اهل بیت نبوده - داخل میشوند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ
 رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ
 الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ
 الْبِرَّةَ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا
 صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ
 صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَقَادَ لَأَمَدِهَا^{۱۲۹}

۳۸۰- ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم:

آل محمد (صلوات الله عليهم) چه کسانی هستند؟ فرمودند: ذریه او.

عرض کردم: اهل بیتشان کیستند؟ فرمودند: ائمه که جانشینانش باشند.

عرض کردم: عترت کیست؟ فرمودند: اصحاب عبا.

عرض کردم: اُمتشان کیست؟ فرمودند: آن مؤمنینی که به آنچه پیامبر (ص)

از جانب خداوند آورده تصدیق کرده و به "تقلین" که کتاب الله و عترت

۱۲۹- خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد. و درود فرست بر محمد جدِّ

حضرتش (جدِّ امام زمان (علیه السلام))، که او پیامبر تو و سید و بزرگترین پیغمبران است.

و بر پدرش (علی (علیه السلام)) آقای کوچکتر (نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله)، و بر جدِّه اش

صدیقه کبری (حضرت) فاطمه "سلام الله علیها" دختر محمد، و بر آنانکه تو بر گزیدی از

پندران نیکوکار او درود فرست. و همچنین بر خود او (امام عصر (علیه السلام)) بهترین

و کاملترین و تمامترین و دائمی ترین و بیشترین و وافرترین درودی و رحمتی فرست

که بر برگزیدگان و نیکان خلقت فرستاده ای. و باز سلام و درود فرست بر

او، سلامی که شمارش بی حد و دامنه اش بی نهایت و زمانش پایان ناپذیر باشد.

و اهل بیتش بوده و خداوند پلیدی را از آنها دور و پاک و پاکیزه شان کرده، **تَمْسُكُ** بسته اند، و آن دو (کتاب الله، و عترت) خلیفه بر مردمند.

۳۸۱- حضرت علی علیه السلام خطاب به مردم فرمودند:

آیا اقرار میکنید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

من آقای فرزندان آدم هستم و برادرم علی، آقای عرب و فاطمه سیده زنان اهل بهشت و دو پسرم حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت هستید؟! عرض کردند: آری، بخدا قسم.

۳۸۲- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از آباء گرامیشان نقل فرمودند که:

فرد یهودی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، و از فضل خاتم الانبیاء (ص) سؤال نمود، و گفت که حق تعالی ملائکه را به سجده آدم علیه السلام امر کرد! آن حضرت فرمودند: که افضل از آن را به محمد (صلی الله علیه و آله) کرامت نموده، زیرا که خود بر او صلوات فرستاد، و به ملائکه امر فرمود که بر او صلوات فرستند، و عبادت عباد را تا روز قیامت، در صلوات بر آن حضرت قرار داد، و فرمود که:

”إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا“

”خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود میفرستند، شما ای کسانی که ایمان آورده اید بر او

صلوات بفرستید و آنطور که باید تسلیم او باشید“ (سوره احزاب: ۵۶)

و هر که در حال حیات یا بعد از وفات آن حضرت بر او صلوات فرستد،

حق تعالی به هر صلواتی ده صلوات بر آن کس می فرستد، و ده حسنه بر

او عطا میفرماید. و هر که بعد از وفات آن حضرت بر او صلوات فرستد، آن حضرت بر او مطلع میشود و بر آن کس صلوات و سلام می فرستد مثل صلواتی که فرستاده است. و حق سبحانه و تعالی دعای امت او را در هر چه از پروردگار سؤال نمایند موقوف میدارد و به اجابت نمیرساند تا آنکه بر آن حضرت صلوات فرستند.

و این بزرگتر و عظیم تر است از آنچه به آدم علیه السلام عطا فرمود.

۳۸۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند:

هر که بر من صلوات فرستد خداوند و ملائکه بر او صلوات می فرستند، پس هر که خواهد کم فرستد و هر که خواهد زیاد.

۳۸۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) فرستد، حق تعالی و ملائکه، صد مرتبه بر او صلوات می فرستند.

و هر که صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او (علیهم السلام) فرستد، خدا و ملائکه، هزار بار بر او صلوات می فرستند.

آیا نشنیده ای قول حق تعالی را که می فرماید:

”هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ

كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا“

”اوست کسیکه بر شما درود میفرستد، و نیز ملائکه او بر شما درود میفرستند تا شما

را از ظلمتها بسوی نور درآورد و خدا به مؤمنان مهربان است“ (سوره احزاب: ۴۳)

اللَّهُمَّ وَاقِمِ بِهِ الْحَقَّ وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ
وَادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَادِّلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ^{۱۳۰}

۳۸۵- ابو حمزه گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام در باره فرموده خدای

عزوجل: " وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا "

"بگو که حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی و

سزاوار نابودی است." (سوره اسراء: ۸۱)

فرمودند: هرگاه قائم علیه السلام پیاخیزد دولت باطل از بین می رود و زایل
میگردد.

۳۸۶- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

... در نزد ما خانواده کلیدهای علم و ابواب حکمت و چراغ روشنگر
امور و جدائی بین حق و باطل است ...

۳۸۷- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان حال شیعیان زمان غیبت فرمودند:
والله آنچه آرزو دارید نخواهد شد تا اینکه باطل جویان هلاک شوند و
جاهلان از هم گسیخته شوند و تقوی پیشگان در امان بمانند - که بسیار
کمند...-

۱۳۰- ای خدا بواسطه وجود آن حضرت (امام عصر علیه السلام) دین حق را برپادار، باطل
را محو و نابود ساز، دوستانت را با آن حضرت هدایت فرما، و دشمنانت را به دستش
خوار و ذلیل گردان.

۳۸۸- حضرت علی علیه السلام درباره آیه شریفه:

“وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً...”

“ما ارده کردیم بر آنانکه در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده،

ایشان را پیشوایان خلق کنیم.” (سوره قصص: ۵)

فرمودند: “مستضعفین زمین” که خداوند در کتاب الهی، ائمه قرار دادن

ایشان را وعده فرموده است، ما اهل بیت هستیم که خداوند مهدی این خاندان را مبعوث میکند تا ایشان را عزت دهد و دشمنانشان را ذلیل کند.

وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ ^{۱۳۱}

۳۸۹- امام صادق علیه السلام فرمودند:

صَلِّهِ آلَ مُحَمَّدٍ (صلوات الله عليهم) را از اموالتان وامگذارید.

هر کس غنی است به مقدار مُکَنَّتَشْ، و هر کس فقیر است به مقدار فقرش. پس هر آنکه میخواهد که خداوند مهمترین حاجتش را نسبت به او بر آورد باید که آل محمد (صلوات الله عليهم) و شیعیانشان را به آنچه از همه بیشتر به آن نیاز دارند، صلِّه نماید.

۱۳۱- وای خدای منان بین ما و او اتصال و پیوندی کامل برقرار ساز که منتهی شود

به رفاقت و دوستی ما با پدرانش.

۳۹۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از اختصاص دادن درهم به امام نیست، و بدرستی که خداوند درهم را برای پرداخت کننده در بهشت همچون کوه أخذ قرار دهد.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند در کتابش فرموده:

”مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرًا“

”چه کسی به خداوند قرض نیکوئی میدهد تا خداوند (عوض) قرض را

چندین برابر سازد.“ (سوره بقره: ۲۴۵)

امام فرمودند: بخدا قسم این وام، مخصوص صیله با امام است.

۳۹۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

یک درهم خرج کردن در راه حج، از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است. و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک میلیون درهم در حج است.

”و صیله به امام علیه السلام در زمان غیبت“:

مصرف کردن مال در مصارف و مخارجی که رضایت حضرت علیه السلام در آنهاست میباشد با قصد صیله او. مانند چاپ کردن کتابهایی که مربوط به آنحضرت است، و برپا کردن مجالس دعا و دعوت به آنحضرت. و ”صیله شیعیان و دوستانش“، بخصوص سادات علوی و علمای ترویج کننده شرع مقدس، و راویان احادیث ائمه طاهرين علیهم السلام و مانند اینها.

۳۹۲- از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدایتعالی:

”الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ“

”آنانکه آنچه را خداوند به پیوستنش دستور فرموده میپوشانند“ (سوره رعد: آیه ۲۱)

سؤال شد؟

آن حضرت فرمودند: این صیلة امام است در هر سال به کم یا زیاد. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: و منظورم از اینکار جز تزکیه شما چیزی نیست.

۳۹۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس پندارد که امام به آنچه در دست مردم هست احتیاج دارد کافر است، جز این نیست که مردم نیازمندند که امام از ایشان بپذیرد. خداوند عزوجل فرموده:

”خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا“

”از اموال آنها صدقه بگیر که آنها را بوسیله آن پاک و پاکیزه سازی.“ (نوبه آیه ۱۰۳)

۳۹۴- مفضل بن عمر گفت:

روزی بر حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام وارد شدم چیزی با خود داشتم آن را در پیشگاهش نهادم. فرمودند: این چیست؟ عرضه داشتم: این صیلة موالیان و غلامان شما است.

فرمودند: ای مفضل من آنرا می پذیرم، ولی نه از جهت نیازی که به آن داشته باشم، و آن را قبول نمیکنم مگر برای اینکه به سبب آن تزکیه شوند. سپس آن حضرت علیه السلام فرمودند: شنیدم پدرم می فرمودند:

هر کس یک سال بر او بگذرد که از مال خودش کم یا زیاد، ما را صیله
نمایند خداوند روز قیامت به او نظر نخواهد کرد، مگر اینکه خداوند از
او بگذرد...

مُرَافَقَةُ سَلَفِهِ:

۳۹۵- امام صادق علیه السلام در بیان توصیف نحوه جان دادن مؤمن فرمودند:

...ملك الموت به او نزدیک میشود، و میگوید:

ای بنده خدا، آزادی گردنت را گرفتی؟

امان نامه خود را گرفتی؟

در زندگی دنیا به عصمت کبری متمسک شدی؟

فرمودند: پس خداوند عزوجل او را موفق میدارد، میگوید: بله.

سؤال میکند: آن چیست؟

میگوید: ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام.

ملك الموت گوید: راست گفتی، و از آنچه حذر داشتی خداوند تو را

از آن ایمن نمود، و به آنچه امیدوار بودی رسیدی.

مژده باد تو را به "سلف صالح" مراقت با رسول خدا (ص) و علی علیه السلام و

فاطمه علیها السلام.

سپس به آسانی روحش را میگیرد، و بعد کفنش از بهشت، و حنوطش
از مشک اذفر از بهشت نازل میشود. پس به آن کفن و حنوط تجهیز، و
آنگاه با حله زردی از حله های بهشتی پوشانده میشود. و چون در قبرش
قرار دهند دری از درهای بهشت برایش گشوده میشود که از نسیم

ملایم و بوی گل‌های آن، بر او برسند. سپس به مقدار یک ماه، راه از پیش رویش و از سمت راست و سمت چپش وسعت داده میشود. آنگاه به او گفته شود:

همچون عروسی که بر رختخوابش آرام گیرد، آسوده بخواب. بشارت باد تو را به آسایش و استراحت و بهشت و نعمت، و پروردگاری که (بر تو) غضبناک نیست.

آنگاه آل محمد (علیهم السلام) را در جنان رضوی دیدار میکنند. پس با آنها از غذایشان می‌خورد و از آبشان می‌شامد، و با آنها در مجالستان سخن می‌گوید، تا هنگامیکه قائم ما اهل البیت پیاخیزد. و چون قائم ما پیاخیزد، خداوند تعالی آنانرا برانگیزاند، پس لیک گویان گروه گروه بسویش می‌آیند.

در آن هنگام باطل جویان به تردید افتند، و هتک کنندگان حرمت‌های الهی از هم پاشیده شوند، که اندک خواهند بود.

عجله کنندگان هلاک گردند، و آنها که فرج را نزدیک دانند نجات یابند.

از این جهت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی علیه السلام فرمودند: تو برادر منی و وعده من و تو وادی السلام باشد...

وَأَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ ۱۳۲

۳۹۶- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

...خوشا بحال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت و استوار مانده و از دشمنانمان بیزار باشند. آنان از ما و ما از آنهاستیم که البته ما را به امامت پسندیده اند و ما هم آنها را به شیعه بودن پسندیده ایم. خوشا بحالشان، باز هم خوشا بحالشان. بخدا که ایشان روز قیامت در درجات ما خواهند بود.

۳۹۷- ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارشان از جدشان نقل میکند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

کسیکه میخواهد به من توسل جوید و کاری کند که من روز قیامت شفاعتش را بنمایم، با اهل بیت من پیوندد و آنها را مسرور کند.

۱۳۲- و ما را از آن کسانی قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگوار زده اند، و در سایه آنان زیست میکنند.

وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ
وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ^{۱۳۳}

۳۹۸- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

بالاترین حقی که خداوند آن را واجب ساخته حق امام علیه السلام میباشد.

۳۹۹- ابو حمزه گویند: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: که حق امام بر مردم چیست؟
فرمودند: حق او بر آنها، اینکه آنچه میگوید بشنوند و او را اطاعت کنند.

۴۰۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... و بهترین مردم بعد از ما کسی است که امر ما را مذاکره کند و به یاد
ما دعوت کنند.

۴۰۱- امام زمان علیه السلام فرمودند:

”وَ اكْثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ“

”برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید زیرا که گشایش کار شماست.“

بیانید ما هم برای ادای حق امام زمان، امر امام زمان علیه السلام را لیک گفته
و همگی دعا کنیم تا خداوند بقیه زمان غیبتش را بر ما بیخشد.

۱۳۳- و ما را بر ادای حقوق آن حضرت علیه السلام و جهد و کوشش در طاعتش و دوری
از عصیان و نافرمانیش یاری فرما.

۴۰۲- شخصی از حضرت زهرا (علیها السلام) سؤال کرد:

سرورم، چرا حضرت علی (علیه السلام) حق خود را نگرفتند؟

حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

مَثَلِ امام، مَثَلِ کعبه است که باید مردم به سراغ او بروند، نه آنکه امام به سراغ مردم برود.

۴۰۳- امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

بخدا قسم، امام زمان (علیه السلام) غیبتی طولانی خواهد داشت و از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسیکه خدا او را در اعتقاد به امامت او ثابت بدارد و به او توفیق دعا برای ظهور و فرج آن حضرت را بدهد.

۴۰۴- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

...اگر شما همه با هم بدرگاه الهی ناله کرده و فرج ما را می خواستید، خداوند هم فرج ما را نزدیک می کرد. اما اگر چنین نکنید (سختی غیبت و محرومیت از حضور امام) تا نهایت خود بطول خواهد کشید.

بنابراین شیعه و دوستدار امام زمان (علیه السلام)؛

اگر ما امید فریادرسی از امام زمان (علیه السلام) را در مشکلات دنیا و آخرت داریم، و او را نجات دهنده بشریت از تمام مفاسد فردی و اجتماعی میدانیم، و او را خلیفه الله و عالم به جمیع علوم حقه میدانیم، و اگر راست میگوییم و او را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست می داریم،

چرا برای فرج او زیاد دعا نمی کنیم؟؟!

با اینکه خود حضرت علیه السلام مکرراً، و سایر ائمه اطهار علیهم السلام ما را به کثرت دعا برای فرج دعوت کرده اند.

بیاید همگی:

با تشکیل مجالس هفتگی دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در حوزه ها، دانشگاهها، مساجد، مدارس و منازل علاوه بر کسب معرفت امام زمان علیه السلام با خواندن زیارت آل یاسین، و با ذکر ۴۰ مرتبه:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»

در خاتمه توسلات و مجالس دعا، و نیز با زیاد فرستادن صلوات:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

با توجه و تضرع، فرج امام زمان علیه السلام را از خداوند طلب کرده و امر حضرتش را در کثرت دعا برای فرج لیبیک گوئیم.

۴۰۵- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

دعا سپر مؤمن است، هرگاه دری را بسیار کوبیدی بر روی تو باز میشود.

وَأَمِّنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهِ ۱۳۴

۴۰۶- معاویة بن وهب گوید:

شنیدم امام صادق علیه السلام دعا میکنند و در مناجات با پروردگار عرضه میداشتنند:

مغفرتت را بر من و برادرانم و زائران قبر پدرم حسین علیه السلام قرار ده، آنانکه اموالشان را انفاق کردند، و بدنهایشان را به رنج انداختند بخاطر رغبت در نیکی به ما، و به امید ثواب تو با صیلة به ما، و شادمان کردن پیغمبر تو (صلی الله علیه و آله)، و به منظور اجابت امر ما و خشمگین کردن دشمنانمان که با این کار رضای تو را خواستند.

پس (ای خدا) از سوی ما رضوانت را به آنان پاداش ده، و شب و روز ایشان را در حفظ خویش بدار، و به بهترین پاداشها خاندان و اولادشان که پس از آنها باز می مانند را پاداش ده، و با آنها (یار) باش، و شرّ هر گونه سرکش عنود و هر مخلوق ناتوان و زورمند، و شرّ شیاطین انس و جن را از آنها دور کن، و برترین چیزیکه در غربت از وطنهایشان از تو آرزو دارند، و از جهت اینکه ما را بر فرزندان و خاندان و خویشاوندان خود برگزیده اند، به آنان عطا فرما.

بار خدایا همانا دشمنان ما بر ایشان، سفرشان (برای زیارت قبور ما) را عیب کردند، ولی عیب جوئی آنها، ایشان را از روی آوردن بسوی ما باز نداشت، به جهت اینکه یا مخالفین ما مخالفت نمایند.

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ
سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ^{۱۳۵}

۴۰۷- بر حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام وارد شدم، به من فرمودند:
ای زید، حساب شیعیان ما بسوی ما است و البته که ما به شما از خودتان
مهربانتریم.

۴۰۸- ابوریع شامی گوید: به حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام عرضه داشتم:
از عمرو بن اسحاق حدیثی به من رسیده. فرمودند: آن را عرضه کن.
عرض کردم: وی بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام داخل شد، پس آن حضرت
آثار زردی بر صورتش دیدند، فرمودند: این زردی چیست؟

پس بیماری که در او بود توضیح داد! آن حضرت به او فرمودند:
ما خوشحال میشویم به خوشحالی شما، و اندوهگین میشویم به حزن شما
و بیمار میشویم به بیماری شما، و دعا میکنیم برای شما، و شما که دعا
میکنید ما آمین میگوئیم.

عمرو به امیرالمؤمنین عرضه کرد: آنچه فرمودید دانستم، ولی چگونه ما
دعا میکنیم شما آمین میگویید؟

آن حضرت فرمودند: بر ما یکسان است حاضر و دور.

امام صادق علیه السلام فرمودند: عمرو راست گفته است.

۱۳۵- و رأفت و مهربانی و دعا و خیر و برکت وجود مقدسش را به ما موهبت فرما،
تا بدین وسیله ما به رحمت و اسعه و فوز سعادت نزد تو نائل شویم.

۴۰۹- موسی بن سیار گوید:

با حضرت رضا علیه السلام بودم در حالیکه به دروازه شهر طوس رسیده بودیم صدای گریه ای شنیدم در جستجوی آن برآمدم پس ناگاه جنازه ای دیدم، چون چشمم به آن افتاد دیدم آقا حضرت رضا علیهما السلام با شتاب از اسب پیاده شده، سپس بسوی جنازه رفتند و آن را به دوش گرفتند و بسوی ما آمدند در حالیکه از جنازه جدا نمیشدند همانگونه که بزغال از مادرش جدا نمیشود، سپس به من رو کرده و فرمودند:

ای موسی بن سیار، هر کس جنازه یکی از دوستان ما را تشییع کند از گناهان خود بیرون می رود همچون روزیکه از مادر زاده شده و هیچ گناهی بر او نیست.

و چون جنازه آن مرد در کنار قبرش بر زمین گذاشته شد، آقا علیهما السلام را دیدم که مردم را از کنار آن عقب زده و دست بر سینه او نهادند و فرمودند: ای فلان بن فلان مرده باد تو را به بهشت که پس از این ساعت بر تو ترسی نیست.

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت کردم آیا این مرد را می شناسید؟ چون اینجا سرزمینی است که تاکنون قدم بر آن نهاده بودید.

فرمودند: ای موسی بن سیار، مگر نمی دانی که بر ما امامان، اعمال شیعیان هر صبح و شام عرضه میشود، پس هر تقصیری که در اعمال آنها باشد از خداوند متعال گذشت از آن را خواهیم خواست و هر کار خوب (و پیشرفت در برنامه های دینی) باشد از خداوند پاداش برای صاحب آن عمل خواهیم خواست.

۴۱۰- سلمان فارسی گوید: شنیدم حضرت محمد (ص) فرمودند:

همانا خدای عزوجل می فرماید:

ای بندگان من، آیا چنین نیست که هر کس حاجتهای بزرگی از شما بخواهد آنها را برای او برآورده نمی سازید مگر اینکه بوسیله محبوبترین افراد نزد شما واسطه بیاورد که آن حاجت را به گرامیداشت شفاعت-کننده برای ایشان برمیآوردید؟ توجه کنید و بدانید که:

گرامیترین و برترین مخلوق نزد من محمد (ص) و برادر او علی علیه السلام است و بعد از او امامانی که وسائل بسوی خداوند هستند.

همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه بزرگی بر او پدیدار شود که میخواهد ضرر آن از او دفع گردد باید که مرا به (وسیله) محمد (ص) و خاندان معصوم او دعا کند که آن حاجت را برای او برخواهم آورد، به بهترین گونه ای که کسی عزیزترین کسانش را نزد او شفیع می برید آن را برمی آورد.

۴۱۱- در دعای توسل دیگر که در مفاتیح الجنان بعد از دعای توسل است

میخوانیم: "... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ

إِلَّا أَعْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةَ كُلِّ مَوْذٍ وَطَاغٍ وَبَاغٍ وَأَعْتَنِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهُمْ وَغَمٍّ وَدَيْنٍ وَوَلَدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي وَمَنْ يُعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ"

"بارخدا یا، من از تو میخواهم به حق ولی و حجت صاحب الزمان علیه السلام که مرا برتمام امور یاریم کنی، و بوسیله او شر هرگونه مودی و سرکش و ستمگری را

از من دور گردانی، و به آن حضرت مرا یاری کنی که تلاشم به آخر رسیده، و هر گونه دشمن و هم و غم و اندوه و قرض را از من و فرزندانم و تمام خاندانم و برادرانم و هر کس که کارش به من مربوط میشود و بستگان نزدیکم، کفایت کنی اجابت فرمای پروردگار عالمیان.

وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهٖ مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهٖ مَغْفُورَةً

وَ دُعَائِنَا بِهٖ مُسْتَجَابًا^{۱۳۶}

۴۱۲- امام باقر علیه السلام فرمودند:

... اگر شخصی شبها به عبادت برخیزد و روزهایش را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سالهای عمرش حج خانه کعبه را انجام دهد، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او انجام پذیرد ثوابی در نزد خداوند عزوجل برای او نیست و او از اهل ایمان نخواهد بود ...

۴۱۳- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:

”إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ“

... کلمه طیب بسوی او بالا میرود و عمل صالح، کلمه طیب را بالا میبرد. (سوره فاطر: ۱۰) فرمودند: ولایت ما اهل بیت مایه بالا رفتن عمل است و سپس به سینه خود اشاره کرده و فرمودند:

کسیکه ما را دوست نمیدارد عمل او (به پیشگاه خدا) بالا نمی رود.

۱۳۶- بوسیله آن حضرت نماز ما را مقبول، گناهان ما را آمرزیده، و دعایمان را

مستجاب گردان.

۴۱۴- محمد بن نعمان گوید؛ از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمودند:
خداوند ما را به خود وانمی گذارد اگر ما را به خود واگذارد مانند
سایر مردم خواهیم بود لکن ما کسانی هستیم که خدا درباره ما فرموده:
”ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ“.

”مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم“ (سوره مؤمن آیه: ۶۰)

۴۱۵- در اواخر زیارت جامعه کبیره خطاب به ولی و حجت خدا چنین
میخوانیم:

”یا ولی الله ان بینی و بین الله عزوجل ذنوباً لایاً تی علیها الا رضاکم
فبحق من ائتمنکم علی سیره و استرعاکم امر خلقه و قرن طاعتکم بطاعته
لما استوهبتم ذنوبی و کنتم شفعا فی لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع
الله و من عصاکم فقد عصی الله و من احبکم فقد احب الله
و من ابغضکم فقد ابغض الله“

”ای ولی خدا، بین من و خدا گناهایی است که جز خشودی شما چیزی آن را از
میان برنمیدارد. پس به حق آنکه شما را نسبت به سیر خود امین قرار داده، و شما را
مسئول رسیدگی به کار خلق خویش قرار داده، و اطاعت از شما را قرین و همراه
اطاعت خود کرده است، قسمتان میدهم که برای گناهان من بخشایش طلبید و
شفیعان من باشید، که من مطیع شما هستم. هر کس از شما اطاعت کند از خدا اطاعت
کرده، و هر کس نافرمانی شما را بکند نافرمانی خدا کرده است، و هر کس شما را
دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس با شما دشمنی کند
با خدا دشمنی کرده است“

وَ اجْعَلْ ارْزاقَنَا بِه مَبْسُوطَةً ۱۳۷

۴۱۶- حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

گویا می بینم که این دین شما در خون خود دست و پا میزند و هیچکس آنرا به شما باز نمیگرداند، مگر مردی از اهل البیت ما که هر سال دوبار بر شما بخشش خواهد کرد و هر ماه دو نوع روزی به شما خواهد داد، در زمان او به شما حکمت عطا خواهد شد تا بخدی که زن در خانه خودش نشسته و از روی کتاب خدا و سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) حکم کند.

۴۱۷- امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر گاه قائم ما پیاخیزد خداوند دستش را بر سر بندگان قرار میدهد پس عقلهایشان جمع و حلم و بردباریشان کامل میگردد.

۴۱۸- امام باقر علیه السلام فرمودند:

... تمام اموال دنیا از ظاهر و باطن زمین به نزد آن جناب جمع میگردد و به مردم گفته میشود:

بیائید این چیزی است که شما بخاطر آن خویشاوندیتان را قطع کردید و خونهای به ناحق ریختید و در راه بدست آوردن آن، حرامها مرتکب شدید. پس آن حضرت ثروتی به آنها می بخشد که هیچکس پس از او چنین نبخشیده باشد.

۴۱۹- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

...اگر قائم ما قیام علیه السلام کند آسمان بارانش را فروریرد و زمین گیاهانش را بیرون دهد و کینه ها و کدورتها از دلهای بندگان زایل میگردد و درندگان و بهائم با هم سازگار میشوند تا حدی که یک زن راه عراق و شام را طی میکند در حالیکه جز بر سبزه و گیاه پا نگذارد و زینتهای خود را بر سر دارد و هیچ درنده ای او را به وحشت نمی اندازد.

۴۲۰- رسول خدا (ص) فرمودند:

پولها و اموال در آن روز انباشته خواهد بود، کسی به نزد او می آید و درخواستی دارد، آنقدر که بتواند حمل کند، به او میدهد.

۴۲۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

...و یک مرد از شما در جستجوی کسی خواهد شد که از مال خودش به او احسان کند و از زکات مالش به او بدهد، احدی را نخواهد یافت که از او بپذیرد. مردم به آنچه خداوند از راه تفضل به آنان روزی فرموده - بی نیاز میشوند...

۴۲۲- پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

اَمَّتْ مِنْ دَرِّ زَمَانٍ مَهْدِيٌّ بِهٖ نِعْمَتِي مَتَّعُمُ خَوَاهِنْدُ شُدَّ كِهٖ هِيَجْكَاهٖ بِهٖ مَثَلِ
آن متنعّم نگشته اند.

آسمان باران رحمتش را بر آنها می بارد، و زمین هیچ گیاهی را رها
نمیکند مگر اینکه آن را برآورد.

۴۲۳- مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

سپس مهدی به کوفه باز خواهد گشت، و آسمان در آنجا ملخهای زرین خواهد بارید - چنانکه خداوند در بنی اسرائیل بر ایوب بارانید - و بر اصحابش گنجینه های زمین را از طلا و نقره و جواهرات و... تقسیم خواهد کرد....

وَهُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةٌ وَحَوَائِجُنَا بِهٖ مَقْضِيَةٌ ۱۳۸

۴۲۴- نصر خادم گوید:

بر حضرت صاحب الزمان علیه السلام وارد شدم در حالیکه کودکی بودند، به من فرمودند: آیا مرا می شناسی؟

عرضه داشتم: بلی، تو آقای من و فرزند آقای من هستی.

فرمودند: از این نپرسیدم. عرض کردم: برایم تفسیر فرمائید.

فرمودند: من خاتم اوصیاء هستم و تنها بوسیله من بلا از خانواده و شیعیانم دفع می شود.

۴۲۵- امام صادق علیه السلام فرمودند:

... اولین کاری که مهدی علیه السلام انجام میدهد، اینکه در همه جای عالم ندا میکند که:

توجه کنید هر کس بر عهده یکی از شیعیان ما قرضی داشته باشد آن را بگوید، تا اینکه دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آنها برساند چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک زیاد، که همه را اداء خواهد کرد....

۱۳۸- بوسیله او غمهایمان را برطرف، و حوائجمان را برآورده فرما.

۴۲۶- حضرت ابی‌عبدالله امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: هر مؤمن یا مسلمانی از دنیا برود و قرضی بعد از خودش ترک گوید که در راه فساد یا اسراف نباشد بر امام است که آن را ادا کند...

۴۲۷- حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام فرمودند:

سپس بسوی کوفه می‌آید، منزلش در آنجا خواهد بود... پس هیچ بردهٔ مسلمانی را نخواهد گذاشت، مگر اینکه او را بخرد و آزاد کند. و هیچ قرضداری نماند مگر اینکه قرضش را ادا کند. و هیچ حق ضایع شده از کسی را رها نخواهد کرد تا اینکه به صاحبش برگرداند...

وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَقْبِلْ تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ
وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ
ثُمَّ لَا تُصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ^{۱۳۹}

۴۲۸- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی بسوی زمین نگرست پس ما را برگزید و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری میکنند و از خوشحالی ما خوشحال و

۱۳۹- و بر ما بوسیلهٔ وجه کریمانه ات اقبال فرما، و تقرّب و توسّل ما را بسوی خود بپذیر و بر ما به رحمت و لطف نظر نما، تا بدان نظر لطف و کرامت، خود را نزد توبه حد کمال رسانیم، آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به جود و کرمت باز مگیر.

بخاطر اندوه ما اندوهگین میشوند، و اموال و جانهایشان را در راه ما نثار می نمایند، آنان از ما هستند و بسوی ما باز میگردند .

۴۲۹- در دعای عصر غیبت آمده است که:

بارالها، و به سبب طولانی شدن دوران غیبت او و قطع گردیدن خیرش از ما، یقینمان را از ما مگیر، و یادش را از خاطرمان مبر. و انتظار و ایمان به او، و نیروی یقین در ظهورش، و دعا برای حضرتش، و درود فرستادن بر او را از ما مگیر، تا بخاطر طولانی شدن غیبتش ما را از ظهور و قیامت نا امید نسازد.

۴۳۰- امام باقر علیه السلام فرمودند:

همانا دل‌های مردم از این حدیث شما (اعتقاد به غیبت امام قائم علیه السلام) می‌رند، پس هر که به آن اقرار کرد او را بیفزائید، و هر کس انکار نمود رهایش کنید.

به تحقیق که به ناچار فتنه ای پیش خواهد آمد که؛

يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَّانَةٍ وَ وَّلِيَّةٍ:

هر دوست خالص و فرد خصوصی و محرم رازی در آن سقوط کند. هر پشتیبان و برگزیده ای نیز در آن سقوط کند، تا آنجا که آنکس که (بخاطر کمال دقت) مو را دو نیم میکند هم سقوط مینماید، بخدیکه جز ما و شیعیانمان باقی نماند.

۴۳۱- صفوان بن یحیی گوید: حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمودند:

بخدا آنچه دید گانتان را بسویش خیره کرده آید، نخواهد بود تا اینکه از هم جدا شوید و آزمایش گردید، و تا اینکه از شما باقی نماند جز اندک اندک.

۴۳۲- امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای شیعه آل محمد (علیهم السلام)، همچون سرمه در چشم آزموده و کم میشوید، و راستی که صاحب سرمه میداند چه وقت سرمه در چشمش واقع میشود ولی نمیداند چه وقت از چشمش بیرون میرود. و همینطور مرد بر روشی از امر ما صبح میکند ولی شب بر او میرسد در حالیکه از آن خارج شده باشد، و شب بر روشی از امر ما است، و صبح میکند در حالیکه از آن خارج شده باشد.

وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيًّا
رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^{۱۴۰}

۴۳۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا آنکه دلش بخاطر ما به درد آید البته روزیکه ما را هنگام مرگش دیدار کند خوشحال خواهد شد بطوریکه آن خوشحالی و سرور پیوسته در دلش باقی خواهد ماند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر ما وارد گردد،

۱۴۰- و ما را از حوض کوثر جدش (یعنی: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) به جام و به دست او سیراب ساز، سیراب شدنی کامل و گوارا و خوش که دیگر هرگز بعد از آن (در صحنه محشر) تشنه نشویم، ای مهربانترین مهربانان.

و بدرستیکه کوثر از دیدن دوستدار ما خرسند میشود تا آنکه از انواع غذاها به او می چشاند که مایل نباشد از کنار آن دور گردد. ای مسمع، هر آنکس از آن جرعه ای بنوشد دیگر هیچگاه تشنه نخواهد شد، و به مشقت و رنج نخواهد افتاد (یا هیچوقت آبی نخواهد خواست)، و آن به خنکی کافور است و بوی مشک و مره زنجبیل، از عسل شیرینتر و از کره لطیف تر و از اشک صافتر و از عنبر خوش بوتر است، از تسنیم (چشمه بلند و بالای بهشت) بیرون می آید و بر نهرهای بهشت میگذرد، بر روی زمینی از در و یاقوت روان است.

در آن جامهایی هست بیش از شمار ستارگان آسمان، بوی آن از مسافت هزار سال به مشام میرسد، جامهای آن از طلا و نقره و گوهرهای مختلف میباشد، بوی خوش آن، بر صورت نوش کننده اش میوزد تا آنکه شخصی که از آن نوشیده میگوید ای کاش اینجا وا گذاشته میشدم که بجای این هیچ چیز دیگری نخواهم و از آن دور نشوم.

البته تو ای مسمع گردین از کسانی هستی که از آن سیراب میگردند و هیچ چشمی بخاطر ما گریان نشود مگر اینکه به نعمت نگاه کردن به کوثر نایل گردد. و به دوستان ما، از آن بنوشانند، و البته چنین است که هر کس از آن می آشامد لذت و مژه ای برایش حاصل میگردد که بیشتر از آن کسی می باشد که محبتش نسبت به ما کمتر است... (هر چه محبت نسبت به ما بیشتر باشد در ک لذت از آب کوثر بیشتر خواهد بود).

بِعنوانِ حَسَنِ خَتَامِ:

قسمتی از کلام نورانی امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را در تشرّف آية الله مرعشی نجفی به محضر مقدّس آن حضرت، زینت بخش کتاب قرار میدهیم؛

امام عصر علیه السلام به ایشان تأکید فرمودند:

که بعد از نمازهای پنجگانه این دعا را بخوان:

”اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْمُمُومِ وَالْعُمُومِ وَوَحْشَةِ الصَّدْرِ وَوَسْوَسةِ الشَّيْطَانِ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ“

دیگراز مطالب تأکید شده:

خواندن این دعا در نمازهای یومیّه بعد از ذکر رکوع خصوصاً در رکعت آخر میباشد:

”اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا وَأَغْنِنَا بِحَقِّهِمْ“

”الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ“

«مأخذ روایات»

- ۱- توحید صدوق: ص ۲۳۰، ح ۵ - و تفسیر برهان: ج ۱ - ص ۴۵
- ۲- اصول کافی: ج ۳ - ص ۱۵۰، ح ۱۰
- ۳- مستند الامام الرضا علیه السلام: ج ۲ - ص ۳۰، از عیون الاخبار: ج ۱
- ۴- بحار الانوار: ج ۹۴ - ص ۵۴، ح ۲۲ از امالی طوسی: ج ۱ - ص ۲۱۹
- ۵- اصول کافی: ج ۴ - ص ۲۵۲، ح ۱۶
- ۶- بحار الانوار: ج ۹۴ - ص ۷۱، ح ۶۴ - از عدة الداعی: ص ۲۵
- ۷- اصول کافی: ج ۴ - ص ۲۵۵، ح ۵
- ۸- بحار الانوار: ج ۹۴ - ص ۵۴، ح ۲۶ - از معانی الاخبار: ص ۲۴۶
- ۹- بحار الانوار: ج ۹۴ - ص ۶۰، ح ۴۶ - از محاسن: ۳۲۸
- ۱۰- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه: ص ۳۰۸
- ۱۱- اصول کافی: ج ۴ - ص ۱۱۵، ح ۶ - باب شرک
- ۱۲- اصول کافی: ج ۳ - ص ۱۵۳، ح ۱۹ - باب شکر
- ۱۳- سورة مبارکه: ص - آیات: ۴۵ تا ۴۷
- ۱۴- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه: ص ۱۲۹
- ۱۵- اصول کافی: ج ۱ - ص ۲۵۸، ح ۶ - باب معرفة الامام
- ۱۶- تفسیر برهان: ج ۴ - ص ۵۰۳، ح ۱۱
- ۱۷- مجمع البیان عربی: ج ۱۰ - ص ۴۹۰، از عیاشی
- ۱۸- وسائل الشیعه: ج ۱۶ - ص ۴۴۶، ح ۷ - و بحار الانوار: ج ۷ - ص ۲۷۲، ح ۴۱
- ۱۹- اصول کافی: ج ۲ - ص ۲۷۴، ح ۳ - باب سيرة الامام فی نفسه

- ۲۰- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۷۲، ح ۱- باب سیرة الامام فی نفسه
- ۲۱- اصول کافی: ج ۲- ص ۳۲۷، ح ۸- باب مولد النبی (ص) و وفاته
- ۲۲- اصول کافی: ج ۲- ص ۳۲۰، ح ۶
- ۲۳- دورة معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: از بصائر: ص ۷۴-ح ۱
- ۲۴- نهج البلاغه: ج ۱- ص ۱۹
- ۲۵- بحار الانوار: ج ۱۸- ص ۲۵۶، ح ۵- از علل
- ۲۶- بحار الانوار: ج ۱۸- ص ۲۶۸، ح ۳۰- از امالی شیخ: ۴۹
- ۲۷- بحار الانوار: ج ۱۸- ص ۲۷۰، ح ۳۵- از بصائر الدرجات: ۱۰۹
- ۲۸- بحار الانوار: ج ۱۸- ص ۲۶۲، ح ۱۶- از تفسیر عیاشی
- ۲۹- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۷، ح ۱
- ۳۰- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۸۸، ح ۳
- ۳۱- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۱۶۹، ح ۳۸
- ۳۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۴۰۶، از غیبت نعمانی: ص ۱۴۷
- ۳۳- بحار الانوار: ج ۹۴- ص ۲۲، ح ۱۷- از اختصاص: ۲۵۲
- ۳۴- بحار الانوار: ج ۹۴- ص ۲۲، ح ۲۰- از غده الداعی: ۱۱۶ و تفسیر امام: ۳۲
- ۳۵- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۴۰۷، از مرآت الانوار: ۳۳۱
- ۳۶- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۳۸۷، از کشف المحجّة، از رسائل کلینی
- ۳۷- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۳۳، ح ۴۶- از اثبات الوصیه
- ۳۸- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۱۹۲، ح ۵۰- از امالی مفید رحمة الله: ۸۲
- ۳۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۴۰۷، از مرآت الانوار: ۳۳۱
- ۴۰- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۷۷، ح ۴
- ۴۱- بحار الانوار: ج ۲۱- ص ۱۵۴، ح ۴- از خرائج: ۱۸۵ و ۱۸۶
- ۴۲- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۸۱، ح ۸
- ۴۳- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۵۴۱، از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: ۷۴

- ۴۴- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۳۲۵، ح ۷- از قصص الانبیاء
- ۴۵- بحار الانوار: ج ۳۵- ص ۴۲۳، ح ۳- از عیاشی
- ۴۶- بحار الانوار: ج ۳۵- ص ۴۲۳، ح ۳- از کتیر جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره معاً
- ۴۷- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۴۱۷، ح ۳- ذیل آیه: ۱۲۵ سورة نساء
- ۴۸- بحار الانوار: ج ۳۶- ص ۵۷، ح ۴- از کشف الغمّه
- ۴۹- بحار الانوار: ج ۳۶- ص ۵۷، ح ۳- از کتیر جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره معاً
- ۵۰- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۳، ح ۱
- ۵۱- بحار الانوار: ج ۴- ص ۱۵۲، ح ۴- از احتجاج
- ۵۲- نهج البلاغه: ص ۵۸۲، خطبه ۱۷۸
- ۵۳- نهج البلاغه: ص ۵۹۲، خطبه ۱۸۱
- ۵۴- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۶، علی علیه السلام و خطبه تطنیجیه: ص ۲۷۵
- ۵۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸، ح ۲۰
- ۵۶- اصول کافی: ج ۳- ص ۳۸۵، ح ۱۶
- ۵۷- اصول کافی: ج ۳- ص ۲۷، ح ۱
- ۵۸- اصول کافی: ج ۲- ص ۵۵، ح ۳
- ۵۹- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه: ص ۱۴۲، از تفسیر نور الثقلین: ج ۲- ص ۹۲ و ۹۳، ح ۳۳۷
- ۶۰- احتجاج: ص ۴۷۲- ۴۷۳
- ۶۱- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۳۳۵، از کمال الدین: ۱۴۷ و ۱۴۹، علل الشرایع: ۳ و ۱۴، عیون الاخبار: ۱۴۴ تا ۱۴۶
- ۶۲- نهج البلاغه: ص ۲۷۹، خطبه ۹۳
- ۶۳- نهج البلاغه: ص ۲۷۴، خطبه ۲۰۴
- ۶۴- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۸۱، ح ۲۷- از بصائر الدرجات: ۵۱
- ۶۵- منتهی الامال: ص ۵۸، تاریخ حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله
- ۶۶- اصول کافی: ج ۳- ص ۲۷، ح ۱

- ۶۷- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۴۶، ح ۷- از سرائر: ۴۷۳
- ۶۸- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۱۹، ح ۸- از بصائر الدرجات: ۲۷
- ۶۹- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۴۴، ح ۶
- ۷۰- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۱۹۱، از کفایة الاثر شیخ ابن خزاز رازی یا قمی: ۳۰۷
- ۷۱- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۱۱۰، ح ۷- از بصائر: ۳۵
- ۷۲- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۸۸، ح ۱
- ۷۳- مفاتیح الجنان: فضیلت شب هفدهم ماه مبارک رمضان
- ۷۴- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ص ۳۸۳- از تأویل الایات الظاهرة: ۶۸
- ۷۵- دوره عرفان و معارف معصومین علیهم السلام: ج ۲، علی علیه السلام و فوج فائزین: ص ۵۳۲، از تفسیر فرات ص ۱۷۸، ح ۲۳۰ چاپ ارشاد
- ۷۶- من لایحضره الفقیه: ج ۲- ص ۲۴۱، ح ۲۲۹۶
- ۷۷- من لایحضره الفقیه: ج ۲- ص ۲۴۳، ح ۲۳۰۴
- ۷۸- من لایحضره الفقیه: ج ۲- ص ۲۴۴، ح ۲۳۱۰
- ۷۹- من لایحضره الفقیه: ج ۲- ص ۲۴۴، ح ۲۳۱۱
- ۸۰- فروع کافی: ج ۴- ص ۲۲۳، ح ۱
- ۸۱- من لایحضره الفقیه: ج ۴- ص ۱۱۵، ح ۵۲۲۹
- ۸۲- معانی الاخبار صدوق رحمه الله: ج ۱- ص ۳۲۰، ح ۱- باب ۶۹
- ۸۳- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۳۸۱، ح ۶
- ۸۴- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۱۲۱، ح ۱- ذیل آیه: ۲۳ سوره شوری
- ۸۵- مجمع البیان (عربی): ج ۹- ص ۵۰
- ۸۶- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۲۰۱، از مجالس صدوق رحمه الله: ۲۱۹
- ۸۷- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۹۵، ح ۵۷- از تفسیر عیاشی، ج ۱: ۱۶۷
- ۸۸- تفسیر برهان: ج ۳- ص ۳۵۴، ح ۱- ذیل آیه: ۴۷ سوره سبأ، از کافی
- ۸۹- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۱۵۸، ح ۳- از خصال و امالی

- ۹۰- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۹۰، ح ۴۳- از المحاسن: ۶۱
- ۹۱- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۹۱، ح ۴۹- از محاسن
- ۹۲- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۰، ح ۳۷- از مناقب
- ۹۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۱، ح ۳۹- از مناقب
- ۹۴- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۲۰۷، از احتجاج
- ۹۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۷۲، ح ۲
- ۹۶- خطابه غدیره: ص ۶۶
- ۹۷- بحار الانوار: ج ۱۸- ص ۳۹۹، ح ۱۰۱- از کشف الغمّه
- ۹۸- بحار الانوار: ج ۳۵- ص ۲۵، ح ۲۰- از عیون: ۲۳۰
- ۹۹- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۲۰۶، از احتجاج
- ۱۰۰- بحار الانوار: ج ۳۸- ص ۳۱۴، ح ۱۸
- ۱۰۱ و ۱۰۲- بحار الانوار: ج ۴۳- ص ۱۴۰، ح ۳۶- از کشف الغمّه - و کتاب مجموعه
- مقالات الزهرا (س): ج ۱- ص ۲۶۳، از دلائل الامامه: ۱۸
- ۱۰۳- بحار الانوار: ج ۴۳- ص ۱۰۲، ح ۱۲- از امالی صدوق رحمه الله
- ۱۰۴- بحار الانوار: ج ۴۳- ص ۲۱، ح ۱۰- از امالی صدوق رحمه الله
- ۱۰۵- بحار الانوار: ج ۴۳- ص ۲۳، ح ۱۹- از امالی شیخ
- ۱۰۶- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۵۷۸
- ۱۰۷- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۸، ح ۳۲- از اختصاص
- ۱۰۸- اصول کافی: ج ۳- ص ۳۳۶، ح ۲۷
- ۱۰۹- اصول کافی: ج ۲- ص ۶۳، ح ۹
- ۱۱۰- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۱۷۴
از تاسخ التواریخ زندگانی امان علی النقی علیه السلام
- ۱۱۱- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۱۷۴
از تاسخ التواریخ زندگانی امام علی النقی علیه السلام

- ۱۱۲- خطابه غدیر: ص ۷۳
- ۱۱۳- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۲۵۴، ج ۳- از امالی الشیخ: ۳۱
- ۱۱۴- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۲۷۴، ج ۳
- ۱۱۵- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۶۰، ج ۶- از کافی
- ۱۱۶- بحار الانوار: ج ۳۸- ص ۳۱ و ۳۲، ج ۹- از بشاره المصطفی: ۱۸۸
- ۱۱۷- بحار الانوار: ج ۳۸- ص ۱۳۷، ج ۹۶- از بشاره المصطفی
- ۱۱۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۲۴، از کفاية الاثر: ۳۱۰
- ۱۱۹- بحار الانوار: ج ۸- ص ۲۴، ج ۱۹- از كشف الغمه
- ۱۲۰- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۴۱، ج ۹
- ۱۲۱- بحار الانوار: ج ۷- ص ۱۸۰، ج ۲۰
- ۱۲۲- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۲۷۲، ج ۴۱- از کثر الکراجکی
- ۱۲۳- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۷۱، از فضائل الشیعه: ۲۰ و ۲۱
- ۱۲۴- بحار الانوار: ج ۱۴- ص ۲۷۴ و ۲۷۵، ج ۷- از روضه کافی: ۲۶۸
- ۱۲۵- بحار الانوار: ج ۳۸- ص ۹۱، ج ۳- از امالی صدوق رحمه الله: ۸۱
- ۱۲۶- اصول کافی: ج ۴- ص ۱۰۱، ج ۲۰
- ۱۲۷- ترجمه علی و السنه: سیمای علی علیه السلام به روایت اهل سنت: ص ۱۶۷، از مناقب خطیب: ۲۴۰
- ۱۲۸- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۶۶، ج ۱۱
- ۱۲۹- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۵۹، ج ۸
- ۱۳۰- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۸۴، ج ۵- از امالی ابن الشیخ: ۱۷۱
- ۱۳۱- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۱۹۱، از کفاية الاثر: ۳۹۸- باب اول
- ۱۳۲- خطابه غدیر: ص ۷۱- بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۱۲، پاراگراف پنجم
- ۱۳۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۱، ج ۳- از معانی الاخبار: ۱۳ و ۱۴
- ۱۳۴- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۳، ج ۵۰- از کثر

- ۱۳۵- خطابه غدیر: ص ۶۲
- ۱۳۶- نهج البلاغه: ج ۱- ص ۲۷، خطبه سوم
- ۱۳۷- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۲۹، ح ۱۰
- ۱۳۸- بحار الانوار: ج ۳۹- ص ۳۸، ح ۷- از امالی صدوق رحمه الله: ۷۰۶
- ۱۳۹- دوره عرفان و معارف معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۲۵۲، از الزام الناصب: ج ۱- ص ۳۰ تا ۳۶، و ص ۵۵ و ص ۲۶۳
- ۱۴۰- مجمع البیان (عربی): ج ۳- ص ۴۱۶
- ۱۴۱- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۲۴۶ و ۲۴۷
- ۱۴۲- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۹۷، ح ۱۹- از علل الشرایع
- ۱۴۳- خطابه غدیر: ص ۶۲
- ۱۴۴- مجمع البیان (عربی): ج ۸- ص ۱۴۳ و ۱۴۴، ذیل آیه: ۹ سوره احزاب
- ۱۴۵- مجمع البیان (عربی): ج ۸- ص ۱۴۵، ذیل آیه: ۹ سوره احزاب
- ۱۴۶- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۳۱۸ و ۳۱۹
- ۱۴۷- بحار الانوار: ج ۲۱- ص ۲۱، ح ۱۷ از اعلام الوری
- ۱۴۸- فروغ ابدیت: ج ۲- ص ۲۵۱، از تاریخ طبری: ج ۲- ص ۹۴، سیره ابن هشام: ج ۳- ص ۳۴۹، و بحار الانوار: ج ۳۹- ص ۱۸، (پاراگراف دوم)
- ۱۴۹- شرح زندگانی حضرت علی علیه السلام: ص ۲۱۵
- ۱۵۰- دوره عرفان و معارف معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه: ص ۲۶۵
- ۱۵۱- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۲۳۵ و ۲۳۶
- ۱۵۲- خطابه غدیر: ص ۶۶
- ۱۵۳- نهج البلاغه: ص ۸۰۱، خطبه ۲۳۴
- ۱۵۴- ترجمه شواهد التنزیل حسکائی: ص ۲۷۱
- ۱۵۵- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۲۷۶ و ۲۷۸
- ۱۵۶- مفاتیح الجنان: زیارت جامعه ائمه المؤمنین - ص ۷۵۵

- ۱۵۷- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۲۳۷، ح ۳
- ۱۵۸- بحار الانوار: ج ۲۲- ص ۳۲۷، ح ۳۳- از امالی ابن الشیخ: ۸۳
- ۱۵۹- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۸۴، ح ۴
- ۱۶۰- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۸۹، ح ۴
- ۱۶۱- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۶۶، ح ۱
- ۱۶۲- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۸۵، ح ۲۲- از کامل الزیارات
- ۱۶۳- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۹۰، ح ۳۱- از کامل الزیارات
- ۱۶۴- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۹۰، ح ۳۱
- ۱۶۵- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۷۸، ح ۲- از عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱- ص ۲۹۴
- ۱۶۶- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۲۴۸، از اللهوف
- ۱۶۷- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۵۷۲، از کامل الزیارات ابن قولویه: ص ۱۱۶، باب ۴۰
- ۱۶۸- اصول کافی: ج ۳- ص ۳۲۰، ح ۱۶
- ۱۶۹- اصول کافی: ج ۲- ص ۴۷۰، ح ۳
- ۱۷۰- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۱۷۰، ح ۳۸ (سطر مانده به آخر)
- ۱۷۱- مکیال و المکارم: ج ۱- ص ۵۲۶، از بصائر الدرجات: ۴۳۵
- ۱۷۲- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۳۷، ح ۸
- ۱۷۳- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۱۰۶، ح ۶- از کنز الفوائد جامع: ۴۹
- ۱۷۴- کمال الدین مترجم: ج ۱- باب ۳۱- ص ۴۴۰، ح ۱۱
- ۱۷۵- بحار الانوار: ج ۲- ص ۱۸۹، ح ۲۱- از بصائر
- ۱۷۶- بحار الانوار: ج ۲- ص ۱۸۴، ح ۴- از معانی الاخبار
- ۱۷۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۲۵، از کمال الدین: ج ۱- ص ۳۳۱
- ۱۷۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۳۸۴
- ۱۷۹- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۷۵، ح ۲
- ۱۸۰- تفسیر برهان: مقدمه - ص ۱۰۵

- ۱۸۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۱۷، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۸۱
- ۱۸۲- غیبت نعمانی مترجم: ص ۳۲۶، ح ۱۳
- ۱۸۳- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۳۰، ح ۷- از ارشاد القلوب دیلمی
- ۱۸۴- غیبت نعمانی مترجم: ص ۳۲۸، ح ۱۹
- ۸۵- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۶۶، ح ۱۴۸
- ۱۸۶- ترجمه المحجة: سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ص ۳۷۷، از الغیبة: ص ۱۱۰
- ۱۸۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۰۹، از المحجة: ۷۵۲
- ۱۸۸- فروع کافی: ج ۷- ص ۱۷۴، ح ۱
- ۱۸۹- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۲۵، ح ۳۹- از کمال الدین
- ۱۹۰- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۵۹، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۵۴
- ۱۹۱- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۷۹، ح ۱۸۷- از کفایه
- ۱۹۲- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۳۶، ح ۷۳- از خرائج
- ۱۹۳- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۵۲، ح ۱۰۶- از غیبت نعمانی
- ۱۹۴- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۶۵، ح ۱۴۴- از غیبت نعمانی
- ۱۹۵- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۶۰، از خرائج: ۱۳۸
- ۱۹۶- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۸۶، ح ۸۶- از منتخب البصائر
- ۱۹۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۷۵، از ارشاد دیلمی
- ۱۹۸- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۱۱
- ۱۹۹- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۴۵، ح ۹۱- از تفسیر عیاشی
- ۲۰۰- اثبات الهداة مترجم: ج ۷- ص ۱۱۶، ح ۶۱۳
- ۲۰۱- بحار الانوار: ج ۳۵- ص ۳۳۶، ح ۱- از تفسیر قمی: ۶۴۰
- ۲۰۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۷۵، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۵۲
- ۲۰۳- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه: ص ۲۲۹

- ۲۰۴- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۶، علی علیه السلام و خطبه تطنجیه: ص ۱۹۰،
از الزام الناصب: ج ۱- ص ۴۰
- ۲۰۵- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۳۴۶ و ۳۴۷
- ۲۰۶- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۳۹، ح ۸۴- از ارشاد شیخ مفید رحمه الله
- ۲۰۷- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۳۰، ح ۲۵- از نهج البلاغه
- ۲۰۸- دوره معارف و عرفان معصومین علیهم السلام: ج ۲، علی علیه السلام و فرج فائزین: ص ۲۷۰،
از صفات الشیعه صدوق رحمه الله: ص ۸- ح ۱۴
- ۲۰۹- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۱۱۵، ح ۳۴- از غیبت نعمانی
- ۲۱۰- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۴۳، از تفسیر قمی: ۲۰۴
- ۲۱۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۸۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۳۳۵
- ۲۱۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۸۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۵۲۵
- ۲۱۳- تفسیر برهان: ج ۲- ص ۳۴۳، ح ۶
- ۲۱۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۴۷، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۷۳
- ۲۱۵- اثبات الهداة مترجم: ج ۷- ص ۳۲، ح ۳۵۸
- ۲۱۶- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۷۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۷۳
- ۲۱۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۷۶، از بصائر الدرجات: ج ۱- ص ۲۴
- ۲۱۸- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ص ۳۹۹
- ۲۱۹- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۴۴، ح ۵ از خصال
- ۲۲۰- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۳۰، ح ۲
- ۲۲۱- مفاتیح الجنان: دعای عصر غیبت - ص ۷۷۰
- ۲۲۲- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۷۵، ح ۲
- ۲۲۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۴۸، ح ۲
- ۲۲۴- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۵۹، ح ۷
- ۲۲۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۰، ح ۱

- ۲۲۶- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۰۱، ح ۳۵- از عیون
- ۲۲۷- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۹۳، ح ۱۳- از تفسیر قمی: ۴۹۴
- ۲۲۸- اصول کافی: ص ۱۹۶، ح ۵
- ۲۲۹- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۱۰۲، ح ۸- از بصائر الدرجات: ۱۹
- ۲۳۰- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۶۵، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۵۴
- ۲۳۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۳۰۵، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۶۸
- ۲۳۲- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۶۷، ح ۱۵۱- از غیبت نعمانی
- ۲۳۳- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۶۰، ح ۱۲۹- از غیبت نعمانی
- ۲۳۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۸۱
- ۲۳۵- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۳۰، ح ۲
- ۲۳۶- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۴، ح ۳۷- قسمت ۲۴
- ۲۳۷- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۷۶، ح ۱۷۷
- ۲۳۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۷۶، از احتجاج: ج ۱- ص ۸۰
- ۲۳۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۷۶، از احتجاج: ج ۱- ص ۸۰
- ۲۴۰- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ص ۳۷۰
- ۲۴۱- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۱۲، ح ۷- از غیبت نعمانی
- ۲۴۲- اصول کافی: ج ۲- ص ۴۸۳، ح ۱۹
- ۲۴۳- تفسیر برهان: ج ۳- ص ۹۴، ح ۱۰
- ۲۴۴- تفسیر برهان: ج ۳- ص ۹۳، ح ۴- ذیل آیه: ۳۹ سوره حج
- ۲۴۵- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۷۹، ح ۱۸۷ از کفایه
- ۲۴۶- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۲۸، ح ۴۸ از کامل الزیارات
- ۲۴۷- تفسیر برهان: ج ۳- ص ۲۰۸، ح ۷
- ۲۴۸- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۲۹۷، ح ۴ ذیل آیه: ۹۲ سوره آل عمران
- ۲۴۹- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۱۴۴، ح ۹۸ از الروضة: ۱۴۹

- ۲۵۰- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۱۴۲، ح ۹۵ از الروضه: ۱۴۴
- ۲۵۱- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۱۶، ح ۳۰- از رياض الجنان
- ۲۵۲- بحار الانوار: ج ۱۶- ص ۲، ح ۵ از خصال
- ۲۵۳- بحار الانوار: ج ۱۶- ص ۷، ح ۱۱ از عیاشی
- ۲۵۴- بحار الانوار: ج ۱۶- ص ۸، ح ۱۲ از كشف الغمّة
- ۲۵۵- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۳۱۲، از علل الشرایع: ۱۴۰
- ۲۵۶- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۰۸، ح ۸۱
- ۲۵۷- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۹۱، ح ۲
- ۲۵۸- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۶ و ۲۸۷، ح ۱
- ۲۵۹- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۱۱۲، ح ۱۲- از احتجاج: ۱۹۳
- ۲۶۰- مفاتیح الجنان: زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام- ص ۴۷۱
- ۲۶۱- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۰، ح ۳۷- از مناقب آل ائمه اطهار (ع) (۳): ۴۰۳
- ۲۶۲- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۱، ح ۳۸- از مناقب آل ائمه اطهار (ع) (۳): ۴۰۳
- ۲۶۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۲۱، ح ۳۹- از مناقب آل ائمه اطهار (ع) (۳): ۴۰۳
- ۲۶۴- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۴، ح ۱
- ۲۶۵- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۱۷، از دارالسلام
- ۲۶۶- بحار الانوار: ج ۳۷- ص ۲۰۸ و ۲۰۹، خطبه غدیر
- ۲۶۷- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۴۴، ح ۱
- ۲۶۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۴۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۵۳
- ۲۶۹- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۶، ح ۱
- ۲۷۰- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۱۵
- ۲۷۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۱۱، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۷۱
- ۲۷۲- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۳۹، ح ۸۶- از ارشاد
- ۲۷۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۳، ح ۹- از تفسیر قمی

- ۲۷۴- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۴، ح ۴- از تفسیر عیاشی
- ۲۷۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۲۰، ح ۹
- ۲۷۶- مفاتیح الجنان: زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام: ص ۴۷۴ سطر آخر
- ۲۷۷- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۹۷، ح ۳
- ۲۷۸- مفاتیح الجنان: زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود پیامبر صلی الله علیه و آله: ص ۴۹۹
- ۲۷۹- مفاتیح الجنان: زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام: ص ۴۷۴
- ۲۸۰- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۱، ح ۴- از معانی الاخبار
- ۲۸۱- مفاتیح الجنان: زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت هفتم- ص ۴۷۴
- ۲۸۲- دوره عرفان و معارف معصومین علیهم السلام: ج ۵، ص ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۹۱
- از تفسیر نور الثقلین: ج ۴- ص ۱۶۵، ح ۷۳
- ۲۸۳- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۴۰۶، ح ۱
- ۲۸۴- بحار الانوار: ج ۲۷- ص ۴۶، ح ۷- از سرائر
- ۲۸۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۷۴، ح ۳
- ۲۸۶- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۵۳، ح ۸- از کمال الدین: ۲۰۹
- ۲۸۷- تفسیر برهان: ج ۳- ص ۲۹، ح ۲
- ۲۸۸- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۸۰، ح ۱۴
- ۲۸۹- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۳، ح ۲
- ۲۹۰- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۲۳۰، ح ۱
- ۲۹۱- تفسیر برهان: مقدمه- ص ۱۵۷، ذیل لغت ریح
- ۲۹۲- تفسیر برهان: مقدمه- ص ۱۵۷
- ۲۹۳- بحار الانوار: ج ۲۴- ص ۱۰۵، ح ۱۴- از کثر
- ۲۹۴- مجمع البیان (عربی): ج ۱۰- ص ۴۷۹
- ۲۹۵- مفاتیح الجنان: زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام: ص ۴۷۵
- ۲۹۶- بحار الانوار: ج ۹- ص ۲۴۰، ح ۱۳۹- از تفسیر قمی

- ۲۹۷- عیون اخبار الرضا علیه السلام مترجم: ج ۱- ص ۵۴۳، ح ۲۲
- ۲۹۸- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۰۶، ح ۷۹
- ۲۹۹- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۷۰، ح ۱۵۸- از غیبت نعمانی
- ۳۰۰- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۴۱، ح ۹۱- از تفسیر عیاشی
- ۳۰۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۵۹۲، از خرائج: ۹۲
- ۳۰۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۶۰، از الغیبة: باب ۱۰- ص ۱۴۱
- ۳۰۳- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۲۰، از تبصرة الوری: ۷۸۱
- ۳۰۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۶۶، از اکمال الدین: ج ۱- ص ۳۰۳
- ۳۰۵- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۶۶، از اکمال الدین: ج ۲- ص ۳۶۱
- ۳۰۶- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۷۸، ح ۳
- ۳۰۷- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۵۷۲، از کامل الزیارات: ص ۱۱۷
- ۳۰۸- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۵۰، ح ۲- از کمال الدین
- ۳۰۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۴۴۱، از کمال الدین: ج ۱- ص ۳۰۲، باب ۱۶- ذیل ح ۱۱
- ۳۱۰- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۱۴۰، ح ۱۱- از بضائر الدرجات
- ۳۱۱- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۱۵۴، ح ۹- از غیبت نعمانی
- ۳۱۲- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۲۳۶، از کمال الدین: ج ۲- ص ۳۷۱
- ۳۱۳- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۵، ح ۲۸- از کمال الدین
- ۳۱۴- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۴۹، ح ۱۸
- ۳۱۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۳، ح ۱
- ۳۱۶- دوره عرفان و معارف معصومین علیهم السلام ج ۵، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره: ص ۱۷۵، خطبه طارق و ص ۹۰ خطبه طارق
- ۳۱۷- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۳، ح ۱
- ۳۱۸- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۱۶۹، ح ۳۸
- ۳۱۹- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۳، ح ۱

- ۳۲۰- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۲۴۸، ح ۱۸- از بصائر
- ۳۲۱- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۸۳، ح ۱
- ۳۲۲- مفاتیح الجنان: زیارت جامعه کبیره - ص ۷۱۵
- ۳۲۳- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۲، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۸۷
- ۳۲۴- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۰۹، ح ۴۲- از کفایه
- ۳۲۵- بحار الانوار: ج ۶۷- ص ۶۵، ح ۱۳
- ۳۲۶- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۴۶۲، از مشارق الانوار: ص ۱۱۲
- ۳۲۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۴۹، از خرائج: ص ۹۲
- ۳۲۸- مفاتیح الجنان: زیارت جامعه کبیره - ص ۷۱۴، دو سطر آخر
- ۳۲۹- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۲۱۹، ح ۹- از کمال الدین: ج ۲- باب ۳۳، ح ۵۰
- ۳۳۰- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۳۸، ح ۱۱
- ۳۳۱- بحار الانوار: ج ۴۴- ص ۲۷۹، ح ۷- از امالی شیخ طوسی: ۱۲۱
- ۳۳۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۶۴، از تبصرة الوری که با غایة المرام چاپ شده: ص ۷۷۸
- ۳۳۳- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۱۳، ح ۸- از غیبت نعمانی
- ۳۳۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۶۰، از احتجاج: ج ۲- ص ۲۲۵
- ۳۳۵- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۳۸، ح ۱
- ۳۳۶- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۳۹، ح ۱۴
- ۳۳۷- اصول کافی: ج ۱- ص ۳۲۲، ح ۶
- ۳۳۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۲، از کمال الدین: ج ۱- ص ۳۰۴
- ۳۳۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۳، از کمال الدین: ج ۱- ص ۲۹۸
- ۳۴۰- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۳، از کمال الدین: ج ۱- ص ۳۰۳
- ۳۴۱- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۱۱ و ۷، حدیث مفضل
- ۳۴۲- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۱۶۴، ح ۱۱
- ۳۴۳- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۶۵، از کمال الدین: ج ۲- ص ۲۷۱

- ۳۴۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۴۸، از کمال الدین
- ۳۴۵- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۰، ح ۳۷- از کشف الغمه: قسمت ناسع
- ۳۴۶- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۶۲، ح ۱۳۱- از غیبت نعمانی
- ۳۴۷- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۳۶۶، ح ۱- ذیل آیه: ۳۰ سوره ملک
- ۳۴۸- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۱۷، ح ۱۷- از امالی شیخ
- ۳۴۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۰۰، از کمال الدین: ج ۱- ص ۳۲۷
- ۳۵۰- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۴۴۹، ح ۱- ذیل آیه: ۱۷ سوره طارق
- ۳۵۱- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۱۸، ح ۱۸- از بصائر الدرجات
- ۳۵۲- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۳۸۱، ح ۱- ذیل آیه: ۱ سوره معارج
- ۳۵۳- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۴۰، ح ۹۰- از تفسیر عیاشی
- ۳۵۴- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۱۶۸، ح ۱۲
- ۳۵۵- تفسیر برهان: ج ۲- ص ۱۸۰، ح ۶- ذیل آیه: ۱۰ سوره یونس
- ۳۵۶- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۰، از تفسیر برهان: ج ۱- ص ۱۶۷
- ۳۵۷- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۲۵۷ و ۲۵۸
- ۳۵۸- تفسیر برهان: ج ۴- ص ۱۱۵، ح ۴- ذیل تفسیر آیه: ۱ سوره شوری
- ۳۵۹- مفاتیح الجنان: دعادر غیبت امام زمان علیه السلام - ص ۷۷۰، سطر ۱۳
- ۳۶۰- مفاتیح الجنان: دعادر غیبت امام زمان علیه السلام - ص ۷۶۹، سطر ۶
- ۳۶۱- بحار الانوار: ج ۲۳- ص ۹۹، ح ۱- از امالی صدوق: ص ۳۶۳
- ۳۶۲- مفاتیح الجنان: دعا در غیبت امام زمان علیه السلام - ص ۷۶۷، سطر ۵
- ۳۶۳- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۱۶، ح ۱۲- از خصال
- ۳۶۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۵۰، از کمال الدین: ج ۲- ص ۳۳۵
- ۳۶۵- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۸، ح ۳۷- از کشف الغمه
- ۳۶۶- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۸، ح ۳۷- از کشف الغمه
- ۳۶۷- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۶۷، ح ۷- از امالی شیخ

- ۳۶۸- توحید صندوق رحمة الله: باب العرش وصفاته - ص ۳۲۱، ج ۱
- ۳۶۹- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۱۶۸، ج ۸
- ۳۷۰- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۱۱۵، ج ۱۴- از غیبت نعمانی
- ۳۷۱- اصول کافی: ج ۱- ص ۲۷۵، ج ۲
- ۳۷۲- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۹
- ۳۷۳- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۲۴، از غایة الامرام: ۲۵۷
- ۳۷۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۲۳، از کفاية الاثر: ۳۱۰
- ۳۷۵- اسرار آل محمد علیه السلام: ص ۵۵۰
- ۳۷۶- غیبت نعمانی مترجم: ص ۳۱۳، ج ۶
- ۳۷۷- فروع کافی - روضه: ج ۸- ص ۷۶، ج ۳۰
- ۳۷۸- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۸۴، ج ۱۹۴
- ۳۷۹- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۱، ج ۳۷ قسمت هیجدهم - از کشف الغمّه
- ۳۸۰- بحار الانوار: ج ۲۵- ص ۲۱۶، ج ۱۳- از معانی الاخبار
- ۳۸۱- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۲۹۲
- ۳۸۲- بحار الانوار: ج ۹۴- ص ۶۹، ج ۵۹- از ارشاد القلوب: ۲۱۹
- ۳۸۳- اصول کافی: ج ۴- ص ۲۴۹، ج ۷
- ۳۸۴- اصول کافی: ج ۴- ص ۲۵۱، ج ۱۴
- ۳۸۵- فروع کافی - روضه: ج ۸- ص ۲۸۷، ج ۴۳۲
- ۳۸۶- بحار الانوار: ج ۲۶- ص ۱۴۸، ج ۳۳- از بصائر الدرجات: ۱۰۷
- ۳۸۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۲۲۷، از الزام الناصب: ص ۲۲۹ چاپ جدید، ج ۲- ص ۳۰۳
- ۳۸۸- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۶۳، ج ۶۵
- ۳۸۹- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۳۵۴، از بشارة المصطفی: ۶
- ۳۹۰- اصول کافی: ج ۲- ص ۴۸۸، ج ۲
- ۳۹۱- من لا یحضره الفقیه: ج ۲- ص ۲۲۵، ج ۲۲۴۸- و مکیال المکارم: ج ۲- ص ۳۵۷

- ۳۹۲- بحارالانوار: ج ۹۶- ص ۲۱۶، ح ۵- تفسیر عیاشی: ج ۲- ص ۲۰۹، ح ۳۴
- ۳۹۳- اصول کافی: ج ۲- ص ۴۸۷، ح ۱
- ۳۹۴- تفسیر برهان: ج ۱- ص ۲۹۷، ح ۴- ذیل آیه: ۹۲ آل عمران
- ۳۹۵- فروع کافی: ج ۳- ص ۱۳۱، ح ۴
- ۳۹۶- کمال الدین مترجم: ج ۲- ص ۳۰، باب ۳۴، ح ۵
- ۳۹۷- بحارالانوار: ج ۲۶- ص ۲۲۷، ح ۱- از امالی صدوق رحمه الله: ۲۲۸
- ۳۹۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۶۴، از روضه کافی: ص ۳۵
- ۳۹۹- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۶۴، از کافی
- ۴۰۰- بحارالانوار: ج ۱- ص ۲۰۰، ح ۸- از امالی طوسی
- ۴۰۱- کمال الدین مترجم: ج ۲- ص ۱۶۲، باب ۴۹- ح ۴ قسمت ۱۵
- ۴۰۲- بحارالانوار: ج ۳۶- ص ۳۵۳، ح ۲۲۴- از کفایه
- ۴۰۳- کمال الدین مترجم: ج ۲- باب ۳۸، ح ۱
- ۴۰۴- بحارالانوار: ج ۵۲- ص ۱۳۲، ح ۳۴- از تفسیر عیاشی: ج ۲- ص ۱۵۴
- ۴۰۵- اصول کافی: ج ۴- ص ۲۱۴، ح ۴
- ۴۰۶- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۵۷۲، از کامل الزیارات ابن قولویه: ص ۱۱۶، باب ۴
- ۴۰۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۸۲، از بصائر الدرجات: ص ۲۵۶
- ۴۰۸- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۲۱، از بصائر: ۲۶۰
- ۴۰۹- بحارالانوار: ج ۴۹- ص ۹۸، ح ۱۳- از مناقب آل ائمه: ج ۴- ص ۳۴۱
- ۴۱۰- بحارالانوار: ج ۹۴- ص ۲۲، ح ۲۰- از عده الداعی
- ۴۱۱- بحارالانوار: ج ۹۴- ص ۳۵، بخشی از ح ۲۲
- ۴۱۲- اصول کافی: ج ۳- ص ۳۱، ح ۵
- ۴۱۳- بحارالانوار: ج ۲۴- ص ۱۸۲، ح ۱۷- از مناقب
- ۴۱۴- بحارالانوار: ج ۲۵- ص ۲۰۹، ح ۲۳- از کنز
- ۴۱۵- مفاتیح الجنان: زیارت جامعه کبیره = ص ۷۱۶

- ۴۱۶- غیبت نعمانی مترجم: ص ۳۳۷، ج ۳۰
- ۴۱۷- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۰۴، از کمال الدین: ج ۲- ص ۶۷
- ۴۱۸- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۹۰، ج ۲۱۲
- ۴۱۹- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۱۶، ج ۱۱- از خصال
- ۴۲۰- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۳۳، از غایة المرآة: ۶۹۸
- ۴۲۱- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۳۳۷، ج ۷۷- از ارشاد
- ۴۲۲- بحار الانوار: ج ۵۱- ص ۸۳، ج ۳۷ قسمت ۲۹- از کشف الغمّه
- ۴۲۳- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۳۴، حدیث مفضل
- ۴۲۴- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۱۲۳، از الخرائج: ۶۷
- ۴۲۵- بحار الانوار: ج ۵۳- ص ۳۴، حدیث مفضل
- ۴۲۶- اصول کافی: ج ۲- ص ۲۶۵، ج ۷
- ۴۲۷- بحار الانوار: ج ۵۲- ص ۲۲۴، ج ۸۷
- ۴۲۸- مکیال المکارم: ج ۲- ص ۲۴۲، از خصال صدوق رحمه الله: ج ۲- ص ۶۳۵
- ۴۲۹- مفاتیح الجنان: دعای غیبت امام زمان علیه السلام - ص ۷۶۷، سطر دوازدهم
- ۴۳۰- اصول کافی: ج ۲- ص ۱۹۶، ج ۵
- ۴۳۱- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۵۴۵، از غیبت نعمانی: ۱۱۱
- ۴۳۲- مکیال المکارم: ج ۱- ص ۵۴۵، از غیبت نعمانی: ۱۱۰
- ۴۳۳- بحار الانوار: ج ۸- ص ۲۲، ج ۱۷- از کامل الزیارات

فهرست فرازهای دعای ندبه

شماره احادیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۱	۲۹	۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۲-۳	۴۲	۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
۴-۱۱	۴۳	۳ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
۱۲-۱۵	۴۵	۴ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا جَرٰى بِهِ قَضَاؤُكَ ...
۱۶-۱۸	۴۶	۵ اِذَا حَتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ التَّعِيمِ ...
۱۹-۲۰	۴۸	۶ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتٍ ...
۲۱-۲۳	۴۹	۷ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالنَّسَاءَ الْجَلِيَّ
۲۴-۲۹	۵۰	۸ وَاهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ
۳۰-۳۱	۵۳	۹ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ
۳۲-۴۱	۵۴	۱۰ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيْعَةَ اِلَيْكَ وَالْوَسِيْلَةَ اِلَى
۴۲-۴۳	۵۹	۱۱ فَبَعْضُ اَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ اِلَى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْهَا
۴۴-۴۶	۶۰	۱۲ وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ ...
۴۷-۵۰	۶۱	۱۳ وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيْلًا وَسَلَّكَ ...
۵۱-۵۴	۶۴	۱۴ وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيْمًا وَجَعَلْتَ ...
۵۵-۵۶	۶۵	۱۵ وَبَعْضُ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَاُمِّيْتَهُ ...
۵۷-۶۰	۶۸	۱۶ وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ ...
۶۱-۶۴	۷۳	۱۷ اِلَى اَنْ التَّهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلَى حَبِيْبِكَ وَ ...
۶۵-۶۹	۷۴	۱۸ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَ ...
۷۰	۷۸	۱۹ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَّجْتَ بِهِ اِلَى ...
۷۱-۷۲	۷۸	۲۰ وَ اَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُوْنُ اِلَى ...

شماره احادیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۷۳	۸۰	۲۱ ثُمَّ نَصْرَتُهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَقَتُهُ بِجَبْرِئِيلَ وَ...
۷۴	۸۲	۲۲ وَ وَعَدْتُهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَيَّ الدِّينِ ...
۷۵	۸۳	۲۳ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ ...
۷۶-۷۹	۸۳	۲۴ وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ ...
۸۰-۸۱	۸۵	۲۵ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ ...
۸۲-۸۳	۸۷	۲۶ وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ ...
۸۴-۸۷	۹۰	۲۷ ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيْكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ...
۸۸-۹۰	۹۱	۲۸ وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ
۹۱	۹۲	۲۹ وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ ...
۹۲-۹۳	۹۳	۳۰ فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسَلَكَ إِلَى ...
۹۴-۹۵	۹۳	۳۱ فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيٌّ ...
۹۶-۹۷	۹۵	۳۲ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ ...
۹۸	۹۶	۳۳ وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ ...
۹۹-۱۰۰	۹۶	۳۴ وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ ...
۱۰۱-۱۰۵	۹۸	۳۵ وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
۱۰۶	۱۰۰	۳۶ وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ ...
۱۰۷-۱۱۱	۱۰۰	۳۷ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا ...
۱۱۲-۱۱۷	۱۰۳	۳۸ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَارِثِي ...
۱۱۸-۱۱۹	۱۰۵	۳۹ وَالْإِيمَانَ مُخَالِطُ لِحْمِكَ وَ دَمِكَ كَمَا ...
۱۲۰	۱۰۶	۴۰ وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي

شماره احادیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۱۲۱-۱۲۴	۱۰۷	و شِعْتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورِ مُبَيَّضَةٍ ... ۴۱
۱۲۵-۱۲۷	۱۰۹	و لَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ ... ۴۲
۱۲۸-۱۲۹	۱۱۰	وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنْ ... ۴۳
۱۳۰-۱۳۱	۱۱۱	وَ حَبِلَ اللَّهُ الْمَتِينَ ۴۴
۱۳۲-۱۳۳	۱۱۲	وَ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ ۴۵
۱۳۴-۱۳۵	۱۱۳	لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحِمٍ وَلَا يَسَاقِبُهُ فِي دِينٍ ۴۶
۱۳۶-۱۳۹	۱۱۴	وَلَا يُلْحَقُ فِي مَتَقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَخْذُونَ ... ۴۷
۱۴۲-۱۴۰	۱۱۸	وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ ۴۸
۱۴۳	۱۱۹	وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ۴۹
۱۴۴-۱۵۰	۱۲۰	قَدْ وَكَّرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتْلٌ ... ۵۰
۱۵۱	۱۲۶	فَأَضَيْتَ عَلَى عِدَاوَتِهِ وَ أَكَبْتَ عَلَى ... ۵۱
۱۵۲-۱۵۳	۱۲۸	حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ ۵۲
۱۵۴-۱۵۸	۱۲۹	وَ لَمَّا قَضَى نَجْبَهُ وَقَتْلَهُ اشْتَقَى الْآخِرِينَ ... ۵۳
۱۵۹-۱۶۱	۱۳۴	فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصَى ... ۵۴
۱۶۲-۱۶۸	۱۳۶	فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ ... ۵۵
۱۶۹	۱۳۹	أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ آبَاءِ ... ۵۶
۱۷۰-۱۷۲	۱۴۳	أَيْنَ الشَّمُوسُ الطَّالِعَةُ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ ... ۵۷
۱۷۳-۱۷۶	۱۴۳	أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ ۵۸
۱۷۷-۱۷۹	۱۴۶	أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ ۵۹
۱۸۱-۱۸۲	۱۴۹	أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ ... ۶۰

شماره حدیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۱۸۳-۱۸۵	۱۵۰	أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايضِ وَالسَّنَنِ ... ۶۱
۱۸۶-۱۸۹	۱۵۱	أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ۶۲
۱۹۰-۱۹۶	۱۵۲	أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ ۶۳
۱۹۷	۱۵۴	أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ۶۴
۱۹۸-۲۰۰	۱۵۵	أَيْنَ هَادِمُ أُنْبِيَةِ الشَّرْكِ وَالتَّفَاق ۶۵
۲۰۱-۲۰۴	۱۵۶	أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالعِصْيَانِ وَالتَّغْيَانِ ۶۶
۲۰۵	۱۵۸	أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ العُغْيِ وَ الشَّقَاقِ ۶۷
۲۰۶-۲۰۷	۱۶۰	أَيْنَ طَامِسُ أَثَارِ الزَّيغِ وَ الأَهْوَاءِ ۶۸
۲۰۸-۲۱۰	۱۶۱	أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الكِذْبِ وَ الإِفْتِرَاءِ ۶۹
۲۱۱-۲۱۳	۱۶۳	أَيْنَ مُبِيدُ العُتَاةِ وَ المَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ ... ۷۰
۲۱۴-۲۱۸	۱۶۷	أَيْنَ مُعِزُّ الأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الأَعْدَاءِ ۷۱
۲۲۱-۲۲۹	۱۶۹	أَيْنَ جَامِعُ الكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى ۷۲
۲۲۲-۲۲۵	۱۷۰	أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى ۷۳
۲۲۶-۲۲۷	۱۷۲	أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الأَوْلِيَاءُ ۷۴
۲۲۸-۲۲۹	۱۷۳	أَيْنَ السَّبَبُ المُتَّصِلُ بَيْنَ الأَرْضِ وَ السَّمَاءِ ۷۵
۲۳۰-۲۳۳	۱۷۴	أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الهُدَى ۷۶
۲۳۴-۲۳۶	۱۷۷	أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا ۷۷
۲۳۷-۲۴۴	۱۷۸	أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الأَنْبِيَاءِ وَ أبنَاءِ ... ۷۸
۲۴۵-۲۴۶	۱۸۰	أَيْنَ المَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى ۷۹
۲۴۷	۱۸۲	أَيْنَ المُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى ۸۰

شماره حدیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۲۴۸	۱۸۲	۸۱ اَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى
۲۴۹-۲۵۴	۱۸۳	۸۲ اَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنِ عَلِيٍّ ...
۲۵۵-۲۵۶	۱۸۶	۸۳ يَا بِي اَنْتَ وَاُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى
۲۵۷	۱۸۸	۸۴ يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ ...
۲۵۸-۲۶۰	۱۸۹	۸۵ يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا بَنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ ...
۲۶۱-۲۶۳	۱۹۱	۸۶ يَا بَنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ
۲۶۴	۱۹۲	۸۷ يَا بَنَ الْاَعْلَامِ الْاَلْيَحَةِ
۲۶۵-۲۶۷	۱۹۳	۸۸ يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ
۲۶۸-۲۶۹	۱۹۶	۸۹ يَا بَنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ
۲۷۰-۲۷۲	۱۹۷	۹۰ يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ ...
۲۷۳-۲۷۶	۱۹۹	۹۱ يَا بَنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
۲۷۷-۲۷۹	۲۰۰	۹۲ يَا بَنَ النَّبَا الْعَظِيمِ
۲۸۰-۲۸۱	۲۰۱	۹۳ يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ ...
۲۸۲-۲۸۳	۲۰۲	۹۴ يَا بَنَ الْاَيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ ...
۲۸۴-۲۸۵	۲۰۳	۹۵ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ
۲۸۶	۲۰۴	۹۶ يَا بَنَ التَّعَمِّ السَّابِغَاتِ
۲۸۷-۲۸۸	۲۰۴	۹۷ يَا بَنَ طَهٍ وَ الْمُحْكَمَاتِ
۲۸۹-۲۹۲	۲۰۵	۹۸ يَا بَنَ يَسِّ وَ الذَّارِيَاتِ
۲۹۳-۲۹۵	۲۰۶	۹۹ يَا بَنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ
۲۹۶-۲۹۷	۲۰۷	۱۰۰ يَا بَنَ مَنْ دَنَى فَنَدَلَى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ

شماره حدیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۲۹۸-۳۰۰	۲۱۰	لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ ... ۱۰۱
۳۰۱-۳۰۲	۲۱۲	عَزِيزُ عَلِيٍّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى ... ۱۰۲
۳۰۳-۳۰۷	۲۱۳	عَزِيزُ عَلِيٍّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى ... ۱۰۳
۳۰۸-۳۰۹	۲۱۴	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا ۱۰۴
۳۱۰-۳۱۱	۲۱۵	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا تَزَحَّ عَنَّا ۱۰۵
۳۱۲-۳۱۳	۲۱۷	بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَتَّى مِنْ ... ۱۰۶
۳۱۴-۳۱۵	۲۱۷	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزْلاً لَا يُسَامِي ۱۰۷
۳۱۶-۳۱۸	۲۱۹	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي ۱۰۸
۳۱۹-۳۲۰	۲۲۰	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٌ لَا تُضَاهِي ۱۰۹
۳۲۱-۳۲۲	۲۲۱	بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نُصَيْفٍ شَرَفٌ لَا يُسَاوِي ۱۱۰
۳۲۳-۳۲۸	۲۲۲	إِلَى مَتَى أَحَارُفِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى ... ۱۱۱
۳۲۹-۳۳۱	۲۲۵	عَزِيزُ عَلِيٍّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي ... ۱۱۲
۳۳۲-۳۳۴	۲۲۸	هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى هَلْ ... ۱۱۳
۳۳۵-۳۴۰	۲۲۹	مَتَى تَرُدُّ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي مَتَى ... ۱۱۴
۳۴۱-۳۴۸	۲۳۲	مَتَى تُغَادِيكَ وَتُرَاوِحُكَ فَتَقْرُ عَيْنَا مَتَى ... ۱۱۵
۳۴۹-۳۵۰	۲۳۶	وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَأَبْرَتَ ... ۱۱۶
۳۵۱-۳۵۳	۲۳۷	وَأَجْتَنَّبْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ۱۱۷
۳۵۴-۳۵۵	۲۴۰	وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۱۸
۳۵۶-۳۵۹	۲۴۱	اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى ... ۱۱۹
۳۶۰	۲۴۲	وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى يَا ... ۱۲۰

شماره حدیث	شماره صفحه	فرازهای دعای ندبه
۳۶۱-۳۶۲	۲۴۳	عَبِيدُكَ الْمُبْتَلَىٰ وَ أَرِهَ سَيِّدَهُ يَاشَدِيدَ الْقُوَىٰ ۱۲۱
۳۶۳-۳۶۹	۲۴۴	وَ أَزِلْ عَنْهُ بِهَ الْأَسَىٰ وَالْجَوَىٰ وَ بَرِّدْ ... ۱۲۲
۳۷۰-۳۷۲	۲۴۷	اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَىٰ وَ لَيْكَ ... ۱۲۳
۳۷۳-۳۷۴	۲۴۹	خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا ۱۲۴
۳۷۵	۲۵۰	وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَ مَعَاذًا ۱۲۵
۳۷۶	۲۵۰	وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا ۱۲۶
۳۷۷	۲۵۱	فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْنَا بِذَلِكَ ... ۱۲۷
۳۷۸-۳۷۹	۲۵۲	وَ أَثِمِ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا ... ۱۲۸
۳۸۰-۳۸۴	۲۵۴	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ... ۱۲۹
۳۸۵-۳۸۸	۲۵۷	اللَّهُمَّ وَ أَقِمِ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ ... ۱۳۰
۳۸۹-۳۹۵	۲۵۸	وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي ... ۱۳۱
۳۹۶-۳۹۷	۲۶۳	وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِخُجْرَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ ... ۱۳۲
۳۹۸-۴۰۵	۲۶۴	وَ أَعِنَا عَلَىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ ... ۱۳۳
۴۰۶	۲۶۷	وَ آمِنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ۱۳۴
۴۰۷-۴۱۱	۲۶۸	وَ هَبْ لَنَا رَافِقَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَائَهُ ... ۱۳۵
۴۱۲-۴۱۵	۲۷۱	وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ دُئُونَنَا ... ۱۳۶
۴۱۶-۴۲۳	۲۷۳	وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ۱۳۷
۴۲۴-۴۲۷	۲۷۵	وَ هَمُّوْنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً ۱۳۸
۴۲۸-۴۳۲	۲۷۶	وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَقْبِلْ ... ۱۳۹
۴۳۳	۲۷۸	وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ ... ۱۴۰